
تنها راه
مؤلف/ عاطفه احمدی و سمیه فرزادفرد
(چهارده گفتار پیرامون شناخت
امام عصر علیه السلام)

بسم الله الرحمن الرحیم

تنها راه

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تنه_ا راه

مشخصات کتاب

تنه_ا راه (چهارده گفتار پیرامون شناخت امام عصر علیه السلام)

مؤلف/ عاطفه احمدی و سمیه فرزادفرد

صفحه آرا/ رضا فریدی

حروف نگار/ آمنه شناوری- فاطمه کرباسی

لیتوگرافی/ ترام اسکنر ۰۹۱۲۲۵۳۰۴۴۸

نوبت چاپ/ ششم

شمارگان/ پنج هزار

قیمت/ ۲۸۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

قم: مرکز تخصصی مهدویّت/خیابان شهداء (صفائیه)/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.پ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰ / فاکس: ۷۷۳۷۸۰۱

شیراز: نمایشگاه و فروشگاه تخصصی مهدویّت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)- فارس

تلفن: ۰۷۱۱۲۳۴۹۳۰۰

۲. تهران: بنیـاد فرهنگی حضـرت مهـدی موعـود(عـج) /ص.پ: ۱۵۶۵۵-۳۵۵ / تلفـن: ۸۸۹۸۰۹۹۹-۸۸۹۸۱۳۸۹ / فـاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

INFO@IMAMMAHDI-S.COM

شابک: ۹۶۴-۰۶-۸۵۷۶-۳

اشاره

تنه_ا راه

چهارده گفتار پیرامون شناخت امام عصر علیه السلام

عاطفه احمدی و سمیه فرزادفرد

بسم الله الرحمن الرحيم

ص:٣

«إِنّا غَيْرُ مُهْمَلينَ لِمُراعاتِكَمْ وَ لا ناسينَ لِذِكْرِكُمْ»

این تلاش ناچیز را به پیشگاه مقدس امام حسن عسکری علیه السلام ولی و پرورنده ی نور پروردگار و امانت دار امان زمین تقدیم می کنیم.

تاریخ پایان نوشتار

میلاد با برکت پدر بزرگوار ناموس دهر

امام حسن عسکری علیه السلام

هشتم ربیع الثانی ۱۴۲۷ ه ق

ص:۴

فهرست

ص:۵

معرفی منابع۷۶

درس پنجم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات

الف) کتاب های ویژه ی امام عصر علیه السلام ۷۸

ص:۶

ص:۷

۱- دلیل عقلی۱۵۴

ص:۸

درس یازدهم: مهدی یاوران

اهمیّت موضوع۱۸۶

ص:۱۰

درس چهاردهم: رجعـــت

معنای رجعت ۲۴۰

ویژگی های رجعت ۲۴۱

تاریخچه ی رجعت ۲۴۲

ص:۱۱

ص:۱۲

مقدمه

دیرگاهی است که بشریّت از ظهور امام معصوم، بی بهره است. مردمی که نه پیامبر خود را دیده و نه حجّت را درک کرده اند، دل در گرو ظهور اَبَر مردی سپرده اند که می آید و رحمت محمّدی اش با صولت حیدری و نهضت حسینی، اسلام ناب را به ارمغان می آورد. امام محور هستی و ید طولای الهی در چهره ی بشر است؛ «بِیمنِه ی رزق الوری و بوجودهِ ثبتَتِ الأرضُ و السّماء».(۱)

شیعه ی مهجور مانده از امام، در صدد جویای نام و نشانی از مقصود خویش است تا شناختش، او را از مرگ کفر و جاهلی برهاند و عبادتش، در سایه ی آن مثال بی همتا مورد قبول حضرت حق قرار گیرد چرا که فرموده اند: «لو لا نا ما عُبِدَ الله»؛(۲) «اگر ما نبودیم، خداوند عبادت نمی شد».

و اکنون که ...

یازده ستاره ی عصمت، در طی ۱۴۰۰ سال، رسالت خویش را در قبال انسان انجام داده اند و سنت خداست که زمین از حجّتی که راهنمای بندگان است، خالی نباشد، ما در انتظار رؤیت خورشیدیم.(۳) همان خورشید عدالتی که بشرِ تشنه ی عدالت و محروم از امام و حجّت را نور حیات ببخشد و دل های سرد و خزان زده ی انسان معاصر را با تبلور محمّدی اش جلایی دوباره بخشد و بهار و شادابی ایّام را پیشکش دل های خسته از نامردمی ها و ناجوانمردی ها سازد.

ص:۱۴

۱- مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

۲- کلینی، اصول کافی، کتاب الحجّه، ج ۲.

۳- امام خمینی (ره).

بشارت باد بر شیعیان مهدی ارواحنافداه، چرا که اسوه ی حلم و عبادت، امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرمایند: «خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت ما به رشته ی ولایت ما چنگ زده و در راه دوستی ما استوار مانده و از دشمنان ما بیزارند. آن ها از ما هستند و ما از آن هاییم. آن ها، ما را به امامت پسندیدند و ما هم آن ها را به شیعه بودن پسندیده ایم. خوشا به حال شیعیان و باز هم خوشا به حالشان، به خدا قسم که ایشان در روز قیامت در درجات ما خواهند بود.»(1)

مجموعه ای که در پیش رو دارید، گفتارهایی است در شناخت آخرین ذخیره ی هستی، ارواحنافداه که با راهنمایی اساتید بزرگوارمان تدوین گردیده است. با امید به این که این بضاعت مُزجاه مورد قبول حضرتش قرار گیرد.

اللّهم عجّل لِوَلِیِّکَ الفَرَج

و من الله التَّوفیق

بنیاد فرهنگی حضرت

مهدی موعود عجّل الله تعالی فرجه الشریف فارس

بهار ۱۳۸۵

ص:۱۵

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ح ۵.

درس اول: ضرورت طرح مباحث مهدویّت

اشاره

ü لزوم معرفت امام

ü به روز بودن موضوع مهدویّت

ü توجه ادیان و مکاتب گوناگون به موضوع مهدویّت

ص:۱۷

أَینَ مُضطَرُّ أَلَّذِی یُجابُ إذا دَعی؟

پیش از پرداختن به هر کاری, اگر ضرورت و بایستگی آن معلوم باشد، انسان برای انجام آن، انگیزه و نشاط لازم را پیدا می کند. وقتی سخن از مباحث «مهدویّت» به میان می آید، ممکن است سؤال شود: با وجود موضوعات بسیار گوناگونی که در جهان علم و دانش وجود دارد، چرا باید به مباحث مهدویّت پرداخت؟

در پاسخ باید گفت که، «اندیشه ی مهدویّت» پاسخ گویی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسان ها در اصلاح وضعیت نابسامان بشری است و «دولت مهدوی» پاسخ گوی تمام کاستی ها و ناراستی ها - براساس محوریت دین، اخلاق و معنویّت - است.

بنابراین اثبات لزوم طرح این معارف و ارائه ی تصویری روشن از آینده ی موعود، نیاز به پژوهش و تحقیقات گسترده ای دارد که در این بحث به چند مورد از ابعاد گوناگون آن اشاره می شود:

۱- لزوم معرفت امام

اشاره

در فرهنگ دینی - قرآن و روایات - بحث معرفت و شناخت امام و اعتقاد به او، از اهمیّتی ویژه برخوردار است؛ به گونه ای که در ردیف اصول اعتقادی یعنی؟ توحید، نبوّت و معاد قرار گرفته است. در واقع اعتقاد به وجود امام، در هر عصر و زمانی واجب است و به موجب دلایل عقلی و نقلی، ایمان بدون شناخت امام هر زمان تحقّق نمی پذیرد، زیرا که پیروی کردن بدون معرفت و شناخت امکان ندارد.

در منابع روایی موجود، احادیث بسیاری وجود دارد که بیانگر اهمیّت شناخت امام است. در این جا به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم:

ص:۱۸

الف) شناخت امام، شرط اسلام واقعی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

«مَن ماتَ و لَم یَعرِف اِمامَ زَمانِه مَاتَ مَیتَهً جاهلِیَّه»؛(۱) «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.»

بر اساس این حدیث شریف که متواتر بین شیعه و سنی است،(۲) شناخت امام شرط اسلام است و اگر کسی بی شناخت امام بمیرد، گویا از اسلام بی بهره بوده است، هر چند مناسک و اعمال اسلامی را انجام داده باشد.

معرفت امام زمان علیه السلام آن گاه می تواند ما را از مرگ جاهلی برهاند که بتوانیم با شناسایی امام عصر خود از هدایت های او بهره مند شویم و اوامر و نواهی او را پاس داریم. و گرنه صِرف این که بدانیم چه کسی در عصر حاضر امام ماست بی آن که این امام تأثیری در زندگی و فعل و ترک ما داشته باشد، نمی تواند مایه ی نجات و رستگاری ما باشد.

بیان آیت الله جوادی آملی در مورد حدیث فوق این است که: «مرگ محصول زندگی است و اگر مرگ، مرگ جاهلی است، برای این است که زندگی، زندگی جاهلی است و کسی که با امام زمان رابطه ندارد و او را نمی شناسد مرده، و کسی که او را می شناسد زنده است.

یعنی کسی که هشتاد سال زندگی کرده، مثل یک درخت هشتاد ساله است، او عصاره ی درخت زندگی را در یک کاسه و در یک لیوان می ریزد و موقع مردن سر می کشد. حال اگر مرگ، مرگ جاهلیّت است، معلوم می شود این کاسه عصاره ی جاهلیت ماست.»(۳)

ب) شناخت امام، عامل هدایت

امام صادق علیه السلام فرموده اند که بهترین دعا برای دوران غیبت حجّت الهی و همچنین برای حفظ دین در فتنه های آخر الزّمان این دعا است:

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰.

۲- علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، صص ۹۴ _ ۱۱۷.

۳- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۳، مهدویّت و عدل الهی، ص ۴۶.

«اللهُمَّ عَرِّفْنِی نَفسَـک فـاِنَّک اِنْ لَمْ تُعَرِّفنِی نَفْسَـک لَم اَعْرِفْ رَسُولَـک، اللهُمَّ عَرِّفنِی رَسُولَـک فَـاِنَّک اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسولَک لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَـک، اللهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَک فَاِنَّک اِنْ لَمْ تُعَرِّفنی حُجَّتَک ضَـلَلْتُ عَنْ دینِی»؛(۱) «بارخدایا! خود را به من بشـناسان که اگر خودت را به من نشـناسانی، پیامبرت را نخواهم شـناخت. بارخدایا! رسولت را به من بشـناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجّتت را نخواهم شـناخت. پروردگارا! حجّت خودت را به من بشـناسان که اگر حجّتت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه خواهم شد.»

معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام چراغ هدایت و رمز دین داری در دوران غیبت است و بدیهی است که این شناخت در مراحلی چنـد قابـل تصور است. البته در جامعه ی کنونی ما، همه ی افراد بشـر در ضـمیر ناخودآگاه خودشان کم و بیش با آن حضـرت آشـنا هسـتند، آن چه حـایز اهمیّت است بـاور و ایمان قلبی به آن حضـرت است که تأثیر عملی در وجود انسان دارد. یعنی اگر فردی بتوانـد در وجود خود یک باور حقیقی و ایمان واقعی نسبت به آن حضـرت داشـته باشـد، به سوی هدایت راه یافته و از پرتو نور پرفروغ آن مشعل هدایت بهره مند شده است.

ج) شناخت امام و ثواب یاری ایشان در زمان ظهور

امـام صـادق علیه السـلام در پاسـخ یکی از شـاگردان خـود به نـام فضـیل بن یسـار که در مورد آیه ی ((یومَ نَـدعُو کـلَّ اُنـاسٍ بِاِمامِهِم))؛(۲) روزی که هر مردمی را با امامشان می خوانیم سؤال کرده بود، فرمودند:

«یا فُضَـیل! إعرِف اِمامَک فَاِنَّک اِذا عَرَفتَ امامَک لَم یَضُـرُّک تَقَدَّمَ هذَا الأمرِ اَو تَاَخَّرَ. و مَن عَرَف اِمامَهُ ثُمَّ ماتَ قبلَ اَن یَقومَ صـاحبُ هـذَا الامرِ، کـانَ بِمَنزلَهِ مَن کانَ قاعِـداً فِی عَسـکرِه، لا بَل بِمَنـزِلَهِ مَن قَعَـد تَحتَ لِوائِهِ»؛(۳) «ای فضـیل امـام خود را بشـناس، زیرا اگر معرفت امام خود را داشته باشی، جلو افتادن یا به تأخیر افتادن این امر زیانی به تو نمی رساند و کسی که امام خود را بشناسد، سپس (با معرفت) قبل از آن که صاحب این امر قیام کند از دنیا

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۴۳.

۲- اسراء (۱۷)، ۷۱.

۳- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

برود، همچون کسی است که در لشکر آن حضرت بوده باشد. نه، بلکه (بالاتر) مانند کسی است که زیر پرچم ایشان (در میدان جنگ) نشسته باشد.»

آن چه در این روایت مورد تأکید واقع شده، این است که انسان باید بیش از پیش و در همه حال به معرفت امام عصر علیه السلام اهمیّت دهد.

د) شناخت امام، راه معرفت خدا

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«خَرَجَ الحسین بن علی علیهما السلام ذاتَ یوم علی اصحابه فَقَالَ بَعدَ الحمدُ لله جَلَّ وَ عَزَّ وَ الصَّلاه عَلَی محمّد صلی الله علیه و آله و سلم : یا أَیّها النّاس إنَّ الله – و اللهِ – مَا خَلَقَ العِبادَ إلّا لِیَعرِفُوهُ، فَإذا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإذا عَبَدُوهُ استغنُوا بِعِبَادَتهِ عَن عِبادَهِ مَن سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: بِأَبِی أَنتَ و أُمّی یا بنَ رَسُولِ الله، مَا مَعرِفَهُ الله؟ قالَ علیه السلام : مَعرفه أَهلِ کلّ زمانٍ إمَامَهُم الّذی یجب عَلَیهِم طَاعَتُهُ.»؛(۱) «روزی امام حسین علیه السلام نزد اصحاب خود آمدند و بعد از حمد خدای عزّوجل و صلوات بر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای مردم، قسم به خدا، پروردگار بندگان را نیافرید مگر برای این که به او معرفت پیدا کنند، پس وقتی معرفت او را یافتند، به عبادت او بپردازند، پس با بندگی او، از بندگی غیر او بی نیاز شوند. آن گاه مردی از ایشان پرسید: پدر و مادرم فدای شما، ای پسر رسول خدا، معرفت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: یعنی مردم هر زمان، امام خودشان را که اطاعت او برایشان واجب است، بشناسند.»

از این روایت فهمیده می شود که کمال انسان و هدف خلقت او، رسیدن به مقام عبودیّت و بندگی خداست. ((و ماَ خَلَقتُ الجِنَّ و الإِنسَ إلَّا لِیَعبُدُونِ))؛(۲) «و خلق نکردیم جن و انس را مگر این که مرا عبادت کنند.»

مقدّمه ی عبودیّت و بندگی، شناخت و معرفت خداوند است، که اگر انسان عظمت حق تعالی را دریابد، در مقابل او بندگی خواهد نمود و راه شناخت خداوند متعال، شناخت و معرفت امام زمان علیه السلام است.

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۳.

۲- ذاریات (۵۱)، ۵۶.

شیخ صدوق (ره) در تبیین حدیث یاد شده می گوید: «مراد این است که مردم هر زمان بدانند خداوند کسی است که آن ها را در هر زمان از امام معصوم خالی نگذاشته است، پس کسی که عبادت کند خدایی را که برای آنان حجّت قرار نداده، پس غیر خدا را عبادت کرده است.»(۱)

آری، فلسفه ی آفرینش انسان، رسیدن به مقام معرفت خداست. و این معرفت حاصل نمی شود مگر با معرفت امام و حجّت عصر علیه السلام ؛ چرا که امام آینه ی تمام نمای حق و واسطه ی شناخت خداست. چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«... نحنُ العَالِمُون (القَائِمُون) بِأمرِهِ وَ الدّاعُونَ إلی سَبِیلِه، بنا عُرِفَ الله وَ بِنَا عُبِدَ الله، نحنُ الأدلّاءُ عَلَی الله و لَو لا نا ما عُبِدَ الله.»؛(۲) «ما دانایان (برپادارندگان) به امر خدا و دعوت کنندگان به راه او هستیم. به واسطه ی ما خدا شناخته و پرستیده می شود. ما راهنمایان به سوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم خدا پرستیده نمی شد.»

۲- توجه ادیان و مکاتب گوناگون به موضوع مهدویّت

عقیده به ظهور یک نجات دهنده ی بزرگ آسمانی و امید به یک آینده ی روشن که در آن، نگرانی ها و هراس ها مرتفع گردد و با ظهور یک شخصیّت ممتاز الهی همه ی تاریکی ها از پهنه ی گیتی برچیده شود و ریشه ی ظلم و جهل و تباهی از روی کره ی زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره در همه وقت، همه جا، و در همه ی زمان ها بین تمام ملّت ها شایع و رایج بوده است، و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه، نویدهایی داده اند.

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسایل اسلامی، این عقیده در طول دوران زندگی انسان ها پیوسته در میان همه ی ملّت ها و پیروان ادیان بزرگ همانند زرتشت، یهود و مسیحیّت موجود بوده، و حتی اقوام مختلف جهان چون: اسلاوها، ژرمن ها، اسن ها و سِلت ها نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخر الزّمان ظهور کند و بی عدالتی ها را از بین ببرد و حکومت واحد جهانی تشکیل داده و در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند.

۱- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۹.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۰.

آن چه از تاریخ امّت ها استفاده می شود این است که، مسأله ی عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخر الزّمان به نام منجی موعود جهانی به قدری اصیل و ریشه دار است که در اعماق دل همه ی ملّت ها و پیروان همه ی ادیان الهی، و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریّت، انسان ها در فراز و نشیب های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات داده، و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می کنند.

بنابراین می توان به ضرورت طرح مبحث منجی موعود به طور کلی و امام مهدی علیه السلام به طور خاص در این زمان پی برد، چرا که هر دین و آیین فرقه ای، تنها منجی خود را بر حق دانسته و برای اثبات آن به جهانیان تلاش می کند.

با این همه، تذکر این نکته لازم است که گرچه همه ی مذاهب و ملل خبر از مصلح کل در آخر الزّمان داده اند، ولی در هیچ یک از آن ها به اندازه ی دین اسلام درباره ی آن مصلح موعود سخن گفته نشده است. وجود بیش از ۲۰۰ آیه از آیات قرآن که به وجود، ظهور و دوران حکومت آن حضرت تفسیر و تأویل شده اند، و همچنین حدود ۶۰۰۰ روایات گوناگون از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام درباره ی امام زمان علیه السلام مؤید اهمیّت این مطلب است.

چرا که آن مهدی موعود علیه السلام از مسلمان ها و از نسل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که برای گسترش و تجدید حیات اسلام قدم بر می دارد و در دوران او حکومت و حاکمیت اسلام تحقق پیدا می کند.

۳- به روز بودن موضوع مهدویّت

اشاره

یکی دیگر از موارد ضرورت طرح مباحث مهدوی، به روز بودن موضوع آن است، چرا که اعتقاد به مهدویّت و انتظار منجی مصلح، پیامدهای مثبتی برای بشر دارد. ایمان به امام زمان علیه السلام مانع از تسلیم شدن است، بنابراین ملت های با ایمان که حضور آن حضرت را در میان خود احساس می کنند، از حضورش امید و نشاط می گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می کنند. حال کسانی که منافعشان به خطر می افتد، چه می کنند؟ آیا ساکت می نشینند تا همه ی بافته های آنان به راحتی رشته شود؟ قطعاً چنین نخواهند کرد؛ بلکه با

روش های مختلف، به مبارزه با افکار و انـدیشه های موعودگرایی و مهدویّت می پردازند.(۱) بنابراین مهدویّت مسأله ای مهم برای جـامعه ی امروز بوده و ستیز بـا این تفکر برای دشـمن امری حیاتی محسوب می گردد که دو عنوان زیر اهمیّت این امر را محسوس تر بیان می کند:

اول – روش های مبارزه ی مهدی ستیزان

اشاره

رسالت امروز اندیشـمندان در مباحث مهـدویّت، تعمیق ایمان مردم به امام زمان علیه السـلام است. چرا که اگر مهدویّت خوب تبیین شود، حرکت های اصلاحی در سراسر جهان به بهترین وجه می تواند از آن روح حیات بگیرد.

تبیین آثار و پیامـدهای مهـدی باوری و انتظار، انسان را متقاعد می کند که مبارزه و ستیز با این تفکر برای دشـمن، راهبردی و ضروری است و ذکر نمونه هـای عینی، به وضوح می رسانـد که دشـمن به ضـرورت مطلب پی برده و از این رو از هیـچ کاری دریغ نمی ورزد.

مقام معظّم رهبری در این باره می فرماینـد: «دشـمن، هر امر صـحیح و مفیدی را تا آن جا که مقدور باشد انکار می کند و اگر نتوانست، به تحریف و تخریب آن می پردازد یا در مقابل آن اقدام به جایگزینی می کند.»

در موضوع مهـدویّت به عنوان یکی از مسایـل به روز جهان، نیز دشـمن چنین می کنـد، نمونه های بسـیاری از انکار، تحریف، تخریب و جـایگزینی در این زمینه وجود دارد که هـدف مـا از بیـان آن هـا، اعلاـم جـدی بودن مبـارزه ی دشـمنان با مسأله ی مهـدویّت است تـا در پرتو آن، به شـیوه هـا و روش ها دقیق تر بیندیشـیم و «در مقابل تلاش دشـمن، در جهت اعتماد و عمل و تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویّت، حرکت کنیم».(۲)

الف) انکار مهدویّت

منظور از انکـار مقوله ی مهـدویّت و انتظـار، این است که آن را مبحثی وارداتی و برگرفته از دیگران و پیامـد نـا بسامـانی ها و مشکلات معرفی کنند. بسیاری از دایره المعارف ها که بایستی مرجعی قابل اعتماد در موضوعات متفاوت باشد، گویی رسالت خود را فراموش کرده و اهداف

۱– فصل نامه ی انتظار، ش ۵، مهدی انکاری و انتظار ستیزی، محمد صابر جعفری، صص ۲۷۱ _ ۲۷۶.

۲– مقام معظم رهبری، فصل نامه ی انتظار، ش ۲، ص ۳۷.

دیگری دنبال می کنند. مثلاً در دایره المعارف بریتانیکا، در واژه ی مهدی و اسلام و زرتشت آمده است:

«اسلام، دینی نیست که در آن ظهوری انتظار برود و جایی برای مسیح نجات بخش در آن وجود ندارد و این همه، به طور تدریجی و شاید تحت تأثیر مسیحیّت مطرح گردیده است. قرآن، اشاره ای به آن ندارد. به هیچ حدیث ــ گفته ی منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ــ قابل اعتمادی نیز درباره ی مهدی علیه السلام نمی توان استناد کرد. و به نظر می رسد که عقیده به مهدی علیه السلام در دوره های اغتشاش و عدم امنیّت مذهبی، بر تحولات سیاسیِ اوایل اسلام (قرن های هفتم و هشتم میلادی) رواج یافته باشد.»(۱)

ب) تحریف

معنای تحریف در کلام مقام معظّم رهبری به روشنی بیان شده است: «مطالبی که اگر به حقیقت آن ها توجه کنیم، تبدیل به یک موتور حرکت دهنده ی جامعه ی اسلامی می شود، وقتی دشمن روی آن کار کرد، آن را خراب و معنای آن را عوض کرده و در ذهن ما به صورت دیگری جا می اندازد، همین موتور متحرک، به یک داروی مخرب و خواب آور تبدیل می شود.»(۲)

تبدیل موضوع انتظار امام مهدی علیه السلام که آثار و پیامدهای بسیار شگرف و معجزه آسا و مثبتی دارد، به انتظار منفی و تلخ و ناگوار و این نگرش به انتظار که امر به معروف و نهی از منکر نکردن و سر در جیب خود فرو بردن و هیچ تکلیفی در مقابل دیگران و جامعه برای خود قائل نبودن و یا حتی امر به معروف و نهی از منکر را مخالف انتظار قلمداد کردن و حتی، وظیفه ی منتظر را دامن زدن به فساد و تباهی ها دانستن و هر گونه قیام و حرکتی را قبل از ظهور حضرت باطل و مخالف دوران انتظار گفتن، دستاوردهایی است که بر گرفته از غرض ورزی های سیاسی دشمنان است.

آری، به دنبال چنین تحریف هایی، افرادی چون ابن تیمّیه، در گذشته و افرادی مانند دونالدسن، شریعت سنگلجی، کسروی و بالأخره سلمان رشدی و احمد الکاتب و ... و جریانات و

۱- مجلّ ه ی موعود، ش ۱۹، صص ۲۶- ۲۸.

۲- مقام معظم رهبری، فصل نامه ی انتظار، ش ۲، ص ۳۲.

افرادی دیگر که به هر بهانه، به دین و شیعه می تازند و آن را مورد تردید قرار داده و در آن ایجاد شبهه می کنند، مورد حمایت جدی دشمن قرار گرفته و نظرشان علمی قلمداد می شود.

به عنوان مثال ابن تیمیّه گوید: «انتظار، در زمان غیبت امام عصر علیه السلام ، ضعف و سستی در امور و بی تفاوتی در برابر مفاسد اجتماعی و همه چیز را به امید آینده واگذار کردن و اصلاح امور را به عهده ی امام زمان علیه السلام گذاردن است.»(۱)

ج) تخریب

شگرد دیگر دشمن، حمله ای ناجوانمردانه با ژست های علمی و هنری در مقابل فرهنگ مهدوی است. دشمن هدف های کوتاه مدت و طولانی مدت زیادی دارد:

۱- نیرو سازی با استفاده از خطرناک جلوه دادن جریان مهدویّت؛

۲- ایجاد شک و تردید و تنفّر در افراد به ویژه معتقدان به مهدویّت؛

۳- برنامه ریزی برای نسل آینده برای ایجاد تنفر نسبت به فرهنگ مهدوی.

به عنوان مثال، فیلم «پیش گویی های نوسترا داموس» یا «مردی که آینده را دید»، نمونه ای است که هر سه هدف، و بیشتر دو هدف نخست را دنبال می کند. در این فیلم که توسط کمپانی صد در صد صهیونیستی«گلدن مایر» ساخته شده است، با تحریف و برداشت خاصی از پیش گویی های نوسترا داموس که در قالب اشعاری رمزآمیز بیان شده است، چهره ی امام زمان علیه السلام را چهره ای بسیار خشن و بسیار مخرّب و وحشتناک معرفی، و پیامد حضور ایشان را جنگ ها، جنایت ها و ناامنی ها قلمداد کرده است.(۲)

فیلم پیش گویی های نوسترا داموس، نمونه ی کوچکی است از صدها فیلم و سریال که هالیوودها عهده دار ساخت و پخش هنرمندانه ی آن هستند تا حقیقت را به گونه ای که خود می خواهند تفسیر کنند و آینده را آن چنان که با امیالشان سازگار است، تغییر دهند.

و اما نمونه ی دیگر بازی کامپیوتری «جهنم خلیج فارس» معروف به «یا مهدی» است. این بازی، عهده دار هدف سوم است، یعنی برنامه ریزی برای نسل آینده و ایجاد تنفر در میان آنان، بدین صورت که کودک، به جای قهرمان بازی که فردی است آمریکایی، قرار می گیرد و با

۱- به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۵، ص ۲۷۵.

۲- فصل نامه ی انتظار، ش ۵، صص ۲۷۶- ۲۹۴.

کشتن مسلمانان که با صدای نفرت آوری «الله اکبر» و «یا مهدی» می گویند، امتیاز به دست آورده و در نهایت، به مراحل بالاتری می رود و در غیر این صورت، با غفلت از آنان کشته شده و امتیاز را از دست داده و یا از بازی اخراج می گردد. بنابراین کودک، چنان شرطی می شود که با شنیدن «الله اکبر» و «یا مهدی» تیراندازی می کند و ... بالأخره در روح او، بذر نفرت از این دو واژه کاشته می شود تا روزی استکبار بتواند از محصول آن فایده برد.(۱)

د) جایگزین سازی

حربه ی چهارم دشمن، شخصیت پردازی و مدّعی سازی و حمایت از مدّعیان و فرقه هاست. ساختن شخصیت هایی مانند سید علی محمّد باب، حسینعلی بهاء و سید محمّد نوربخشی در ایران، میرزا غلام احمد قادیانی در پاکستان و سید محمّد جونیوری در هند و ... نمونه هایی از مقابله ی دشمن از طریق جایگزینی است.

دوم – ارائه ی راهبرد جهانی مهدوی

منظور از راهبرد یا استراتژی، علم ایجاد هماهنگی و همکاری بین طرح های اقتصادی، سیاسی و نظامی در سطح دولت یا بین چند دولت و به کار گرفتن تمامی امکانات برای دست یابی به اهدافی خاص است.(۲)

دولت های فعال همواره به دنبال نگرش و دریافت خود از هستی، جهان و حکومت، سعی در تدوین یک راهبرد کلان برای اداره ی کشور، هدایت در دراز مدت و گذر از فراز و نشیب های احتمالی دارند. و دولت های منفعل یا تابع، حکومت هایی تابع و تأثیرپذیرند که ناگزیر سر در پی فرمان ها و راهبردهای دولت های قوی و فعال دارند.

در این میان جهان جدید غرب به خاطر ناامیدی از احیای فضایل انسانی و تکیه بر سرمایه های معنوی او می گوید: اکنون که انسان، با اخلاق برخاسته از ویژگی های خویش و گسسته از دین قابل نظام یافتن نیست، پس باید با احزاب و تشکل ها، و تراکم قانون ها کنترل شود. لذا بر اساس چند نظریه، نظام های جهان خویش را سامان داده و آینده ی جهان را تحلیل

۱– فصل نامه ی انتظار، ش ۵، مهدی انکاری و انتظار ستیزی، محمد صابر جعفری، ص.

۲– اسماعیل شفیعی سروستانی، استراتژی انتظار، ص ۶۳.

می کند. نظریه هایی همچون اومانیزم یا انسان محوری، پلورالیزم، سکولاریزم و لیبرالیزم هستند که زیربنای فکری غرب را بنا نهاده اند.(۱)

در پایان توجه به این نکته ضروری است که در مقابل راهبردهای فعالی چون: جنگ تمدّن هانتینگتون، پایان تاریخ فوکویاما، دیدگاه آلوین تافلر در موج سوم و ...، که به بشر پیشنهاد می شود و پیوسته او را می فریبد، باید مهدی باوران برای زمینه سازی ظهور و آماده کردن جهانی برای پذیرش امام عصر علیه السلام راهبرد یا استراتژی محکمی ارائه دهند. باید برنامه های جهانی مهدویّت را تبیین کرد و طرح و برنامه ای ارائه داد تا جهانیان حقیقت را از افسانه سرایی ها جدا کنند و با جان و دل، منتظر واقعی آن امام همام باشند. إن شاء الله

ص:۲۸

۱- عزیز الله حیدری، مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، صص ۷۰ _ ۷۵.

پرسش

۱- چرا باید امام را شناخت؟

۲- شناخت امام چگونه عامل هدایت انسان می گردد؟

۳- ارتباط هدف آفرینش انسان و شناخت امام در چیست؟

۴- طبق فرمایشات مقام معظّم رهبری، دشمن از چه شیوه هایی با فرهنگ مهدویّت مقابله می کند؟

۵- منظور از «راهبرد جهانی مهدوی» چیست؟

عرصه های پژوهش

۱- معرفت و انکار امام، معیار ایمان و کفر.

۲- امام مهدی علیه السلام و تمدن جدید.

۳- غرب و آمادگی های پیش از ظهور.

۴- دهکده ی جهانی در تفکر غربی.

۵- تصریح قرآن کریم بر شناخت حجّت خداوند.

۶- روش های مقابله با مهدی علیه السلام ستیزان.

۷- راه های تخریب فرهنگ مهدویّت از طریق منکران و مقابله با آن.

۸- مصادیق جایگزین سازی به عنوان یکی از شیوه های مهدی علیه السلام ستیزان.

ص:۲۹

منابع پژوهش

۱- فصل نامه ی انتظار، ش ۳ (نگاهی دوباره به انتظار)، مجید حیدری نیک، ص ۹۳.

۲- فصل نامه ی انتظار، شماره های ۸ و ۹ (متمهدیان و مدعیان دروغین مهدویّت، محمّد رضا نصوری، ص ۷.

۳- نینوا و انتظار تأملی نو، (ضرورت طرح مباحث مهدویّت)، محمّد صابر جعفری، صص ۲۵ _ ۳۰.

۴- فصل نامه ی انتظار، ش ۷ (انتظار پویا)، آصفی.

۵- استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروستانی، ج ۱ و ۲.

۶- مهدی تجسم امید و نجات، عزیز الله حیدری.

۷- مجله ی موعود، ش ۱۹.

۸- او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور.

۹- پیش گویی ها و آخرالزّمان، اسماعیل شفیعی سروستانی، مجید شاه حسینی، حسن بلخاری و ... .

ص:۳۰

درس دوم: آسیب های معارف مهدویّت

اشاره

ü اهمیت موضوع آسیب شناسی مهدویّت

ü مهمترین آسیب های مهدویّت

ü راه های مبارزه با آسیب های فرهنگ مهدویّت

ص:۳۱

أینَ المُنتَظَرُ لِإقامَهِ الأمّتِ وَ العِوَج؟

هر امر مهمی به نسبت اهمیّتش، در معرض خطرها و آسیب هایی است، معارف مهم مهدویّت نیز از این قاعده مستثنی نیست، و اندیشه ی مهدوی نیز چون هر اندیشه و فرهنگی، آفت ها و آسیب هایی دارد که اگر به آن ها توجه نشود و به موقع برای برطرف ساختن آن ها اقدام نگردد، آثار منفی و مخربی به دنبال خواهد داشت.

مفهوم آسیب شناسی

آسیب، عاملی است که سبب اختلال، ناهنجاری و آفت در پدیده ها می شود و آسیب شناسی به معنای بازشناسی اختلال های مفهومی و مصداقی بحث است. این اختلال ها ممکن است در اثر ناکارآمد بودن و ضعف روش های پیام رسانی یا محتوایی پیام باشد.

در معارف مهدوی نیز هر گاه مفاهیم و آموزه ها، با بدفهمی روبه رو یا به صورت نابه جا القا شود، آسیب های چشم گیری آشکار خواهد شد. و باید کج روی ها و کج اندیشی هایی که تاکنون در این موضوع صورت گرفته است، بازشناسی شده و دیدگاه های مهدوی به دور از اختلال های مفهومی و مصداقی، بیان شوند.(۱)

اهمیّت موضوع آسیب شناسی مهدویّت

آسیب های فرهنگ مهدویّت، مواردی است که غفلت از آن ها موجب سستی اعتقاد آدمی به اصل وجود امام علیه السلام یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار می شود و گاهی نیز گرایش به افراد یا

۱- بر گرفته از فصل نامه ی انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، چشم اندازی به برخی از آسیب های تربیتی مهدویّت، مریم معین الاسلام، صص ۲۱۷ – ۲۴۹.

مجموعه های منحرف را در پی دارد. از این رو باید برای شناختن این کج روی ها و کج اندیشی ها اقدام جدّی شود. به بیان دیگر باید به پیرایش و تهذیب مفاهیم و مصادیقی که تاکنون وارد این فرهنگ شده است، پرداخت. در غیر این صورت هر گونه برنامه ریزی برای نهادینه سازی این فرهنگ، بی نتیجه خواهد بود. کسانی که بدون توجه به بحث آسیب ها وارد عمل می شوند، همچون باغبانی می مانند که بدون توجه به آفت ها، مشغول کشت و کار شود که قطعاً در این صورت این کشت و کار ثمره ای برای او نخواهد داشت.

مهم ترین آسیب های مهدویّت

اشاره

پس از روشن شدن مفهوم آسیب شناسی و اهمیّت آن در مباحث مهدوی، به چند نمونه از مهم ترین آسیب های فرهنگ مهدویّت که پیش از ظهور و در دوران غیبت رخ می نمایند، اشاره می کنیم:

۱- برداشت های انحرافی از مفهوم انتظار

از آسیب های مهم در فرهنگ مهدویّت، تفسیرها و برداشت های نادرست از موضوعات این فرهنگ اسلامی است. درک و دریافت غلط از مفهوم «انتظار» سبب شده است بعضی گمان کنند که چون اصلاح جهان از فساد به دست امام عصر علیه السلام خواهد بود، در برابر تباهی ها و ناهنجاری ها هیچ وظیفه ای نداشته و باید بی تفاوت بود و دست روی دست گذاشت چرا که همه چیز بر عهده ی ایشان است.

این نوع انتظار، انتظار منفی یا ویران گر است که امام خمینی (ره) در این باره دسته های مختلفی را برشمرده اند:

۱- افرادی که انتظار فرج را به نشستن در مسجد، حسینیه، منزل و دعا کردن برای فرج می دانند، این ها مردم صالحی هستند که به تکالیف شرعی خود عمل می کنند لکن به فکر این نیستند که برای فرج کاری باید کرد.

۲- بعضی دیگر انتظار فرج را این گونه معنا می کنند که ما به این که در جهان و بر ملت چه می گذرد، کار نداشته باشیم. تنها تکالیف خود را ادا کنیم تا حضرت بیایند و إن شاء الله همه چیز را دنبال کنند.

۳- عده ای نیز می گویند عالم باید پر از معصیت بشود تا حضرت بیایند، ما نباید امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا گناه زیاد و فرج نزدیک شود.

۴- یک دسته هم از این فراتر رفته و می گویند: باید به گناه دامن زد، باید مردم را دعوت به گناه کرد تا دنیا پر از ظلم و جور بشود و حضرت تشریف بیاورند.

۵- افرادی نیز معتقدند که اصلاً هر حکومتی که در زمان غیبت محقق شود، حکومتی باطل و برخلاف اسلام است. این دسته از افراد به بعضی از روایات موجود در این زمینه استناد کرده اند، مانند روایت زیر که ابن اعین از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

«کلُ رایهٍ تُرفعُ قَبل قِیام القَائم علیه السلام طاغوت»؛(۱) «هر پرچمی که قبل از پرچم حضرت قائم علیه السلام برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است.»

در صورتی که منظور از عَلَم در آن روایات، عَلَم مهدوی است نه حکومت اسلامی.(۲)

در این روایت، پرچم هایی که به خاطر دعوت به خویشتن برافراشته شود، محکوم به بطلان و غیر قابل اطاعت می باشند. این ها قیام هایی است که در مقابل حضرت ولی عصر علیه السلام واقع شده اند و رهبر چنین قیام هایی طاغوت است. ولی پرچم هایی که در مسیر و جهت اهداف امام زمان علیه السلام باشند، مورد انکار قرار نگرفته اند و دعوت آن ها به قیام برای در هم شکستن باطل و به دست گرفتن اداره ی کشور و واگذاری آن به کسانی است که در حقیقت، حکومت، حق آنان می باشد، همانند قیام زید که از سوی امامان معصوم علیهم السلام مورد تمجید و تعریف قرار گرفته است.(۳)

سستی، بی اعتنایی و بی توجهی به شرایط جامعه، سر تسلیم فرود آوردن در مقابل بدی ها و ستم ها، بازیچه ی سیاست بازان و منحرفان شدن و مقابله با هر حرکت اصلاحی، همه از نتایج این دیدگاه در مورد انتظار است. از طرفی این تفکر تنها شامل آن دسته از افراد نمی شود، بلکه خود ما نیز با اعمال به ظاهر دینی خود شامل این انتظار منفی می شویم، شناخت صحیح از دین نداشتن، امر به معروف و نهی از منکر نکردن و نسبت به مسائل پیرامون خود بی تفاوت بودن، ما را از منتظر واقعی بودن دور کرده است..

۱- میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۸.
۲- برگرفته از صحیفه ی امام، ج ۲۱، ص ۱۳، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱، ص ۱۷.
۳- فصل نامه ی انتظار، ش ۷، نقد و بررسی روایات نافی حکومت و قیام در عصر غیبت، محمّد علی قاسمی، صص ۳۷۷ - ۳۹۱.

در حالی که انتظار سازنده یا مثبت، تلاش و حرکت منتظر و زمینه سازی برای ظهور حضرت است.

انتظار واقعی، آماده باش و تحصیل آمادگی های لازم برای رسیدن به اهداف و خواسته های مورد نظر است. انتظار، تنها یک حالت روحی نیست، بلکه با توجه به روایاتی که آن را «افضل الاعمال» یا «احب الاعمال» می داننـد، یک حالت روحی جریان یافته و شکل گرفته ای است که از معرفت برخاسته و به اقدام و عمل می انجامد.

۲- نشان دادن چهره ای خشن از امام عصر علیه السلام

برخی از افراد به علت نداشتن نگاه جامع به دین و بدون بررسی دقیق روایات و سند آن ها، به شنیده ها اکتفا کرده و چهره ای خشن از امام عصـر علیه السلام ارائه می دهند. در حالی که باید مهر و قهر در کنار هم مطرح شوند و در چهره ای که از ظهور و حکومت حضـرت و شخصـیّت بی مانند آن امام علیه السـلام ترسیم می گردد، مهر و قهر در کنار هم بیایند. چون تنها از قهر سخن گفتن و مهر را از یاد بردن، امام را در ذهن برخی افراد، خشونت طلب معرفی می کند.

درباره ی مهر حضرت سخن بسیار می توان گفت؛ چه روایاتی که مهر امامان را به طور عموم بازگو می کند و چه روایاتی که در ارتبـاط بـا مهر امـام مهـدی علیه السـلام به طور خـاص رسـیده است. امامان علیهم السـلام طبق فرموده ی خودشان جلوه ی رحمت واسعه ی إله هستند. امام رضا علیه السلام در این باره فرموده اند:

«الإمام الانیسُ الرَّفیقُ و الوالِـد الشَّفِیق و الأخُ الشّـفِیق و الأمّ البرّه بِالوالِـد الصَّغِیر و مَفزَعِ العباد فِی الدَّاهِیَهِ الناد»؛(۱) «امام همدمی سازگـار، پـدری مهربـان، برادری تنی، مـادری خوش رفتـار بـا کودک خردسال و پناه مردم در پیش آمـدها و کارهای بزرگ است.»

همچنین امام علیه السلام به یکی از یارانشان می فرمایند:

«یـا ابـا ابراهیـم هـو المفرّج لِلکَرب عَـِن شـیعته بعـد ظَنّ ـِکَ شَدیـد و بلاـءٍ طویـلٍ و جـور فطـوبی لمن أدرک ذلـک الزمـان... .»؛(۲) «ای ابا ابراهیم! حضرت مهدی علیه السلام رنج و غم شیعه را

۱- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.

پس از یک دوره ی سخت و بلایی طولانی و سستی دراز می زداید و گشایش می آفرینند. خوشا آنان که آن زمان را درک کنند ... .»

مهربانی امام، همچون مهر خداوند کریم حکیمانه است، بدین معنا که قهر او نیز جلوه ی محبت اوست. چون قهر او بر دشمنانی خواهد بود که با توجه به هدایت و معجزات آن حضرت، باز هم به او کفر ورزیده و حکومت عدلش را گردن نمی گذارند و در زمین فساد می کنند و این یعنی خارها را از سر راه انسان و انسانیّت برداشتن، یعنی مهر در چهره ی قهر.(۱)

در ضمن گروهی دیگر امام را شخصیتی تصور کرده اند که گویا دست به هیچ مبارزه و جهادی نمی زند و همه ی امور را با معجزه حل می کند، که این تفکر نیز نادرست است؛ چرا که با هر دوی این مهر و قهر است که مبنای حکومت امام پا می گیرد و زمینه های عدالت گستری فراهم می آید.(۲)

۳- طرح مباحث غیر ضروری

گاهی افراد و مجموعه ها در قالب های گفتاری و نوشتاری، به بحث هایی روی می آورند که هیچ ثمری ندارد و ضرورتی برای طرح آن ها احساس نمی شود.

پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت و وجود فرزند برای آن بزرگوار، محل زندگی حضرت و مانند آن از نمونه بحث های غیرضروری است. مثلاً در رابطه با ازدواج ایشان بسیار دیده شده است که گروهی با بیان مطالبی غیر مستند ازدواج حضرت را اثبات کرده و بعضی دیگر آن را رد کرده اند، در حالی که هیچ دلیل قطعی بر اثبات یا رد آن وجود ندارد و مهم تر این که توجه به چنین مباحثی فایده ای نداشته و ما را از پرداختن به مباحث اصلی و ضروری باز می دارد.

در مورد محل زندگی حضرت نیز که به جزیره ی خضرا معروف شده است دو نظر مخالف هم وجود دارد: برخی آن را صحیح و معتبر و قابل استناد دانسته اند و بعضی دیگر آن را مجعول و شبیه به افسانه می دانند و می گویند که استناد به آن درست نیست.(۳) با این همه تکلیف ما

ص:۳۶

۱- سید مسعود پور سید آقایی، میر مهر، ص ۷.

۲- فصل نامه ی انتظار ، ش ۱۱ و ۱۲، دفاع از روایات مهدویّت، مهدی حسینیان قمی، ص ۵۱۰.

۳- حبیب الله طاهری، سیمای آفتاب، صص ۳۵۶ – ۳۶۵.

آگـاهی از محـل زنـدگی امام نیست و آن چه در روایات به آن تأکیـد شـده است معرفت امام، حرکت در جهت رضایت امام مهدی علیه السلام و پیروی از آن حضرت در گفتار و کردار و زمینه سازی برای ظهور ایشان است.

۴- تعجیل و شتابزدگی

یکی دیگر از آسیب ها، عجله داشتن در تحقّق امر ظهور است. شتاب زدگی یا استعجال به معنی خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و قبـل از تحقّق زمینه هـای لازم برای آن است. منشأ تعجیل در ظهور این است که شـخص عجول نمی دانـد ظهور از سنت های الهی است و مانند همه ی سنت ها باید پس از تحقّق همه ی شرایط و زمینه ها، صورت گیرد بنابراین برای وقوع آن عجله می کند. در حالی که شتاب زدگی در این امر در روایات ما بسیار نکوهش شده است:

امام جواد علیه السلام می فرمایند:

«... یَهلِکُ فیها المُستعجلون و یَنجُوا فیها المسَلِّمون»؛(۱) «[در دوره ی غیبت]، شـتاب زدگـان در امر ظهور هلاک می شونـد و اهل تسلیم نجات می یابند.»

گرچه نزدیک شـمردن ظهور، مهیای ظهور بودن و کوشش برای زمینه سازی ظهور، بسیار مفید و پر ثمر است، اما نباید در این راه شـتاب زده بود. شـتاب زدگی حاکی از درک نکردن حکمت و مصـلحت خـدا در این زمینه است و پیامـدهای گوناگونی دارد که به چند مورد اشاره می گردد:

۱- ناشُکری و اعتراض و عدم رضایت به مصلحت الهی،

۲- روی کرد به منحرفان و مدّعیان دروغین مهدویّت،

۳- یأس و ناامیدی در اثر عدم تحقّق ظهور،

۴- استهزا و تمسخر آیات و روایات و معتقدان به غیبت و ظهور،

۵- شک و تردید.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ ، ص ۷۳.

تعجیل، یکی از آفت ها و آسیب هایی است که فراروی منتظر قرار دارد، اما برخی در نقطه ی مقابل نیز دچار آسیب شده اند که آن دور شمردن وقت ظهور است و نتیجه ی آن، بی اعتنایی و قساوت قلب است. در روایتی آمده است که:

«لاـ تُعاجلوا الامرَ قبلَ بلوغِه فَتَـنـدِمُوا و لا یَطولَنَّ علیکم الأمرَ فتقسّوا قلوبَکم»؛(۱) «پیش از رسیدن این امر شتاب نکنید که پشیمان می شوید و آن را دور نشمارید که دلتان دچار قساوت می شود.»

۵- تعیین وقت برای ظهور

یکی دیگر از آسیب ها تعیین وقت برای ظهور است؛ اگر چه گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجّت علیه السلام پدیده ی مبارکی است؛ اما اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن مردم به ظهور ایشان در زمانی معین منجر گردد، جای تأمل بسیار دارد زیرا بر اساس برخی روایات نقل شده از ائمه علیهم السلام هیچ کس جز خدای تبارک و تعالی از زمان ظهور آگاهی ندارد و از این رو تعیین وقت برای ظهور (توقیت) جایز نیست و حکمت الهی بر این است که وقت ظهور آن حضرت بر بندگان مخفی بماند، لذا احدی نمی تواند زمانی برای ظهور تعیین کند.

فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام پرسید:

«هَل لِهذا الامر وقتٌ؟ فقال: کَذَبَ الوقّاتون، کَذَبَ الوقّاتون، کَذَبَ الوقّاتون»؛(۲) «آیا برای این امر وقتی معین است؟ آن حضرت سه مرتبه فرمودند: آنان که وقتی برای آن تعیین می کنند، دروغ می گویند.»

همچنین در روایتی دیگر امام باقر علیه السلام خطاب به محمّد بن مسلم فرموده اند:

«یا محمّد، مَن أخبَرَکَ عنّا تَوقیتاً فَلا تَهابنَّ أن تُکَذِّبَه، فإنّا لانُوقِّتُ لِأحدٍ وقتاً»؛(۳) «ای محمّد، هر کس برای تو خبری از ما درباره ی تعیین وقت ظهور نقل کرد در تکذیب او درنگ نکن؛ زیرا ما (اهل بیت) برای هیچ کس وقت (ظهور) را تعیین نکرده ایم.»

۱- شیخ صدوق الخصال، ج ۲، ص ۶۲۲.

۲- شیخ طوسی، غیبت، ص ۴۲۵.

۳- نعمانی، غیبت، ص ۲۸۹.

و نیز در توقیعی که از ناحیه ی مقدسه صاحب الزّمان علیه السلام در پاسخ به پرسش های اسحاق بن یعقوب صادر شده، چنین می خوانیم:

«و أمّا ظهورُ الفرج فإنّـه إلی الله، تعالی ذِکرُهُ، وَ کَذَبَ الوقّاتون»؛(۱) «و اما آشکار شدن فرج، به اراده ی خداوند است و آنان که (برای ظهور) وقت تعیین می کنند دروغ می گویند.»

با این حال بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور وقت تعیین می کنند که کم ترین اثر آن احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده های دروغین را باور کرده اند ولی خلاف آن را دیده اند.

بنابراین منتظران واقعی باید خود را از دام شیّادان و نیز نادانان حفظ کنند و درباره ی زمان ظهور تنها منتظر اراده ی پروردگار باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در مورد زمان ظهور که همانند قیامت، ناگهانی و غیرمنتظره است، فرموده اند:

«مَثلُهُ مَثَلُ السّاعَهِ الّتی لایُجَلّیهَا لِوَقتِها إلّا هُوَ ثَقُلَت فِی السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ لایَأتِیکُم إِلّا بَغتَةً»؛(۲) «ظهور او (قائم علیه السلام) مانند قیامت است. تنها خداوند است که چون زمانش فرا رسد، آشکارش می سازد. فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است و جز به ناگهان بر شما نیاید.»

این دسته از روایات از یک سو هشداری است به شیعیان که در هر لحظه آماده ی ظهور حجّت حق باشند و از سویی دیگر تذکری به همه ی کسانی است که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

۶- تطبیق نشانه های ظهور بر مصادیق خاص

آسیبی که پیوسته بعد از غیبت امام عصر علیه السلام وجود داشته است، مطابقت دادن نشانه های ظهور بر وضعیت هر زمان بوده است، به این معنا که عده ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن ها را به افراد یا حوادثی خاص تطبیق می دهند. اما آن چه آسیب و آفت است،

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام انعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام انعمه، ج ۲، ص ۳۷۳.

مطالب و ادعاهایی است که این افراد با خواندن یک یا دو روایت، بدون تشخیص صحیح بودن آن ها و بدون بررسی آیات و روایات دیگر، مطرح می کنند، یعنی بدون داشتن تخصص به اظهار نظر می پردازند.

گاهی انسان در جلساتی شرکت می کند که ساعت ها پیرامون حضرت صحبت می کنند اما سرگرم تطبیق شرایط بوده اند. برای مثال شخصیّت سفیانی که از علایم حتمی ظهور است را به مردی خاص در فلان منطقه تفسیر کرده اند و یا درباره ی سید حسنی (نفس زکیه) یکی دیگر از علایم حتمی ظهور، تحلیل های بی دلیلی مطرح شده است و افراد خاصی را بر آن تطبیق داده اند و بسیاری نمونه های دیگر که تطبیق نادرست علایم غیر حتمی بر جریانات موجود در جامعه ی کنونی است.

به هر حال در روایات رسیده از ائمه ی اطهار علیهم السلام مطالبی در مورد نشانه های ظهور مطرح شده که بر فرض صحت آن ها، تطبیقشان بر حوادث و جریاناتی که در هر زمان رخ می دهد صحیح نیست چون پیامدهای ناگوار زیادی در پی دارد که به چند مورد از آن ها اشاره می شود:

۱- ناامیدی و یأس در اثر عدم اتفاق ظهور

۲- بی اعتقادی افراد نسبت به اصل ظهور به دلیل عدم تحقّق تطبیق های مطرح شده

۳- استهزا و تکذیب باور مهدویّت در نتیجه ی محقق نشدن ظهور

۴- شک و تردید در اصل ظهور و روایات پیرامون آن

تبیین و روشنگری، تکذیب انحرافات و کار کارشناسی در مورد علایم و ویژگی ها توسط علما از راه های مبارزه با این آسیب جدّی است.

۷- ملاقات گرایی

از آسیب هایی که در عصر غیبت برای منتظران رخ می نماید، مدعیانی هستند که بی دلیل یا به بهانه ی ساده ترین اتفاق، ادعای ملاقات می کنند یا کسانی که تمام وظیفه ی خویش را دیدار حضرت می پندارند و از وظایف اصلی خود غافل شده و افراد را تنها به این عمل، به عنوان برترین وظیفه ی منتظر، فرا می خوانند، در صورتی که آن چه در عصر غیبت مهم است توجه به دغدغه امام و عمل کردن به وظایف یک منتظر واقعی است. بنابراین باید دانست که رسالت حضرت چیست و از منتظران خود چه انتظاری دارند. با استناد به روایات معتبر، مسلّم است که؛ امام از لحظه ی تولد برای ظهور خود دعا می کرده اند و رسالت ایشان در همه حال برنامه ریزی

برای ظهور است و در هیچ جا ملاقات را از ما نخواسته اند، لذا دغدغه ی ما نیز باید ظهور و مهیا کردن زمینه های آن باشد.

اگر چه دیـدار امر مطلوبی است اما ویژگی منتظران واقعی امام برای دستیابی به رضایت ایشان، ادای وظایفی است که برای آن هـا در نظر گرفته انـد و تأکیـد زیـاد بر دیـدار حضـرت، (در اثر موفق نشـدن به دیـدار) بـاعث یأس و ناامیـدی و تکـذیب باور مهدویّت می گردد.

جناب آقای قرائتی نقل می کردند که:

در حرم امام رضا علیه السلام مشغول زیارت بودم، یکی از بزرگان دست بــر شانه ام گذاشت و گفت: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه سلمان را می دیدنـد، لـذّت می بردنـد، امیرالمؤمنین علیه السـلام نیز مالک را که می دیدند لبخند بر لبانشـان نقش می بست، آیا شـما هم به گونه ای شـده ایـد که امام زمان علیه السـلام شـما را می بیننـد، لبخنـد بزننـد و راضـی باشند؟...»

راه های مبارزه با آسیب های فرهنگ مهدویّت

حال که با برخی از آسیب های فرهنگ مهدوی آشنا شدیم، به بعضی از راه های مبارزه با آن ها نیز اشاره می شود:

۱- مهم ترین و اصلی ترین راه مبارزه، حساسیت علما و اندیشـمندان در برابــر ورود خرافات و مبارزه ی جـدی، به موقع و مؤثر با این آسیب هاست.

۲- آشنایی با دین و سیره ی اهل بیت علیهم السلام ، در بسیاری از انحرافات انسان را بیمه می کند.

۳- یافتن علم و بصیرت در حوزه ی سیاست، دشـمن شناسی و باخبری از آن چه در عرصه ی سیاست و جامعه رخ می نماید، دست پنهان استکبار و سیاست بازان را در ایجاد فرقه ها و گروه های منحرف و ... در جامعه ی اسلامی آشکار می کند.

۴- گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی و پرداختن به موضوعات مختلف اجتماعی از منظر فرهنگ انتظار.

۵- زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست با ژرف اندیشی و احاطه ی کافی بر معارف مهدوی.

ص:۴۱

پرسش

۱- پیامدهای منفی برداشت انحرافی از مفهوم انتظار چیست؟

۲- چه تفاوتی میان تعجیل و شتابزدگی در امر فرج و نزدیک دانستن فرج، وجود دارد؟

۳- آیا می توان برای ظهور وقتی تعیین کرد؟

۴- منظور از تطبیق به عنوان یکی از آسیب های بحث مهدویّت چیست؟

عرصه های پژوهش

۱- آسیب شناسی تربیت دینی در عصر غیبت.

۲- بررسی فرقه های انحرافی در موضوع مهدویّت و شیوه های مبارزه با آن ها.

۳- آسیب شناسی روان شناسی، تربیتی و اخلاقی مهدویّت.

۴- دشواری های حفظ دین و آسیب شناسی آن در عصر غیبت.

ص:۴۲

منابع پژوهش

۱- سیمای آفتاب، دکتر حبیب اله طاهری، صص ۲۰۵ _ ۲۰۹.

۲- نگین آفرینش، حائری پور _ یوسفیان _ بالا دستیان، صص ۲۳۱ _ ۲۴۰.

۳- صحیفه ی نور، ج ۲۱، صص ۱۲ _ ۱۸.

۴- فصل نامه ی انتظار، شماره های ۱ و ۲، آسیب شناسی تربیتی مهدویّت، دکتر خسرو باقری.

۵- فصل نامه ی انتظار، شماره های ۱۱ و ۱۲، چشم اندازی به برخی از آسیب های تربیتی مهدویّت، مریم معین الاسلام.

۶- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، اندیشه ی مهدویّت و آسیب ها، محمّد صابر جعفری.

ص:۴۳

درس سوم: نگاهی کوتاه به زندگانی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ü نام و القاب

ü میلاد

ü مادر

ü سیرت امام

ü دوره های زندگی حضرت

ص:۴۵

السَّلامُ علی شمسِ الظَّلام و بَدرِ التَّمام ...

امام به معنی پیشوا و مقتداست و در اصطلاح شیعه ی امامیه، پیشوای معصوم و منصوب از طرف خداست که مقام ریاست عامّه را دارا می باشد. امام نگاهبان میراث به جا مانده از پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز مبیّن و مفسّر حقیقی قرآن کریم است، تا دین خداوند دست خوش تحریف غرض ورزان و دشمنان قرار نگیرد.

سرچشمه ی زلال امامت تا قیامت باقی می ماند، چرا که امام علی علیه السلام می فرمایند:

«لاتَخلُوا الأرضَ مِن قائمٍ للهِ بِحُجّهِ ...»؛(۱) «زمین، از قیام کننده ای که حجّت خداست، خالی نمی ماند.»

و در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است:

«لو لا الحجّهِ لَساخَتِ الأرضُ بِأهلها»؛(۲) «اگر حجّت خدا روی زمین نباشد، زمین اهلش را فرو می برد.»

امام زمان علیه السلام در میان امامان شیعه، از ویژگی ها و امتیازهای خاصی برخوردار هستند. ایشان تنها کسی هستند که تمامی جهان را از عدل و داد سرشار می کنند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است، ایشان کسی هستند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد ایشان می فرمایند:

«جَعَلَ مِن صُلبِ الحُسَینِ علیه السلام أئمّهً یقُومُونَ بِأَمری وَ یحفَظونَ وَصیَّتِی، التّاسِعُ مِنهُم قائِمُ اهلِ بیتی و مهدیُّ أُمَّتی، أشبَهُ النّاسِ بی فِی شَمائِله وَ أقوَالِهِ وَ أَفعالِه یظهَرُ بَعدَ غَیبَهٍ

۱- نهج البلاغه، قصار.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۳۳.

طَوِيلَهٍ وَ حَيرَهٍ مُضِلَّهٍ»؛(۱) «خداوند از نسل حسین علیه السلام ، پیشوایانی قرار داده است که امر مرا به پا می دارند و وصیت مرا حفظ می کنند. نهمین آن ها قیام کننده از اهل بیت من و مهدی این امت است که در شمایل و سخنان و افعالش شبیه ترین مردم به من می باشد. او پس از غیبتی طولانی و حیرتی گمرا کننده ظهور خواهد کرد.»

حال به بیان نکاتی چند درباره ی آن وجود نورانی می پردازیم:

نام و القاب

نام آن حضرت «محمّد» همان نام جدّ بزرگوارشان رسول الله صلی الله علیه و آله است.(۲) و تمامی مورّخان و محدّثان معتقدند که پیامبر صلی الله علیه و آله خود این نام را بر ایشان نهاده بودند.(۳)

القاب آن حضرت بسیار است، از جمله:

۱- «مهدی»: که مشهورترین لقب آن حضرت است و به معنی هدایت شده از سوی خداست. امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده اند:

«آن حضرت را مهدی گویند: زیرا او مردم را به امری که گم کرده اند، هدایت می کند.»(۴)

۲- «القائم»: به معنی قیام کننده به حق، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«از این جهت، قائم را قائم نامیده اند که پس از فراموش شدن نامش قیام می کند.»(۵)

۳- «بقیه الله»: یعنی بازمانده ی الهی. امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«امام زمان علیه السلام هنگامی که ظهور می کنند می فرمایند: من بقیه الله در زمین و خلیفه ی خدا و حجّت او بر شما هستم. پس هیچ مسلمانی بر او سلام نمی کند، مگر این که چنین می گوید:

۱- شیخ صدوق، کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ب ۲۴، ح ۲.
۲- ر.ک صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۱۸۴-۱۸۲ / علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۸، ۱۵، ۵، ۲.
۳- باقر شریف القریشی، حیاه الإمام، م ح م د المهدی علیه السلام ، ص ۵۲۷.
۴- حر عاملی، اثباه الهداه، ج ۷، ص ۱۱۰.
۵- معانی الأخبار، ص ۶۵.

«السَّلامُ عَلَيکَ يا بَقيّه اللهِ فِي أرضِه».(۱) امام عصر علیه السلام به این دلیل به این لقب مشهور شدند که ایشان آخرین حجّت خدا و ذخیره ی الهی برای عالم هستند.»

۴- «منتقم»: یعنی انتقام گیرنده. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«... هر گاه، قائم قیام کند، برای خدا و رسول او و همه ی ما خاندان پیغمبر، انتقام خواهد گرفت.»(۲)

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه ی غدیر فرمودند:

«اوست که خون بهای تمام اولیای حق را می گیرد.»(۳)

۵- «منصور»: به معنی یاری شده. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«پسر نهمین از فرزندان حسین که قائم اهل بیت من و مهدی امّت من است و ... و با نصرت خدا مؤیّد و با یاری ملائکه منصور می گردد.»(۴)

در دعای ندبه نیز آمده است:

«أينَ المَنصورُ عَلى مَنِ اعتَدَى عَليه و افتَرَى»؛ «کجاست آن یاری شده و پیروز بر تجاوزگران و دروغ گویان؟»

همچنین در زیارت عاشورا دعا می کنیم که:

«أن يَرزُقَني طَلَبَ ثارِکَ مَعَ أمامٍ منصورٍ»؛ «روزیمان کن تا با امام منصور از اهل بیت علیهم السلام خون خواه تو باشیم.»

۶- «منتظَر»: از امام جواد علیه السلام پرسیدند: چرا وی را منتظَر گویند؟ فرمودند:

«زیرا وی برای مدّتی طولانی غیبت می نماید و علاقه مندان به وی منتظر ظهورش خواهند بود؛ و آن ها که تردید دارند انکار می کنند.»(۵)

۱- محمّد تقی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۵۶ برگرفته از کمال الدین و تمام النعمه، ج۲ ، ص ۳۸۴.
۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.
۳- محمّد تقی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۷۶ برگرفته از احتجاج طوسی، ج ۱، ص ۸۰.
۴- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹، ح ۱۸۷.
۵- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۷۸.

۷- «حجه الله»: در زیارت آل یاسین این گونه به امام سلام می دهیم:

«السَّلامُ علیکَ یا حُجّةَ الله و دلیلَ إِرَادَتِه»؛ «سلام بر تو ای حجّت خدا و دلیل و راهنمای افراد به سوی او.»

حجّت، در لغت به معنی دلیل، برهان و راهنما است.(۱) راغب اصفهانی نیز حجّت را این گونه معنا کرده است: راهنمایی آشکار به راه مستقیم و آن چه که به وسیله ی آن می توان به درستی یکی از دو مخالف پی برد.(۲)

امامان معصوم علیهم السلام هر کدام، حجّت و راهنمای زمان خود بوده اند، امام زمان علیه السلام نیز حجّت خداوند بر خلق هستند چنان چه در توقیعی در جواب اسحاق بن یعقوب، ایشان خودشان را این گونه معرفی می کنند:

«أَمّا الحَوَادِثُ واقِعَهُ فَارجِعُوا فیها إلی رُوَاهِ أَحادیثِنا فَإِنَّهُم حُجَّتی علیکُم و أَنَا حجّهُ الله عَلَیهِم»؛ «در حوادث و مشکلاتی که برایتان رخ می دهد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خداوند بر ایشانم.»(۳)

میلاد

دوازدهمین امام شیعیان، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در سپیده دم(۴) جمعه ی نیمه ی شعبان سال ۲۵۵ ه /۸۶۹ م(۵) در «سامرا» چشم به جهان گشودند، سال تولّد امام، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸ ه .ق نیز گفته شده است.(۶) این اختلاف می تواند به دلیل پنهان نگاه داشتن تولّد آن

ص:۴۹

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۵۳.

۲- راغب، مفردات، ص ۱۰۷.

۳- علامه إربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۵۳۱.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۸ _ ۴۲۷.

۵- شیخ مفید، الإرشاد، ص ۳۴۶ / کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۱۴ / طوسی، غیبت، صص ۱۴۱ و ۱۴۳.

۶- سید مسعود پور سید آقایی تاریخ عصر غیبت، به نقل از تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، صص ۱۱۵ و ۱۲۲.

حضرت بوده باشد. امام رضا علیه السلام نیز یکی از ویژگی های آن حضرت را ولادت پنهانی ایشان ذکر می کنند و می فرمایند:

«حتّی یَبعَثُ اللهُ لهذا الأمر غُلاماً مِنّا، خَفی الولادَهِ و المَنشَأ غَیرُ خفی فی نَسَبه»؛ «تا این که خداوند پسری از ما را برای این امر برانگیزد که ولادتش پنهانی است ولی نَسَبش پنهانی نیست.»

علّت پنهان نگه داشتن ولادت ایشان این بود که اگر دشمنان اهل بیت علیهم السلام کوچک ترین ردّپایی از فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و جانشین ایشان پیدا می کردند، قطعاً در پی نابودی ایشان برمی آمدند و اجازه نمی دادند سلسله ی امامت استمرار پیدا کند.

اصل ولادت امام مهدی علیه السلام جزء مسلّمات تاریخ است و بجز ائمه، عالمان، مورّخان و محدّثان شیعه، بسیاری از مورّخان و محدّثان اهل سنّت نیز بدان تصریح کرده اند؛ در برخی کتاب های پژوهشی بیش از ۶۵ تن از این عالمان و نام کتاب های آنان آمده است.(۱)

مادر

مادر بزرگوار ایشان، بانویی شایسته به نام «نرجس» علیهاالسلام است که به نام های دیگری چون سوسن، صیقل، ملیکه نیز نامیده شده است. مادر بزرگوار امام زمان علیه السلام ، از طرف پدر دختر «یشوعا» فرزند امپراطور روم شرقی و از طرف مادر، نوه ی شمعون، وصی بلافصل حضرت مسیح علیه السلام است.(۲)

آنچه اهمیّت دارد این نکته است که آن بانوی بزرگوار درعظمت و برتری به آن جا رسید که مادر امام زمان علیه السلام شد و حکیمه خاتون، عمّه ی امام حسن عسکری علیه السلام که خود از بزرگ بانوان خاندان امامت است، او را بانوی خانواده ی خویش می خواند و خود را خدمتگذار او می دانست:

«أنتِ سیِّدَتی و سیِّدهُ أهلی»؛(۳) «تو بانوی من و بانوی خانواده ام هستی.»

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد ایشان فرمودند:

۱- ر.ک محمّدرضا حکیمی، خورشید مغرب، صص ۲۰ _ ۱۸.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۸۳.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۴.

«بِأبی ابنُ خِیرَهِ الإماء»؛(۱) «پدر و مادرم به فدای فرزند بهترین کنیزان.»

همچنین در روایتی دیگر از امام باقر و امام صادق علیهماالسّلام، ایشان به عنوان بهترین کنیزان و سرور و سیّده یاد شده اند.(۲)

چگونگی ولادت

در دوران امامت عسکریین علیهما السّلام در میان حاکمان «بنی عباس» نگرانی عمیقی به وجود آمده بود. این نگرانی مربوط به اخبار و احادیث فراوانی بود که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی اطهار علیهم السلام تولد فرزندی از امام حسن عسکری علیه السلام را بشارت می داد. فرزندی که بر هم زننده ی اساس حکومت های باطل و واژگون کننده ی تاج و تخت ها خواهد بود و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. از این رو، آن دو بزرگوار به ویژه امام حسن عسکری علیه السلام سخت تحت نظر بودند و دستگاه خلافت تلاش می کرد تا از تولد چنین فرزندی جلوگیری کند.

در این جا ارائه ی روایتی درباره ی ولادت امام زمان علیه السلام از زبان «حکیمه» عمه ی امام عسکری علیه السلام که گزارش نسبتاً دقیقی از تولد امام را در بر دارد، بسیار مناسب است:

«ابو محمّد حسن بن علی علیه السلام با پیکی مرا به نزد خود خواند و گفت: «ای عمه، امشب افطار را نزد ما بگذران؛ زیرا پانزدهم شعبان است. امشب خدای متعال حجّت خود را در زمین ظاهر خواهد کرد.» از او پرسیدم: «مادرش کیست؟» فرمود: «نرجس.» گفتم: «جانم فدایت! ولی آثار حاملگی در او وجود ندارد.» فرمود: «آن چه گفتم، همان خواهد شد.» بنابراین، وارد شدم و سلام کردم. «نرجس» پیش آمد و به من گفت: «بانوی من! حال شما چطور است؟» به او گفتم: «تو بانوی من و بانوی خاندان منی.» اما او از پذیرفتن سخن من خودداری ورزید و پاسخ داد: «ای عمه! چه می فرمایید؟»، به او گفتم: «دخترم! امشب خداوند متعال پسری به تو عطا می فرماید که مولای این جهان و آن جهان خواهد بود.» پس از آن که نماز مغرب را به جای آوردم، افطار کردم و به خواب رفتم. نیمه شب از خواب برخاستم تا نماز به جای آورم. نماز خواندم در حالی که «نرجس» در خواب بود، بدون آن که اثری از وضع حمل در او دیده شود. از این رو، از انتظار امام حسن عسکری علیه السلام (در این باره) مردد شدم. درست در همان لحظه، امام از جای خود صدا

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۶.

زد، ای عمه! عجله نکن، امر نزدیک است! من نشستم و سوره های فصلت و یس را تلاوت کردم. در همان لحظه او (نرجس) با هوشیاری از خواب برخاست. من به سوی او روان شدم و گفتم: «سلام خدا بر تو باد، آیا چیزی احساس می کنی؟» او پاسخ داد: «ای عمه، آری!» آن گاه به او گفتم: «نام خدا را بر زبان جاری کن، این همان موضوعی است که اول شب به تو گفتم. مضطرب مباش و دلت را آرام کن.» در این هنگام حجابی از نور میان من و او کشیده شد. ناگاه متوجه شدم که کودک ولادت یافته است. پس او را دیدم که به حال سجده بر زمین افتاده بود، «ابو محمّد» مرا صدا زد و گفت: «ای عمه! پسرم را برایم بیاور.» چنین کردم ...، امام حسن عسکری علیه السلام زبان بر کامش گذاشت و با آرامی دستش را بر چشم ها، گوش ها و آرنج هایش کشید. سپس گفت: «ای پسرم! سخن بگو.» کودک لب به سخن گشود و پاسخ داد: «شهادت می دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست، او یکتاست و شریکی ندارد، شهادت می دهم، محمّد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر خداست. سپس بر امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کرد و بر امامان به ترتیب، تا بر نام پدرش توقف کرد. آن گاه از ادامه ی سخن باز ایستاد.»

روز بعد آمدم، پرده را بالا زدم تا مولایم را ببینم، ولی او را ندیدم. از امام پرسیدم:

«جانم به فدایت! برای مولای من چه اتفاقی افتاده؟»، حضرت پاسخ فرمود: «ای عمه! او را به همان کسی سپردیم که مادر موسی فرزندش را بدو سپرد.»

روز هفتم آمدم. سلام کردم و نشستم. «ابو محمّد» فرمود: «پسرم را نزد من بیاور.» او را نزد ایشان بردم ...، امام آن چه را که روز نخست هنگام تولد فرزند به انجام رسانده بود، تکرار کرد و کودک، آن چه را که پیش از این گفته بود، تکرار کرد. آن گاه این آیه ی شریفه را تلاوت کرد:

((بسم الله الرحمن الرحیم، وَ نُرِیدُ أَن نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فی الأرضِ وَ نَجْعَلَهُم ائمهً وَ نَجعَلَهُم الوَارِثِین))؛(۱) و ما اراده کردیم بر مستضعفان زمین، منت نهاده و آن ها را پیشوایان و وارثان خلق در زمین قرار دهیم.(۲)

ص:۵۲

۱- قصص (۲۸)، ۵.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۲۶.

سیرت امام

۱– زهد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرمایند:

«لایَضَعُ حَجَراً عَلی حَجَر»؛(۱) « سنگی بر سنگی بنا نمی دهد. (از مقام دنیا چیزی برنمی گیرد)»

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند:

«ما لِباسُهُ إلاّ الغَلیظ و لاطَعامُهُ إلاّ الجَشِب»؛(۲) «به خدا سوگند، لباس مهدی علیه السلام جز پوشاکی درشت و خوراک او جز غذایی ساده نیست.»

۲– تقوا

امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند:

«یَکون ... أتقَی النّاسِ»؛(۳) «او پرهیزگارترین مردم است.»

۳– عبادت

امام کاظم علیه السلام می فرمایند:

«یَعتادَهُ مَعَ سَمرَتِه صَفرَةً مِن سَهرِاللیلِ، بأبی مَن لیلهٍ یَرعَی النُّجومَ ساجداً و راکعاً»؛(۴) «مهدی علیه السلام بر اثر تهجّد و شب زنده داری، رنگش به زردی متمایل است، پدرم فدای کسی باد که شب ها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را نظاره می کند.»

۴– سخت کوشی و جهاد

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

۱– سید بن طاووس ملاحم و الفتن، ص ۱۰۸.

۲– نعمانی، غیبت، ص ۱۲۲.

۳– علی یزدی حائری الزام الناصب، ص ۹.

۴– علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

«الجَحجاحُ المُجاهدُ المُجتَهد»؛(۱) « او شتابنده به سوی نیکی ها و بزرگواری هاست، او مبارز و سخت کوش است.»

۵- عدالت

یکی از سلام هایی که در زیارت صاحب الامر به امام می دهیم این است:

«السّلامُ عَلیکَ یا عَدلَ المُشتَهَر»؛(۲) «سلام بر تو ای عدل شناخته شده و مشهور.»

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«یَعدِلُ فِی خَلقِ الرَّحمانِ، البِّر مِنهُم و الفاجِر»؛(۳) «با بندگان خدا - چه نیکوکار و چه بدکار _ عدالت می ورزد.»

۶- سخاوت

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«المهدی سمحٌ بِالمالِ»؛(۴) «مهدی علیه السلام بخشنده ای است که مال را به وفور می بخشد.»

همچنین امام رضا علیه السلام در مورد سخاوت ایشان می فرمایند:

«یکونُ ... أسخی النّاسِ»؛(۵) «با سخاوت ترین مردمان است.»

۷- خشوع

امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند:

«خاشِعُ لِلهِ کَخُشوعِ النَّسرِ لِجَناحِه»؛(۶) «مهدی علیه السلام در برابر خداوند فروتن است، همچون عقاب در برابر بالش.»

۱- سید بن طاووس جمال الأسبوع، ص ۳۱۰.
۲- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام .
۳- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۳۱۰.
۴- سید بن طاووس الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷.
۵- علی یزدی حائری، الزام الناصب، ص ۹.
۶- علی یزدی حائری، عقد الدرر، ص ۱۵۸.

ایشان در حدیثی دیگر می فرمایند:

«یَکون ... أشَدُّ النّاسِ تواضعاً لله عزّ و جل»؛(۱) «مهدی علیه السلام در برابر خداوند از همه متواضع تر است.»

۸- موضع گیری در برابر بدعت ها

«لایَدَعُ بِدعَهً إلاّ أزالها»؛(۲) «بدعتی نمی ماند جز آن که آن را از بین برد.»

در دعای ندبه چنین می گوییم:

«أینَ المُنتَظَرُ لِإقامَهِ الأمتِ وَ العِوَج»؛ «کجاست آن مورد انتظار برای اصلاح نقایص و برقراری راستی و درستی؟»

۹- نصیحت و خیرخواهی

در زیارت صاحب الامر علیه السلام آمده است:

«السّلام عَلیکَ اَیُّها الوَلیُّ النّاصِح»؛ «سلام بر تو ای ولی نصیحت کننده.»

۱۰- صبر و بردباری

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«عَلَیه کمالُ موسَی و بهاءِ عیسَی و صبر أیوب»؛(۳) «او دارای کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است.»

و در حدیثی دیگر از امام حسین علیه السلام آمده است:

«تَعرِفونَ المَهدی بالسَّکینَهِ و الوِقارِ»؛(۴) «مهدی را با سکینه و وقار، خواهید شناخت.»

۱- علی یزدی حائری، عقد الدرر، ص ۱۰.

۲- الزام الناصب، ص ۲۳۳.

۳- عیون أخبار رضا، ج ۱، ص ۳۶.

۴- نعمانی، غیبت، ص ۱۲۷.

آن حضرت سرآمد همه در علم و دانش و وجود نازنینشان چشمه سار برکت و پاکی است. ایشان اهل قیام و جهادند. رهبر جهانی انقلابی بزرگ، منجی نهایی و مصلح موعود بشریّت است. به هنگام ظهور بر کعبه تکیه زده، پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در دست گرفته و با قیام خود، دین خدا را زنده و احکام خداوند در سراسر گیتی جاری می کند. جهان را پر از عدل و داد می گرداند، پس از آن که از جور و بیداد پر شده باشد.

دوره های زندگی حضرت

اشاره

زندگی امام مهدی علیه السلام شامل سه دوره ی پر فراز و نشیب است:

۱- دوره ی اختفا

این دوره از هنگام تولد حضرت (۲۵۵ ه ق) تا رحلت امام عسکری علیه السلام (۲۶۰ ه ق) است. در مدت این پنج سال، حضرت در دوران پدر بزرگوار خود زندگی می کردند.

امام عسکری علیه السلام در این دوره، دو وظیفه ی اساسی و حساس را عهده دار بودند؛ یکی حفظ فرزندشان از گزند خلفای عباسی، و دیگری اثبات وجود ایشان و اعلام امامتشان به عنوان امام دوازدهم. آن حضرت از عهده ی هر دو کار به بهترین شکل برآمدند؛ هم فرزندشان را حفظ کردند و هم در فرصت های مناسب ایشان را به یاران و دوستان خود معرفی نمودند، اما به علت وجود اختناق شدید حکومت «عباسیان» تنها تعداد اندکی از یاران صدیق امام عسکری علیه السلام مانند «ابوهاشم جعفری»، «احمد بن اسحاق» و «حکیمه» و «خدیجه» و عمه های امام یازدهم علیه السلام از ولادت آن حضرت آگاه بودند.

معاویه بن حکیم و محمّد بن ایوب بن نوح و محمّد بن عثمان عمری نقل می کنند: چهل تن از شیعیان نزد امام عسکری علیه السلام گرد آمدیم، آن حضرت فرزندشان را به ما نشان دادند و فرمودند: «این امام شما پس از من و جانشین من است، از او پیروی کنید و از گرد او پراکنده نگردید که هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد، این را هم بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید.»(۱)

ص:۵۶

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۳۵ / علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵.

۲– دوران غیبت

این دوران شامل غیبت صغری و غیبت کبری است و از هنگام شهادت امام یازدهم علیه السلام شروع می شود و تا هر زمان که به اراده ی خداوند ظهور کنند، ادامه خواهد یافت.

۳– عصر ظهور

پس از طی شدن دوران غیبت و به خواست پروردگار جهان، امام دوازدهم علیه السلام ظهور خواهد فرمود و دنیا را سرشار از خوبی ها و زیبایی ها خواهد کرد. هیچ کس زمان ظهور آن موعود منتظر را نمی داند و از امام عصر علیه السلام روایت شده است: «کسانی که برای ظهور، زمانی تعیین کنند، دروغ گو هستند.»

درباره ی دوران غیبت و عصر ظهور در درس های آینده توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

ص:۵۷

پرسش

۱– علت نام گذاری امام زمان علیه السلام به مهدی، قائم، منتقم و حجّت الله چیست؟

۲– علت پنهان نگه داشتن ولادت امام زمان علیه السلام چه بوده است؟

عرصه های پژوهش

۱– اثبات تولد امام زمان علیه السلام .

۲– بررسی القاب حضرت علیه السلام در قرآن و ادعیه.

۳– بررسی ابعاد عدالت مهدوی.

۴– موضع گیری امام مهدی علیه السلام در برابر بدعت ها از دیدگاه ادعیه و روایات.

۵– پژوهشی پیرامون مادر امام زمان علیه السلام .

۶– دلایل عقلی وجودامام.

۷– دلایل نقلی وجود امام.

ص:۵۸

معرفی منابع

۱- حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب ملل جهان، سید اسد ا... هاشمی شهیدی.

۲- مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، عزیز الله حیدری.

۳- یاد مهدی علیه السلام ، محمّد خادمی شیرازی، صص ۴۳ _ ۵۳.

۴- اتفاق در مهدی موعود، سید علی اکبر قریشی.

۵- خورشید مغرب، محمّد رضا حکیمی.

۶- در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه ی مهدی علیزاده

۷- تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی _ عاشوری _ حکیم _ جباری.

۸- حدیث شب میلاد، سید مجتبی بحرینی.

درس چهارم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

اشاره

ü جامعیّت قرآن

ü تفسیر و تأویل

ü جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام

ü آیا نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن آمده است؟

ü گلچینی از آیات مهدوی

ص:۶۱

السَّلامُ علیک یا تالی کتابِ اللهِ و ترجُمانَه ...

معرفت و شـناخت، از موضوعات اساسـی حیات بشری است و پس از معرفت خداوند به عنوان مبدأ همه ی موجودات، معرفت به حجّت های پروردگار که مظهر اسماء و صفات و آیینه ی جمال و جلال الهی هستند، بر همه ی معارف مقدّم است و حیات معنوی بشر به همین معرفت وابسته است.

برای معرفت امـام منـابع گونـاگونی وجـود دارد که قرآن اساسـی ترین آن هـاست. قرآن منبع مطمئنی است که چون از وحی سرچشمه گرفته، هیچ گونه انحراف و نادرستی در آن راه ندارد و مورد اتّفاق همه ی فِرَق مسلمین است.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«وَإعْلَمُوا أنَّهُ لَیسَ عَلَی أحَدٍ بَعدَ القُرآنِ مِن فاقَهٍ و لا لِأحَدٍ قبلَ القرآنِ مِن غَنیٍ، فاسْتَشْفُوهُ مِن أدوائِکمُ وَ اسْتَعینوا بِهِ عَلی لَأوائِکُم »؛(۱) «بدانیـد که هیـچ کس را پس از آمـوختن قرآن، نیازمنـدی نیست و هیـچ کس را پیش از آمـوختن قرآن تـوانگری و بی نیازی نیست، پس شفای دردهای خود را از قرآن بخواهید و در گرفتاری هایتان، از آن کمک بخواهید.»

بنابراین بایسته است مسأله ی معرفت امام از نگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد. پیش از پرداختن به بحث امام مهدی علیه السلام در قرآن، به نکاتی چند اشاره می کنیم:

۱- نهج البلاغه، خ ۱۷۶.

الف) جامعیّت قرآن

این نکته بسیار روشن است که اگر بنا باشد دینی جاودانه باقی بماند، باید کتاب قانون آن در همه ی عصر ها، جامع و کامل باشد تا بتواند حضور خود را در تمام دوره های حیات بشری حفظ کند. لذا با توجّه به این که دین اسلام جاودانه و همیشگی است، باید کتاب وحی و قانون از جامعیتی بی نظیر برخوردار باشد:

((وَ نَزَّلنا عَلَیکَ الکِتابَ تِبیاناً لِکُلِّ شَیءٍ))؛(۱) و بر تو (ای پیامبر) نازل کردیم کتابی را که در آن تبیان هر چیزی که در هدایت انسان نقش دارد، صورت گرفته است.

قرآن خود را این گونه معرفی می کند که کتاب «تبیان» و «هدایت» است. «تبیان» صفت عام و فراگیر قرآن است و کتابی که برای هدایت همه ی انسآن ها در همه ی زمآن ها نازل شده، شأنش این است که بیان «کلِّ شَیء» را عهده دار باشد. البته واضح است که مراد از «کلِّ شَیء» همه ی چیزهایی است که به امر هدایت بشری که رسالت قرآن است بر می گردد و در این مورد، قرآن مسأله ای را در حوزه ی هدایت بشری فروگذار نکرده است.

ب) تفسیر و تأویل

۱- تفسیر

یکی از راه هایی که می توان به واسطه ی آن به درک واقعی و عمیق مضامین و مفاهیم آیات الهی نایل شد و از معارف ارزشمند آن بهره مند گردید، تفسیر است. تفسیر در کتب علوم قرآنی چنین معنی شده است:

«التَّفسیرُ کَشفُ القِناعِ عَنِ المُشکِلِ»؛(۲) «تفسیر نقاب برداشتن از چهره ی الفاظ مشکل است.» به عبارت دیگر مراد از تفسیر، مطالبی است که از الفاظ و ظواهر کلام الهی و با اندیشه و ژرف نگری در آن ها به دست می آید و نشانگر مراد و منظور آیات قرآنی است.

۱- نحل(۱۶)، ۸۹..

۲- علوم قرآنی، ص ۲۷۴.

۲- تأویل

گـاهی آیـات الهی حـاوی حقایقی ورای الفاظ و ظواهر آن است که در مطالعه ی ابتـدایی و اولیه به دست نمی آیـد و تأمل و دقّت آدمی در آن ها نیز کارساز نیست؛ قرآن کریم در این باره می فرماید: ((وما یعلم تأویله الّا الله والراسـخونَفی العلمِ یقولونَ ءامنّا به ...(۱)))«وتأویـل آن راکسـی جز خداونـد نمی دانـدو راسـخان در علـم می گوینـد بـه آن ایمـان آوردیم...» بلکه تنها روایات و گفتار معصومین علیهم السـلام است که از آن ها پرده برمی دارد و اسرار آن ها را آشکار می سازد. به این مرحله از فهم آیات که دلالت به باطن قرآن دارد، تأویل می گویند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرمایند:

«مـا فِی القُرآنِ آیَهٌ الاّ وَ لَها ظَهرٌ وَ بَطنٌ»؛(۲) «هیـچ آیه ای در قرآن نیست جز این که دارای ظـاهر و باطن است.» بنابراین برای بهره مندی جامع و شایسته، هم باید به ظاهر قرآن «تفسیر» آن توجّه کرد و هم از باطن آن «تأویل» استمداد جست.

ج) جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی اطهار علیهم السلام

شکّی نیست که کلام وحی و معارف بی کران الهی، اقیانوسـی است که عقل و دانش ناقص و محدود بشـری، توانایی درک و تحلیـل تعالیم و مفاهیم بلنـد و آسـمانی آن را به تنهایی، و به صورت کامل و صـحیح نـدارد و ناگزیر از یاری افرادی است که خود از سرچشـمه وحی و علم الهی بهره منـد شـده و توانـایی لازم برای بیان حقایق آن را داشـته باشـند. این فضـیلت در وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصومین علیهم السلام جلوه گر و متبلور شده است.

خداوند در این رابطه خطاب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

((وَ اَنزَلنا اِلَیکَ الذِّکرَ لِتُبَیِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ اِلیهِم))؛(۳) و مـا ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آن چه را که به سوی مردم نازل شده است برای آن ها تبیین کنی.

۱- آل عمران (۳)،۷.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۹۴.

۳- نحل(۱۶)، ۴۴.

نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز پس از خود، خاندان و اهل بیت عصمت خویش را عهده دار این وظیفه سنگین و امر خطیر معرفی می فرمایند؛ چنان که در حدیث معروف ثقلین آمده است:

«اِنّی تارِکٌ فیکُمُ الثِّقلَینِ کِتابَ اللهِ وَ عِترَتی أَهلَ بَیتی ...»؛(۱) «من در میان شما دو چیز گران بها و ارزشمند باقی می گذارم، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. و اگر به این دو ثقل چنگ بزنید و تمسک بجویید هرگز گمراه نمی شوید و این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

راز و رمز حیات و جامعیت قرآن، در هم گامی و همراهی آن، با عترت است. قرآن در کنار معصوم، عامل هدایت و مانع از گمراهی است. این کتاب الهی در کنار تبیین معصوم، برای همیشه «هادی» است.

بنابراین توجّه به دیدگاه و بیانات امامان معصوم علیهم السلام در فهم و کشف مقصود آیات نقش کلیدی ایفا می کند.

این مطلب از آیات دیگر قرآن نیز قابل استفاده است:

((فَاسألوا أهلَ الذِّکرِ إن کُنتُم لا تَعلَمونَ))؛(۲) اگر چیزی را نمی دانید از اهل ذکر بپرسید.

در تفسیر این آیه آمده است: «نَحنُ أهلُ الذّکرِ وَ نَحنُ المَسئولُونَ»؛(۳) «منظور از اهل ذکر ماییم و ما کسانی هستیم که مورد سؤال قرار می گیریم.»

همچنین در تفاسیر اهل سنت از ابن عباس نقل شده است: «هُوَ مُحَمَّدُ وَ علی وَ فاطمه وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ هُم أهلُ الذِّکرِ وَ العَقلِ وَ البَیانِ»؛(۴) «مراد از اهل ذکر، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ، امام علی علیه السلام ، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. ایشان اهل ذکر و عقل و بیان می باشند.»

ص:۶۵

۱- ر.ک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۳/ شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۱/ شیخ صدوق، امالی، ص ۴۱۵، ح ۱۵.

۲- نحل(۱۶)،۴۳.

۳- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۳.

۴- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۴۴.

د) آیا نام امام مهدی علیه السلام در قرآن آمده است؟

اشاره

در پاسخ به این سؤال باید گفت: قرآن برای معرفی شخصیت ها از دو راه استفاده کرده است:

١- معرفی با اسم

نخستین راه این است که شخصیّت مورد نظر را با اسم معرفی و مطرح می کنـد ماننـد: ((وَ ما مُحَمَّدٌ الّا رَسولٌ قَد خَلَت مِن قَبلِهِ الرُّسُل))(١) «و محمد نیست مگر پیغمبری از طرف خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند...»

٢- معرفی با صفت و ویژگی

شیوه ی دوّم، معرفی با صـفت و ویژگی است که در قرآن نمونه هایی دارد، از جمله این که در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

((الّـذینَ یتَّبِعونَ الرَّسولَ النَّبیِّ الامّیِّ ... یَأمُرُهُم بِالمَعروف و یَنهاهُم عَنِ المُنکَرِ وَ یحِلُّ لَهُمُ الطَّیبِّاتِ وَ یُحَرِّمُ عَلَیهِمُ الخَبائِث ...))؛(٢) کسانی که از پیامبر تبعیت می کنند ... که پیامبر، ایشان را به کارهای پسندیده دستور می دهد و از کارهای زشت و ناپسند، باز می دارد و به ایشان امور پاکیزه را حلال و امور ناپسند را حرام کرده است.

در معرفی ولی مؤمنان علیه السلام نیز از این شیوه استفاده کرده است:

((انَّما وَلیُّکمُ اللهُ وَ رَسولُهُ وَ الَّذینَ ءامَنوا الَّذینَ یُقیمونَ الصَّلَوهَ وَ یُؤتونَ الزَّکاهَ وَ هُم راکِعونَ))؛(٣) صاحب امر شما خدا و رسول او و کسانی اند که نماز را بر پا می دارند و زکات می پردازند درحالی که در رکوع باشند.

١- آل عمران(٣)، ١۴۴.

٢- اعراف (٧)، ١۵٧.

٣- مائده (۵)، ۵۵.

شناسانـدن با صـفت بهترین راه معرفی است. این نوع معرفی راه را بر سودجویان می بنـدد؛ در معرفی با اسم می توان نام جعلی درست کرد؛ امّا بهره برداری از صفات کار آسانی نبوده و قابل جعل نیست. از این رو می بینیم در جریان حضرت طالوت علیه السلام ، خداوند متعال در آیه ی ۲۴۸ سوره ی بقره، بعد از آن که ایشان را به اسم معرفی می کند، بلافاصله ایشان را با صفت و نشانه ی «تابوتٌ فیه سَکِینه» «صندوقی که دارای آرامش است»، معرفی می کند تا جلوی هرگونه اشتباه احتمالی گرفته شود.

پس روشن شد که:

۱- تنها راه معرفی، ذکر نام امام مهدی علیه السلام نیست، و حضرت از راه های دیگر (صفات) معرفی شده اند و قرآن به طرق دیگر به وجود ایشان و حکومت جهانیشان اشاره کرده است.

۲- مصـالحی در کـار بـوده کـه نـام اهـل بیت علیهم السـلام در قرآن ذکر نشـود که مهم ترین آن هـا محفـوظ مانـدن قرآن از تحریف است.

گلچینی از آیات مهدویّت

۱- غلبه بر جمیع ادیان

مسأله ی مهـدویّت و قیام و حکومت جهانی یک منجی عدالت گستر و مصـلح عدالت پرور از جمله مسائلی است که نه تنها با فطرت ظلم ستیز و عـدالت طلب انسآن ها آمیخته و نهادینه شده است، که همه ی مسـلمانان اعم از شـیعه و سـنّی و بلکه تمامی ادیان آسـمانی و حتّی مکاتب دیگر آن را باور داشته و پیروان آیین خود را به ظهور آن مژده داده اند. در آیه ای که بحث می شود، دین حق که همان دین اسلام است بر همه ی مکاتب و آیین های زمان پیروز می شود:

((یُریـدونَ أن یُطفِؤُا نورَ اللهِ بِأفواهِهِم وَ یأبی اللهُ إلاّ أن یُتِمَّ نُورَهُ وَ لَو کَرِهَ الکافِرون هُوَ الّـذی أرسَلَ رَسولَهُ بِالهُـدَی وَ دینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلی الدّینِ کُلِّه وَ لَو کَرِهَ المـُشرکون))؛(۱) «می خواهنـد نور خدا را با دهآن های خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی

ص:۶۷

۱- توبه (۹)، ۲۳ و ۳۳.

گذارد تا این که نور خود را کامل کند، هرچند کافران را خوش نیاید او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هرچند مشرکان را خوش نیاید.»

بحث روایتی

۱- محمّد بن فضیل می گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره ی قول خداوند ((لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّه)) پرسیدم. ایشان فرمودند:

«لِیُظهِرَهُ عَلَی جَمیع الأدیانِ عِندَ قِیامِ القائِم علیه السلام »؛(۱) «هنگام قیام قائم علیه السلام خداوند دین اسلام را بر همه ی دین هاچیره می گرداند.»

۲- ابی بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ی آیه ی ((هُوَ الّذی أرسَلَ ...)) پرسیدم، ایشان فرمودند:

«وَ اللهِ ما نَزَلَ تأویلُها بَعد، وَ لایَنزِلُ تأویلُها حتّی یَخرُجُ القائم علیه السلام فَإذا خَرَجَ القائِم علیه السلام لَم یَبقِ کافرٌ بِاللهِ العَظیم و لامُشرِکٌ بالإمامِ الاّ کَرِهَ خُروجَه...»؛(۲) « قسم به خداوند! هنوز تأویل آن نیامده و تأویل آن نیاید تا این که قائم خروج کند، پس هنگامی که قائم خروج کند کافری به خدا و مشرکی به امام باقی نمی ماند مگر این که خروج او را کراهت دارد ...»

۳- از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ی آیه ی ((هُوَ الّذی أرسَلَ ...)) نقل شده است:

«... لایَبقَی قَریَهٌ الاّ وَ نُودِیَ فیها بِشَهادَهِ أن لا اِلهَ الاّ الله و أنَّ محمّداً رَسولُ اللهِ بُکرَهً وَ عَشیاً»؛(۳) «آبادی و شهری باقی نمی ماند مگر این که در آن جا صبح و شب به توحید و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شهادت داده می شود.»

۴- شیخ صدوق در روایتی از امام حسین علیه السلام نقل می کند:

۱- کلینی ،کافی، ج ۱، ح ۹، ص ۴۳۲.

۲- شیخ صدوق،کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۵۸، ح ۷.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۰.

«مِنّا اثنی عَشَرَ مَهدیاً أوَّلُهُم أمیرالمؤمنین عَلی بن أبی طالب و آخِرُهُم التّاسِعُ مِن وُلدی وَ هُوَ الإمامُ القائِم بالحقِّ یُحیی اللهُ بِهِ الأرضَ بَعدَ مَوتِها وَ یُظهِر به دینَ الحَقِّ عَلَی الدّینِ کُلِّه وَ لَو کَرِهَ المُشرکین»؛(۱) «از میان ما، ۱۲ نفر مهدی است، اوّلین آن ها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخرین آن ها نُهمین نفر از فرزندان من است. او امامی است که به حق قیام می کند. خداوند به واسطه ی او زمین را زنده می کند بعد از آن که مرده شده باشد و به واسطه ی او دین حق را به همه ی ادیان پیروز می کند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.»

۲- خلافت مؤمنان، وعده ی الهی

((وَعَدَاللهُ الَّذینَ آمَنوا مِنکُم وَ عَمِلُوا الصّالحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهَم فِی الأرضِ کَمَا استَخلَفَ الّذینَ مِن قَبلِهِم وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دینَهُمُ الّذی ارتَضی لَهُم وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم اَمناً یعبُدونَنی لا یُشرِکونَ بی شَیئاً وَ مَن کَفَرَ بَعدَ ذَلکَ فَاولئِکَ هُمُ الفاسِقون))؛(۲) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد. و آن دینی که برایشان پسندیده است؛ به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هرکس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.

در این آیه ی شریفه سخن از وعده ی الهی به میان آمده است. وعده ی الهی در هر زمان که شرایط و لوازم تحقّق آن فراهم شود، ظهور پیدا می کند و خداوند فراهم شدن شرایط را به عهده ی انسآن ها گذاشته است چرا که:

((إنَّ اللهَ لایُغَیِّرُ ما بِقَومٍ حَتّی یُغَیِّروا ما بِأنفُسِهِم))؛(۳) همانا خداوند قومی را دگرگون نمی کند مگر این که آن قوم خودشان را تغییر دهند.

۱- شیخ صدوق،کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ح ۳.

۲- نور(۲۴)، ۵۵.

۳- رعد(۱۳)، ۱۱.

پس هر زمان که انسآن ها بخواهند، وعده ی خداوند محقق می شود و هر زمان که انسآن ها حاکمیت امام مهدی علیه السلام را بخواهند، خداوند آن را رقم می زند. تا طلب در کار نباشد مطلوبی هم نخواهد بود. در زیارت جوشن کبیره می خوانیم:

«یا هادیَ مَنِ استَهدَی» «ای هدایت کننده ی کسی که طالب هدایت است.»

نکته ها و پیام های آیه:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین جمع خود در مسیر بازگشت از مکّه، در غدیر خم، به فرمان خداوند حضرت علی علیه السلام را جانشین خود قرار دادند. در این هنگام آیه نازل شد که امروز خداوند دین اسلام را برای شما پسندید: ((وَ رَضیتُ لَکُمُ الإسلامَ دیناً))(۱) در این آیه ((وَعَدَاللهُ ...)) نیز مورد وعده ی خداوند پیروزی آن دینی است که خداوند پسندیده است: ((دینَهُم الّذی ارتَضی لَهُم)) در نتیجه دینی را که خداوند پسندیده، ادامه ی همان مکتب غدیرخم است. بنابراین دین بدون ولایت مورد رضایت خداوند نیست.

۲- وعده های خداوند شامل کسانی می شود که ایمان همه ی وجودشان را پر کرده و اعضا و جوارحشان در مسیر بندگی خداست.

۳- وعده های خداوند به مؤمنان چهارچیز است:

الف) برای آنان جامعه ای صالح مخصوص خود درست کرده و حاکمیت زمین را در اختیار آنان قرار می دهد. این خلافت به معنی مسلّط شدن بر کلّ زمین و استفاده از موهبت های آن است.

ب) دینشان را در زمین برتری می دهد، دینی که خدا آن را پسندیده است همانا دین مقدّس اسلام است: ((وَ رَضیتُ لَکُمُ الإسلامَ دیناً))؛ «و اسلام را برای شما به عنوان دین پسندیدم».

۱- مائده(۵)، ۳.

ج) امنیّت را جایگزین ترسشان می کند. در این دوران هیچ عاملی باعث نگرانی و ترس مؤمنان نخواهد شد: ((لا خَوفٌ عَلَیهِم وَ لا هُم یَحزَنون))(۱) «نه ترسی دارند و نه حزن و اندوهی».

د) فقط خداوند را عبادت کرده و هیچ چیز را شریک او قرار نمی دهند.

بحث روایتی:

۱- امام صادق علیه السلام در روایتی می فرمایند:

«إنَّهُ لَم یَجیءُ تأویلُ هَذهِ الآیَهِ وَ لَو قامَ قائِمُنا، سَیَری مَن یُدرِکُهُ ما یَکونُ مِن تأویلِ هذِهِ الآیَهِ وَ لَیَبلُغَنَّ دینَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم ما بَلَغَ اللَیلُ حتّی لایَکونَ مُشرِکٌ عَلَی ظَهرِ الأرضِ کما قالَ اللهُ تَعالَی وَ یعبُدونَنی لایُشرِکونَ بی شَیئاً»؛(۲) «تأویل و مصداق این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که قائم قیام کند کسی که او را درک می کند، تأویل این آیه را می بیند. هر آینه دین محمّد صلی الله علیه و آله و سلم به هر جایی که شب برسد،(همه ی کره ی زمین) می رسد؛ به صورتی که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد بود؛ همان گونه که خداوند فرمود: مرا پرستش کنید و چیزی را شریک من نگردانید.»

۲- در حدیثی از امام سجّاد علیه السلام نقل شده که ایشان در مورد ((ءامنوا مِنکُم وَ عَمِلوا الصّالحاتِ))(۳) می فرمایند:

«به خدا سوگند، آنان دوستداران و پیروان ما خاندان پیامبرند که خداوند به دست مردی از ما که مهدی این امّت است نویدهای جان بخش آیه را درباره ی آنان تحقق می بخشد.»

۱- یونس(۱۰)، ۶۲.
۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۱.
۳- حرّ عاملی، اثباه الهداه، ب ۳۲، ح ۴۲۲.

۳- بندگان صالح، وارثان زمین

((وَ لَقَد کَتَبنا فِی الزّبورِ مِن بعدِ الذّکرِ أنَّ الأرضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحون))(۱) «و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ی ما به ارث خواهند برد.»

نکته ها و پیام های آیه:

۱- «کَتَبَ» در اصطلاح از امری حتمی و قطعی خبر می دهد.

۲- کلمه ی «أرض» به خاطر داشتن «ال» استغراق همه ی زمین را شامل می شود. در نتیجه، دولت کریمه ی امام مهدی علیه السلام نیز در کل کره ی زمین، بر پا خواهد شد.

۳- مراد از وراثت زمین این است که سلطه بر منافع و استفاده از آن از دیگران به بندگان صالح منتقل شده و برکات زمین نصیب ایشان خواهد شد.

۴- وراثت زمین به انسآن هایی خواهد رسید که:

الف) بنده خداوند بوده و همه ی وجودشان را برای خداوند قرار داده باشند. (عِبادِی)

ب) صالح و شایسته بوده و لیاقت بهره برداری ازآن را دارا باشند. (الصّالِحون)

بحث روایتی:

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«وَ قَولُهُ ((وَ لَقَد کَتَبنا فِی الزّبورِ مِن بعدِ الذّکرِ)) قال: الکُتُب کُلُّها ذِکر و ((أنَّ الأرضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحون)) قال: القائمُ و أصحابُه»؛(۲) «مراد از کلمه ی ذکر در ((وَ لَقَد کَتَبنا فِی الزّبورِ مِن بعدِ الذّکرِ)) همه ی کتاب های پیامبران است و مراد از ((أنَّ الأرضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحون)) قائم و یاران او می باشد.»

از روایات بالا استفاده می شود که این وعده ی الهی در همه ی کتاب های آسمانی بیان شده است. با نگاهی کوتاه به زندگی و آرمآن های انسآن ها از آغاز تا کنون، به روشنی درمی یابیم که

۱- انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

۲- طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ذیل آیه.

یکی از بزرگ ترین آرزوها و خواسته های همه ی پیامبران و اولیا برپایی جامعه ی توحیدی و حکومتی بر پایه ی فرمآن های آسمانی و عدالت گستر الهی است. روشن است که این امید و آرزو زمانی محقق می گردد که حاکمی عادل، کاردان و توانا در رأس آن قرار گیرد. اینک ما در عصری هستیم که تنها و تنها این امید، از آخرین وجود نورانی خورشید هدایت و امامت انتظار می رود.

۴- وراثت و پیشوایی مستضعفان، خواست خدا

((وَ نُریدُ أن نَمُنَّ عَلَی الذّین استُضعِفوا فی الأرضِ وَ نَجعَلَهُم أئمهً وَ نَجعَلَهُمُ الوارثین))؛(۱) و اراده کردیم که بر کسانی که به مستضعف شده اند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و ایشان را وارث (زمین) کنیم.

این آیه مربوط به داستان حضرت موسی علیه السلام است خداوند می فرماید: «موسی علیه السلام در عصری به دنیا آمد و بزرگ شد که فرعون طغیان کرده و ادعای ربوبیت داشت. او بنی اسرائیل را به استضعاف کشانده و دستور قتل فرزندان آنان را داده بود و می خواست آن ها را نابود کند، در حالی که اراده خداوند چیز دیگری ب_ود. او می خواست بر آنان منّت گذارد و آنان را پیشوا قرار دهد تا پس از سال ها، پیشوا و وارث در زمین باشند، پس از آن که زمین در دست دیگران بود، و آنان را در زمین قدرت دهد و حکومت قوی و پا بر جا به آنان ارزانی دارد تا بتوانند از آن استفاده کنند.» هر چند ظاهر آیه بیان یک قسمت از حوادث روزگار قوم بنی اسرائیل است. ولی در این جا از فعل مضارع استفاده شده که دلالت به استمرار دارد و می گوید: «اراده ی دائمی و سنّت ما چنین است که مستضعفان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

نکته ها و پیام های آیه:

۱-این آیه مربوط به حکومت جهانی و انقلاب نورانی حضرت مهدی علیه السلام است.

۲- این آیه بشارتی است برای همه ی حق پرستان و عدالت خواهان که حکومت ظلم و جور دائمی نیست و در نهایت، پیروزی برای رنج دیدگان خواهد بود.

۱- قصص (۲۸)، ۵.

۳- خداونـد در این آیه، تعبیر «منّت» را آورده است و منّت بر دو نوع است: فعلی و قولی، منّت فعلی به معنی لطف عظیم اسـت و منّت قولی به معنی به رخ کشیدن نعمت است. در آیه ی شریفه مراد از منّت همان لطف عظیم است.

۴- با توجه به آیه ی ((لَقَـد منَّ اللهُ عَلی المؤمنینَ إذ بَعَثَ فیهِم رسولاً))؛(۱) همانا خداوند بر مؤمنان منّت نهاد که در میان آنان رسولانی برانگیخت. از کلمه ی «منَّ» در آیه می توان شـباهت هایی بین حکومت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم و امام زمان علیه السلام ذکر کرد.

امام علی علیه السلام درباره ی این آیه فرمودند:

«هُم آلُ محمّد یَبعَثُ اللهُ مهدیَهُم بَعدَ جَهدِهِم فَیَعِزِّهُم و یَذِلُّ عدوَّهُم»؛(۲) «این افراد خاندان پیامبرند که خداوند مهدی آنان را بعـد از فشـار و زحمـتی که بر آنـان وارد می شود، برمی انگیزد و به آنـان عزّت می دهـد و دشـمنان شـان را خوار و ذلیـل می سازد.»

ص:۷۴

۱- آل عمران (۳)، ۱۶۴.

۲- طوسی، غیبت، ص ۱۸۴.

پرسش

۱- جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در قرآن چگونه بیان شده است؟

۲- شیوه های قرآن کریم برای معرفی شخصیت ها چیست؟

۳- عوامل ظهور دین خداوند چیست؟

۴- با توجه به آیه ی ۵۵ سوره ی مبارکه ی نور، خداوند به مؤمنان صالح چه وعده هایی می دهد؟

۵- مراد خداوند از منت بر بندگان چیست؟

عرصه های پژوهش

۱- مجموع آیات تفسیری ازمباحث مهدویّت.

۲- مجموع آیات تأویلی از مباحث مهدویّت.

۳- با توجه به روایات ائمه ی اطهار علیهم السلام امام زمان علیه السلام در قرآن به چه صفاتی ملقّب شده اند.

۴- بررسی ویژگی های حکومت امام زمان علیه السلام در قرآن.

۵- بررسی ویژگی های یاوران امام زمان علیه السلام در قرآن.

۶- موضوع غیبت امام زمان علیه السلام در قرآن.

۷- رجعت در قرآن.

۸- جامعه ایده آل از منظر قرآن و مقایسه آن با حکومت امام مهدی علیه السلام .

۹- جایگاه قرآن در عصر ظهور.

۱۰- یوسف قرآن ویوسف زهرا علیها السلام.

ص:۷۵

معرفی منابع

۱- معجم الاحادیث الامام المهدی، ج ۵، زیر نظر استاد علی کورانی.

۲- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، سید جواد رضوی.

۳- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، صص ۱۱۳ _ ۱۲۲.

۴- مقاله آیت الله معرفت، گفتمان ۱ و ۲.

۵- سیمای مهدویّت در قرآن، محمد جواد مولوی نیا.

۶- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی.

۷- سیمای نورانی امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری، صص ۱۷ _ ۶۷.

۸- اختر فروزان یا کوکب درّی، محمد مدنی.

۹- موعود در قرآن، سید صادق حسینی شیرازی.

۱۰- اثبات مهدویّت از دیدگاه قرآن، علی صفایی کاشانی.

۱۱- پور نهان در افق قرآن، جعفر شیخ الاسلامی.

ص:۷۶

درس پنجم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات

اشاره

- ü کتاب های ویژه ی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ü تواتر احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ü امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پرتو احادیث
- ü عرصه های مشترک عامّه و خاصّه در موضوع مهدویّت

ص:۷۷

السلام علیک یا بابَ اللهِ وَ دَیّانَ دِینِه ...

حدیث, منبع مهم دین مبین اسلام است. به گونه ای که مادر تمام علوم اسلامی به شمار می آید و بدون مراجعه به احادیث، هیچ یک از معارف اسلام کامل نمی شود. در حوزه ی فقه, نقش اساسی با حدیث است. در علم کلام، تبیین جزییات با حدیث صورت می گیرد و حتی در تفسیر, بدون حدیث نمی توان معنای دقیق آیات را درک کرد. عقل فقط می تواند مسائل کلی را تبیین و اثبات کند، اما مسائل جزیی و تعیین مصداق و مورد، از عهده ی عقل خارج است و این نقل است که در این زمینه گره گشایی می کند.

در مسائل مربوط به امامت نیز حدیث نقش تعیین کننده ای دارد. در جوامع روایی، راویان مختلف بیش از شش هزار حدیث درباره ی مهدویّت روایت کرده اند. در واقع در بحث مهدویّت و موضوع امام مهدی علیه السلام نیز, احادیث، منبع اصلی هستند و برای نتیجه گیری در یک موضوع باید تمام احادیث مرتبط با آن موضوع بررسی شود و نباید به صرف دیدن یک روایت در یک موضوع، چنین نتیجه گرفت که نظر اسلام و روایات درباره ی آن مسأله همان است که در آن یک روایت آمده است. به ویژه در بعضی مباحث مربوط به مهدویّت, روایات بسیار گوناگون و متفاوتی نقل شده است که به بحث و بررسی سندی و نحوه ی جمع بندی و نتیجه گیری کلی نیاز دارد.

الف) کتاب های ویژه ی امام عصر علیه السلام

اشاره

با توجه به این که نوید ظهور حضرت مهدی علیه السلام را شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داده اند و از همان ابتدا نام «مهدی» بر سر زبان ها بوده، ده ها کتاب قبل از تولد ایشان در میان شیعه و غیر شیعه تدوین یافته و در طول این چند قرن نیز صدها کتاب به همّت علمای شیعه و اهل سنت نوشته شده است، که از آن میان به معرفی چند مورد از کتب علمای شیعه اکتفا می کنیم:

۱- كمالُ الدِّين و تمامُ النِّعمه

اثر محمّد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (ت ۳۰۵ ه(است که به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمد و این کتاب را به دستور آن حضرت نوشت(۱)، که از قدیمی ترین منابع روایی در این زمینه شمرده می شود.

۲- الغیبه

اثر ابو عبد الله، محمّد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی مشهور به ابن ابی زینب از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم است. این کتاب در سال ۳۴۲ در حلب نگارش یافته و ۴۷۸ حدیث دارد.

۳- الفُصُولُ العشره فی الغیبه

اثر ابو عبد الله محمّد بن محمّد بن نعمان معروف به شیخ مفید است. موضوع اصلی آن، پاسخ به مهم ترین شبهاتی است که درباره ی وجود مبارک امام زمان علیه السلام در دوران ایشان مطرح بوده است. نام های دیگر این کتاب الأجوبه عن المسائل العشره و المسائل العشره فی الغیبه است.

۴- أربع رسالات فی الغیبه

اثر شیخ مفید است. این کتاب به روش پرسش و پاسخ بوده و شامل مباحث غیبت، قیام و شبهات مربوط به امامت حضرت مهدی علیه السلام است.

۵- الغیبه للحُجَّه

تألیف شیخ طوسی است. و از بهترین، مهم ترین و کامل ترین منابع شیعه در مسأله ی غیبت امام زمان علیه السلام است. این کتاب شامل دلایل عقلی و نقلی وجود امام زمان علیه السلام ، غیبت، ظهور، علایم ظهور و فضایل و سیره ی امام مهدی علیه السلام می باشد. این کتاب چون در بغداد و با استفاده از دو کتابخانه ی بزرگ شیعه نوشته شده و مؤلف آن به بسیاری از اصول قدما دسترسی داشته است،

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، مقدمه مصنّف.

اهمیّت فراوانی دارد.

۶- المُعجمُ الأحادیث الامام المهدی علیه السلام

این مجموعه روایی نفیس و ارزشمند، با تلاش گروهی از محقّقان(۱) به انجام رسیده است. این گروه بر آن شدند تا در حدّ توان، روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را از کتاب های فریقین، جمع آوری کنند و در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان قرار دهند. حاصل این سعی و تلاش پسندیده، دوره ای پنج جلدی است که روایات را به ترتیب معصومین علیهم السلام از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا آخرین معصوم فرا روی خوانندگان قرار می دهد.

۷- بحارالانوار (جلدهای ۵۱، ۵۲، ۵۳)

اثر علّامه محمّد باقر مجلسی.

۸- منتخب الاثر

تألیف آیت الله لطف اله صافی گلپایگانی.

ب) تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام

از ویژگی ها و امتیازات بسیار مهم در یک موضوع روایی، تواتر احادیثی است که در مورد آن نقل شده است. متواتر بودن روایات آن موضوع، باعث می شود که توجه درست و خاصی به آن شود و مطالب و محتوای آن، مورد قبول واقع شده و علاوه بر اعتقاد به آن، در کارها و رفتار و برنامه ریزی ها به آن توجه گردد و به مفاد آن عمل شود. تواتر احادیث در موضوع مهدویّت، امری مورد قبول و مسلّم در نزد شیعه و عامّه است؛ یعنی، نه تنها شیعیان تواتر احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را پذیرفته اند؛ بلکه علمای عامه نیز بر این مهم اعتراف کرده اند. در این قسمت به ذکر نام برخی از علما و دانشمندان عامه که به این ویژگی اشاره کرده اند می پردازیم.(۲)

۱- محمّد بن حسین آبری شافعی (م ۳۶۳ ه)؛ وی در کتاب مناقب الشافعی چنین می گوید:

ص:۸۰

۱- اساتید معظم: علی کورانی و نجم الدین طبسی و....

۲- ر.ک. سید ثامر هاشم العمیدی،در انتظار ققنوس، صص ۷۶ - ۹۰.

«اخبار بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آمدن مهدی علیه السلام به دلیل کثرت مخبران و راویان به حد تواتر رسیده است.»(۱)

۲- محمّد رسول برزنجی (م ۱۱۰۳ ه)؛ وی تصریح می کند:

«احادیثی که بر وجود مهدی علیه السلام و قیام او و در آخر الزّمان و از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و فرزند فاطمه علیها السلام بودن وی دلالت دارند، به حد تواتر رسیده و جایی برای انکار آن ها وجود ندارد.»(۲)

۳- ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ ه)؛ وی بارها از اعتقاد مسلمان ها به ظهور امام مهدی علیه السلام دفاع کرده و به تواتر آن تصریح کرده است.(۳)

۴- قرطبی مالکی (م ۷۶۱ ه)؛(۴)

۵- ابن قیم (م ۷۵۱ ه)؛(۵)

۶- ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ه)؛

۷- سیوطی (م ۹۱۱ ه)؛(۶)

۸- شیخ محمّد بن علی صبان (م ۱۰۲۶ ه).(۷)

ج) امام مهدی علیه السلام در پرتو احادیث

اشاره

در این بخش به تبیین برخی روایات عام امامت می پردازیم و چگونگی دلالت آن را بر حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یکی از امامان معصوم علیهم السلام بررسی می کنیم.

۱- التذکره، ج ۱، ص ۷۰۱.

۲- برزنجی، الاشاعه الاشراط الساعه، ، ص ۸۷.

۳- ابن هجر هیثمی، الصواعق المحرقه، فصل ۱، ب ۱۱، صص ۱۶۲ – ۱۶۷.

۴- التذکره، ج ۱، ص ۷۰۱.

۵- ابن قیم، امنار امنیف، ص ۱۳۵.

۶- غماری، ابراز الوهم المکنون، ص ۴۳۶.

۷- صبان، اسعاف الراغبین، صص ۱۴۵ – ۱۵۲.

۱- حدیث «ثِقلَین»

«إنّی تـارِكٌ فِیكُمُ الثِّقلَینِ كتـابَ اللهِ و عِترَتی (أهل بیتی) ما إن تَمَسَّكتُم بِهِما لَن تَضِلُّوا أبـداً وَ لَن یَفتَرِقا حَتّی یَرِدا عَلَیَّ الحَوض ...»؛(۱) «من دو چیز گران بهـا را میـان شـما بـاقی می گـذارم، كتـاب خـدا و عترتم، (اهـل بیتم)؛ اگر به این دو تمسك جویید هرگز گمراه نخواهید شد و این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا بر سر حوض كوثر بر من وارد شوند. ...»

حدود ۳۴ تن از اصـحاب پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم این حدیث را نقل كرده اند و ۱۸۷ نفر از بزرگان اهل سنت (مانند مسـلم، تِرمِذی و احمد بن حنبل) در كتاب های خود آورده اند كه پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم این حدیث را در موقعیت های مختلف بیان كرده است.(۲)

بر اساس این حـدیث، پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم دسـتاورد رسالت خود را دو چیز گران مایه می داننـد: «كتاب خـدا» و «عترت آن حضـرت» كه از هم جدایی ناپذیر و عامل راه یابی و رسـتگاری انسان ها تا روز قیامت هستند. این حدیث شریف و زیبا حاوی نكات ارزشمندی است:

۱- همـان گونه كه كتـاب خـدا جاویـدان است و تا پایان عمر دنیا وجود دارد، یك نفر از اهل بیت نیز همیشه در كنار قرآن تا پایان عمر دنیا خواهد بود. این نكته از واژه ی «لن یفترقا» به خوبی روشن می شود. چنان كه ابن حجر در صواعق می گوید:

«احـادیثی كه مردمـان را به تمسـك به اهل بیت فرا می خوانـد، به این اشاره دارد كه از اهل بیت تا روز قیامت كسـی كه برای تمسك شایسـته است، همواره وجود دارد؛ چنان كه كتاب خـدا چنین است و از این رو آنان سـبب ایمنی و بقا برای اهل زمین هسـتند ... سزاوارترین از میان ایشان برای تمسك، امام و عالم آن ها علی بن ابیطالب است كه علم فراوان و استنباط های دقیق و موشـكافانه دارد، و به همین جهت ابوبكر گفته است: «علی علیه السـلام عترت رسول خـدا است»؛ یعنی، از كسـانی است كه پیامبر خواسته و ترغیب كرده مردمان به آنان تمسك جویند.»(۳)

۱- شیخ صدوق، كمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۲۶۵ – ۲۸۱.

۲- عبقات الانوار، ص ۸۲۴.

۳- ابن حجر، صواعق المحرقه، ص ۹۰.

۲- همچنان که قرآن حجّت بوده و بر مردم واجب است از آن پیروی کنند؛ همچنین باید از اهل بیت علیهم السلام نیز پیروی و اطاعت کنند. از این رو اهل بیت علیهم السـلام تنها کسانی اند که شایسـتگی دارند رهبری، امامت و سرپرستی امور مردم را به عهده گیرند. معنای دو ثقل اکبر و اصغر نیز این است.

۳- در قرآن هیچ خطا و اشـتباهی نیست و پیروان واقعی قرآن در هیچ زمانی دچار اشتباه نشده و دچار گمراهی و ضلالت نمی گردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، اهل بیت علیهم السلام را در کنار قرآن قرار داده و می فرماید:

«اگر به هر دو تمسک بجویید هرگز دچار گمراهی نمی شوید.»

از این فهمیده می شود که اهل بیت علیهم السـلام نیز هرگز دچار خطا نمی شوند (یعنی دارای ملکه ی عصمت بوده و معصوم می باشند)، زیرا اگر به خطا دچار شوند، حتماً دچار گمراهی و ضلالت می گردند.

۴- تنها اهل بیت علیهم السلام هستند که می توانند محتوای آیات و دقایق لطیف آن ها را به صورت درست و کامل در اختیار مردم قرار دهند؛ از این رو برای استفاده ی صحیح از قرآن باید از رهنمودها و هدایت های آنان بهره برد.

۵- قرآن دریـای بی کران معرفت است. اتصـال اهـل بیت علیهم السـلام به قرآن، نشـانه ی وسـعت علم و ژرفـای معرفت آنـان است.

بنابراین روشن شد که طبق حدیث معروف ثقلین، همیشه فردی از اهل بیت علیهم السلام باید در کنار قرآن وجود داشته باشد. بر اساس احادیث، حضـرت مهدی علیه السـلام فردی از «عترت»، «اهل بیت» و فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و یکی از دو شیء گران قدری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در «حدیث ثقلین» بدان سفارش کرده است.

۲- حدیث «مَن ماتَ»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«مَن مَـاتَ و لَم یعرِف إمـامَ زمَـانِه ماتَ میتهً جاهلیه»؛(۱) «هر کس بمیرد و امـام زمـان خـود را نشـناسد به مرگ جـاهلیت مرده است.»

ص:۸۳

۱- بخاری، صحیح، ج ۵، ص ۱۳ / مسلم، صحیح، ج ۶، صص ۲۱، ۲۲.

علامه مجلسی این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه در بحارالانوار آورده است.(۱) و علمای اهل سنت این حدیث را در بیش از هفتاد کتاب از منابع حدیثی خود آورده اند که بعضی از آن ها عبارت است از:

۱- سنن ابو داود؛

۲- مصنف حافظ عبدالرزاق بن همام صنعانی؛

۳- سنن سعید بن منصور خراسانی؛

۴- طبقات الکبری محمّد بن سعد کاتب واقدی؛

۵- مسند حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری؛

۶- مصنف ابن شیبه؛

۷- صحیح بخاری؛

۸- صحیح مسلم و ... .(۲)

بر اساس این روایت امامی که نشناختن او مرگ جاهلی و سرپیچی از دستوراتش جهنم را در پی دارد، امام واجد شرایط و دعوت کننده به امر الهی است، نه امام کفر صفت و دعوت کننده به آتش و آلوده به انواع فسق و فجور. در نتیجه چنین امامی قبل از هر چیز باید:

اولاً: دارای بالاترین مقام علمی و شایستگی همه جانبه ای باشد که بتواند در قلمروی وسیع و پهناور، امامت و رهبری اسلامی را بر عهده گیرد تا مسلمانان در صورت شناخت او و پیروی از دستوراتش، از جهل رهایی یابند.

ثانیاً: از پاکی همه جانبه و مصونیت از هوی و خطا، برخوردار باشد تا نه تنها خود دچار کج روی های عقیدتی، علمی و عملی نگردد؛ بلکه گروه ها و افراد را نیز به حق رهنمون شود. چنین امامی است که شناخت یا عدم شناخت او، سرنوشت ساز است و بهشت یا جهنم را برای آدمی رقم می زند.

با دقت در حدیث «مَن ماتَ ...» و آن چه گفته شد نکات زیر به دست می آید:

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، صص ۷۶ – ۹۵.

۲- فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی علیه السلام ، صص ۳۰ – ۴۰.

۱- ضرورت اصل امامت و رهبری واجد شرایط در نظام عقیدتی اسلام؛

۲- ضرورت استمرار امامت و وجود امام در هر زمانی؛

۳- تعداد امام بر حسب زمان مختلف است، نه بر حسب کشورها و نژادها؛

۴- نشناختن امام زمان در هر عصری، انسان را به مرگ جاهلیت می میراند؛

۵- با توجه به قطعی بودن حدیث، تنها شیعه ی دوازده امامی در پرتو عقیده ی راستین به امامت ائمه ی اثنی عشر _ که آخرین آن ها حضرت مهدی موعود علیه السلام است _ مصداق بی چون و چرای این حدیث است (شرایطی که امام باید داشته باشد، تنها در امامان دوازده گانه یافت می شود)؛

۶- بر اساس این حدیث و احادیث دیگر درباره ی تعداد خلفا، شکی نیست که دوازدهمین امام و خلیفه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت مهدی موعود علیه السلام است.(۱)

۳- حدیث «إثنی عَشَر خلیفه»

جابر بن سمره می گوید:

«سَمِعتُ رسُول الله یقُولُ: لایزالُ الإسلام عزیزاً إلی إثنی عَشر خَلیفه ثُمَّ قال کَلمهً لم أسمعها فقلت لأبی: ما قال؟ فقال: کُلُّهم مِن قُریش»؛(۲) «پیامبر گرامی در دوران حیات خود تصریح فرمود: پس از ایشان دوازده نفر به خلافت خواهند رسید که همگی از قریش اند و عزّت اسلام در سایه ی خلافت آنان خواهد بود. سپس کلمه ای فرمود که من نشنیدم، پس به پدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت: همه ی آنان از قریش هستند.»

این حدیث را شیعه و سنی(۳) در کتاب های حدیثی خود نقل کرده اند و همگی صدور آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبول دارند. بنابراین مهم آن است که بدانیم این دوازده خلیفه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی اند.

۱- فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی علیه السلام ، صص ۷۸ – ۸۰.

۲- مسلم، صحیح، ج ۶، ص ۱۰۲.

۳- بخاری، صحیح، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۷۹ / مسلم، صحیح ، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۵ / طوسی، غیبت، ص ۸۸ / نعمانی، غیبت، ص ۷۵.

از دو طریق می توان به مراد آن حضرت پی برد که یکی مراجعه به روایات و دیگری بررسی تاریخی است.

بنابراین با استناد به روایات معتبر و شواهد تاریخی صحیح، مجموع اخباری که با عنوان «اثنی عشر خلیفه» و تعابیر همانند آن آمده، نشانگر این است که:

۱- وجود امامان دوازده تن است.

۲- امامت آنان تا پایان دنیا مستمر است؛ (با توجه به جمله ی «لایزالُ الإسلام»).

۳- همگی آنان از قریش هستند.

پس آن ثقل همدوش قرآن که باید به آن تمسک نمود و خلیفه ای که در پرتو امامت او، اسلام عزیز می گردد و نشناختن او باعث خروج از اسلام می شود، همان حضرت مهدی علیه السلام است.

د) عرصه های مشترک عامه و خاصه در موضوع مهدویّت

۱- اصل قضیه ی مهدویّت

یکی از موارد اتفاقی بین شیعه و اهل سنّت در قضیه ی مهدویّت، اتفاق بر اصل آن است. امت اسلامی ــ به غیر از گروهی اندك از غربزدگان و روشنفکر نمایان مانند احمد امین مصری ــ بر این مسأله اتّفاق دارند که در آخر الزّمان شخصی به نام مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

علت اصلی تأکید بر این اعتقاد، وجود تعداد بسیار و در حد تواتر روایات، درباره ی این قضیه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. معلوم است که هر قضیه ای که به حد «تواتر» برسد، از دایره ی شک و تردید خارج شده و انسان را به یقین می رساند. شهید صدر (ره) در این باره می گوید:

«به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظَر برای تغییر جهان به عالمی بهتر، در احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام آمده است. تنها از طرق برادران اهل سنت حدود چهارصد روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی حضرت مهدی علیه السلام شمارش شده است. این رقم بزرگی است که در بسیاری از قضایای اسلامی نظیری برای آن وجود ندارد.»(۱)

حافظ ابن حجر عسقلانی نیز می گوید:

۱- بحوث حول المهدی، ص ۶۲ و ۶۳.

«تواتر الاخبار بانَّ المهدی مِنْ هَذِهِ الاُمَّه»؛(۱) «اخبار در حد تواتر دلالت دارد بر این که مهدی علیه السلام از این امت (اسلام) است.»

۲- وجوب اعتقاد به امر ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام

جابر بن عبد الله از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«مَن اَن_کَرَ خُرُوج المهدی علیه السلام فقد کَفَرَ بِما أنزَلَ عَلی محمّد صلی الله علیه و آله و سلم »؛(۲) «کسی که منکر خروج مهدی علیه السلام است به آن چه بر محمّد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، کافر گردیده است.»

در میان اهل سنت، احمد بن محمّد بن صدیق در این باره می گوید:

«الإیمان بِخُروجِه واجب و اعتقاد ظهوره تصدیقاً لخبر الرسول مُحتم»؛(۳) «ایمان به خروج مهدی علیه السلام واجب و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق خبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حتمی و ثابت است.»

۳- جهانی بودن دعوت و حکومت امام مهدی علیه السلام

حاکم نیشابوری از ابو سعید خدری در این باره نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«تملأ الأرضَ جوراً و ظلماً فیَخرُجُ رَجُلٌ مِن عِترتی یَملِکُ الأرضَ سبعاً أو تِسعاً فَیملَ_أُ الأرضَ قِسطاً وَ عَدلاً»؛(۴) «زمین از ستم و ظلم پر می شود. در این هنگام شخصی از عترتم خروج کرده، مدت هفت یا نه سال مالک کل زمین خواهد شد و در این هنگام زمین را پر از عدل و داد می کند.»

۴- نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به امام زمان علیه السلام

روایات اسلامی بر این امر اتفاق دارند که هنگام خروج امام مهدی علیه السلام ، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید و در نماز به آن امام اقتدا می کند.

۱- فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲.

۲- الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۳.

۳- ابراز الوهم المکنون، صص ۴۳۳ – ۴۳۶.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۵۵۸.

ابو هریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«کیف انتم ابنَ مریمَ فیکم و إمامُکم مِنکم»؛(۱) «چگونه اید زمانی که فرزند مریم فرود می آید، در حالی که امام شما فردی از خودتان است؟

ابوبصیر نیز گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«و یَنــزِل روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فَـیُصَلّی خَلفَه ...»؛(۲) «نازل می شود روح الله عیسی بن مریم علیه السلام ، پس نماز می خواند پشت سر او (امام زمان علیه السلام).»

۵- اتّفاق بر لقب مهدی علیه السلام

یکی دیگر از اموری که مسلمانان درباره ی امام مهدی علیه السلام بر آن اتفاق دارند، لقب شریفی است که به آن وجود مقدس اطلاق شده و آن «مهدی» است.

از ابو سعید خراسانی نقل شده است:

«قُلتُ لِأبی عبدالله علیه السلام : المهدی و القائم واحد؟ فقال: نعم. فَـقُلتُ: لأیِّ شَیءٍ سُمّی المهدی؟ قال: لأنه یهدی الی کُلِّ أمرٍ خَفیّ»؛(۳) «به امام صادق علیه السلام گفتم: مهدی و قائم یک نفر است؟ فرمود: آری. پس پرسیدم: چرا او را مهدی نامیدند؟ فرمود: چون هدایت می شود به هر امر مخفی.»

۶- امام مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه این است که حضرت مهدی علیها سلام از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

اُمّ سلمه در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

۱- بخاری، صحیح ، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام انعمه، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳- طوسی، غیبت، ص ۴۷۱.

«المهديُّ مِن عِترتی مِن وُلدِ فاطمه»؛(۱) «مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه علیهاالسلام است.»

۷- امداد الهی

از جمله اموری که نزد فریقین درباره ی وجود مقدس امام مهدی علیه السلام مشترک است، مسأله ی امدادهای خاص الهی است. این امدادها به صورت های گوناگون در احادیث به تصویر کشیده شده اند که به یکی از آن ها اشاره می شود. ابوهریره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«لاتَقومُ السّاعه حَتی تُقاتِلوا الیَهُود حَتی یَقُولُ الحجر وَراءه الیَهودِی یا مُسلم هـذا یَهودِی وَرائی فاقِ_تله»؛(۲) «ساعت بر پا نمی شود تا این که با یهود جنگ و مقاتله خواهد شد. حتی سنگی که در پشت او یهودی مخفی شده، می گوید: ای مسلمان! پشت من یک یهودی است او را بکش.»

۸- خسف بیداء به عنوان یکی از علایم ظهور

از دیگر امور اتفاقی در مورد امام مهدی علیه السلام بیان علایم ظهور است. عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است:

«یغزو جیشُ الکعبهَ فاذا کانوا ببیداء من الأرض یخسف بأوّلهم و آخِرِهم»؛(۳) «لشکری آهنگ کعبه می کنند، پس هنگامی به زمین بیدا در آمدند، [زمین] همه ی آن ها را فرو می برد.»

همچنین در این باره جابر گوید که امام باقر علیه السلام فرمودند:

«فَین_زلُ أمیر جَیش السِّفیانی البیداء فینادی مناد مِن السّـِماء یا بیداء أبیدی القوم فیسخف بهم ...»؛(۴) «پس فرود می آید امیر لشکر سفیانی [همراه با لشکرش] به [زمین] بیداء،

۱- طوسی، غیبت، ص ۱۸۵ / ابی داوود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۷.

۲- بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۰۷۰.

۳- بخاری، صحیح ، ج ۲، ص ۷۴۶، ح ۲۰۱۲.

۴- نعمانی، غیبت ، ص ۲۷۹.

پس منادی از آسمان ندا می دهد: ای [زمین] بیداء! نابود کن قوم (لشگر) را. پس آن ها را در خود فرو می برد.»

۹- مشخصات ظاهری امام علیه السلام

با توجه به این که امام مهدی علیه السلام پس از غیبتی ظهور خواهد کرد و مردم ایشان را قبلاً نمی شناسند، لذا در روایات به مشخصات ظاهری آن بزرگوار اشاره شده است و فریقین این گونه روایات را در کتاب های روایی خود ذکر کرده اند.

ابو سعید خدری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«المهدی منی أجلی الجبهه أقنی الأنف یملأ الأرض قِسطاً و عدلاً کما مُلِئَت جوراً و ظُلماً»؛(۱) «مهدی علیه السلام از من است، پیشانی او آشکار و هویداست، بینی بلند و کشیده دارد. زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.»

۱۰- فراوانی نعمت در زمان امام علیه السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه، ویژگی دوران ظهور و خیر و برکت فراوان و نعمت های بی پایان الهی است که در اختیار مردمان زمان او قرار می گیرد.

ابو سعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«یَکُونُ فِی أُمّتیَ المَهدِی إن قَصر فَسبع و ألا فَتسع فَتنعِم فِیه أُمّتی نِعمه لَم یَنعَمُوا مِثلها قَط ... وَ المال یَومَئِذ کَدوس فَیقومُ الرَّجل فَیَقُول یا مَهدِی أعطنی فَیَقُول خُذ»؛(۲) «در امت من مهدی علیه السلام ، اگر مدت او کوتاه باشد هفت سال و گرنه نه سال حکومت می کند پس متنعم می شوند در زمان او امت من به نعمت هایی که هرگز مثل آن متنعم نشده بودند ... و مال در این هنگام نزد او متراکم و جمع است. پس مردی برمی خیزد و می گوید: ای مهدی! عطا کن. پس می گوید: بگیر.»

۱- ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۷.

۲- ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۶.

۱۱- بیعت بین رکن و مقام

یکی دیگر از ویژگی های امام مهدی علیه السلام ، مکان بیعت ایشان (کنار خانه ی کعبه) است. این ویژگی در کتاب های عامه و شیعه ذکر شده است.

احمد حنبل در روایتی از وجود مقدّس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«یَبایِعُ لرجل ما بَینَ الرکن و المقام»؛(۱) «با مردی بین رکن و مقام بیعت می کنند.»

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

«یَبایِعُ القائم بَینَ الرکن و المقام ثلاثمائه و نیف عده اهل بدر ... .»؛(۲) «بیعت می کند با قائم بین رکن و مقام سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر ... .»

۱۲- عدالت فراگیر

از ویژگی بارز امام مهدی علیه السلام حکومت عدالت گستر ایشان است. فراگیری عدل و داد در بسیاری از روایات مربوط به حضرت بیان شده است. ابو سعید خدری در ضمن روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«المَهدِیُ مِنّی ... یَملأ الأرض قِسطاً وَ عَدلاً کَما مُلِئَت جوراً و ظلماً»؛(۳) «مهدی علیه السلام از من است ... زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.»

۱۳- هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی دیگر از مواردی که عامه و خاصه درباره ی امام زمان علیه السلام در آن اشتراک نظر دارند، نام مبارک آن حضرت است. عبد الله از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«لاتذهب أو لاتَنقَضی الدُّنیا حَتی یملك العرب رَجل مِن أهل بیتی یُواطیءِ إسمه إِسمی»؛(۴) «دنیا به پایان نمی رسد تا این که مردی از اهل بیتم _ که هم نام من است _ بر عرب حاکم می شود.»

۱- احمد، مسند، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۷۸۹۷.

۲- طوسی، غیبت، ص ۴۷۶.

۳- ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۷.

۴- ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۴۲۸۲.

امام صادق علیه السلام از جدّ بزرگوارشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند که:

«القائم مِنْ وُلدی اسمُهُ اسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سُنَّتُه سُنَّتِی ...»؛(۱) «قائم از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه ی او کنیه ی من است، و شمایل و خصوصیات او شمایل من و سنت و روش او، سنت من است.»

همان گونه که گذشت دو مذهب شیعه و سنی، در محورهای مختلفی درباره ی مهدویّت اشتراک نظر دارند؛ با این وجود اعتقاد گروهی از اهل سنت درباره ی مهدویّت از نوع «مهدی نوعی» است، یعنی او فردی است که در آخرالزّمان متولد خواهد شد و پس از آن قیام خواهد کرد و جهان را از عدل و داد پر خواهد ساخت. در حالی که اعتقاد شیعه به مهدویّت از نوع «مهدی شخصی» است. به این معنا که حضرتش فردی معین, زنده و شناخته شده از نظر تبار و خاندان و شخص است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۶.

پرسش

۱- تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام را شرح دهید؟

۲- چگونه می توان از حدیث ثقلین وجود امام زمان علیه السلام را اثبات کرد؟

۳- بر اساس حدیث «من مات» ویژگی امامی که انسان را از مرگ جاهلیت می رهاند، چیست؟

۴- نکات حدیث«اثنی عشر خلیفه» را بیان کنید؟

۵- روایات مشترک بین شیعه و سنی در مورد موضوع مهدویّت را نام برید؟ (علاوه بر روایاتی که در متن آورده شده اند)

عرصه های پژوهش

۱- بررسی احادیث مهدوی از حیث سندی ومحتوایی.

۲- بررسی روایات اختلافی بین شیعه وسنی.

۳- تدوین وتحلیل موضوعی روایات.

۴- بررسی صحت احادیث مهدوی از لحاظ سندی و محتوایی.

۵- بررسی روایات اختلافی بین شیعه و اهل سنت.

۶- روایات عام امامت (مشترک بین شیعه و سنی).

۷- روایات خاص امام مهدی علیه السلام (مشترک بین فریقین).

ص:۹۳

معرفی منابع

۱- غیبت نعمانی.

۲- غیبت طوسی.

۳- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱ و ۲.

۴- اصول کافی، ج ۱، باب الحجه.

۵- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، (دفاع از روایات مهدویّت)، مهدی حسینیان قمی، ص ۲۲۷.

۶- فصل نامه ی انتظار، ش ۶، (مهدی در روایات)، سید علی حسینی میلانی، ترجمه ی بهروز محمّدی, ص ۱۱۱.

۷- منتخب الأثر، آیت الله صافی گلپایگانی.

۸- در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه ی مهدی علیزاده، صص ۹۲-۱۸۸.

۹- معجم الأحادیث الامام المهدی علیه السلام .

۱۰- امام مهدی علیه السلام در حدیث ثقلین، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف .

ص:۹۴

درس ششم: موعود در ادیان

اشاره

ü موعود در آیین یهود

ü موعود در آیین مسیحیت

ü موعود در آیین زرتشت

ü موعود در آیین هندو

ü موعود در آیین بودا

ü ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی

ü اسامی مقدّس منجی موعود در کتب مذهبی اهل ادیان

ص:۹۵

السلام علَی المهدیّ ألّذِی وَعَدَ الله عزّوجل بِهِ الأمَم

فتوریسم (futurism) یعنی اعتقـاد به آخرالزّمـان و انتظـار ظهور منجی و مصـلح جهـانی، عقیـده ای است که در کیش های آسمانی یهودیت، مسیحیت، زردشتی و به طور کلی همه ی ادیان، به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته شده است.

آری، اعتقاد به آمـدن شخصـی نجات بخش در پایان دنیا، موضوعی است که بیشتر ملّت ها و اقوام و قبایل به آن معتقد بوده و هسـتند. سرچشـمه ی این بـاور کهن علاوه بر اشتیاق درونی و میل باطنی انسان، نویـد های بسـیار زیاد پیامبران الهی در طول تاریخ به مردم مؤمن و آزادی خواه جهـان است. ایشان به عنوان جزیی از رسالت خویش به مردم وعـده داده انـد که در پایان روزگار، مصـلح بزرگ جهانی ظهور می کنـد و مردمان جهان را ازسـتم سـتمگران نجات داده، فساد و بی عـدالتی را از جهان ریشه کن و سراسر جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

این نویـد خوش را نه تنها در کتاب هاییماننـد تورات، انجیل، زند و پازند و جاماسب نامه که از کتاب های مقدّس زرتشتیان هستند، می توان پیدا کرد، بلکه در کتاب های مقدّس براهمه و بوداییان نیز کم و بیش دیده می شود.

اصولاً عشق به صـلح و عـدالت در فطرت هر کسـی وجود دارد. همه از صـلح و عـدالت لذت می برند و با تمام وجود خواهان جهانی مملو از صلح و عدالت هستند، منجی موعود نیز با آمدن خود این دو را در جهان گسترش می دهد.

بنـابراین، این حقیقت به خوبی روشن و مسـلم است که همه ی اقوام گوناگون جهان با آن همه اختلاف عقیـده و انـدیشه های متضادی که با هم دارند، در انتظار مصـلح موعود جهانی به سـر می برند. البته هر ملتی او را با لقبی مخصوص می شناسد و آن را نجات دهنده ی غیبی خودش می داند؛ مثلاً مسـلمانان او را از دودمان بنی هاشم فرزند پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم می شمارند، که در

ص:۹۶

اسلام به طور کامل معرفی شده اند، زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می دانند و یهودیان، از بنی اسراییل و پیروان موسی می شمرند، عیسویان او را هم کیش خودشان می دانند.

اینک به معرفی آن نجات دهنده ی جهانی در برخی از ادیان بزرگ به غیر از دین اسلام، می پردازیم:

۱- موعود در آیین یهود

پیامبر دین یهود ــ یا بنی اسراییل ــ حضرت موسی علیه السلام می باشد. یهود یکی از سه دین بزرگ توحیدی جهان است و اسم خاص خداوند در این دین «یَهوَه» می باشد.(۱)

عهد عتیق نامی است که مسیحیان در مقابل عهد جدید خود به کتاب یهودیان داده اند که البته به هر دو عقیده دارند. عهد عتیق ۳۹ کتاب دارد و از نظر موضوع به سه بخش تقسیم می شود:

۱- تورات و بخش تاریخی عهد عتیق؛

۲- حکمت، مناجات و شعر مانند کتاب ایوب و کتاب مزامیر؛

۳- پیش گویی های انبیا مانند کتاب یونس، کتاب زکریا و کتاب حَبَ_قوق؛

کتاب مقدّس یهودیان یعنی تورات در آغاز عهد عتیق قرار دارد و هر بخش آن به نام «سفر» و هر سفر به چند باب و آیاتی چند تقسیم شده است، و تفسیری که علمای یهود بر آن نوشته اند «تلمود» نام دارد.

یهودیان پس از نخستین ویرانی شهر قدس، همواره در انتظار یک رهبر الهی فاتح بوده اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داوود و سلیمان برگرداند.

آنان معتقدند نجات دهنده ی آخرالزّمان، مسیح (ماشِیَح) به معنای مسح شده ی خداوند است که جهان مطلوب و درخشان آینده را می سازد.

به اعتقاد همه ی یهودیان، نجات دهنده (مسیح) انسانی است همانند دیگران؛ اما برخوردار از جلوه و جبروت خدایی. او جهان را با نور خویش که جلوه ای از نور خداست روشن خواهد کرد.

۱- ادیان زنده ی جهان، ص ۲۴۵.

در زبور داوود که تحت عنوان مزامیر در عهـد عتیق آمـده، تقریبـاً در هر بخش از آن، اشـاره به ظهور منجی آخرالزّمان و نوید پیروزی صالحان بر شـریران، و بالأخره تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب گوناگون به دینی واحد و جهان شمول دیده می شود:

«زیرا که شـریران منقطع خواهنـد شـد و اما منتظران خداونـد، وارث زمین خواهنـد شد. هان بعد از اندك زمانی شـریر نخواهد بود، در مکـانش تأمـل خواهی کرد و اما حلیمان وارث زمین خواهنـد شـد ... زیرا که بازوان شـریر شکسـته خواهـد شـد. و اما صالحان را خداوند تأیید می کند. خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث آن ها خواهد بود، تا ابدالاباد.»(۱)

دورنمـایی از جهـان نوین و ظهور مسـیحا که در آثار نویسـندگان یهودی آمـده است، بیان کننـده ی این معناست که خـداوند متعال در آخرالزّمان جهان را دگرگون خواهد فرمود و صالحان و ابرار از ظالمان و اشـرار جدا خواهند شد و این روزگار پر از ظلم و جور به پایان خواهـد رسید. هر چند این پیروزی در آثار یهود به رهبری مسیح با القابی مانند «فرشـته ی منتخب داوود» حاصل می گردد.(۲)

در کتاب حبقوق نبی نیز از دیگر بخش های مجموعه ی عهد عتیق آمده است:

«اگر چه تـأخیر نمایـد، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهـد آمـد و درنگ نخواهـد کرد ... بلکه جمیع امّت ها را نزد خود جمع می کند و تمامی قوم ها را برای خویشتن فراهم می آورد.»(۳)

شـور و التهـاب انتظـار موعـود در تاریـخ پر نشـیب و فراز یهودیت موج می زنـد. یهودیـان در طول تاریـخ، هر گونه خواری و شکنجـه را بـه ایـن امیـد بر خـود همـوار کرده انـد کـه روزی مسـیحا بیایـد و آنـان را از گرداب ذلـت و درد و رنـج برهانـد و فرمانروای جهان گرداند. در عصـر ما هم که یهودیان صـهیونیست به پا خاسته و با اشغال فلسطین، در صدد برآمده اند حقارت همیشـگی قوم یهود را برافکننـد، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسـته نشده است. درست است که اقلیتی ناچیز از یهودیان بر اثر دلبسـتگی شدید به امیدهای قدیم، تشـکیل دولتی صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی شمرده و پیوسته با آن مخالفت کرده اند، ولی اکثر یهودیان آن را با جان و دل پذیرفته و آن را ره گشای عصـر مسـیحا دانسته اند. هم اکنون صهیونیست های اشغال گر فلسطین،

۱- مزامیر، مزمور ۳۷، آیه های ۹-۱۸، به نقل از محمد خادمی شیرازی، یاد مهدی علیه السلام ، ص۴۶.

۲- تاریخ ادیان، ترجمه ی علی اصغر حکمت، ص۳۶۵.

۳- حبقوق نبی، فصل ۲، آیه های ۳-۵، به نقل از علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، ص۱۲۲.

علاوه بر دعاهای مسیحایی روزانه، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسراییل غاصبی، پس از دمیدن در شیپور عبادت، این گونه دعا می کنند:

«اراده ی خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد.»(۱)

۲- موعود در آیین مسیحیّت

پیامبر دین مسیحیّت حضرت عیسی علیه السلام با تولدی معجزه آسا پا به جهان گذارد.(۲) با آن که مسیحیّت مثل سایر ادیان زنده ی جهان از آسیا نشأت گرفت، اما از جهت گسترش تاریخی و دایره ی نفوذ، این دین به طور عمده، در مغرب زمین شیوع یافت.

کتاب مقدّس مسیحیان دو بخش دارد: عهد جدید و عهد عتیق. علت این نامگذاری آن است که مسیحیان معتقدند خدا با انسان دو پیمان بسته است: یکی پیمان کهن، به وسیله ی پیامبران پیش از عیسی مسیح، و دیگری پیمان نو، توسط خدای متجلی یعنی عیسی مسیح.

مجموع کتاب های عهد عتیق و عهد جدید ۶۶ کتاب است، که ۳۹ کتاب آن، همان عهد عتیق و ۲۷ کتاب از آن عهد جدید می باشد.

عهد جدید از نظر موضوع به چهار بخش تقسیم می شود:

۱- اناجیل؛

۲- اعمال رسولان، نوشته ی لوقا؛

۳- نامه های رسولان که مشتمل بر ۲۱ نامه است؛

۴- مکاشفه ی یوحنّای رسول.

کلمه ی «انجیل» در زبان یونانی به معنای مژده است: مژده به فرا رسیدن ملکوت آسمان یا پیمان تازه. گروه زیادی از یاران و پیروان حضرت عیسی علیه السلام به نوشتن سیره ی آن حضرت اقدام کردند و نوشته هایی به وجود آوردند که بعداً انجیل خوانده شد و اندک اندک چهار انجیل از آن ها رسمیت یافت. انجیل های کنونی که به نام نویسنده های آن ها معروفند، عبارتند از:

۱- حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۰۲.

۲- مریم (۱۹)، ۱۶ – ۳۴.

۱- انجیل متّی (سیره و مواعظ مسیح با اشاره به پیش گویی های عهد عتیق)؛

۲- انجیل مُرقس (قدیم ترین و کوتاه ترین کتاب سیره و مواعظ مسیح)؛

۳- انجیل لوقا (سیره و مواعظ مسیح با تکیه بر جزئیات)؛

۴- انجیل یوحنّا (متأخرترین کتاب سیره و مواعظ مسیح با تأکید بر مافوق بشر بودن او).

بنابر اعتقاد مسیحیان، آخرین نجات دهنده و تسلی دهنده همان عیسی مسیح است که بار دیگر زنده خواهد شد و جهان سراسر فساد و تباهی را نجات خواهد داد:

«لیکن شنیده و دانسته ایم که این مرد به راستی مسیح است و خلاص کننده ی عالم.»(۱)

و در رساله ی چهاردهم از نامه های رسولان که به عبرانیان (یهودیان) بوده است چنین آمده:

«همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر او می باشند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات.»(۲)

ذکر این نکته در این جا لازم است که در عهد جدید وعده ی آمدن شخصی به جز عیسی مسیح نیز داده شده است. وی تسلی دهنده ی دیگری است که مسیح از خدا (پدر) برای امتش درخواست می کند و خدا او را اعطا می کند تا همیشه با ایشان باشد. جهان او را نمی بیند و نمی شناسد، ولی آنان که به مسیح ایمان دارند، وی را باز می شناسند:

«و من از پدر سؤال می کنم و تسلی دهنده ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما باشد؛ یعنی روح راستی که جهان نمی تواند او را قبول کند. زیرا که او را نمی بیند و نمی شناسد؛ اما شما او را می شناسید، زیرا که با شما می ماند و در میان شما خواهد بود.»(۳)

بیشتر نویدهای انجیل به تعبیر «پسر انسان» است، این تعبیر طبق نوشته ی مستر هاکس آمریکایی بیش از ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام قابل تطبیق است و ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر الزّمان

ص:۱۰۰

۱- انجیل یوحنّا، فصل ۸، ص ۲۵۳، به نقل از عزیز الله حیدری، مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، ص ۶۷

۲- رساله به عبرانیان، فصل ۹، آیه ی ۲۸، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۵.

۳- انجیل یوحنّا، فصل ۱۴، آیه ی ۱۷، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۵.

ظهور خواهد کرد، حضرت عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و از ساعت و روز ظهور او جز خدا کسی اطلاع ندارد.(۱)

در بشارات انجیل برای زمان ظهور حضرت مسیح علیه السلام تاریخ مشخصی نمی یابیم، و از این جهت شباهت دقیقی با اعتقاد مسلمانان درباره ی زمان ظهور وجود دارد:

«اما از آن روز و آن ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس برحذر باشید و بیدار شده دعا کنید زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود.»(۲)

و در جایی دیگر آمده است که:

«کمرهای خود را بسته، چراغ های خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد ... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید.»(۳)

۳- موعود در آیین زرتشت

دین زرتشت، دین غالب ایرانیان ــ تا قبل از ظهور اسلام ــ بوده است و هنوز پیروانی در ایران و هند دارد. زرتشت پیامبر این مذهب حدود ۶۶۰ سال قبل از میلاد، متولد شده است.(۴)

کتاب زرتشتیان اوستا نام دارد که به معنای اساس و بنیان است. اوستای کنونی پنج بخش دارد:(۵)

۱- یَسنا (= جشن و پرستش): قسمتی از این بخش گاتها نامیده می شود (به معنای سرود). این بخش که مشتمل برادعیه و معارف دینی است، معروف ترین قسمت اوستاست و به خود زرتشت نسبت داده شده است، در حالی که سایر قسمت های اوستا را به پیشوایان دین زرتشت نسبت می دهند؛

۱- قاموس کتاب مقدس، ص ۲۱۹، به نقل از محمّد خادمی شیرازی، یاد مهدی علیه السلام ، ص ۵۲.
۲- انجیل مرقس، فصل ۱۳، آیه های ۲۶-۳۳، به نقل از محمّ خادمی شیرازی، یاد مهدی علیه السلام ، ص ۴۸.
۳- انجیل لوقا، فصل ۱۲، آیه های ۳۵ و ۳۶، به نقل از علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۱۲۵.
۴- تاریخ ادیان، ص ۳۰۲.
۵- حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۶۴.

۲- ویسپرِد (= همه ی سروران): مشتمل بر نیایش؛

۳- وِندیداد (= قانون ضد دیو): درباره ی حلال و حرام و نجس و پاک؛

۴- یَشتها (= نیایش، سرود و تسبیح)؛

۵- خرده اوستا (= اوستای کوچک): درباره ی اعیاد و مراسم مذهبی و تعیین سرودهای آن ها.

زرتشتیان، علاوه بر اوستا، تفسیری به نام زَند اوستا و کتب مقدّس دیگری به زبان پهلوی دارند. در این دین، یک قدرت کیهانی به نام «اهورا مزدا» مشخص است و در مقابل وی، یک قدرت کیهانی متضاد به نام «اهریمن» یا روح بزرگ شرّ، خودنمایی می کند. این مطلب نشان دهنده ی دوری مذهب زرتشت از توحید است.(۱)

در آیین زرتشت سه اصل عملی گفتار نیک، پندار نیک، کردار نیک وجود دارد و احترام به آتش به عنوان یکی از مظاهر خدای روشنایی و افروخته نگه داشتن آن در معابدی به نام آتشکده، مشخص ترین ویژگی این آیین است.

بر خلاف دیگر ادیان، که معمولاً منتظر یک موعود نجات بخش اند، زرتشتیان منتظر سه موعود هستند که هر یک از آن ها به فاصله ی هزار سال از دیگری ظهور خواهد کرد. این منجیان یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد:(۲)

۱- هوشیدَر، ۱۰۰۰ سال پس از زرتشت؛

۲- هوشیدَر ماه، ۲۰۰۰ سال پس از زرتشت؛

۳- سوشیانس (یا سوشیانت)، ۳۰۰۰ سال پس از زرتشت که با ظهور او جهان پایان می یابد. سوشیانس از ریشه ی «سو، su، sav» به معنای سودمند است و در اوستا به معنای رها شده یا نجات دهنده ذکر شده است: «از این جهت سوشیانس نامیده خواهد شد زیرا که سراسر جهان مادی را سود خواهد داد.»(۳)

زرتشتیان در مورد چگونگی تولد سوشیانت بر این عقیده اند که:

ص:۱۰۲

۱- ادیان زنده ی جهان، ص ۳۶۹.

۲- حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۶۶.

۳- بخشی از بند ۱۲۹ فروردین یشت، به نقل از عزیز الله حیدری، مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، ص ۶۲.

«در آخرین هزاره از عمر جهان، از خاندان بهروز خدا پرست و پرهیزگار، آخرین آفریده ی اهورا مزدا، متولد می شود. در سی سالگی امانت رسالت به وی واگذار شده و به واسطه ی نشانه ی متوقف شدن خورشید در وسط آسمان، ظهور او به عالمیان بشارت داده خواهد شد. از ظهور وی، اهریمن و دیو دروغ، نیست و نابود گردد. یاران آن موعود که از جاودانان هستند، قیام می کنند و همراه وی خواهند بود تا مرده گان برخیزند و جهان معنوی روی نماید.»(۱)

و در جایی دیگر آمده است: «سوشیانت (نجات دهنده ی بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگ دستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.»(۲)

۴- موعود در آیین هندو

آیین هندو در قدیم دین برهمایی خوانده می شد که به برهما (Brahman)، خدای هندوان اشاره می کرد. این آیین، گونه ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است.

اصول دین هندو عبارت است از: ۱- اعتقاد و احترام به کتاب های باستانی و سنت های دینی بِرَهمَنان، ۲- پرستش خدایانی که به ظهور آن ها در دوره های قدیم عقیده داشته اند، ۳- اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج، ۴- احترام به موجودات زنده، مخصوصاً گاو، ۵- تقدس لفظ «اُم» (om) به معنای آمین که اسم اعظم الهی به شمار می رود.

ادعیه و آیین های هندوان در مجموعه ای به نام «وداها» (Vedas) به معنای دانش، به زبان سانسکریت گرد آمده است و به آن شروتی (Sruti) یعنی وحی و الهام و علوم مقدّس موروثی لقب می دهند. در کتاب مشهور اوپانشاد یا وِدانتا (به معنای پایان وداها)، خدایان سه گانه ی هندوان این گونه معرفی شده اند:(۳)

۱- برهما (Brahma)، خدای ایجاد کننده،

ص:۱۰۳

۱- یشتها، فصل ۱۲، آیه ی ۱۰۱، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۶۳.
۲- جاماسب نامه، ص ۱۲۱، به نقل از محمّد خادمی شیرازی، یاد مهدی علیه السلام ، ص ۵۱.
۳- حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۳۹.

۲- شیوا (Siva)، خدای فانی کننده،

۳- ویشنو (Vishnu)، خـدای حفظ کننـده. جلوه های ده گانه ی این خـدا برای مردم در طول تاریـخ عبارت است از: ماهی، لاـک پشـت، گراز، موجـود نیمه آدم و نیمه شـیر، کوتـوله، رامـا (Rama)، رامـای تـبر به دست، کریشـنا (Krishna)، بودا (Buddha) و کالکی (Kalki).

بنابر تفکر هندویی، جهان از چهار دوره ی رو به انحطاط تشکیل شده است که عبارتند از:

۱- کریتایوگه (Krita Yuga)،

۲- ترتایوگه (Treta)،

۳- دواپارایوگه (Dvapara) و

۴- کالی یوگه (kali).

در آیین هنـدو، موعود نجـات بخش موسوم به «کـالکی» در پایـان آخرین دوره ی زمـانی از ادوار چهارگـانه ی جهـانی، یعنی «کالی یوگه» ظهور خواهد کرد.

در این دوره که بنابر باورهای هنـدویی از نیمه شب بین ۱۷ و ۱۸ ماه فوریه سال ۳۱۰۳ قبل از میلاد مسیح شروع گردیده، و ما اکنون در آن به سر می بریم، فساد و تباهی سراسـر جهان را فرا می گیرد. زنـدگانی اجتماعی و معنوی به نازل ترین حـدّ خود نزول میکند و موجبات زوال نهایی را فراهم می سازد.(۱)

«مردمان این دوره گناهکار، ستیزه جو و چون گدایان، بد اقبال بوده و سـزاوار اقبالی نمی باشند. چیزهای بی ارزش را ارج می نهند، آزمندانه می خورند و در شـهرهایی زندگی می کنند که پر از دزدان است.»(۲) در پایان چنین دوران سیاهی، آخرین و دهمین تجلی ویشنو، موسوم به کالکی، سوار بر اسبی سفید و به هیأت انسان ظهور خواهد کرد. وی سراسر جهان را سواره و با شمشیری آخته و رخشان در می نوردد تا بدی و فساد را نابود کند. با نابود کردن جهان، شرایط برای آفرینشی نو مهیا می شود تا در مهایوگای آتی، دیگر بار عدالت و فضیلت ارزش یابد.

ص:۱۰۴

۱- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۶، به نقل از ادیان و مکتب های فلسفی هند، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲- مهابهاراتا اساطیر هند، صص ۴۱ - ۱۲۵، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۷.

۵- موعود در آیین بودا

آیین بودا یکی از شاخه های کیش هندوست. این آیین از هندوستان بیرون آمده و به خاطر گسترش در مناطق پر جمعیت جهان، پیروان زیادی دارد و اخیراً به اروپا و آمریکا نیز سرایت کرده است.

بودا (Buddha) به معنای بیدار، لقب گوتاماشاکیامونی (Guatama Sakya-muni) بنیانگذار مکتب اصلاحی بودیسم است.

اندیشه های اصلاحی بودا در مخالفت با تعصب های برهمنان بود و اختلافات طبقاتی را باطل می شمرد. تعالیم اخلاقی وی در مجموعه هایی مانند تری پیتکا (Tri-pitka) یعنی سه سبد، گرد آمده است. تری پیتکا - قدیمی ترین کتاب مقدّس بوداییان - دارای سه بخش می باشد:

۱- قواعد رهبانیت؛

۲- وسیله ی رستگاری؛

۳- مفهوم فلسفی و روانشناسی؛

در آیین بودا، اندیشه ی منجی موعود با مفهوم میتریه (Maitreya) (واژه ای سنسکریت به معنای مهربان) تبیین می گردد. در الهیات بودایی، او را آخرین بودا از بودایان زمینی می دانند که هنوز نیامده است، اما خواهد آمد تا همه ی انسان ها را نجات دهد. در نمانگاریِ بودایی، او را به هیأت مردی نشسته که آماده ی برخاستن است، نمایش می دهند تا نمادی باشد از آمادگی وی برای قیام!

در مهاوَنسه (Mahavansa) که به تاریخ سریلانکا می پردازد، روزشمارِ حوادث مربوط به قیام میتریه به وضوح چنین گفته شده است:

«پنج هزار سال پس از آخرین بودا، آفتاب آموزه های بودایی افول می کند و طول عمر آدمیان به ده سال فرو می کاهد. در این زمان چرخه وارونه می گردد. زندگی متحول شده، به طوری که متوسط عمر مردم به هشتاد هزار سال می رسد. با این عمرهای طولانی و زمینه ی مناسب برای تعالیم بودا، یک راهنما خواهد آمد. او برای مردم رفاه و بهروزی می آورد و آموزه های بودا را ترویج می کند. آن گاه که چنین فضایی بهشت گون فراهم آمد، میتریه از

آسمان توشیته(Tushita) نزول می کند، بودایيِ خویش را به کمال می رساند، و درمه را به فرهیختگان می آموزد.»(۱)

ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی

همان طور که اشاره شد، مسأله ی عقیده به ظهور مصلحی جهانی امری عمومی و همگانی است و مختص مکاتب و ادیان مذکور نبوده، بلکه چنین اندیشه ای با شکل های مختلف، در میان همه ی اقوام و ملل متمدن و غیر متمدن جهان و حتی قبایل بدوی وجود داشته و دارد.

در این جا به فهرست مختصری از بازتاب این عقیده در میان اقوام و ملل مختلف جهان اشاره می کنیم:(۲)

۱- ایرانیان باستان معتقد بودند که: «گرزاسپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» خوابیده، و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

۲- گروهی دیگر از ایرانیان می پنداشتند که: «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده ی فرمانروایی، دیهیم پادشاهی را به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آن جا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.

۳- نژاد اسلاو، بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحِّد سازد و آن ها را بر دنیا مسلّط گرداند.

۴- نژاد ژرمن معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و «ژرمن» را بر دنیا حاکم گرداند.

۵- اهالی صربستان انتظار ظهور «مارکو کرالیه ویچ» (Markokralyevic) را داشتند.

۶- ساکنان جزایر انگلستان، از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که: «آرتُور» روزی از جزیره ی «آواکون» ظهور نماید و نژاد «ساکسون» را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آن ها گردد.

ص:۱۰۶

۱- مقاله ی گونه شناسی اندیشه ی موعود، ص ۱۲۴، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۸.

۲- سید اسد الله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، صص ۳۲- ۵۸.

۷- اَسِن ها معتقدند که پیشوایی در آخر الزّمان ظهور کرده، دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.

۸- سلت ها می گویند: پس از بروز آشوب هایی در جهان، «بوریان بور و یهیم» قیام کرده، دنیا را به تصرف خود در خواهد آورد.

۹- اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم دنیا بلاهایی می رسد، جنگ های جهانی اقوام را نابود می سازد، آن گاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می شود.

۱۰- اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخص» می باشند.

۱۱- اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که: «کوتزلکوتل» نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان پیروز خواهد شد.

۱۲- چینی ها معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نجات می دهد.

۱۳- یونانیان می گویند: «کالوبیرگ» نجات دهنده ی بزرگ، ظهور خواهد کرد، و جهان را نجات خواهد داد.

۱۴- نصارا نیز به وجود حضرت مهدی علیه السلام معتقدند و می گویند که در آخر الزّمان ظهور کرده، عالم را خواهد گرفت. ولی در اوصافش اختلاف دارند.

آن چه در بالا بیان شد، اگرچه با مهدی موعود اسلام کاملاً تطبیق نمی کند و حتّی برخی از آن ها اصلاً شباهتی به امام عصر علیه السلام ندارد، لکن از یک حقیقت مسلم حکایت می کند و آن این است که نوید مصلح جهانی به گوش آن ها رسیده و عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر در آخر الزّمان در اعماق دلشان جا گرفته است، ولی چون از فروغ حق بیشتر از این برخوردار نبوده اند در تطبیق آن دچار اشتباه شده اند.

اسامی مقدّس منجی موعود در کتب مذهبی اهل ادیان

۱- «صاحب» در صحف ابراهیم علیه السلام

۲- «قائم» در زبور سیزدهم

۳- «قیدمو» در تورات به لغت ترکوم

۴- «ماشیح» (مهدی بزرگ) در تورات عبرانی

۵- «مهمیدآخر» در انجیل

۶- «سروش ایزد» در زمزم زرتشت

۷- «خجسته» (احمد) در کندرال فرنگیان

۸- «خسرو» در کتاب مجوس

۹- «میزان الحق» در کتاب اَثری

۱۰- «پرویز» در کتاب برزین آذرفارسیان

۱۱- «کلمـه الحق» در صحیفه آسمانی

۱۲- «فردوس الکبر» در کتاب قبروس رومیان

۱۳- «فرخنده» (مصد) در کتاب وشن جوک

۱۴- «فیروز» (منصور) در کتاب شعیای پیغمبر

۱۵- «بقیـه الله» در کتاب دوهر

۱۶- «قاطع» در کتاب قنطره

ص:۱۰۸

پرسش

۱- اعتقاد به منجی در آیین زرتشت چگونه است؟

۲- موارد مشترک اعتقاد به منجی در اسلام و سایر ادیان را بنویسید؟

۳- اهمیّت اعتقاد به منجی موعود را شرح دهید؟

عرصه های پژوهش

۱- وضعیت ادیان مختلف در حکومت امام زمان علیه السلام .

۲- وجوه مشترک موعود در اسلام و دیگر ادیان.

۳- چهل گفتار درباره ی موعود از انجیل و تورات.

۴- وضعیت ادیان مختلف در حکومت امام زمان علیه السلام .

۵- وجوه مشترک موعود در اسلام و دیگر ادیان.

۶- چهل گفتار درباره ی موعود از انجیل و تورات.

۷- منجی موعود و صهیونیسم.

۸- بشارت ظهور در «عهد قدیم» و «عهد جدید».

ص:۱۰۹

معرفی منابع

۱- ظهورحضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب ملل جهان، سید اسد الله هاشمی شهیدی.

۲- مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، عزیز الله حیدری.

۳- یاد مهدی علیه السلام ، محمد خادمی شیرازی، صص ۴۳ _ ۵۳.

۴- حضرت مهدی علیه السلام در بشارت های آسمانی، محمد فقیه نیا.

۵- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، باور شناخت موعود در ادیان و مکاتب مختلف، سید حسن حسینی آصف.

۶- اتفاق در مهدی موعود، سید علی اکبر قریشی.

۷- او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور.

۸- آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی.

۹- بازشناختی از یوسف زهرا علیه السلام ، علی ناصری.

۱۰- مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۱.

۱۱- موعود شناسی، علی اصغر رضوانی، ظهور منجی از دیدگاه ادیان، ص ۱۰۱.

۱۲- حضرت مهدی علیه السلام در بشارت های آسمانی، محمد فقیه نیا.

۱۳- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، باور شناخت موعود در ادیان و مکاتب مختلف، سید حسن حسینی آصف.

درس هفتم: غیبت امام

اشاره

- پیشینه ی غیبت
- انواع غیبت
- غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن
- علل غیبت

ص:۱۱۱

الی مَتی أحارُ فِیکَ یا مَولای؟

غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یک واقعیت مسلّم است که توسط پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام پیش بینی شده و موضوع جدیدی نیست؛ بلکه ریشه ی عمیق دینی دارد.

مفهوم غیبت برای کسی استعمال می شود که مدّتی در جایی حضور دارد، بعد در آن محل حاضر نمی شود و در فرهنگ مهدویّت، به معنی پوشیده بودن از دیدگان است و واژه ای است که از حیث مفهوم در مقابل «ظهور» است نه در مقابل «حضور»، درباره ی حقیقت غیبت امام مهدی علیه السلام و چگونگی پنهان زیستن آن حضرت، دو دیدگاه وجود دارد:

۱- دیده نشدن امام علیه السلام

اولین دیدگاه، همان است که به طور متداول در ذهن ها در مورد غیبت آن حضرت، وجود دارد؛ یعنی این که امام مهدی علیه السلام در طول مدت غیبت خویش، از نظرهای مردم به دور بوده و اگر چه حضرت در این مدت مردم را می بینند و از حال آن ها با خبر می شوند، اما کسی توان دیدن ایشان را نداشته و با حضرتش مواجه نمی شود.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«یَفقِدُ النّاسُ إمامهُم، یَشهُدُ المواسِمَ [المَوسِمَ] فَیَرَاهُم و لایَرَونَهُ»؛(۱) «در زمان غیبت مردم امام خویش را نمی یابند، با این که او در موسم (حج) حاضر می شود و مردم را می بیند اما کسی او را نمی بیند.»

۱- نعمانی، غیبت، ص ۱۷۵.

امام علی علیه السلام نیز در روایتی می فرمایند:

«إنَّ حجَّتَها عَلَیها قائِمَهٌ، ماشِیَهٌ فِی طُرُقِها، داخِلَهٌ فِی دورِها و قُصُورِها، جَوَالَهٌ فِی شرقِ هذا الأرضِ و غَربِها تَسمَعُ الکَلامَ و تُسَلِّمُ عَلَی الجَماعَهِ تری و لا تُری إلی الوقفِ و الوعدِ و نداءِ المُنادِی مِنَ السَّماءِ ألا ذلکَ الیومُ فیه سرورٌ وُلد عَلی و شیعَته»؛(۱) «حجّت خدا بر روی زمین ایستاده، در راه های آن حرکت می کند و در قصرها و خانه های آن داخل می شود. او شرق و غرب زمین را طی می کند، سخنان مردم را می شنود و بر جماعت آن ها سلام می کند. او مردم را می بیند اما کسی او را نمی بیند تا زمانی که وقت ظهور فرا رسد و وعده های الهی تحقق یابد و ندای آسمانی طنین انداز شود. همانا آن روز، روز شادی و سرور فرزندان علی و شیعیان اوست.»

همچنین در دعای ندبه می خوانیم:

«عزیزٌ عَلَیَّ أن أرَی الخَلقَ وَ لاتَری»؛(۲) «سخت است بر من که خلق را ببینم و تو دیده نشوی.»

بنابراین طبق این روایات، در طول زمان غیبت، به دلیل مصالحی که بعد از این بدان ها اشاره خواهیم کرد، امام عصر علیه السلام به کلّی از دیدگان مردم غایب بوده و جز در موارد بسیار اندک ظاهر نمی شوند.

۲- ناشناس بودن امام علیه السلام

اشاره

دیدگاه دومی که می توان برای غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام ، تصور نمود این است که: اگر چه آن حضرت در طول زمان غیبت در میان مسلمانان حضور می یابند و با آن ها مواجه می شوند، اما کسی آن امام را نمی شناسد و پی به هویت واقعی ایشان نمی برد. روایاتی وجود دارد که می توان در دیدگاه دوم به آن ها استناد کرد و از آن جمله به روایت زیر که از دومین نایب خاص حضرت یعنی محمّد بن عثمان عَمری، نقل شده، اشاره کرد:

۱- نعمانی، غیبت، ص ۲۰۳، ح ۳.

۲- مفاتیح الجنان.

«و اللهِ إنَّ صاحبَ هذا الأمرِ لَيَحضُرُ الموسِمَ كلِّ سَنَةٍ، يرَی النّاسَ و يَعرِفَهُم و يَرَونَهُ و لايَعرِفونَه»؛(۱) «به خدا سوگند، صاحب این امر هر سال در موسم (حج) حضور می یابد، در حالی که ایشان مردم را می بینند و آن ها را می شناسد اما مردم با این که او را می بینند وی را نمی شناسند.»

بنابر این دیدگاه، برای حفظ امام مهدی علیه السلام از شرّ دشمنان، لازم نیست که آن حضرت از نظر جسمی از جامعه دور و از دیدگان، پوشیده باشند. بلکه همین قدر که ایشان در میان مردم شناخته نشوند و هویت حضرتش بر آن ها پوشیده باشد، کفایت می کند.

وقتی از امام کاظم علیه السلام در مورد آیه ی ((وَ أَسبَغَ عَلَیکُم نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَ بَاطِنَةً))(۲) سؤال شد، ایشان فرمودند:

«نعمت ظاهر و آشکار امام ظاهر است و نعمت باطن و پنهان امام غایب است.» پرسیده شد: آیا از امامان کسی غایب می شود؟ ایشان فرمودند: «نَعَم، یَغِیبُ عَن أَبصارِ النَّاسِ شَخصُهُ وَ لایَغِیبُ عَن قُلُوبِ المؤمِنِینَ ذِکرُهُ وَ هوَ الثّانی عَشَرَ مِنّا، یُسَهِّلُ اللهُ کُلَّ عَسِیر وَ ... .»؛(۳) «آری، چهره اش از دیدگان مردم پنهان می شود لکن یادش از دل های مؤمنان غایب نمی شود و او دوازدهمین نفر از ما امامان است، خداوند برای او هر امر سختی را آسان می سازد ... .»

از همین روست که ائمه علیهم السلام از مردم می خواستند اسم و عنوان حضرت را پوشیده دارند و در پی شناسایی حضرتش نباشند. چنان که در توقیعی که از ناحیه ی مقدس امام زمان علیه السلام برای محمّد بن عثمان، نایب خاص آن حضرت صادر شده، در پاسخ کسانی که در پی دانستن اسم و عنوان حضرتش بودند، آمده است:

«إمّا السّکُوتَ و الجَنَّةَ و إمّا الکلامَ و النّارَ، فَإنَّهم إن وَقَفُوا عَلَی الإسمِ أذاعوهُ وَ إن وَقَفُوا عَلَی المَکَانِ دَلُّوا عَلَیه»؛(۴) «مردم باید سکوت کنند و در نتیجه بهشت را برگزینند، و یا

۱- طوسی، غیبت، ص ۲۲۱.

۲- لقمان (۳۱)، ۲۰.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۷، ب ۳۴، ح ۶.

۴- طوسی، غیبت، ج ۲، ص ۵۱۵.

در پی سخن گفتن [از امام مهدی علیه السلام] و در نتیجه داخل شدن در جهنم باشد. چرا که مردم اگر بر اسم آن حضرت واقف شوند، آن را منتشر می سازند [و در نتیجه دشمنان نیز باخبر می شوند] و اگر از به مکان او مطلع اطلاع یابند، آن را به دیگران نیز نشان می دهند.»

از این توقیع به دست می آید که حضرتش، با مخفی داشتن نام و عنوان و مکان خویش می توانند از شر دشمنان در امان باشند و در این صورت دیگر نیازی نیست که حتماً آن امام از نظر جسمی هم از نظرها دور باشند.

تحلیل دو نظریه

برای این که بدانیم معنای اصلی غیبت، کدام یک از موارد بالاست، به قرآن کریم و روایات ائمه ی اطهار علیهم السلام در این زمینه رجوع می کنیم:

در نگاه قرآن، ندیدن جسم مادّی با چشم مادّی امکان پذیر است آن جا که خطاب به پیامبر اکرم صلّی الله وعلیه وآله وسلّم می فرماید:

((وَ جَعَلنَا مِن بَینِ أیدیهِم سَدّاً و مِن خَلفِهِم سَدّاً فَأغشَینَاهُم فَهُم لایُبصِرونَ))؛(۱) در پیش روی آن ها سدّی قرار دادیم و در پشت سرشان سدّی و چشمانشان را پرده افکندیم تا نبینند.

امام علی علیه السلام در شبی موسوم به لیله المبیت، به جای پیامبر صلّی الله وعلیه وآله وسلّم در بستر ایشان رفته و با این اقدام خودزمینه را برای هجرت پیامبر صلّی الله وعلیه وآله وسلّم فراهم ساختند. بنابه تصریح قرآن کریم به خاطر حجابی که خداوند بر دیدگان مشرکان قرار داده بود، آنها پیامبر صلّی الله وعلیه وآله وسلّم را ندیدند. پس اگر خداوند مقدّر کند، چشمی که قادر به دیدن اشیای مادّی است کارآیی خود را از دست می دهد. از طرف دیگر در احوالاتی که از علمای بزرگ اسلام نقل کرده اند به این موارد بسیار برمی خوریم. اما در مورد دیدن امام و نشناختن ایشان روایاتی بیان شد؛ بر اساس این روایات مردم، امام علیه السلام را می بینند ولی نمی شناسند. در توضیح این روایات می توان به این مطلب اشاره کرد که: چه بسیار دیدن هایی که چون همراه با شناخت نبوده است، دیدن به حساب نیامده است. به عنوان مثال به فردی که تا به حال وزیر را ندیده می گوییم: در راه فلان وزیر را دیدی؟ و او با یقین می گوید: نه؛ و این در حالی است که

۱- یس (۳۶)، ۹.

از کنار او عبور کرده ولی او را نشناخته است. یعنی عدم شناخت او از شخصیّت وزیر، باعث شده که به وی اعتنایی نداشته باشد و در نتیجه گویی او را ندیده است.

در این جا هم اگر می گوییم مردم امام را می بینند ولی نمی شناسند، مراد این است که مردم زمان غیبت چون تا به حال امام را ندیده اند، اگر هم ببینند، نمی شناسند، پس گویی که امام علیه السلام را ندیده اند.

با مراجعه به آیات و روایات و از طرف دیگر نقل های تاریخی در این زمینه، می توان نتیجه گرفت که غیبت جسمانی حضرت، امری محال و ناممکن نیست؛ چنانچه در پنج سال اوّل عمر شریف حضرت علیه السلام ، بارها اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام برای دیدار جانشین گرامی ایشان آمدند ولی بنابه مصلحت خداوند، از دیدن امام علیه السلام محروم شدند و از طرف دیگر دیدگاه دوم که بر ناشناس بودن امام دلالت می کند، با عقل و نقل تطابق بیشتری دارد. و در حالات مختلف علما و تشرفات آن ها به محضر امام؛ به این نکته اشاره شده است که گاه امام علیه السلام در موسم حج و با لباس احرام، گاه در لباس تجّار و گاه در صورت یک عرب معمولی ظاهر گشته اند. و این حالت راه کار مناسبی برای حفظ جان ایشان از خطر های احتمالی است. بزرگانی چون علامه مجلسی دیدگاه دوم را معتبر می دانند و علمایی چون آیت الله صافی گلپایگانی، هر دودیدگاه را برای غیبت امام علیه السلام متصوّر می دانند.

پیشینه ی غیبت

اهمیت توجه به پیشینه ی غیبت آن گاه روشن تر می شود که می بینیم، در توصیه ی امام زمان علیه السلام به شیخ صدوق (در عالم رؤیا) حضرت از وی می خواهد تا این پیشینه را مورد توجه قرار داده و در این زمینه کتابی تألیف نماید و در آن غیبت های انبیا را ذکر کند.(۱)

به طور کلی علل اهمیّت پیشینه ی غیبت به شرح زیر است:

۱- طولانی شدن غیبت سبب می شود بسیاری بلغزند و در حیرت و سرگردانی و شک و تردید قرار گیرند لذا، پذیرفتن یک امر با پیشینه ای محکم، قابل قبول تر از مسایلی است که دارای سابقه ی تاریخی نیستند.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، مقدمه ی مصنف.

۲- توجه به این نکته که غیبت حضرت علیه السلام امر جدیدی نیست بلکه از سنّت های انبیا و امامان معصوم علیهم السلام می باشد، در اعتقاد و ثبات قدم مردم در زمان غیبت نقش مؤثری دارد و آنان را از لغزش و ناامیدی رهایی می بخشد.

رجوع به منابع روایی نشان دهنده ی این واقعیت است که جامعه ی شیعی از دیرباز با احادیث غیبت امام دوازدهم آشنا بوده و حتی گاه امامان ما با تعالیم دعاهای زمان غیبت، شیعیان خود را در مسیر بیرون آمدن از سختی آن دوران مدد می رساندند و بی تردید یکی از روشن ترین اثرهای آن ایجاد زمینه و بستر ذهنی و علمی مناسب برای شیعیان، به منظور رویارویی با پدیده ی غیبت است.

محمّد بن مسلم می گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم، در حالی که قصد داشتم درباره ی امام مهدی علیه السلام سؤال کنم. امام علیه السلام بدون این که چیزی بگویم فرمودند:

«ای محمّد بن مسلم! در قائم آل محمّد شباهت به پنج پیامبر وجود دارد: یونس بن متی علیه السلام ، یوسف بن یعقوب علیه السلام ، موسی علیه السلام ، عیسی علیه السلام و محمّد صلّی الله وعلیه وآله وسلّم.

و شباهت او به یونس علیه السلام به خاطر آن است که از غیبت باز می گردد و پس از عمری طولانی، جوان به نظر می رسد.

و شباهت او به یوسف علیه السلام ، غیبت او از خاص و عام و پنهان بودن از برادرانش و مشکل شدن امر او بر پدرش یعقوب علیه السلام می باشد، با این که او به پدر و خانواده اش نزدیک بود.

و شباهت او به موسی علیه السلام استمرار خوف و طولانی شدن غیبت و مخفی بودن ولادت اوست و این که پیروان او بعد از غیبت او با دیدن سختی ها و خواری های فراوان خسته شدند، تا آن زمان که خداوند اجازه ی ظهور به او داده و یاری اش نموده و بر دشمنانش پیروز گردانده.

اما شباهت او به عیسی علیه السلام ، اختلاف کسانی است که درباره ی او به مخالفت یکدیگر پرداختند، برخی گفتند به دنیا نیامده، گروهی گفتند مرده است، گروهی دیگر گفتند کشته شده و به دار آویخته شده است.

و شباهت او به جدّش پیامبر اعظم صلّی الله وعلیه وآله وسلّم، قیام به شمشیر و کشتن دشمنان خدا و ستمگران و مستکبران است و این که او به وسیله ی سلاح و القای وحشت بر دشمن غلبه می یابد و هیچ پرچمی از پرچم های او بدون پیروزی برنمی گردد.»(۱)

اولین پیامبری که مدتی از قوم خود غایب بود، حضرت ادریس نبی علیه السلام بود که پس از ظهورش وعده ی فرج و قیام قائمی از فرزندانش یعنی حضرت نوح علیه السلام را داد. و بعد از آن پیروانش پیوسته در انتظار آن موعود بودند تا وقتی که وعده ی الهی محقق گردید.(۲)

حضرت صالح علیه السلام نیز از قوم خود غایب گردید، در دوران غیبت، قوم ایشان به سه دسته تقسیم شدند:

دسته ی اول: عده ای بودند که به طور کلی ایشان را انکار کردند.

دسته ی دوم: در حالت شک و تردید باقی ماندند و ایشان را نپذیرفتند.

دسته ی سوم: اهل یقین بودند. پس از درخواست نشانه از ایشان، وی را پذیرفتند(۳) و آن گونه که قرآن مجید از این قضیه خبر می دهد، آن ها گفتند: ((إِنّا بِمَا أُرسِلَ به مؤمنون))(۴) «ما به آن چه که او به آن فرستاده شده است ایمان داریم.»

امام صادق علیه السلام پس از نقل ماجرای غیبت حضرت صالح علیه السلام می فرمایند:

«وَ إِنَّمَا مَثَلُ القائِم علیه السلام ، مَثَلُ صَالِح»؛(۵) «مثل قائم علیه السلام همانند مثل صالح است.» این تشبیه بیانگر دو نکته ی مهم است:

۱- اصل غیبت، اصلی است از سنت انبیا و این که حضرت مهدی علیه السلام نیز دارای غیبت خواهند بود.

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، صص ۲۱۷ – ۲۱۸.
۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۱۲۷ – ۱۳۲.
۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۱۳۶ – ۱۳۷.
۴- اعراف (۷)، ۷۵.
۵- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲- تفرق و سه دسته شدن قوم صالح علیه السلام می تواند، هشداری باشد برای ما تا هنگام ظهور حضرت جزء گروه اول و دوم نبوده و سعی و تلاشمان را به کار گیریم تا إن شاء الله جزء گروه سوم و اهل یقین باشیم.

از دیگر انبیای الهی که دارای غیبت بوده اند می توان به حضرت ابراهیم علیه السلام ، اشاره کرد. خداوند ولادتشان را پنهان داشت تا زمان تقدیر شده ی ظهور ایشان فرا رسد.

حضرت یوسف علیه السلام نیز مدتی از محضر پدر بزرگوارشان حضرت یعقوب علیه السلام غایب بودند، این غیبت جنبه ی امتحان داشت. در حدیثی از معصوم علیه السلام آمده که حال شیعیان آگاه ما نسبت به امام غایب خویش همانند حال حضرت یعقوب است که می گفت: یا بَنِیَّ! اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِن یُوسُفَ وَ أَخِیهِ وَ لاتَیأَسُوا مِن رَوحِ اللهِ؛(۱) ای فرزندان من! بروید و یوسف و برادرش را جست وجو کنید و از رحمت خداوند ناامید نشوید. و حال ناآگاهان و معاندین در امر غیبت او همچون حال برادران یوسف است که در خطاب به چشم انتظاری حضرت یعقوب علیه السلام می گفتند: ((قَالُوا تَاللهِ إِنَّکَ لَفِی ضَلالِکَ القَدِیم))؛(۲) به خدا سوگند تو در همان گمراهی سابق هستی.

عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند:

«فِی القائِم سُنَّهٌ مِن موسَی بنِ عمرانَ علیه السلام فَقُلتُ: وَ مَا سُنَّهُ موسَی بنِ عمرانَ؟ فقالَ: خَفاءُ مَولِدِه، وَ غَیبَتُهُ عَن قَومِه. فَقُلتُ: وَ کَم غابَ موسَی بنُ عمرانَ علیه السلام عَن قَومِه وَ أهلِه، فقالَ: ثَمانِی وَ عِشرِینَ سَنَهً.»؛(۳) «در امام قائم علیه السلام سنّتی از موسی بن عمران علیه السلام است، گفتم: سنّت موسی بن عمران چه بود؟ فرمود: خفای ولادت و غیبت از قومش. گفتم: چه قدر موسی بن عمران از قوم و اهلش غیبت کرد؟ فرمود: بیست و هشت سال.»

در زمان حضرت موسی علیه السلام ایشان ۴۰ روز از قوم خود غایب گردیدند که آیه ی ۱۴۲ سوره ی اعراف بدان اشاره دارد. به خاطر طولانی شدن غیبت، قوم ایشان با فتنه و وسوسه ی سامرّی به گوساله پرستی روی آوردند. ((وَ اتَّخَذَ قومُ موسی مِن بَعدِهِ مِن حُلِیّتِهِم عِجلًا جَسَداً لَهُ خُوَار

۱- یوسف (۱۲)، ۸۷.

۲- یوسف (۱۲)، ۹۵.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۴، ب ۳۳، ح ۱۸.

...))؛(۱) قوم موسی بعد از او مجسمه ی گوساله ای که صدا می کرد و از طلا و زیور ساخته شده بود، پرستیدند.

این بود پیشنه ای از «غَیبت» انبیای الهی علیهم السلام ، که بیانگر سنت بودن اصل غَیبت در میان ائمه و پیشوایان دین است. نکند تاریخ تکرار گردد و دیگران هنگام ظهور از ما سبقت گیرند و ما در اثر دلبستگی به دنیا و عدم کسب معرفت نسبت به حضرت بلغزیم و دچار خسران ابدی شویم.

انواع غیبت

اشاره

در مورد انواع غیبت، حضرت امام سجاد علیه السلام می فرمایند:

«إِنَّ لِلقائِم مِنَّا غَیبَتَین إِحداهُمَا أَطوَلُ مِنَ الأُخری ... و أَمّا الأُخری فَیَطُولُ أَمَدُهَا حَتّی یَرجَعَ عَن هذَا الأَمرِ أَکثَرُ مَن یَقُولُ بِهِ فَلَا یَثبُتُ عَلَیهِ إِلَّا مَن قَوِیَ یَقِینُهُ وَ صَحَّت مَعرِفَتُهُ وَ لَم یَجِد فِی نَفسِهِ حَرَجاً مِمّا قَضَینَا وَ سَلَّمَ لَنا أهلَ البَیتِ.»؛(۲) «و همانا برای قیام کننده ی از ما، دو غیبت وجود دارد که یکی از این دو طولانی تر از دیگری است ... و اما دیگری، پس مدّت آن طولانی می شود تا این که غالب کسانی که به او اعتقاد داشتند، از این اعتقاد برمی گردند و کسی بر این امر ثابت نمی ماند مگر این که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و در دلش حرجی از آن چه حکم می کنیم نبوده و تسلیم ما اهل بیت باشد.»

۱- غیبت صغری

غیبت صغری به دوره ای از زندگی امام زمان علیه السلام گفته می شود که آن حضرت برای مدتی محدود از دید عموم پنهان بودند. این دوره با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ه .ق آغاز شد و تا رحلت نایب چهارم امام زمان علیه السلام در سال ۳۲۹ ه .ق ادامه یافت، بنابراین دوران غیبت صغری محدود به ۶۹ سال بود و در این دوره اگر چه حضرت غایب بودند و کسی اطلاعی از محل سکونت ایشان نداشت اما ارتباط به طور کلی قطع نبود و شیعیان از طریق نایبان خاص حضرت می توانستند مشکلات خود را حل نمایند و مسایل خود را از حضرت

۱- اعراف (۷)، ۱۴۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۹۳، ب ۳۱، ح ۷.

بپرسند و در این مدت، حضرت چهار نایب برای خود منصوب نمودند که هر یک بعد از فوت دیگری عهده دار این مهم می گردید، اسامی آنان به ترتیب عبارت است از:

۱- ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، از سال ۲۶۰ ه .ق تا هنگام وفاتش که احتمالاً سال ۲۶۷ ه .ق بوده است.

۲- ابو جعفر محمّد بن عثمان عمری، بعد از فوت پدر، تا سال ۳۰۵ ه .ق.

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، از سال ۳۰۵ ه .ق تا ۳۲۶ ه .ق.

۴- ابوالحسن علی بن محمّد سَمُری، از سال ۳۲۶ ه .ق تا ۳۲۹ ه .ق.(۱)

۲- غیبت کبری

با فوت آخرین نایب حضرت در سال ۳۲۹ ه .ق این دوره ی طولانی آغاز گردید و تا زمانی که مشیت الهی تعلق گیرد، ادامه خواهد داشت. در آخرین روزهای عمر نایب چهارم، امام عصر علیه السلام در نامه ای خطاب به او فرمودند: «به نام خداوند بخشنده ی مهربان. ای علی بن محمّد سمری، خداوند پاداش برادرانت را درباره ی تو بزرگ فرماید. تو در فاصله ی شش روز می میری، کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد، چون غیبت دوم (تامّه) واقع شده است ... .»(۲)

امام علی علیه السلام در بیان ویژگی های غیبت کبری می فرمایند:

«لِلقائِمِ مِنَّا غَیبَهٌ أمَدُها طویلٌ کَأَنّی بالشِّیعَهِ یَجُولُونَ جَولانَ النِّعَم فی غَیبَتِهِ یَطلُبُونَ المَرعی فَلایَجِدُونَه أَلا فَمَن ثَبَتَ مِنهُم علی دِینِهِ وَ لَم یقسُ قَلبُهُ لِطُولِ أَمَـدِ غَیبَتِ إِمَامِهِ فَهُوَ معی فی دَرَجَتی یَومَ القیامَهِ»؛(۳) «قائم علیه السلام را غیبتی است که زمانش طولانی خواهد بود. گویی شیعیان را می بینم که در زمان غیبت او به این سو و آن سو می روند. همانند گوسفندانی که چوپان خویش را گم کرده و به دنبال چراگاه هستند و چیزی نمی یابند. آگاه باشید پس کسی

۱- طوسی، غیبت، ص ۲۵۳ / صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۵۸، فصل ۴، ب ۳.

۲- طوسی، غیبت، ص ۳۹۷ / طبرسی، أعلام الوری.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۶۲، ب ۲۶، ح ۱۴.

که بر دینش ثابت قدم بماند و به خاطر طولانی شدن غیبت امامش دچار قساوت قلب نگردد، پس او در روز قیامّت در رتبه و درجه ی من، با من خواهد بود.»

در دوران غیبت کبری وظیفه ی شیعیان طبق توصیه ی خود حضرت، مراجعه به فقهای جامع الشّرایط است که نایبان عام ایشان محسوب می شوند. در توقیع صادر شده از حضرت این چنین آمده است:

«وَ أَمّا الحوادِثُ الوَاقِعَةُ فَارجِعُوا فِیهَا إلَی رُوَاهِ أَحَادِیثِنَا فَإِنَّهُم حُجَّتِی عَلَیکُم وَ أَنَا حُجَّهُ الله عَلَیهِم»؛(۱) «و اما در پیش آمدها به روایان احادیث ما مراجعه نمایید که آن ها حجّت من بر شمایند و من حجّت خدا بر آن ها هستم.»

و امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

«وَ أَمَّا مَن کَانَ مِنَ الفُقَهَاءِ صَائِناً لِنَفسِهِ حافظاً لِدِینِهِ مُخَالِفاً لِهَواهُ مُطِیعاً لأَمرِ مَولَاهُ فَلِلعَوَامِ أَن یُقَلِّدُوهُ»؛(۲) «و اما کسی از فقها که خویشتن دار و نگهبان دینش و مخالف هوای نفسش و پیرو دستوارت مولایش (ائمه ی اطهار علیهم السلام) باشد، پس بر مردم لازم است از او تقلید نمایند.»

غیبت امام علیه السلام در قرآن

در قرآن کریم، موضوع غیبت امام علیه السلام در بیان های مختلفی مورد توجّه قرار گرفته است و مردم زمان را از آمدن این دوران سخت هشدار داده است. در زیر به بیان برخی از این آیات می پردازیم:

۱- ((الَّذِینَ یُؤمِنُونَ بِالغَیبِ ... أُولئِکَ عَلَی هُدی مِّن رَبِّهِم و أُولِئِکَ هُمُ المُفلِحُون))؛(۳) کسانی که ایمان به غیب دارند ... آنان بر هدایت پروردگارشان هستند و آنان رستگارانند.» امام صادق علیه السلام می فرمایند: «ایمان به غیب همان ایمان به حضرت بقیه الله است.(۴)

۱- سید مسعود پور سید آقایی تاریخ عصر غیبت، ص ۴۷، به نقل از احتجاج طبرسی، ص ۲۸.

۲- طبرسی، الإحتجاج، ص ۴۵۹.

۳- بقره (۲)، ۳ و ۴.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۴.

همچنین جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اکرم صلّی الله وعلیه وآله وسلّم نقل می کند که ایشان فرمودند:

«طوبی للصّابرینَ فِی غَیبَتِه طوبی لِلمُقِیمینَ عَلَی مَحَبَّتِهِم أُولَئِکَ مَن وصَفَهُمُ اللهُ فِی کِتَابِهِ: فَقَالَ: الّذِینَ یُؤمِنُونَ بِالغَیب: ثُمَّ قَالَ أُولَئِکَ حِزبُ اللَه، ألا إنَّ حِزبَ اللهِ هُمُ الغَالِبون.»؛(۱) «خوشا به حال صبر کنندگان در زمان غیبت قائم. خوشا به حال کسانی که بر محبت ائمه ی دوازده گانه پا بر جا می مانند. همان ها هستند که خداوند در کتاب خود قرآن، این چنین وصفشان نموده: آنان که به غیب ایمان آورند آن گاه فرمود: آنان حزب خدایند. آگاه باشید که حزب خداوند پیروزند.»

۲- ((قُل أَرأَیتُم إن أَصبَحَ ماؤُکُم غَوراً فَمَن یَأتیکُم بِماءٍ معین))؛(۲) بگو به من خبر دهید که اگر آب شما فرو رود چه کسی آب روان در اختیارتان می گذارد.

امام محمّد باقر علیه السلام می فرمایند:

«إن أَصبَحَ إِمَامُکُم غائِباً لاتَدرونَ أینَ هوَ فَمَن بِإمامٍ ظَاهِرٍ یَأتِیکُم بِأَخبَارِ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ وَ حَلَالِ الله و حَرَامِهِ»؛(۳) «اگر امام شما غایب گردید به گونه ای که نمی دانید او کجاست پس چه کسی امام ظاهری که اخبار آسمان ها و زمین و حلال و حرام الهی را بیان می کند، برای شما می آورد؟! به خدا قسم تأویل آیه هنوز نیامده و قطعاً تأویل آیه خواهد آمد.»

۳- ((... وَ لاتَکُونُوا کَالَّذِینَ أُوتُوا الکِتَابَ مِن قَبلُ فَطَالَ عَلَیهِمُ الأَمَدُ فَقَسَت قُلُوبُهُم وَ کثیرٌ مِنهُم فَاسِقُون))؛(۴)... پس مانند اهل کتاب (یهود) نباشید که مدت طولانی بر آن ها گذشت و قلب هایشان قسی شد و بسیاری از آن ها از فاسقان هستند.

۱- خرازی، کفایه الأثر، ص ۶۰.

۲- ملک (۶۷)، ۳۰.

۳- حرّ عاملی، اثباه الهداه، ج ۳، ب ۳۲، ح ۱۳۰.

۴- حدید (۵۷)، ۱۶.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«همانا مراد از «أَمَد» زمان غیبت است و مراد خداوند متعال این است که ای امّت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و یا ای جماعت شیعه، همانند کسانی که قبل از این کتاب به آن ها داده شده (یهود) نباشید که زمان غیبت بر آن ها گذشت و دچار قساوت قلب شدند. پس تأویل این آیه در مورد مردم زمان غیبت می باشد نه زمان های دیگر. خداوند متعال شیعه را از شک در حجّت الهی نهی نموده است.»(۱)

علل غیبت

اشاره

عبد الله بن فضل هاشمی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: «همانا برای صاحب این امر غیبتی است که چاره ای از آن نیست و در آن هر اهل باطلی در شک و تردید قرار می گیرد.» پس به امام عرض کردم: فدایتان شوم، این غیبت به خاطر چیست؟ امام علیه السلام فرمودند:

«حکمت و جهت غیبت او همان حکمت در غیبت حجت های الهی که قبل از ایشان بودند، می باشد و جهت و سبب غیبت مشخص نمی گردد مگر بعد از ظهور حضرت. همان طوری که حکمت آن چه را که حضرت خضر علیه السلام انجام داد یعنی سوراخ نمودن کشتی و کشتن آن پسر بچه و بنای آن دیوار تا هنگام جدایی آن دو، برای حضرت موسی علیه السلام روشن و معلوم نگردید. ای فرزند فضل، این امر (غیبت)، امری است از ناحیه ی خداوند متعال و سرّی است از اسرار الهی و غیبی است از غیب های خداوند متعال و آن گاه که دانستیم خداوند عزّوجل حکیم است، باید بپذیریم که همه ی کارهای خداوند بر اساس حکمت است گر چه سبب و جهت آن برای ما مشخص و معلوم نباشد.»(۲)

آن چه که از این روایت و امثال آن به دست می آید این است که علت اصلی غیبت چیزی است که اطلاعی از آن نداریم و علت غیبت از مصادیق «غیب» قرار گرفته است که صلاح ما در پرده برداشتن از غیبت نبوده است تا آن گاه که هستی از پرتو نور آن نیّر اعظم روشن گردد و

۱- نعمانی، غیبت، ص ۳۲، مقدمه ی مؤلف.

۲- منتخب الأنوار المضیئه، ص ۱۵۴.

راز غیبتشان را بر ما آشکار کنند. اما در عین حال در برخی روایات حکمت هایی برای غیبت ذکر شده است که توجه به آن ها مفید می باشد. برخی از حکمت های غیبت عبارتند از:

۱- امتحان مردم در زمان غیبت

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«شکی نیست در این که غیبت حضرت، جایگاه امتحان انسان هاست. همان چیزی که مشیت الهی به آن تعلق گرفته است و مصلحت را اقتضا می نماید. آیا خداوند متعال در کتابش یادآوری نفرموده است که امتحان برای مؤمنین از بندگانش خواهد بود.

((أَل_م * أَحَسِبَ النّاسُ أَن يُترَكُوا أَن يَقُولُوا آمَنّا و هُم لايُفتَنُون))؛(۱) آیا مردم پنداشته اند همین که بگویند ما ایمان آوردیم، رها می شوند و مورد امتحان قرار نمی گیرند.

پس برای صبرکنندگان در امتحان ثواب و برای پیمان شکنان و خارجین از دین عذاب به دست می آید.

در جایی دیگر امام موسی کاظم علیه السلام می فرمایند: «هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید تا کسی شما را از آن بیرون نکند. برای این غیبت آزمونی است که خداوند با آن بندگانش را امتحان می کند.»(۲)

امتحان غربالی است که مصلح را از مفسد، مؤمن را از منافق و حق را از باطل جدا می سازد و دو رویان را رسوا و باطن ها را آشکار می سازد. مگر نه این است که انسان برای به نمایش گذاردن عبودیّت و بندگی خود به این جهان آمده تا بدین وسیله به مقام قرب الهی نایل شود و به بهشت برین راه یابد، اگر امور عالم بر وفق مراد و خواسته ی او باشد، هرگز این امر مُحقّق نخواهد شد و در روز قیامّت هر کس می تواند مدّعی لیاقت و شایستگی برای بالاترین درجات باشد. اما آن گاه که ناملایمات روی می آورند و صبر بر شدائد و سختی ها مطرح می گردد یا پای گذشتن از مال و جان به میان می آید و انسان بر سر دو راهی ها قرار می گیرد، ارزش او رقم می خورد و ایمان حقیقی از ایمان ظاهری جدا می گردد.

ص:۱۲۵

۱- عنکبوت (۲۹)، ۲.

۲- طوسی، غیبت، ص ۲۳۸.

صبر بر غیبت خصوصاً هر چه طولانی تر گردد یکی از سخت ترین امتحانات الهی است چنان چه بسیاری در طول مدت غیبت از حق بریدند و از صراط مستقیم خارج شدند. اما کسانی که در این امتحان الهی با صبر و عمل به وظیفه سربلند بیرون آیند، به بالاترین درجات نایل شده و در بهشت همنشین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خواهند بود چرا که ایشان خود فرموده اند:

«طُوبی لِمَن أَدرَکَ قائِمَ اهل بیتی وَ هُوَ یَأتَمُّ بِهِ فی غَیبَتِهِ قبلَ قِیامِه و یَتَوَلّی أولِیائَهُ و یُعَادِی أَعدَائَهُ ذلک مِن رُفَقَایی وَ ذَوِی مَوَدَّتِی وَ أَکرَمُ امّتِی عَلَیَّ یَومَ القیامَهِ»؛(۱) «خوشا به حال کسی که قائم از اهل بیت مرا درک کند در حالی که در غیبت حضرت قبل از قیامش به او اقتدا نموده باشد و با دوستان او دوست و با دشمنان او دشمن باشد. چنین شخصی در روز قیامّت از همراهان و دوستان و گرامی ترین امّتم برای من خواهد بود.»

و در روایت دیگری حضرت ایمان مردم زمان غیبت را ارزشمندترین ایمان معرفی می نمایند.(۲)

حسن ختام این بخش روایتی است از امام صادق علیه السلام که می فرمایند:

«إِنَّ هَذَا الأمرِ لایَأتِیکُم إِلّا بَعدَ یَأسٍ، لا و اللهِ (لایَأتِیکُم) حتّی تَمَیَّزُوا. لا و اللهِ (لایَأتِیکُم) حتّی تَمَحَّصُوا و لا و اللهِ (لایَأتِیکُم) حتّی یَشقِی مَن شَقِی و یَسعَدُ مَن سَعِدَ»؛(۳) «همانا این امر (فرج) شامل حال شما نمی شود مگر بعد از ناامیدی. به خدا قسم شامل حال شما نمی شود تا این که تشخیص داده شوید (مؤمن از منافق) به خدا قسم شامل حال شما نمی شود تا این که خالص گردید و به خدا قسم شامل حال شما نمی شود تا این که بدبخت گردد کسی که بدبخت بود و سعادتمند گردد کسی که سعادتمند بود.»

۲- نبودن بیعت کسی بر گردن ایشان

امام زمان علیه السلام آن مصلح بزرگی است که در راه برپایی انقلاب و حکومت عدل جهانی با هیچ قدرت ستمگری سازش نخواهد کرد. طبق روایات ایشان مأمور به مبارزه ی قاطع و آشکار با همه ی ظالمان است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۸.
۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۸.
۳- ر.ک. منتخب الأنوار المضیئه، ص ۱۵۲.

امام علی علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

«إِنَّ القائِمَ مِنَّا إِذا قَامَ لَم یَکُن لِأَحَـدٍ فی عُنُقِهِ بیعهِ فِلذلک تُخفی ولادَتَهُ و یَغیبُ شَـخصَهُ»؛(۱) «همانا قائم ما وقتی قیام کند بیعت احدی بر او نیست پس به همین خاطر ولادتش پنهان می باشد و از نظرها غایب می گردد.»

خود حضرت نیز در پاسخ به سؤالات اسحاق بن یعقوب می فرمایند:

«إِنَّهُ لَم یَکُن لِأَحَـدٍ مِن آبائی علیهم السـلام إِلّا وَ قَد وَقَعَت فی عُنُقِهِ بَیعَهٌ لِطاغِیهِ زَمَانِهِ وَ إِنّی أَخرُجُ حینَ أَخرُجُ وَ لابَیعَهَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغیت فِی عُنُقِی»؛(۲) «هیچ یک از پدران من نبودند مگر آن که بیعتی از طاغوت زمان خود بر گردن داشـتند، اما من وقتی قیام کنم، بیعت احدی از طاغوت های زمانه بر گردنم نیست.»

۳- حفظ جان و ترس از کشته شدن

یکی دیگر از حکمت هایی که برای غیبت حضـرت ذکر شـده است ترس از کشـته شدن است. زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

«إِنَّ لِلقائِمِ غَیبَهٌ قَبلَ أَن یَقُومَ»؛(۳) «همانا برای قائم علیه السـلام ما غیبتی است قبل از این که قیام نماید.» عرض کردم: سبب آن چیست؟ حضرت فرمودند: «ترس از کشته شدن.»

با این که کشته شدن در راه خدا آرزوی دیرینه ی معصومین علیهم السلام و هر انسان آزاده ای بوده و هست و حضرت مهدی علیه السـلام فرزنـد همان امامی است که وقتی ضـربت شمشـیر بر فرق مبارکشان فرود آمد، نوای زیبای «فُزتُ و رَبِّ الکعبَه» او گوش عرشیان را نوازش داد، اما علت این که حضرت غایب شدند تا کشته نشوند و زنده بمانند، دو مسأله ی مهم می باشد:

الف) وضعیت حضرت مهدی علیه السلام با همه ی ائمه ی قبل از خود کاملاً متفاوت بود. به جهت این که دوست و دشمن به واسطه ی اخبار و روایات فراوان در این زمینه، می دانستند کسی که

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۳.
۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.
۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶.

بنا است ریشه ی ظلم و ظالم را بکنـد و عدالت را در صـحنه ی پهناور گیتی بگستراند، کسـی نیست جز ایشان، بنابراین خلفای جور لحظه و آنی در قتل ایشان درنگ نمی کردند و هرگز اجازه نمی دادند زنده بمانند.

ب) حضـرت مهدی علیه السلام ، بقیه الله و آخرین ذخیره ی الهی است. اگر ائمه ی دیگر به شهادت می رسیدند، امام دیگری بود که جانشـین ایشان گردد، اما مشیّت الهی بر این تعلق گرفت که جانشـینان رسول مکرم اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم دوازده نفر باشـند، به عدد نقبای بنی اسـرائیل.(۱) در این صورت اگر امـام ظـاهر بود و کشـته می شدنـد، زمین از حجّت خـدا خالی می ماند و نظام آفرینش در هم می ریخت.

۴- قدر ناشناسی مردم

یکی دیگر از حکمت هـای غیبت قـدر ناشناسـی مردم از ائمه ی یـازده گانه ی قبل از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف می باشد.

خداوند متعال یازده حجّت خود را در اختیار مردم گذاشت و نهایت توصـیه را در حق آنان در قرآن مجید با آیاتی مثل آیه ی موده(۲) و از طریق رسولش بـا روایـاتی مثل حـدیث ثقلین، منزلت، سـفینه(۳) و امثـال آن بیـان داشت، امـا مردم نه تنهـا به این توصـیه ها توجهی نکردنـد، بلکه به گونه ای عمل نمودند که گویا به آن ها توصـیه ی ظلم و آزار اهل بیت شده است. لذا هر یک را به گونه ای به شـهادت رساندند. وقتی نوبت به آخرین ذخیره ی الهی بقیه الله الأعظم ارواحنافداه رسید، غضب خداوند متعال شامل مردم گردید و آنان را به بلا و مصیبت سخت غیبت _ که قبلاً هشدار آن را نیز داده بود(۴) _ مبتلا نمود.

آری، به قول مرحوم خواجه نصیر الدّین طوسی: «وُجُودُهُ لطفٌ وَ تَصَرُّفُـهُ لُطفٌ آخَر وَ

ص:۱۲۸

۱- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۵، فصل اول.

۲- شوری (۴۲)، ۲۳.

۳- ر.ک. کشف المراد در شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۸۱ به بعد.

۴- ملک (۶۷)، ۳۰.

عَدَمُهُ مِنّا»؛(۱) «وجود امام لطفی است برای مردم از ناحیه ی خداوند متعال و ظاهر بودن او لطف دیگری است و عدم امام یعنی غیبت او از ناحیه ی خود ما است و سبب آن خود ما هستیم و الّا هرگز غیبت صورت نمی گرفت.»

حاصل کلام این که: میان قابلیت ها و شایستگی های ذاتی مردم برای پذیرش امام معصوم علیه السلام و میزان حضور امام در جامعه ارتباطی متقابل وجود دارد به هر اندازه که مردم شایستگی و لیاقت خود را از دست داده و از ارزش های الهی فاصله بگیرند، امام معصوم نیز که یکی از تجلیّات رحمت الهی به شمار می آید، از جامعه فاصله گرفته و از حضور خود در جامعه می کاهد؛ چرا که رحمت الهی در جایی فرود می آید که سزاوار رحمت باشد. به بیان دیگر قرآن کریم می فرماید: ((ذَلِکَ بِأَنَّ اللهَ لَم یَکُ مُغَیّراً نعمهً أَنعَمَها عَلَی قَوم حتّی یُغَیّروا ما بِأَنفُسِهِم ...))؛(۲) این (کیفر) بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته، تغییر نمی دهد مگر آن که آنان، آن چه در دل دارند تغییر دهند.

ص:۱۲۹

۱- خواجه نصیر الدین طوسی، کشف الاسرار، ص ۳۶۲.

۲- انفال (۸)، ۵۳.

پرسش

۱- مفهوم غیبت چیست؟

۲- آیا ترس از کشته شدن برای امام قابل قبول است؟

۳- رابطه ی سنت امتحان و غیبت امام زمان علیه السلام در چیست؟

۴- نام چند تن از پیامبران الهی که _ مشمول سنت غیبت شده اند _ را نام برید؟

عرصه های پژوهش

۱- بررسی تاریخی زندگی نوّاب.

۲- جایگاه ولی فقیه در عصر غیبت کبری.

۳- سازمان وکالت (پیشینه و اهداف).

۴- غیبت از دیدگاه علم کلام.

۵- غیبت در روایات.

ص:۱۳۰

معرفی منابع

۱- تاریخ غیبت کبری و صغری، سید محمّد باقر صدر، ص ۲۶۷.

۲- امامّت ـ غیبت ـ ظهور، واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران.

۳- امات و غیبت از دیدگاه علم کلام، سید مرتضی علم الهدی، ترجمه ی المقنع فی الغیبه.

۴- غیبت نعمانی.

۵- غیبت طوسی، ص ۸۵ به بعد.

۶- کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۲، ص ۵۰۷.

۷- تاریخ عصر غیبت، مسعود پور سید آقایی، عاشوری، حکیم، جبّاری.

۸- تاریخ سیاسی عصر غیبت، جاسم حسین، ترجمه محمد تقی آیت اللهی.

درس هشتم: برکات وجودی امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ü واسطه ی فیض

ü هدایت تکوینی

ü امیدبخشی

ü امنیّت بخشی

ü تهذیب نفس

ü حفظ کیان شیعه

ü پاسخگویی به سؤالات

ü بهره مندی از دعا و استغفار حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص:۱۳۳

بِنَفسِی أنتَ مِن مُغَیّب لَم یَخلُ مِنّا ...

فایده ی امام غایب و چگونگی بهره مند شدن از الطاف قدسی ایشان، سؤالی است با سابقه ی بسیار طولانی که ذهن بسیاری را به خود مشغول نموده است. جابر بن عبد الله انصاری با شنیدن خبر غیبت حضرت مهدی علیه السلام از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: «فَهَل یَقَعُ لِشِیعَتِهِ الإنتفاعُ فِی غَیبَتِهِ؟»؛ «آیا در غیبت حضرت، شیعیانش بهره و فایده ای از او خواهند برد؟» حضرت رسول فرمودند:

«اِی و الَّذِی بَعَثَنِی بِالنُّبُوَّهِ إنَّهُم یَنتَفِعُونَ بِهِ وَ یَستَضِیئُونَ بِنُورِهِ کانتِفاعِ النّاسِ بِالشّمسِ و إن جَلَّلَها السِّحابٌ»؛(۱) «بله، قسم به آن کسی که مرا به نبوت برانگیخت، همانا شیعیانش از او بهره مند می شوند و به نور او روشنی می یابند؛ همانند بهره مندی مردم از خورشید، آن گاه که ابر آن را پوشانده باشد.»

بدین سان از همان ابتدا در میان مباحث مهدویّت یکی از سؤالاتی که پیوسته مطرح بوده است، این است که چگونه می توان از فیوضات امام غایب بهره مند شد؟ آیا امامی که در پس پرده ی غیبت قرار گرفته است، می تواند تأثیری در حیات بشری داشته باشد؟ به ویژه این که انگیزه ی جست وجو برای یافتن پاسخی مناسب و قانع کننده، آن گاه اوج می گیرد که می شنویم، اهل سنت وجود امام غایب را امری بیهوده می شمارند.

قاضی عبدالجبار معتزلی می گوید: «اگر امام ظاهر نشود تا به وسیله ی او نقص ها جبران شود، چه فایده ای برای او مترتب است، بِسان آن که اصلاً حجّتی بر روی زمین نباشد!!!»(۲)

۱- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۱۲۴، ح ۴.

۲- علی اصغر رضوانی، شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۲۲۴، به نقل از «المغنی»، ج ۱، ص ۵۷.

همچنین تفتازانی یکی دیگر از علمای مشهور اهل سنت می نویسد: «مسأله ی اختفای امام از مردم، به این کیفیت که تنها اسمی از او در میان باشد جدّاً بعید است و امامت او در خفا امری بیهوده است!»(۱)

امّا در نگاه شیعه ی امامیه وظایف امام بر دو قسم است:

۱- فواید و وظایفی که مستلزم حضور و ظهور امام علیه السلام در جامعه می باشد: یعنی اموری که فقط با ظهور امام در جامعه، محقق می شوند، مانند: برقراری عدالت اجتماعی، بیان احکام و تفسیر و تبیین قرآن، اجرای حدود الهی، تکالیف اجتماعی مانند جهاد و دفاع، تقسیم بیت المال و ... .

۲- فواید و وظایفی که مترتب بر وجود امام علیه السلام می باشند: یعنی اموری که غیبت نمی تواند مانعی برای عملی ساختن آن باشد. مانند موارد زیر:

اول: واسطه ی فیض

در ابتدا، باید این نکته را یادآور شد که، آن گاه که خداوند متعال اراده نمود خلقتی داشته باشد، گر چه در خالق هیچ نقص و عجزی وجود نداشت اما در مخلوق نیازمند به واسطه بود چرا که اولاً ـ باید بین علت و معلول سنخیت و هماهنگی وجود داشته باشد و ثانیاً مشیت خداوند بر این تعلق گرفته که نظام هستی، نظام اسباب و مسبّبات باشد لذا برای فیض وجود و سایر فیوضات نیاز به واسطه ای بود که از طرفی بتواند با عالم ماده مرتبط باشد و در قالب انسان مادی تجلّی یابد و از طرف دیگر نزدیک ترین و مقرّب ترین موجود در عالم هستی به خالق متعال باشد به همین جهت است که اولین چیزی که توسط آفریدگار هستی خلق شد، انوار طیبه ی ائمّه ی معصومین علیهم السلام بود و به واسطه ی آنان فیض وجود به سایر موجودات افاضه شد.(۲)

امام عصر علیه السلام واسطه ی فیض بین خالق و مخلوق است و نور وجود، علم و هدایت به واسطه ی او به مخلوقات می رسد. آن حضرت به عنوان یکی از معصومین علیهم السلام هدف نهایی آفرینش انسان و جهان است و مخلوقات همان گونه که در پیدایش خود نیازمند هدف نهایی هستند، در تداوم، استمرار و بقای خلقت نیز به آن محتاج اند.

۱- تفتازانی، شرح مقاصد، ج ۵، ص ۳۱۲.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۷ و ص ۱۰۵.

بنـابراین همه ی موجودات عالم، هم اصل وجودشان به واسـطه ی امام است و هم نعمت هایی را که در طول حیات خود دارند به واسطه ی وجود بابرکت امام می باشد. «بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنيَا و بِيَمِينِهِ رُزِقَ الوَرى ...»؛(۱) «دنیا به واسطه ی بقای او باقی است و مخلوقات به برکت او روزی داده می شونـد.» این حقیقت در بیان نورانی معصومین علیهم السـلام به خوبی بیان شـده که نمونه هایی از آن به این قرار است.

الف) امام سجاد علیه السلام ، در این رابطه می فرمایند:

«بِنَـا يُنَزِّلُ الغَيثَ وَ يَنشُرُ الرَّحمَهَ وَ يَخرُجُ بَرَكَاتِ الأَرضِ ...»؛(۲) «بـاران به وسـیله ی ما نازل، و رحمت به وسـیله ی ما منتشـر و برکات زمین به خاطر ما خارج می گردد ... .»

ب) عَن مُحَمّـد بن فُضَـيلِ عَن أَبَـا الحَسَنِ الرِّضَا علیه السـلام قالَ: «قُلتُ لَهُ: أَتَبقَى الأَرضُ بِغَيرِ إِمَامٍ؟ فَقَالَ: لا. قُلتُ: فَإِنّا نُروِى عَن أَبِى عَبدالله علیه السلام أَنَّهَا لاتَبقَى بِغَيرِ إِمَامٍ إِلّا أن يَسخط اللهُ عَلَى أَهلِ الأَرضِ أَو عَلَى العِبَادِ، فَقَالَ: لاتَبقَى؛ إِذَا لَسَاخَت.»؛(۳)

محمـد بن فضـیل می گویـد: به امـام علی بن موسـی الرضـا علیه السـلام عرض کردم: «آیـا زمین بـدون حجّت باقی می مانـد؟ حضرت فرمودند: نه. عرض کردم از امام صادق علیه السلام برای ما روایت شده که زمین بدون حجّت باقی نمی ماند مگر این که خداونـد بر اهل زمین یا بر بنـدگانش غضب کنـد پس امام فرمودند: باقی نمی ماند؛ در این صورت زمین اهلش را در خود فرو خواهد برد.»

ج) عن أَبِى جَعفَر علیه السـلام قالَ: «لَو بَقِيَتِ الأَرضُ يَوماً بِلا إمَام منّا لَسَاخَت بِأَهلِها وَ لَعَـذَّبَهُمُ اللهُ بِأَشَـدِّ عَذَابِه، إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالى جَعَلَنَا حُجّهً فِى أَرضِه وَ أَماناً فِى الأَرضِ لِأهلِ الأرضِ لَم يَزَالُوا فِى أَمانٍ مِن أن تَسِيخَ بِهِمُ الأَرضُ مادُمنا بَينَ أَظهُرِهِم فإِذَا أرادَ اللهُ أن يُهلِكَهُم ثُمَّ لايُمهِلهُم وَ لايُنظِرُهُم ذَهَبَ بِنَا مِن بَينِهم وَ رَفَعنَا إليه ثُمَّ يَفعَلُ اللهُ ما شاءَ وَ أَحبَّ.»؛(۴)

امام محمـد باقر علیه السـلام می فرماینـد: «اگر زمین روزی بدون امامی از ما باقی بماند، اهل خود را فرو خواهد برد و خداوند آن ها را به شدیدترین عذاب ها دچار خواهد نمود و پیوسته تا کسی از ما

ص:۱۳۶

۱- مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۹۳، ب ۲۱، ح ۲۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۲.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص ۳۸۸، ح ۱۴.

بین آن ها وجود دارد، از فرو رفتن و نابودی در امان خواهند بود. پس آن گاه که خداوند اراده کند که آنان را هلاک کند، به آنان مهلت ندهد، ما را از میان آنان گرفته و به سوی خود بالا خواهد برد سپس آن گونه که بخواهد انجام خواهد داد (زمین را زیر و رو خواهد ساخت).»

خود وجود نورانی حضرت درباره ی نحوه ی بهره مندی از ایشان در دوره ی غیبت می فرمایند:

«وَ أَمّا وَجهُ الانتِفاعِ بی فی غَیبتی فَکالانتفاعِ بِالشَّمسِ إذَا غَیَّبَتهَا عَنِ الأبصَار السَّحاب»؛(۱) «بهره مندی از من در روزگار غیبتم مانند بهره مندی از خورشید است، آن گاه که با ابرها از چشم ها پوشیده شده است.»

علّامه مجلسی در شرح این حدیث می فرماید:

۱- نور وجود و علم و هدایت به وسیله ی آن حضرت به خلق می رسد؛ زیرا آن بزرگواران علل غایی و هدف نهایی آفرینش هستند. اگر آنان نبودند نور هستی به دیگران، نمی رسید. پس علوم و معرفت ها به برکت ایشان و توسل به آن بزرگواران بر خلق آشکار می شود و بلاها از آنان دور می شود.

۲- همچنان که مردم از آفتاب پشت ابر استفاده می کنند و انتظار می کشند که ابرها کنار رود تا استفاده ی بیشتری از خورشید ببرند، منتظران واقعی آن حضرت در زمان غیبت، انتظار می کشند که هر لحظه آن حضرت ظهور کنند تا از فیض وجود مقدّس آن حضرت، بهره ی بیشتری ببرند.

۳- کسی که در زمان غیبت، وجود آن حضرت را انکار نماید، همانند این است که خورشید پشت ابر را انکار کرده است.

۴- گاهی اگر خورشید پشت ابر قرار بگیرد، به صلاح مردم می باشد همچنین غیبت آن حضرت نیز بنا به مصالحی است که بعد از ظهور آشکار می شود.

۵- همچنان که روشنی خورشید به مقدار روزنه ها و پنجره ها وارد خانه می شود و به آن نور و انرژی می دهد، دل های مردم، هر اندازه که از حجاب شهوات و علایق جسمانی به دور بوده و

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۲ ، ص ۵۴۲.

روزنه هایی از قلب و دل آنان به سوی معرفت خداوند باز باشد، از نور هدایت امام بهره مند می شوند.(۱)

دوم: هدایت تکوینی

اشاره

هدایت بر دو گونه است:

الف) هدایت تشریعی

این هدایت از طریق فرستادن پیامبران و نازل شدن کتاب های آسمانی صورت می گیرد و در اصطلاح «ارائه ی طریق و نشان دادن راه» خوانده می شود. آیه ی ۳ سوره ی دهر (انسان) به این نوع هدایت اشاره دارد:

((إِنّا هَدَیناهُ السَّبیلَ إِمّا شاکِراً و إِمّا کفُوراً))؛ به حقیقت ما راه سعادت را به انسان نشان دادیم حال، خواهد هدایت پذیرد و شکر این نعمت را بگذارد خواه آن را کفران نماید.

ب) هدایت تکوینی

این نوع هدایت به صورت ایصال الی المطلوب خوانده می شود. رساندن به مقصد است که در اصطلاح از این نوع هدایت به هدایت باطنی نیز تعبیر می شود.

رسالت اصلی همه ی انبیا و اوصیا علیهم السلام هدایت تشریعی و ارشاد و راهنمایی مردم می باشد اما سخن در این است که هدایت باطنی افراد و دستگیری از پویندگان راه حقیقت از مهمترین شئونات امامت است و برای افراد لایق همچنان ادامه دارد.

مرحوم علّامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه ی ۱۲۴ سوره ی بقره(۲) می فرمایند: «هدایتی که از شئون امامت است، هدایت تکوینی و ایصال الی المطلوب است نه صرف ارائه ی طریق.» ایشان معتقدند که امام در این آیه به معنای نبوت نیست و حضرت ابراهیم علیه السلام در حالی که

۱- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.
۲- وَ إِذِ ابتَلَی إِبرَاهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِمَاتٍ فأَتَمَهُنَّ قَالَ إِنّی جَاعِلُکَ للنّاسِ إمَاماً... ؛ و هنگامی که پروردگارش ابراهیم را آزمایش کرد پس آن ها را به پایان رساند خداوند گفت: همانا من تو را برای مردم امام قرار دادم.

نبی است و وحی بر او نازل می گردد، مژده ی امامت به او داده می شود. ایشان اضافه می کننـد که: هر کجا خداوند متعال در قرآن مجید به بحث امامت پرداخته، در کنار آن «هدایت به امر خدا» به عنوان تفسیر در کنارش قرار گرفته است. در آیه ی ۷۲ و ۷۳ سوره ی انبیا نیز می فرماید:

((وَ وَهَبنَا لَهُ إِسحَاقَ وَ یَعقُوبَ نَافِلَةً وَ کُلّاً جَعَلنَا صَالِحِین وَ جَعَلنَاهُم أَئِمَّةً یَهدُونَ بِأَمرِنَا ...))؛ به حضرت ابراهیم علیه السلام اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه ی آن ها را از شایستگان قرار دادیم و آنان را امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت کنند ... که مصداق «یَهدُونَ بِأَمرِنَا»، «ائمّه» معرفی شده است. در نتیجه امامت از دیدگاه قرآن به معنی مطلق هدایت نیست، بلکه هدایتی است که به فرمان حق تعالی صورت می گیرد و امام با یک امر ملکوتی، که همراه اوست دیگران را هدایت می کند و غیبت، هیچ مانعی برای این نوع هدایت محسوب نمی گردد.(۱) در زیارتی خطاب به امام زمان علیه السلام می گوییم:

«السَّلامُ علیکَ یا نُورَ اللهِ الّذی یَهتَدی بِهِ المُهتَدُون»؛(۲) «سلام بر نور خدایی که هدایت شدگان به واسطه ی او هدایت می شوند.»

در بیان نورانی امام علی علیه السلام جایگاه امامت بسیار زیبا ترسیم شده است. ایشان می فرمایند: «خداوندا! جز این نیست که باید حجّتی از سوی تو در زمین باشد تا خلق را به سوی آیین تو رهنمون شود. اگرچه وجود ظاهری او از مردم پنهان باشد، بی شک تعالیم و آداب او در دل های مؤمنین پراکنده است و آن ها بر اساس آن عمل می کنند.»(۳)

سوّم: امید بخشی

یکی از نام های خداوند «یا مُنتَهَی الرَّجایا»؛(۴) «ای نهایت امیدها» است.

ص:۱۳۹

۱- علامه طباطبایی تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۶۷ به بعد/ ج ۱۴، ص ۳۰۴ به بعد.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الأمر در روز جمعه.

۳- حرّ عاملی، اثباه الهداه، ج ۳، ص ۴۶۳.

۴- مفاتیح الجنان، دعای جوش کبیره.

نقش حیاتی و شگفت انگیز امید در سعادت و موفّقیت فرد و جامعه بر کسی پوشیده نیست. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلّم می فرمایند:

«اگر امید نبود مادری فرزند خود را شیر نمی داد و کسی درختی نمی کاشت.»(۱)

امیدی که ما از آن گفت وگو می کنیم، امیدی راکد نیست که سکون را توصیه کند. در این جا امید به شناختی پیوند می خورد که نور و تلاش می آفریند. امید به نجات - خبر از واقعیتی در طبیعت انسان و تبلور آن در یک برهه از تاریخ به وسیله ی یک ابرمرد- تفکّری سازنده و حرکتی مسئولانه است.

تشیّع با عرضه ی اعتقاد به امام مهدی علیه السلام ، ابتکار عمل را در رفع این عطش انسانی به عهده گرفته است. اعتقاد به رهبری مردی که آرمان های حقیقی انسان را لباس واقعیت می پوشاند. «مَن عَرَفَ هذَا الأمرِ فَقَد فُرِّجَ عَنهُ لِإنتظارِه»؛(۲) «هرکس این مقصد را شناخته باشد برای او به واسطه ی انتظارش فرج حاصل شده است.»

آری، آن چه در طول تاریخ تشیّع، با آن همه دشمنی و توطئه و مکر و نیرنگ، رمز پایداری شیعه بوده است، چیزی جز امید نیست؛ گرچه اهل سنت نیز اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام دارند، امّا اعتقاد به مهدی موجود با اعتقاد به یک مهدی که هر وقت خداوند بخواهد به دنیا می آید و در وقت مناسبی ظهور می کند، هرگز قابل مقایسه نیست.

وجود شریف امام عصر عجّل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

«إنّا غَیرُ مُهْمِلینَ لِمُراعاتِکم وَ لانَاسِینَ لِذِکرِکم وَ لَوْ لاذلِک لَنزَل بکم الّلأواء و اصطَلَمَکمُ الأعداء»؛(۳) «ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده ایم و هرگز شما را از یاد نبرده ایم و اگر نبود (عنایت پیوسته ی ما) حتماً سختی ها و بلاهای فراوانی به شما می رسید و دشمنان شما را نابود می کردند.»

چه امیدی بالاتر از این که امام زمان علیه السلام ما را فراموش نمی کنند و چه شرمساری بالاتر از این که ما امامان را فراموش کرده ایم.

ص:۱۴۰

۱- نهج الفصاحه، ص ۱۸۹، کلمه ۹۳۶.
۲- کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۸، ج ۳.
۳- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

چهارم: امنیّت بخشی

بدون تردید امنیّت از اصلی ترین سرمایه های زندگی است. در روایات پیشوایان ما، وجود امام و حجّت الهی در مجموعه ی جهان آفرینش، به عنوان عامل امنیّت زمین و اهل آن شمرده شده است. قرآن کریم خطاب به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

((وَ مَا کانَ الله لِیُعَذِّبهم و أنتَ فِیهم))؛(۱) «(ای رسول ما) تا زمانی که تو در میان ایشان هستی، خداوند هرگز آن ها را به عذاب گرفتار نخواهد کرد.»

در زیر امنیّت بخشی امام را در روایات معصومین علیهم السلام بررسی می کنیم:

الف) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمودند:

« ... الأئمَهُ مِن وُلدِکَ، بِهِم یستَجابُ دعاؤُهُم وَ بِهِم یصرِفُ الله عَنهُمُ البَلاءَ»؛(۲) «... خداوند متعال به واسطه ی ائمّه از فرزندان تو، دعای آنان را به اجابت می رساند و بلا را از آنان برطرف می کند.»

ب) امام محمّد باقر علیه السلام در این باره می فرمایند:

«نحنُ الّذینَ بِنا یَصرِفُ عَنکُمُ العذاب»؛(۳) «ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ی ما عذاب را از شما برطرف می گرداند.»

و در جایی دیگر فرموده اند:

«اگر یک روز زمین از امام و حجّت خدا خالی بماند لَعذَّبَهمُ اللهُ بأشدِّ العَذابِ خداوند آنان را (مردم) به شدیدترین عذاب ها مبتلا می نماید.»(۴)

ج) وجود شریف حضرت ولی عصر علیه السلام نیز در روایتی می فرمایند:

«إنّی أمانٌ لأهلِ الأرضِ کَما أنَّ النُّجوم أمانٌ لِأهل السَّماءِ»؛(۵) «همانا من امان اهل زمین هستم، همچنان که ستارگان امان اهل آسمان اند.»

همچنین در روایتی دیگر بیان می دارند:

۱- انفال (۸)، ۳۳.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۳۸.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ح ۲۰.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ح ۱۴.
۵- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ح ۲، ص ۲۳۹.

«أنا خاتَمُ الأوصیاءُ بی یدفَعُ الله عزّوجلَّ البلاءِ عَن أهلی و شیعتی»؛(۱) «من خاتم وصیان پیامبر هستم به واسطه ی من خداوند بلا را از خانواده و شیعیانم دور می کند.»

پنجم: تهذیب نفس

قرآن کریم می فرماید:

((وَ قُل اعمَلوا فَسَیَرِیَ الله عَمَلَکم وَ رَسولُه و المؤمنُون))؛(۲) «(ای پیامبر) به مردم بگو عمل کنید (ولی بدانید) که خداوند و پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم و مؤمنان کارهای شما را می بینند.»

امام صادق علیه السلام درباره ی کلمه ی «مؤمنون» در این آیه می فرمایند:

«هُمُ الأئِمَهُ»؛ «ایشان – که نظاره گر اعمال مردمان هستند و در قرآن، کنار خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته، کردار و رفتار همگان را می بینند – امامان معصوم سلام الله علیه می باشند.»

توجه به این مطلب که اعمال ما بر حضرت عرضه می گردد ما را به اصلاح کارهای خود وا می دارد. نظارت امام زمان علیه السلام بر اعمال شیعیان به دو صورت است:

الف) عرضه ی اعمال به ایشان: هر دوشنبه نامه ی اعمال ما به خدمت ایشان می رسد.

ب) شاهد بودن بر اعمال: آن بزرگوار از پس پرده ی غیبت شاهد و ناظر کارهای ماست.

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«وَ اللهِ إنَّ أعمالَکُم لَتُعرَضُ عَلَیَّ فی کُلِّ یومٍ و لیلهٍ»؛(۳) «به خدا قسم که اعمال شما هر صبح و شام بر من عرضه می شود ... .»

این توجه ارزشمند و حرکت در مسیر تهذیب نفس و بهره مندی از دعای خیر حضرت می تواند مقدّمه ای باشد برای کسب قابلیت و لیاقت.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲- توبه (۹)، ۱۰۵.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۱۹.

ششم: حفظ کیان شیعه

در دوران جنگ جهانی دوّم و اشغال ایران توسط انگلیس و روس، حملات و هجوم دشمنان به ملّت مظلوم ایران به اوج خود رسیده بود. به همین جهت آیت الله العظمی نایینی بسیار پریشان و نگران اوضاع شیعه بود. شبی به امام عصر علیه السلام متوسل گردیدند و در حال گریه و توسل به خواب رفتند، در عالم رؤیا دیوار بزرگی به شکل نقشه ایران را دیدند که در حال سقوط است و عدّه ای زن و بچه زیر آن نشسته اند ... در این حال دیدند حضرت ولی عصر علیه السلام تشریف آوردند و انگشت مبارکشان را به طرف آن دیوار گرفته و آن را سر جای خودش قرار دادند و فرمودند: «این جا شیعه خانه ی ماست، می شکند، خم می شود، خطر هست ولی ما نمی گذاریم سقوط کند. نگهش می داریم.»(۱)

«در روزگار گذشته، فرمانروایی ناصبی بر بحرین حکومت می کرد، که وزیرش در دشمنی با شیعیان آن جا، گوی سبقت را از او ربوده بود. روزی وزیر بر او وارد شد و اناری به دستش داد، که این واژه ها بر پوست آن نقش بسته بود: لا اله الا الله، و ابوبکر و عمر و عثمان و علی، خلفاء الله. فرمانروا از دیدن آن بسیار در شگفت شد و به وزیر گفت: این، نشانه ای آشکار و دلیلی نیرومند بر بطلان مذهب تشیّع است. نظر تو درباره ی شیعیان بحرین چیست؟ وزیر پاسخ داد: به باور من، باید آنان را حاضر کنیم و این نشانه را به ایشان ارائه دهیم. اگر نپذیرفتند که از مذهب خود دست کشند، آنان را میان سه چیز مخیّر می کنیم: ۱- پاسخی قانع کننده بیاورند؛ ۲- جزیه بدهند؛ ۳- مردانشان را کشته و زنان و فرزندانشان را اسیر و اموالشان را به غنیمت می بریم.

فرمانروا رأی او را پذیرفت و دانشمندان شیعه را نزد خود فراخواند. آن گاه انار را به ایشان نشان داد و گفت: اگر برای این پدیده، دلیلی روشن نیاورید، شما را می کشیم و زنان و فرزندانتان را اسیر می کنیم و یا این که باید جزیه بدهید. دانشمندان شیعه، سه روز از او مهلت خواستند. آنان پس از گفت و گوی فراوان به این نتیجه رسیدند که از میان خود، ده نفر از صالحان و پرهیزگاران بحرین را برگزینند. آن گاه از میان این ده نفر نیز سه نفر را برگزیدند و به یکی از آن سه نفر گفتند: تو امشب به سوی صحرا برو و به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه والشریف استغاثه کن و از او، راه رهایی از این مصیبت را بپرس. زیرا ایشان

۱- محمدباقر باقی اصفهانی، عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، حکایت ۱۵۱، ص ۳۱۵.

امام ما و صاحب ماست. آن مرد چنین کرد ولی پاسخی نشنید. شب دوّم نیز نفر دوّم را فرستادند و او نیز پاسخی دریافت نکرد. شب آخر، محمّد بن عیسی را به بیابان فرستادند. او به صحرا رفت و با گریه و زاری از حضرت، درخواست کمک کرد. چون آخر شب شد، شنید مردی خطاب به او می گوید: «محمّد بن عیسی! چرا تو را به این حال می بینم و چرا به سوی بیابان بیرون آمده ای؟» محمّد بن عیسی خواهش کرد که او را به حال خود وا گذارد. آن مرد فرمود: «محمّد بن عیسی! منم صاحب الزّمان.» حاجت خود را باز گو. محمّد بن عیسی گفت: اگر شما صاحب الزّمانید، داستان مرا می دانید و به گفتن من نیازی نیست. فرمود: «راست می گویی. تو به دلیل آن مصیبتی که بر شما وارد شده است به اینجا آمده ای.» عرض کرد: آری، شما می دانید چه بر ما رسیده است و شما امام و پناه ما هستید. پس آن حضرت فرمودند: «ای محمّد بن عیسی! در خانه ی آن وزیر، درخت اناری است. هنگامی که انارهای درخت تازه رسیده بود، او از گل قالبی به شکل انار ساخت، آن را نصف کرد و در میان آن، این جمله را نوشت. سپس قالب را بر روی انار که کوچک بود گذاشت و آن را بست. چون انار در میان آن قالب بزرگ شد، آن واژه ها بر روی آن نقش بست. فردا نزد فرمانروا می روی و به او می گویی که من پاسخ تو را در خانه ی وزیر می دهم. چون به خانه ی وزیر رفتید، پیش از وزیر به فلان جا برو. کیسه سفیدی خواهی یافت که قالب گل در آن است. آن را به فرمانروا نشان بده. نشانه ی دیگر این که به فرمانروا بگو: که معجزه ی دیگر ما این است که چون انار را دو نیم کنید، جز دود و خاکستر چیزی در آن نیست.» محمّد بن عیسی از این سخنان بسیار شادمان شد و به نزد شیعیان بازگشت. روز دیگر، آنان پیش فرمانروا رفتند و هر آن چه امام زمان عجّل الله تعالی فرجه والشریف فرموده بودند، آشکار گشت. فرمانروا با دیدن این معجزه به تشیّع گروید و دستور داد وزیر حیله گر را به قتل رساندند.»(۱)

هفتم: پاسخ گویی به سؤالات

یکی دیگر از برکات وجودی امام زمان علیه السلام حفظ و نگه داری علوم و اسرار الهی است. در زمان غیبت اگر چه دسترسی مستقیم و استفاده ی همه جانبه از محضر امام عصر علیه السلام ممکن نیست، ولی آن معدن علوم الهی به راه های مختلف گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می کند.

۱- محدّث نوری، ترجمه ی النجم الثّاقب، ص ۵۵۶/ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، صص ۱۸۰- ۱۷۸.

سید میر علّام نقل می کند که: در ساعت های آخر شب، در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام بودم؛ دیدم در خلوت شب مردی به سوی مرقد می آید؛ به او نزدیک شدم، دیدم مقدّس اردبیلی است. خود را به او نشان ندادم و مراقب او بودم. او به درب حرم - که بسته بود - رسید، امّا با رسیدن او درب گشوده شد و وی وارد حرم شد، امّا با کسی حرف می زد و سپس از حرم خارج شد و درب ها بسته شد. مقدّس اردبیلی به سوی مسجد کوفه حرکت کرد و من نیز - به طوری که مرا نبیند - از پشت سر او حرکت کردم. وارد مسجد کوفه شد؛ به سوی محراب شهادت رفت و مدّتی درنگ کرد و سپس به سوی نجف برگشت. در میانه ی راه، سرفه ام گرفت؛ او متوجّه من شد و فرمود: میرعلّام تو هستی؟ پاسخ دادم: آری. گفت: چه می کنی؟ گفتم: من از همان لحظات ورود شما به حرم مولا تا کنون با شما بودم. شما را به صاحب این قبر سوگند، مرا از آن چه برایتان پیش آمده با خبر سازید! گفت: اگر تعهّد کنی تا زنده ام به کسی نگویی، حقیقت را به تو می گویم. تعهّد دادم، او گفت: من در مسایل پیچیده ی علمی- فقهی آمدم از روح بلند مولا، پاسخ بگیرم؛ هنگامی که به حرم رسیدم، درها گشوده شد؛ ولی ندایی از جانب قبر آمد که برو مسجد کوفه، سؤال خود را از مهدی علیه السلام - که امام زمان توست - بپرس! به سرعت به مسجد کوفه آمدم؛ نزدیک محراب رفتم. حضرت، آن جا نیایش می کردند؛ سؤالات خود را پرسیدم و ایشان پاسخ گفتند. اینک به خانه ی خویش برمی گردم.(۱)

هشتم: بهره مندی از دعا و استغفار حضرت علیه السلام

یکی دیگر از برکات وجودی حضرت، بهره مندی مؤمنین از دعا و استغفار حضرت می باشد. امام زمان علیه السلام همانند «پدری دلسوز و مادری مهربان»(۲) پیوسته به فکر مؤمنین بوده و رشد و تعالی آنان را از خداوند می خواهد و آنان را مشمول دعای خیر خود می نماید.

عبدالله ابن أبان به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض می کند که برای من و خانواده ام دعا کنید. امام فرمودند: «آیا فکر می کنی من این کار را انجام نمی دهم؟ به خدا قسم هر روز و شب اعمال شما بر ما عرضه می شود.»(۳)

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۵.
۲- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.
۳- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۴.

آری هنگـام عرضه ی اعمـال بر امـام زمـان علیه السـلام بـا دیـدن اعمال خیر در نامه ی مؤمن برای توفیق بیشتر او دعا و هنگام دیدن معصیت و کوتاهی برای او طلب مغفرت و هدایت می نمایند و این همان چیزی است که در دعای ندبه از خداوند متعال می خواهیم:

«و امنُن عَلینـا بِرِضـاهُ وهَب لَنا رأفَتَهُ و رَحمَتَهُ و دُعائَهُ و خیرَهُ مانـالُ به سَعَةً مِن رَحمتِکَ و فوزاً عنـدَک»؛ «خـدایا نعمت بزرگ خشـنودی حضـرت را شامـل حـال مـا گردان و مهربانی و رحمت و دعای خیر او را به ما عطا کن تا به رحمت گسترده ی تو و رستگاری در محضرت نایل گردیم.»

امـام عصـر علیه السـلام بـاران رحمت الهی است و در همه حال بر کویر جان ها باریـده و با دعای خود سبزی و خرمی را برای شیعیـان به ارمغـان آورده است. آن سـجّاده نشـین آسـتان حضـرت دوست دست هـای خواهش را گشوده و برای مـا این چنین خواسته است:

«یا نورَ النّور یا مُدبّر الامُور یا باعثَ مَن فِی القُبوُر صلِّ علی محمدٍ و آل محمد واجْعَلْ لی و لِشیعَتی مِن الضّیق فرجاً و منَ الهمَّ مخرجاً و أوسَعْ لنا المَنْهجَ واطْلَقْ لَنَا مِنْ عِنْدِك ما یَفرِجُ وَ افْعَل بنا ما أنتَ أهلُهُ یا کریم»؛(۱) «ای روشنایی نور، ای تدبیر کننده ی کارها، ای زنده کننده ی مردگان، بر محمد و آل محمد درود فرست و برای من و شـیعیانم در تنگناها گشایشـی قرار ده. از غم و انـدوه راه چـاره ای بـاز کن و راه هـدایت را بر ما وسـعت بخش. راهی که در آن گشایش ماست، به روی ما بگشا و آن چنان که تو شایسته ی آن هستی با ما رفتار کن، ای کریم.»

ص:۱۴۶

۱- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۶۵۸.

پرسش

۱- هدایت باطنی امام از چه طریقی شامل حال افراد می گردد؟

۲- این تعبیر دعای عدیله «بِیَمِینِهِ رُزِقَ الوَرَی» مربوط به کدام یک از برکات امام غایب علیه السلام است؟

۳- چه شباهت هایی بین خورشید پشت ابر و امام غایب وجود دارد؟

۴- وجود امام علیه السلام چگونه باعث امیدواری می شود؟

عرصه های پژوهش

۱- بررسی سنت غیبت در میان دیگر انبیای الهی.

۲- وضعیت فکری و یاسی _ اجتماعی شیعه درعصر غیبت صغری.

۳- سازمان وکالت در عصر غیبت صغری.

۴- سیره ی حضرت علیه السلام در دوران غیبت.

۵- وضعیت شیعه در عصر غیبت (ولایت فقیه).

۶- بررسی واسطه ی فیض بودن امام علیه السلام در قرآن و ادعیه.

۷- علت نیاز مردم به پیامبر و امام.

۸- نمونه ای از امدادهای غیبی امام زمان علیه السلام به افراد و جامعه.

ص:۱۴۷

معرفی منابع

۱- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، (نعمت در پس پرده ی غیبت)، نیکو دیالمه، ص ۲۰۵.

۲- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، (غیبت،حکومت،انتظار)، محمدعلی قاسمی، ص۲۹۳.

۳- غیبت و حیرت، سید محمد جواد مهدی.

۴- فصل نامه ی انتظار، ش ۷، (فلسفه ی غیبت از منظر روایات)، محمد هادی یوسفی غروری، ترجمه ی بهروز محمدی.

۵- فصل نامه ی انتظار، ش ۴، (دلایل غیبت حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات)، نجم الدین طبسی.

۶- غیبت امام عصر یا پنهانی خورشید عدالت، محمد خادمی شیرازی.

۷- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، صص ۸۳-۹۴ و صص ۱۰۹ و ۱۲۳.

۸- جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام ، حسین علی پود.

ص:۱۴۸

درس نهم: دیدار با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ü اهل بیت علیهم السلام مشتاق دیدار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ü امکان دیدار

ü نفی نیابت

ü امکان زیارت

ü انواع دیدار

ü برکات دیدار با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ü موانع دیدار با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص:۱۴۹

مَتی تَرَانا و نَراک ...

اعتقاد به وجود امام زمان علیه السلام و حجّت حق از ضروریات مذهب شیعه است. لیکن در زمانی که حجّت الهی، در پرده ی غیبت به سر می برد، این پرسش مطرح می شود که: ارتباط با ایشان به چه شکل خواهد بود؟ و آیا شیعیان و دوستداران حضرت می توانند از نعمت دیدار ایشان بهره مند شوندد

در پاسخ باید گفت که هر کسی در سطحی، با مولای خود ارتباط برقرار می کند و گرچه مراتب این ارتباط ها بی شمار است، اما ما تمام آن ها را در چند مرتبه ی زیر خلاصه می کنیم:(۱)

۱- گاه ارتباط قلبی است، که دل مؤمن به قلب امام خود گره خورده و بسته و وابسته به آن می گردد.

۲- گاه ارتباط دیداری تحقق می یابد. در این صورت فرد موفق به دیدار مولای خود می گردد.

۳- گاه ارتباط به وصال تبدیل شده و مؤمن هیچ گاه از امام خود بریده و جدا نیست؛ که در این صورت کامل ترین مراتب ارتباط برای شخص حاصل می شود.

در این گفتار به بررسی ارتباط در ظاهر و خارج که از آن به دیدار یاد شده است، می پردازیم:

اهل بیت علیهم السلام مشتاق دیدار امام مهدی علیه السلام

همه ی آشنایان به ساحت آن ولی معظّم الهی، خواهان ارتباط چهره به چهره با حضرتش هستند، پیش از آن که از امکان دیدار بگوییم؛ به بیان گوشه ای از دیدگاه های ائمه اطهار علیهم السلام که

۱- مرتضی آقا تهرانی، سودای روی دوست، ص ۱۹.

خود درخواست دیدار آن عزیز را داشته اند، می پردازیم:

۱- پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم از دیدار انوار ائمه ی اطهار علیهم السلام در شب معراج خبر می دهند و آن گاه می فرمایند:

« ... والحُجَّةُ القائم، کَأَنَّهُ کوکبٌ دُرّی فی وَسَطِهِم»؛(۱) «... و حجّت قائم را دیدم که هم چون ستاره ای پرنور در میان ایشان می درخشید.»

آن گاه از جانب رب العالمین خطاب آمد:

«یا محمد، أحبِبهُ فَإنّی اُحِبُّهُ وَ اُحِبُّ مَن یحِبُّهُ»؛ «ای محمد، او را دوست بدار، همانا که من او و دوستداران او را دوست می دارم.»

شاید از همین روست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از خداوند متعال تقاضای دیدار یاوران حضرت مهدی علیه السلام را داشته و می فرمایند:

«أللّهُمَّ لَقِّنی إخوانی ... اولئکَ رُفَقائیو ذَووا وُدّی وَ مَوَدَّتی و اَکرَمُ اُمَّتی عَلَی»؛(۲) «پروردگارا، ای کاش من ملاقات کنم برادرانم را ... آنان رفیقان من، مورد علاقه و محبت شدید من و گرامی ترین افراد نزد من می باشند.»

۲- حضرت مولا علی علیه السلام در وصف یاران امام زمان علیه السلام می فرمایند:

« ... اَوسَعُکُم کَهفاً و اَکثَرُکُم عِلماً و اَوصَلُکُم رَحِماً ... شوقاً إلی رُؤیتِهِ»؛(۳) «پناه دهی او از همه ی شما گسترده تر و دانش او از همه ی شما بیشتر و رسیدگی او به خویشان از همه ی شما برتر است ... چقدر مشتاق دیدن اویم.»

۳- امام حسن علیه السلام درباره ی مشتاقان آن ولی اعظم فرموده اند:

«طوبی لِمَن أدرَکَ أیامَهُ و سَمِعَ کَلامَهُ»؛(۴) «خوشا به حال کسی کـه روزگار امام مهدی علیه السلام را درک کند و کلام آن بزرگوار را بشنود.»

ص:۱۵۱

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۳.

۲- علامه مجلسی،بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۲۹.

۳- علامه مجلسی،بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

۴- کامل سلیمان، یوم الخلاص (روزگار رهایی، ترجمه ی علی اکبر مهدی پور)، ص ۳۷۴.

۴- هنگامی که از امام حسین علیه السلام سؤال شد، آیا مهدی علیه السلام به دنیا آمده است؟ فرمود: «لا، وَ لَو أدرَکتُهُ لَخَدَمتُهُ أیامَ حَیاتی»؛(۱) «نه، ولی اگر او را درک کنم، تمام روزگار زندگی ام را به خدمت گزاری اش خواهم گذراند.»

۵- امام سجاد علیه السلام در دعایی که به حرز آن حضرت مشهور است، از خداوند متعال این چنین دیدار حضرت را تمنا می نماید:

« ... وَارزُقنی رَؤیهَ قائم آل مُحَمَّد»؛(۲) «... و دیدار قائم آل محمد علیه السلام را روزی ام گردان.»

۶- امام باقر علیه السلام آن گاه که نشانه هایی ویژه را در آستانه ی ظهور حضرت برمی شمارد، چنین می فرمایند:

«إنّی لَو أدرَکتُ ذلکَ لَاَبقَیتُ نَفسی لِصاحِب هذا الاَمر»؛(۳) «اگر آن زمانه را درک می کردم، خود را برای خدمت و یاری صاحب الامر آماده نگه می داشتم.»

۷- در دعای عهد از امام صادق علیه السلام عباراتی آمده که لبریز از تمنای دیدار است:

«أللّهُمَّ أرِنی الطَّلعَهَ الرَّشیدَه و الغُرَّهَ الحَمیدَه و اکحُل ناظِری بِنَظرَهٍ مِنّی إلَیه»؛(۴) «پروردگارا، آن طلعت زیبای رشید و آن تابنده ی پسندیده را به من بنمای! و چشمم را به دیدارش سرمه کش!»

الف) امکان دیدار

در عصر حضور و ظهور ائمه ی اطهار علیهم السلام دیدار امام به طور اجمال برای همگان میسر بوده، ولی در دوران امامت حضرت هادی علیه السلام و حضرت عسکری علیه السلام اقداماتی برای آماده سازی شیعه و تغییر این نوع ارتباط به گونه های دیگر صورت گرفت تا که این پرده پوشی بر علاقه مندانشان سخت و ناگوار نیاید.

۱- موسوعه کلمات امام حسین علیه السلام ، ص ۶۶۰.
۲- محدث قمی، مفاتیح الجنان، حرز امام سجاد علیه السلام .
۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.
۴- محدث قمی، مفاتیح الجنان، دعای عهد.

بعد از آن و در دوران غیبت صغرای ولی عصر علیه السلام مردم از طریق نایبان با آن حضرت ارتباط برقرار می کرده اند. اما در دوران غیبت کبرای آن یگانه، دو مسئله ی اساسی مطرح می شود: ۱) نیابت؛ ۲) زیارت. آن چه بر اساس روایات، در دوران غیبت کبرا، به طور کلی نفی می شود، داعیه ی نیابت و سفارت خاص از جانب آن حضرت است، اما امکان زیارت آن حضرت در این دوران، از طرق متعدد قابل اثبات است.

ب) نفی نیابت

تکذیب و ردّ مدعیان نیابت خاص حضرت ولی عصر عجّل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت کبرا از تکالیف و وظایف مؤمنان است. شیعه ی امامیه معتقد است که با وفات آخرین نایب خاص آن حضرت در دوران غیبت صغرا، شیخ علی بن محمد سمری رضوان الله تعالی علیه، وکالت و نیابت خاص از جانب امام زمان علیه السلام خاتمه یافته است. در توقیعی شریف که آخرین نایب خاص امام از ساحت مقدس ولی عصر عجّل الله تعالی فرجه الشریف دریافت داشت، این گونه آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحیم. یا علی بن محمد سمری اعظم اللهُ أجرَ إخوانک فیک فإنّک میّت ما بینک و بین ستّهِ أیّام فاجمَع أمرک و لاتوصِ إلی أحدٍ یقومُ مقامک بعد وفاتک، فقد وقَعَت الغیبه الثّانیه [التامه] فلاظهورً الّا بعد اذن الله عزّوجل و ذلک بعد طول الأمد و قسوه القلوب و امتلاء الأرض جورا و سیإتی شیعتی من یدَّعی المشاهده ألا فمنِ ادّعی المشاهدهَ قبل خروج السفیانی و الصیحهِ فهو کاذب (کذّاب) مفتر و لاحولَ و لاقوه الا بالله العلی العظیم.»؛(۱) «به نام خداوند بخشنده ی مهربان. ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش برادرانت را درباه ی تو بزرگ فرماید. تو در فاصله ی شش روز می میری. کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد چون غیبت دوم (تامّه) واقع شده است و ظهوری نیست، مگر پس از اذن خداوند و آن پس از مدتی است طولانی که دل ها قسی و زمین از ستم پر شود و به زودی عده ای از شیعیان من خواهند آمد. کسانی که مشاهده

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۶.

و دیـدن مرا ادّعا کنند. آگاه باشـید هر کس قبل از خروج سـفیانی و صـیحه ی آسـمانی ادّعا کند که مرا دیده است، او دروغ گوی افترا زننده است و نیست توان و نیرویی مگر از ناحیه ی خداوند بزرگ.»

آن چه بی ابهام، از این روایت شـریف به دست می آید، این است که دیگر در دوران غیبت کبرای امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشـریف، نیابت و سـفارت خاصـی که در دوران غیبت صـغرا وجود داشت، هرگز ممکن و میسـر نخواهـد گشت. با این بیان، حضـرت ولی عصـر عجّل الله تعالی فرجه الشـریف راه را بر مدعیان نیابت و سفارت خویش به طور کلی بسته اند تا دیگر کسـی نتوانـد مـدعی شود که واسـطه ی بین حضـرت و مردم است و یـا هر گاه بخواهـد می توانـد با امام ارتباط برقرار کنـد و دستورات آن حضرت را به مردم ابلاغ نماید!

ج) امکان زیارت

اشاره

با توجه به فراوانی و تعـدد افرادی که در دوران غیبت صـغرا و کبرای امام عصـر علیه السـلام آن حضـرت را زیارت کرده اند، شکی نیست که دیدار امام زمان علیه السلام امری شدنی و ممکن است. در این باره سه دلیل عمده بر اثبات امکان دیدار یعنی دلیل عقلی، نقلی و دلیل عینی بیان می گردد:

۱- دلیل عقلی

برای بیان این استدلال پرداختن به سه مقدمه ی زیر لازم به نظر می رسد:

الف) نیـاز جـامعه به امام و حضور ایشان، همچنان باقی است و با وقوع غیبت نیاز مردم به امام از بین نمی رود و اگر دسترسـی مردم به امام معصوم علیه السلام مقدور نیست به خاطر مصالحی می باشد که موجب پدیده ی غیبت گردیده است.

ب) در بحث غیبت اشاره شد که منظور از غیبت امام، خفای عنوان و شخصـیّت امام علیه السـلام است. یعنی حضـرت در زمان غیبت در میان مردم به طور طبیعی رفت و آمـد دارنـد و هر ساله در مراسم حـج شـرکت می نماینـد، و مردم ایشان را می بینند ولی نمی شناسند(۱) و این حالت تا زمانی که خداوند فرمان ظهور و قیام امام را صادر نکرده، ادامه دارد.

ج) غیبت کبری از سال **۳۲۹** هـ ق آغاز گردیده و تا زمانی که خداوند بخواهد ادامه پیدا

ص:۱۵۴

۱- کلینی، اصول کافی، باب فی الغیبه، ح ۴.

می کند، حضرت در طول غیبت کبری در همین عالم، در کره ی زمین، به صورت طبیعی زندگی می کنند.

در نتیجه ی مقدمات ذکر شده، دیدن و رؤیت کسی که دارای زندگی طبیعی است و مثل سایر مردم، مسکن، خوراک، پوشاک و رفت و آمد دارد، هیچ گونه منع عقلی ندارد زیرا کسی که به طور طبیعی در میان مردم به صورت ناشناس به سر می برد از نظر عقل قابل دیدن است و مخفی بودن و ندیدن ایشان بر خلاف انتظار و خلاف قانون طبیعی است و علت ناشناس بودن ایشان به خاطر مصالحی است که در بحث حکمت و فلسفه ی غیبت به آن اشاره شد.

باید توجّه داشت که حکمت و فلسفه ی غیبت مبتنی بر مصالح کلی و عامه است. این مصالح کلی که مربوط به همه ی بشریّت اند باعث شده اند تا حضرت ولی عصر علیه السلام از دیدگان عموم مردم مخفی باشند. بدیهی است که چنین چیزی منافاتی با رؤیت آنی و مقطعی بعضی افراد، در موارد نادر، بنا به مصالح خاص ندارد. چرا که فلسفه ی غیبت، امکان دسترسی و رؤیت عمومی امام علیه السلام و نیز امکان رؤیت افراد خاص به طور دایم و مداوم را نفی می کند.

۲- دلیل نقلی (روایات)

روایاتی که دلالت بر دیدار حضرت در عصر غیبت دارد، چند دسته روایت است که عبارتند از:

الف) روایاتی که بیانگر رفت و آمد حضرت علیه السلام در میان مردم و ناشناس بودن امام علیه السلام می باشد:

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«فَما تَنکِرُ هَذِهِ الأُمَّهِ أن یَفعَلَ بِحُجَّتِهِ ما فَعَلَ بِیوسُفِ وَ إن یَکونُ صاحِبُکُم المَظلومُ المَجهورُ حَقُّهُ صاحِبَ هذا الأمرِ یَتَرَدَّدُ بَینَهُم وَ یَمشی فی أسواقِهِم و یَطَأُ فُروشَهُم و لایَعرِفونَهُ حَتّی بِإذنِ الله أن یَعرِفَهُم نَفَرٌ»؛(۱) «چه شده است که این امت غیبت صاحب الامر را انکار می کنند؟ چرا نمی اندیشند بر این که خداوند آن کاری را که با یوسف علیه السلام کرد در مسأله ی غیبت با حجتش نیز انجام می دهد و صاحب امر شما در حالی که مورد ظلم قرار گرفته و حقش انکار شده است در میان مردم رفت و آمد می کند و در بازارشان حرکت می نماید و در خانه های

۱- کلینی، اصول کافی، کتاب الحجه، باب فی الغیبه، ح ۴.

آنان فرود می آید در حالی که مردم او را نمی شناسد مگر این که به اذن الهی خودش خود را بـرای افراد محدودی معرفی کند.»

ب) روایاتی که به طور صحیح کلمه ی «یرَونَهُ» را به کار برده است و دلالتش بر دیدن حضرت از سوی مردم واضح و روشن می باشد. از جمله روایت زیر که ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند، حضرت در مقام بیان سنت های جاری بر پیامبران و انبیای الهی در مورد حضرت مهدی علیه السلام ، بعد از ذکر سنت موسی بن عمران علیه السلام فرمود:

«... وَ أمّا سُنَّتُهُ مِن یوسفَ فالسِّتر، یَجعَلُ اللهُ بَینَهُ وَ بَینَ الخَلقِ حِجاباً یَرَونَهُ وَ لایَعرِفونَهُ»؛(۱) «... امّا سنت یوسف علیه السلام در مورد حضرت مهدی علیه السلام پنهان بودن او از دیدگان و ناشناس بودن او است که مردم او را می بینند ولی نمی شناسند.»

ج) روایاتی که بر عده ی خاصی دلالت دارد که از محل زندگی حضرت آگاه اند. بعضی از آن ها بر خواص شیعه و بعضی دیگر بر خدمتگذار و متولی امور حضرت دلالت دارند:

مفضل بن عمرو از امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان فرمودند:

«إنَّ لِصاحِبِ هَذا الأمرِ غَیبَتَین أحَدُهُما طَویلٌ حتّی یَقولُ بَعضُهُم ماتَ وَ بَعضُهُم یَقولُ قُتِلَ وَ بَعضُهُم یَقولُ ذَهَبَ فَلا یَبقِی عَلی أمرِهِ مِن أصحابِهِ إلاّ نَفَرٌ یَسیرٌ لایَطَّلِعُ عَلی مَوضِعِه أحَدٌ مِن وَلیّ وَ لا غَیرَهُ إلاّ المَولی الّذی یَلی أمرَهَ»؛(۲) «برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی از آن دو طولانی است به قدری که بعضی می گویند او مرده است و بعضی دیگر می پندارند که او کشته شده است و بعضی خیال می کنند که او رفته است و اثری از او باقی نیست! در آن زمان در زمره ی یاران وی افراد با وفا بسیار اندک می مانند. از دوستان و غیر دوستان کسی از محل او آگاهی ندارد مگر افراد ویژه ای که عهده دار کار حضرت می باشند.»

با توجّه به روایاتی که در این چند دسته ذکر گردید روشن است که موضوع دیدار با امام زمان علیه السلام در زمان غیبت مورد تأیید می باشد. به روایات فوق می توان اقوال بعضی از بزرگان شیعه را نیز افزود.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۹.
۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۶.

سید مرتضی در جواب کسی که پرسش نمود: اگر امام غایب باشد به طوری که دست هیچ کس به او نرسد، پس فرق بین وجود و عدمش چیست؟ می گوید: «ما نمی توانیم قاطعانه بگوییم دست هیچ کس به او نمی رسد و هیچ بشری او را نمی بیند»(۱) و در پاسخ دیگری می گویند: «خوف امام علیه السلام از دشمنان و ستمگران است که از مخالفین پرهیز می کند اما نسبت به اولیا و شیعیان این مانع وجود ندارد.»(۲)

شیخ طوسی نیز در این رابطه می گوید: «ما نمی توانیم قاطعانه بگوییم که ایشان از همه ی دوستانش مخفی است.»(۳)

بنابراین اثبات می شود که در زمان غیبت کبری عدّه ای از خواص خدمت ایشان می رسند و دیگران نیز حضرت را می بینند ولی نمی شناسند.

۳- دلیل عینی

اشاره

بخش سوّم از دلایل امکان دیدار، وقوع خارجی دیدار می باشد که مهم ترین و محکم ترین دلیل به شمار می رود زیرا بهترین و روشن ترین دلیل بر امکان یک چیز وقوع آن چیز در خارج و تحقق عینی آن است که هیچ گونه ابهام و تردیدی را بر نمی تابد. این دلیل را نیز در دو دسته بندی می توان بیان کرد:

الف) نقل تشرّفات

تشرّف عدّه ی بی شماری به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام در طول دوران غیبت به صورت های مختلف، دلیل قاطع و محسوس بر اثبات ملاقات می باشد. دلایل صحت تشرفات و حکایات نقل شده از مشاهده ی حضرت علیه السلام بسیار است که به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

۱- تعداد حکایات نقل شده، مبنی بر دیدار حضرت علیه السلام در بیداری، از نظر کثرت «متواتر» است. لذا از بررسی اعتبار سند، بی نیاز می باشد چون بر اساس قواعد علم رجال، در تواتر، سند لحاظ نمی گردد.

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۹.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۳ .

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۳.

۲- بسیاری از ناقلین و تشرف یافتگان جزء فقها و شخصیت های علمی و مذهبی شیعه می باشند مانند علامه بحر العلوم، مقدس اردبیلی، آیت الله مرعشی نجفی، محمّدعلی فشندی تهرانی و ... که بر صحت تشرف ایشان اتّفاق نظر است. در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام آمده است:

«فَإِنَّه لاعُذرَ لِأَحَدٍ فی التَّشکِیکِ فِیمَا یُؤَدِیهِ عَنَّا ثِقَاتِنَا»؛(۱) «جای هیچ عذری برای شیعیان و پیروان ما باقی نیست در شک و تردید کردن به آن چه که افراد راست گو و قابل اعتماد، از ما نقل می کنند.»

ب) دعاها و اذکار صادر شده از ناحیه ی حضرت

وجود آثار و برخی از ادعیه و اذکار منسوب به حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت کبری، دلیل دیگری برامکان دیدار می باشد. زیرا این آثار و ادعیه از راه تشرف و ملاقات با حضرت قابل انتقال بوده و ناقلین آن نیز مشخّص و شناخته شده می باشند.

در برخی موارد نیز دعاهای خاصی از حضرت نقل شده است نظیر آن چه که «سید بن طاووس» از زبان مطهّر حضرت هنگام سحرگاهان در سرداب سامرا نقل نموده است(۲) و نیز ذکر مخصوص ایشان در حال رکوع(۳) و هم چنین دستورالعمل چگونگی استخاره(۴)، و دعاهای مأثور از ناحیه ی حضرت و ... .(۵)

بنابراین، وقوع دیدار، هم از جهت دلایل محکم روایی و هم از جهت تحقق خارجی و مصداق یابی، پشتوانه ی محکم و قاطعی دارد.

د) انواع دیدار

اشاره

دیدار امام زمان علیه السلام در دوران غیبت برای همگان در یک سطح و مرتبه اتفاق نمی افتد، بلکه

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار, ج ۵, ص ۳۱۸.

۲- سید مسعود پورسید آقایی، میر مهر، ص ۱۰۱.

۳- سید مسعود پورسید آقایی، میر مهر، ص ۱۰۱. تشرف آیت الله مرعشی نجفی.

۴- سید مسعود پورسید آقایی، میر مهر، ص ۱۰۱. تشرف آیت الله مرعشی نجفی.

۵- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۶۵۵.

بر دو گونه تحقق می یابد:

۱- دیدار امام (ملاقات بدون شناخت)؛

۲- دیدار خاص (ملاقات امام همراه شناخت).

ناگفته نماند که هر گونه دیدار خود دارای مراتب و درجاتی است که هر مرتبه ای بستگی تامی به شخص دیدار کننده و سطح کمال او دارد.

۱- دیدار عام (ملاقات بدون شناخت)

امام زمان علیه السلام علاوه بر حضور روحانی در تمام عوالم، در سراسر عالم مادی نیز حضور جسمانی دارند؛ چنان چه امام علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

« صاحبُ هـذا الامرِ یتَرَدَّدُ بَینَهُم و یمشی فِی أَسواقِهِم وَ یطَأُ فَرشَهُم و لا یعرِفونَهُ حَتّی یأذَنَ اللهُ لَهُ أن یعَرِّفَهُم نَفسَهُ ...»؛(۱) «صاحب این امر در میان آن ها راه می رود، در بازارهایشان رفت و آمد می کند، روی فرش هایشان گام برمی دارد، ولی او را نمی شناسند، مگر خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به ایشان معرفی کند.»

بدین سان غیبت امام زمان علیه السلام به معنای نفی دیدار آن حضرت نیست، بلکه می تواند به معنای نفی شناخت آن حضرت باشد. چه بسیار افرادی که در دوران غیبت آن حضرت به شرف دیدارش نایل می شوند، ولی او را نمی شناسند. چه بسیار افرادی که سلام جان فزای آن حضرت را می شنوند و حتی به سلام حضرتش پاسخ می گویند، اما صاحب سلام را نمی شناسند.

چه بسیار مردمی که امام زمان علیه السلام را در طول مراسم حج دیده اند، ولی نشناخته اند. چه بسیار افرادی که آن حضرت را به هنگام ظهورش به یاد می آورند و می گویند به خدا سوگند او را بارها در مکان های متعدد دیده ایم، اما نشناخته ایم: «به خدا سوگند که صاحب این امر در مراسم حج هر سال حضور می یابدو یکایک مردمان را می بیند و می شناسد، مردم نیز آن حضرت را می بینند، ولی نمی شناسند.»(۲)

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.

۲- دیدار خاص (ملاقات همراه شناخت)

دانستیم که آن چه که عموم مردم در دوران غیبت امام عصر علیه السلام ، از آن محروم می مانند، شناخت آن حضرت است و نه دیدار او.

« إعلَم یـا أخِی، إنَّ کُـلَّ مُؤمِنٍ مُخلِصٍ یمکِنُ أن یرَی الإمامَ وَ لایعرِفُهُ»؛(۱) «بدان ای برادرم، همانا برای هر مؤمن مخلصی این امکان وجود دارد که امام را ببیند و او را نشناسد.»

در این میان، مهم آن است که انسان به چنان لیاقتی دست یابد که به هنگام دیدار، امام خویش را بشناسد و از روی شناخت و معرفت عرض ارادت نماید.

بزرگ مردانی چون سید بن طاووس و حاج شیخ محمد علی فشندی به چنان درجه ای از صفا و صمیمیت دست یافته اند که حتی به نحوه ی راه رفتن امام و صدای پای آن حضرت آشنایند و می گویند: با امام زمان آن قدر آشنایم که حضرت را حتی از صدای کفش مبارکش می شناسم.(۲)

دل باختگانی چون سید عبدالکریم کفاش، چنان غرق عشق روی یار می گردند که امام عصر علیه السلام هر هفته به دیدارشان می آیند و ایشان را می نوازند، چرا که به اعتراف خودشان: اگر هفته ای بر من بگذرد و روی مولایم را نبینم، به خدا سوگند که جان می دهم.(۳)

عارفانی چون آیت حق سید علی آقای قاضی، چنان مست شهود و معرفت می گردند که هر روز به دیدار آن طلعت رشید بار می یابند و ناباوران را با این گفتار تأدیب می کنند: کور است چشمی که صبح از خواب بیدار شود و در نظر نگاهش به امام زمان نیفتد.(۴)

با نگاهی گذرا به شرح حال کسانی که در طی دوران غیبت کبرای مولا امام زمان علیه السلام سعادت شرفیابی به محضرش را یافته و یا از کرامات و عنایات حضرتش بهره مند گشته اند، می توان دریافت که دیدار امام زمان علیه السلام بیش از آن که به شخص، زمان یا مکانی خاص بستگی داشته باشد، به عوامل روحی و معنوی ویژه ای وابسته است که مهم ترین آن ها در حصول این

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.

۲- حسین گنجی، ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام ، ص ۲۲.

۳- حسین گنجی، ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام ، ص ۶۲.

۴- طیار مراغی و حسن زاده، اسوه ی عرفان، ص ۱۱۰؛ به نقل از روح مجرد، ص ۵۱۳.

توفیق الهی، توجه قلبی، مواظبت عملی، رعایت تقوا و استمرار بر گونه ای خاص از عبادت خداوند و اطاعت اولیائش بوده است. با این همه، نقش زمان های خاص چون شب های جمعه، نیمه ی شعبان، نیمه ی رجب، و مکان هایی خاص چون مکه ی مکرمه، مدینه ی منوره، مسجد سهله، مسجد کوفه، و مسجد جمکران را برای حصول دیدار خاص و ملاقات همراه با شناخت حضرت و بهره مندی از عنایات و الطاف ویژه ی آن حضرت، نباید نادیده گرفت.

آخرین تحلیل ما نکته ای عرفانی است، و آن این که، در واقع امام علیه السلام را هیچ کس به آن گونه که هست درک نمی کند چرا که او در قالبی نگنجد. مرحوم حاج آقا اسماعیل دولابی از این زاویه به این مسئله ی عالی نگریست که فرمود: این که در روایت آمده است که هر کس ادعای مشاهده ی امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف را کرد تکذیبش کنید، به این معناست که آن چه دیده است فقط پرتو مختصری از امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف است و مطلب خیلی بالاتر از این است. از طرف دیگر کسی که چیزی را دید، نباید به دیگران بگوید. لذا ما وظیفه ی تکذیب داریم، گرچه ممکن است راست بگوید.(۱)

ه) برکات دیدار امام زمان علیه السلام

اشاره

ممکن است این پرسش مطرح گردد که نقل تشرفات و ملاقات ها چه فواید و آثار مثبتی دارد؟ در این رابطه، که این مسأله نیز همانند سایر مقدسات دینی و مذهبی می تواند مورد سوء استفاده ی اشخاص سودجو برای رسیدن به اغراض پلیدشان باشد. امّا چنین کار هایی نباید ما را از آثار مثبت این مسأله غافل نماید. به نظر می رسد راه اعتدال و روش صحیح این است که ما ضمن آسیب شناسی این مسأله آثار تربیتی و فواید مثبت بحث دیدار با حضرت علیه السلام را که هم روشن گر و هم بسیار سازنده است، مورد توجه قرار دهیم. در این جا به عنوان نمونه، به چند مورد از آثار مثبت دیدار اشاره می کنیم:

۱- دلیل قاطع بر اثبات وجود امام زمان علیه السلام

اصل مهدویّت و حیات طبیعی حضرت از مسلمات و ضروریات مذهب شیعه می باشد. ولی باید توجه داشت که در این برهه ی زمانی از یک سو بسیاری از عموم مردم مخصوصاً جوانان، اطلاعات چندانی نسبت به حضرت ندارند و از سوی دیگر دشمنان هم که به اهمیّت این محور

۱- مهدی طیب، مصباح الهدی در نگرش و روش عرفانی اهل محبت و ولاء، ص ۳۲۱.

تشیع پی برده اند، تبلیغات پیدا و پنهان، خود را در مسیر انکار وجود نازنین حضرت به کار گرفته اند. در این میان، وجود تشرفات و کرامات و نقل و تبیین آن ها دلیل قاطعی بر اثبات وجود حضرت و شبه زدایی از این وجود نورانی می باشد.

۲- افزایش یقین و ایمان شیعیان

نقل تشریفات و کرامات مایه ی قوت قلب شیعیان می گردد. زیرا مشاهده ی مواردی از عنایات و کرامات حضرت و شرح حال تشرف یافتگان، اعتقاد و ایمان مردم را نسبت به حضرت ولی عصر علیه السلام راسخ تر خواهد نمود و پشتوانه ی محکمی در فشارها و شداید جهت توجه مردم به آن منبع فیض الهی می باشد.

۳- احساس آرامش و امنیّت روانی

وجود ارتباط میان حضرت و برخی از شیعیان و مشاهده جلوه هایی از کرامات و عنایات حضرت که به طور مکرر و مستمر در طول دوران غیبت رخ داده است، این حس را در وجود دوستداران و شیعیان پدید می آورد که همواره خود را متکی به این تکیه گاه مستحکم بدانند و از نظر روحی و روانی، احساس آرامش داشته باشند.

۴- اصلاح و تربیت

یکی از مهم ترین آثار و فواید نقل تشرفات و دیدارها با امام علیه السلام ، نقش سازنده و آموزنده ی آن در تربیت افراد است. مطالعه ی داستان های کسانی که در زمان های گذشته و حال، توفیق تشرف به محضر مقدس حضرت را داشته اند و مورد لطف و عنایت ایشان قرار گرفته اند، می توانند همگان، مخصوصاً افراد آلوده و بی پروا را منقلب نموده و آن ها را به سوی رحمت و عافیت رهنمون گردد.

۵- افزایش و تعمیق توجه

کاربرد مهم دیگرِ مسأله ی دیدار، جلب توجه به سوی آن حضرت است. امروزه یکی از وظایف دینی و فرهنگی شیعیان، این است که در همه ی حالات و در تمام امور، همه ی توجهات، متمرکز به حضرت بقیه الله علیه السلام گردد زیرا فقط ایشان امام عصر هستند و خداوند متعال

ص:۱۶۲

فرمان تکوین و تشریع را در اختیار ایشان قرار داده و همه ی فیوضات از طریق ایشان به دیگران عطا می شود.

و) موانع دیدار امام زمان علیه السلام

در این قسمت با توجه به سخنان ارزشمند امام عصر علیه السلام در توقیعات و تشرفات و همچنین حکایات نقل شده به بررسی موانع دیدار با حضرت می پردازیم به این امید که با برطرف کردن این موانع در زمره ی دیدار کنندگان ایشان قرار بگیریم.

شکی نیست که آسیب ها و موانع شناختی، هم چون عدم فهم دقیق از دین و جهالت، افراط و بی ثباتی در آن، اصلی ترین موانع در راه خدمت خالصانه و ملاقات عارفانه ی حضرت ولی عصر علیه السلام می باشد.

هم چنین یکی از بزرگ ترین موانع دیدار امام عصر علیه السلام وجود ضعف ها و رذایل اخلاقی در جان و نفس انسانی است که گاه به شکل خلاف شرع و یا خلاف اخلاق از انسان بروز می کند.

برخی از مهم ترین عواملی که سدّ راه وصال و موجب دوری از آن محبوب دل ها است، عبارتند از:

۱- هواپرستی،

۲- دنیا زدگی یا دل بستگی به دنیا،

۳- پای بند نبودن به عهد و پیمان،

۴- گناه و خطا،

۵- انحراف در جمع مال،

۶- قطع رَحِم،

۷- کوتاهی در پرداخت سهم مبارک امام علیه السلام .

در این جا به بیان یکی از تشرفات معتبر می پردازیم که در آن به چند مورد از موانع دیدار اشاره شده است:

علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی یکی از شیفتگان دیدار حضرت مهدی علیه السلام بود که در عصر غیبت صغری، نوزده بار به قصد دیدار مولای خود (حضرت مهدی علیه السلام) رنج سفر حج و

درنوردیـدن بیابان های خشک و بی آب و علف عربسـتان را به جان خرید و سـرانجام در بیسـتمین سـفر توفیق دیدار حضـرت نصیب او شد و آن حضرت به وی فرمودند:

«مـن شـبانه روز چشم به راه تـو بـودم, چه شـد که دیر پیش مـا آمـدی؟» عرض کرد: مولاـی من, کسـی که مرا به سـوی شـما راهنمایی کنـد پیـدا نکردم. حضـرت فرمودنـد: «کسـی را پیـدا نکردی؟» آن گاه با انگشت به زمین کوبیدند و پس از لحظاتی فرمودنـد: «نه، این طور نیست. دلیلش این است که شـما به زیـاد کردن مال و اموال خود پرداختیـد و به مؤمنان ضـعیف, ظلم و ستم روا داشتیـد و بین خود قطع رحم نمودید پس الآن چه عذری دارید؟» عرض کرد: هیچ جز توبه، توبه، بخشـش و گذشت. آن گـاه فرمودنـد: «ای پسر مهزیار، اگر اسـتغفار و طلب آمرزش بعضـی از شـما برای برخی دیگر نمی بود، هر که روی زمین بود، غیر از شیعیان خاص که کردارشان با گفتارشان همانند و مشابه است، هلاک می شد.»(۱)

ز) آسیب های بحث دیدار

اشاره

از آن جا که مقوله ی دیـدار از اهمیّت خاصـی برخوردار است، توجه همگان را به سوی خود جلب می نماید. لذا در این حین دچار آسیب هایی نیز می گردد که به بیان چند مورد از آن ها می پردازیم:

۱- ترویج خرافات

در مورد دیـدار با امام زمان علیه السـلام کتاب هایی نوشـته شـده که سـرشار است از حکایات و داسـتان ها و مطالبی است که برخی از آن ها نادرست و برخاسـته از تصورات و خیال بافی های نویسـندگان آن هاست؛ نقل این داستان ها و حکایات باعث می شود که یک عقیـده ی درست و صـحیح به ناصواب هایی آمیخته گردد و عقاید خرافی و ناصـحیح و غیر مسـتدل در میان مردم رواج یـافته، مردمـان معتقـد از سرچشـمه ی زلاـل اسـلام نـاب و راستین را در باتلاق خرافات فرو برد. در نتیجه، مخالفان تشیع، امکـان رشـد و گسترش می یابنـد و عقایـد نـادرست و خرافی را به نام تشیع ثبت کرده و به دیگران انتقال می دهنـد و عقیده ای را که در اصل آن تمام فرق اسلامی توافق دارند، به گونه ای مطرح می کنند که فرسنگ ها با اسلام فاصله دارد.

۱- سید هاشم بحرانی، تبصره الولی ممن رای القائم المهدی علیه السلام ، رساله ی ۴۶.

۲- هدف بودن دیدار

تجربه نشان می دهد کسانی که بدون داشتن معرفت و آثار و لوازم آن و صرفاً با نیروی احساس و عاطفه در مسیر عشق و ارادت امام زمان علیه السلام می افتند، چون معرفت و علم لازم را برای کنترل این درجه ی شدید محبت ندارند، در اثر وسوسه های شیطان از مسیر خارج شده و به انواع و اقسام انحرافات عقیدتی و اخلاقی مبتلا می گردند و در پایان با تحمل شکست های جبران ناپذیر، از عشق به امام عصر علیه السلام سرخورده گشته و دیگر هیچ گاه در آن مسیر قرار نمی گیرند. چه بسیار افرادی که به شوق دیدار امام زمان علیه السلام با نیت خالص، قدم در این مسیر گذاشته اند، اما به دلایل مختلف از مقصود اولیه ی خود، دور شده اند. بنابراین مطلوب ترین حالت این است که انسان با طلب کردن معرفت و سعی در عمل به آن از قبیل انتظار فرج، تقوا، ورع و ... ظرفیتی پیدا کند که بتواند حد بالای محبت و شیفتگی را با ادای تکالیف فردی و اجتماعی در خود جمع کند.

۳- افراط و تفریط در نقل تشرفات

این نکته حایز اهمیّت است که نباید در قضاوت نسبت به این موضوع، با انگیزه ی جلوگیری از سوء استفاده ی افراد مغرض و فرصت طلب، به کلّی راه ارتباط با حضرت ولی عصر علیه السلام را مسدود و بسته اعلام کنیم و مطلقاً نقل تشرفات را دروغ قلمداد کنیم زیرا چنین رویکردی، علاوه بر این که اصلاً مستند و قابل قبول نیست، آثار منفی مخرب و زیان باری نیز در پی دارد. چون انعکاس آن در جامعه و در میان شیعیان و کسانی که هستی خود را در گرو عشق به آن حضرت می دانند، عواطف و احساسات ناب ایشان را خدشه دار می کند و این ذهنیت را در جامعه دامن می زند که حضرت حجّت علیه السلام به عنوان موجودی قدسی است که هیچ ارتباط و تعلقی در امور زندگی آنان ندارد. طبیعی است که چنین باوری در زمان غیبت، تأثیرات منفی عمیقی را به همراه خواهد داشت. و از سوی دیگر کسانی که به دیدار حضرت در عصر غیبت اعتقاد دارند نیز باید این نکته را در نظر داشته باشند که: در عصر غیبت، قاعده ی عمومی و کلی، غیبت حضرت و عدم ملاقات ایشان است، بنابراین خروج از این اصل و بیان این که ملاقاتی صورت گرفته، نیازمند دلیل محکمی است که در این مورد نیز بسیاری از ادعاها قابل اعتنا نمی باشند. مگر این که نقل کننده فردی کاملاً موثق، مورد اعتماد، با ایمان و پارسا بوده و قرینه های مطمئن و شواهد یقین آوری را به همراه داشته باشد. هم چنین در تعالیم امامان معصوم علیهم السلام ، دستور و سفارشی نسبت به تلاش

ص:۱۶۵

برای ملاقات با حضرت در دوران غیبت، دیده نمی شود. آن چه به آن فراوان تأکید شده، تلاش در جهت کسب رضایت حضرت است و خود سازی و آمادگی برای قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام . در واقع آن چه مهم است این است که غیبت نباید مانع از ارتباط معنوی و پیوند روحانی بین ما و امام عصر علیه السلام باشد که مهم تر از دیدن و ملاقات، ارتباط معنوی با حضرت و به دنبال تحقق اهداف ایشان بودن و زمینه را برای ظهورشان فراهم کردن است:

امام زمان علیه السلام می فرمایند:

«فَلیَعمَل کلُّ اَمری مِنکم بِما یَقرَبُ بِه مِن مَحَبَّتِنا وَ یَتَجَنَّب عَمّا یُدنیه مِن کراهَتِنا و سَخَطِنا»؛(۱) «هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک نموده و از آن چه خوشایند ما نباشد و باعث کراهت و خشم ما می گردد، دوری گزیند.»

گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی ور نه رخم عیان است

ص:۱۶۶

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، پیام حضرت ولی عصر علیه السلام به شیخ مفید.

پرسش

۱- دلایل موثق بودن داستان های منقول از تشرفات افراد با حضرت علیه السلام چیست؟

۲- ادله ی امکان دیدار در عصر غیبت کبری را بیان کنید؟

۳- فواید نقل تشرفات چیست؟

۴- انواع دیدار را بنویسید؟

عرصه های پژوهش

۱- دیدار امام علیه السلام در غیبت صغری.

۲- آسیب شناسی بحث دیدار.

۳- تحقیق پیرامون افرادی که در سه دوره ی زمانی، حیات امام حسن عسکری علیه السلام ، غیبت صغری و غیبت کبری، امام علیه السلام را دیده اند.

۴- عوامل دیدار با حضرت علیه السلام .

۵- بررسی دیدگاه های علما در مورد دیدار با امام زمان علیه السلام در غیبت کبری.

۶- بررسی توقیع شریف.

ص:۱۶۷

معرفی منابع

۱-میر مهر، پور سید آقایی، صص ۱۸۵ _ ۱۹۰ و ص ۱۵۸.

۲-چگونگی ملاقات حضرت، محدث نوری.

۳-مکیال المکارم، موسوی اصفهانی.

۴-خواب و نشانه های آن، محمد شجاعی.

۵- برکات حضرت ولی عصر، العبقری الحسان، تألیف حاج شیخ علی اکبر نهاوندی، بازنویسی سید جواد معلّم.

۶- ارشاد شیخ مفید.

۷- موسوعه الامام المهدی، سید محمد صدر.

۸- تحقیق اللطیف _ حول توقیع الشریف، یداله دوزدوزانی.

۹- چشم به راه مهدی، ارتباط با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، مقاله ی علی اکبر ذاکری.

۱۰- سودای روی دوست، راهکارهای عملی دیدار با حضرت ولی عصر علیه السلام ، مرتضی آقا تهرانی.

ص:۱۶۸

درس دهم: انتظـــــار

اشاره

- ü مفهوم انتظار
- ü وجوب انتظار موعود
- ü فضیلت انتظار
- ü آثار انتظار
- ü وظایف منتظران
- ü مناجات منتظران

ص:۱۶۹

عظمت وجودی و ابعاد مختلف شخصیّت حضرت صاحب الامر علیه السلام باعث شده ا ست که در طول بیش از هزار سال که از غیبت کبری می گذرد، هرگروه از مردم بسته به گرایش های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی که داشته اند، از دیدگاهی خاص به تحلیل شخصیّت و تعیین جایگاه آن حضرت در عالم هستی بپردازند و هر گروه تنها درك و تصور خود از این موضوع را، تصور درست و مطابق با واقع تلقی کنند.

در این میان گروهی به طرح معنای درست انتظار پرداخته و در صدد تعیین وظیفه و نقش مردم در دوران غیبت برآمدند، که امام خمینی رحمه الله علیه درخشان ترین آنان می باشند. ایشان با صراحت به نقد و بررسی یادداشت های مختلفی که از مسأله ی انتظار فرج وجود دارد، پرداخته و درباره ی مفهوم انتظار می فرمایند:

«انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند، و مقدمات ظهور إن شاء الله تهیه شود.»(۱)

در این نوشتار برای شناخت جایگاه و مفهوم انتظار در تفکر شیعی برخی از روایاتی را که در این زمینه وارد شده، مورد بررسی قرار می دهیم:

مفهوم انتظار

انتظار در لغت یعنی «چشم به راه بودن»(۲) اما برای درك مفهوم آن باید دانست که انتظار

۱- صحیفه ی نور، ج ۲۰، ص ۱۹۹، به نقل از کتاب معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران، ص ۱۱۳.
۲- لغت نامه ی دهخدا، ذیل کلمه ی انتظار.

یـک امر کاملاًـ وجـدانی اسـت و اگر کسـی واقعیت آن را درک نکرده باشـد، هرگز بـا توصـیفات ذهنی، حقیقت آن را نمی فهمد. در واقع معنای انتظار فقط برای شـخص منتظر، روشن و آشکار می شود، یعنی کسی که حالت انتظار را چشیده است، به خوبی معنای آن را می فهمد. به چنین شخصـی می توان یادآوری کرد که: «آن زمانی که یکی از عزیزانتان به سـفر رفته بود و شمـا از او خبر نداشتیـد و او گفته بود تـا فلاـن موقع برمی گردم و ... قبـل از آمـدنِ او چه حـالی داشتیـد؟» آن حـالِ وجـدانی «انتظار» نام دارد.(۱)

به تعریف دیگری نیز که در مورد انتظار مطرح شده است، توجه کنید:

«معنی الانتظار ... هو کیفیّه نفسانیّه یَنبَعِثُ مِنها التّهیّؤ لِما تَنتَظِرُهُ ... فَکُلَّما کان الانتظار أشَـدَّ کان التّهیّؤ آکدَ. ألا أنّه إذا کان لَکَ مُسافرٌ تَتَوقَّعُ قـدومَهُ، إزدادَ تَهَیُّؤکَ لِقُدومه کُلَّما قَرُبَ حینُه»؛(۲) «معنـای انتظـار عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که از آن آماده شـدن برای چیزی که در انتظارش هستی، برمی آیـد ... پس هر قـدر انتظار شدیـدتر باشـد، آماده شدن هم بیشتر می شود. آیا نمی بینی که وقتی مسافری داشـته باشـی که منتظر آمدنش هستی، هر چه زمان آمدنش نزدیک تر می شود، آمادگی تو برای این امر بیشتر می شود.»

دراین تعریف، انتظـار یـک حـالت قلبی و نفسانی معرفی شـده است و یکی از مهم ترین لوازم آن «تهیّؤ» به معنای آماده شـدن است. کسـی که منتظر ظهور امام عصر علیه السلام باشد، لازمه ی انتظارش این است که خود را برای ظهور ایشان آماده سازد. ولی سؤال این جـاست که چگـونه می توان آمـادگی برای ظهور را در خود ایجـاد کرد؟ در پاسـخ می توان گفت که: آمـاده شـدن به این است که انسان زندگی خود را در همه ی ابعادش مطابق میل و خواست امام علیه السـلام قرار دهد. و معلوم اسـت که خواسته ی ایشان این است که فرد دقیقاً مطابق احکام دین عمل کند.

وجوب انتظار موعود

در اندیشه ی شـیعه، انتظار موعود به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح بوده و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم آل محمد علیهم السلام تصریح شده است. برای تأیید این سخن

۱- سید محمّد بنی هاشمی، سلوک منتظران، ص ۳۳.

۲- موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۵۲.

می توان به روایات زیر اشاره نمود:

۱- روزی امام صادق علیه السلام خطاب به اصحاب خود فرمودند:

«ألا أخبرکم بما لا یقبَلُ الله عزَّ و جلّ، مِن العباد عَمَلًا إلّا به؟ فقُلتُ: بَلی، فقال: شهادهُ أن لاإله ألاالله و أنّ محمّداً عَبده و رسولُه، والإقرار بما أمر الله و الولایه لَنا، والبرائه مِن أعدائنا - یعنی الأئمّه خاصّه - و التَّسلیم لهم، والوَرَع، والإجتهاد، والطّمأنینهُ، والإنتظار للقائم علیه السلام »؛(۱) «آیا شما را خبر دهم به آن چه خدای صاحب عزت و جلال, هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی پذیرد؟ یکی از ایشان در پاسخ گفت: بله، ایشان فرمودند: گواهی دادن به این که هیچ کس جز خداوند شایسته ی پرستش نیست و این که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده ی اوست, و اقرار کردن به آن چه خداوند به آن امر فرموده, و ولایت ما, و بیزاری از دشمنانمان ــ یعنی خصوص امامان ــ و تسلیم شدن به آنان, و پرهیزگاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم علیه السلام .»

۲- از حضرت جوادالائمه علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«إنّ القائم منّا هو المهدی الذی یجب أن یُنتَظَرَ فی غیبته.»؛(۲) «همانا قیام کننده ی از ما اهل بیت علیهم السلام همان مهدی علیه السلام است که انتظار او در (زمان) غیبتش واجب است».

تعبیر وجوب در فرمایش امام جواد علیه السلام نشان دهنده ی ضرورت حال انتظار در زمان غیبت امام علیه السلام است؛ در ضمن باید توجه داشت که انتظار همانند افعالی چون خوردن و آشامیدن, برای انسان اختیاری نیست و اگر کسی طالب ایجاد این حالت است, باید مقدمات آن را در خودش فراهم کند و در صورت تحقق آن مقدمات, انتظار حاصل می شود، پس امر به «انتظار» و وجوب آن, در حقیقت به ایجاد مقدمات آن برمی گردد. در مورد انتظار امام عصر علیه السلام نیز مقدماتی است که حال انتظار را در فرد به درجه ی قابل توجه و مؤثری می رساند, مهم ترین این مقدمات را در چهار عامل زیر خلاصه می کنیم:(۳)

۱- نعمانی، غیبت، ص ۲۰۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷.

۳- سید محمد بنی هاشمی، سلوک منتظران، ص ۲۷.

اول: یقین به ظهور حضرت: هر قدر علم و یقین شخص به ظهور امام عصر علیه السلام بیشتر و عمیق تر باشد, انتظارش نسبت به ایشان بیشتر است.

دوم: نزدیک دانستن امر ظهور: ممکن است کسی به اصل ظهور حضرت یقین داشته باشد ولی وقوع آن را در آینده ای دور ببیند, در این صورت انتظارش نسبت به آن سست و ضعیف می شود. همان گونه که در دعای عهد آمده است: «إنّهم یَرَونَهُ بعیداً و نراهُ قریباً»؛ «آن ها (کافران و ناباوران) ظهور امام عصر علیه السلام را دور می بینند, ولی ما آن را نزدیک می بینیم.»

چنین اعتقادی خود به خود درجه ی انتظار را در انسان بالاتر می برد, البته لازمه ی نزدیک دانستن ظهور پیش بینی در مورد ظهور نیست و با «استعجال» نیز که در روایات مذمّت شده کاملاً متفاوت است.(۱)

سوم: دوست داشتن ظهور امام علیه السلام : کسی که به ظهور امام زمان علیه السلام صددرصد معتقد است و وقوع آن را هم نزدیک می بیند, هر قدر آن وضعیت موعود را بیشتر دوست بدارد, انتظارش برای تحقق آن بیشتر خواهد بود. البته این دوست داشتن تنها زمانی به وجود می آید که مؤمنان تصویر روشنی از زمان ظهور حضرت داشته باشند تا نه تنها از آن نترسند, بلکه برای وقوعش لحظه شماری کنند.

چهارم: دوست داشتن خود امام عصر علیه السلام : هر کس محبت و علاقه اش به امام زمان علیه السلام بیشتر باشد, ظهور ایشان را بیشتر دوست می دارد و قهراً انتظارش نسبت به ظهور ایشان بیشتر و قوی تر خواهد بود.

فضیلت انتظار

در روایات اسلامی, مقام و منزلت والایی برای منتظران فرج امام زمان علیه السلام بیان شده که به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم, وجود نورانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی اطهار علیهم السلام در فضیلت انتظار فرموده اند:

۱- «إنتظار الفرج عباده»؛(۲) «انتظار فرج عبادت است.»

ص:۱۷۳

۱- برای توضیح بیشتر ر.ک سید محمّد بنی هاشمی، معرفت امام عصر علیه السلام ، ص ۳۵۰.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲- «أفضل العباده إنتظار الفرج»؛(۱) «والاترین عبادت انتظار فرج است.»

۳- «أحبّ الاعمال إلی الله عزّ و جلّ إنتظار الفرج»؛(۲) «محبوب ترین کارها به سوی خداوند متعال انتظار فرج است.»

۴- «أفضل أعمال امّتی إنتظار الفرج من الله عزّ و جلّ»؛(۳) «برترین کارهای امت من انتظار فرج از جانب خداوند عزّوجل است.»

۵- «أفضل عباده المؤمن انتظار فرجِ الله»؛(۴) «برترین عبادت مؤمن انتظار فرج از جانب خداوند است.»

۶- «أفضل جهاد امّتی انتظار الفرج»؛(۵) «بالاترین جهاد امت من انتظار فرج است.»

۷- «المنتظر لِأمرنا کَالمُتَشَحَّطِ بِدَمه فی سبیل الله»؛(۶) «منتظر امر ما مثل کسی است که در خون خود در راه خداوند می غلتد.»

از این روایات می توان به نکات زیر دست یافت:

الف) انتظار فرج, بندگی خداوند متعال است و در این مسیر باید همان گونه که خداوند اراده می کند حرکت کرد. (عباده)

ب) والاترین جلوه ی بندگی خداوند انتظار است.(أفضل العباده)

ج) انتظار فرج، سکون و توقف نیست بلکه کار و تلاش و تکاپو است؛ و پسندیده ترین و با فضیلت ترین کارهاست. (أفضل أعمال)

د) انتظار حرکت و عملی است که در تحقق احکام الهی و آرمان های توحیدی نقشی

ص:۱۷۴

۱- قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۱۶۹.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ح ۱.

۴- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

۵- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶.

۶- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶.

تعیین کننده دارد؛ از این رو خداوند بیشتر از سایر اعمال آن را دوست دارد. (أحبّ الاعمال)

ه(مؤمن منتظر ظهور را از ناحیه ی خداوند متعال طلب می کند و برای تحقق امر فرج بر دستورات الهی گردن می نهد. (مِن الله)

و) تلاش منتظر نه یک حرکت عادی، بلکه حرکتی مجاهد گونه است. (جهاد امّتی)

ز) عظمت منتظر به قدری است که با شهدا مقایسه شده است. (کَالمُتَشَحَّطِ بِدَمه)

ح) منتظر واقعی همانند شهدا جان و مال و هستی خود را در این را مصرف می کند. (کَالمُتَشَحَّطِ بِدَمه)

آثار انتظار

اشاره

حال با مشاهده ی روایات یاد شده، چرا انتظار از چنین فضیلت برجسته ای برخوردار است؟ در پاسخ باید گفت که انتظار حلقه ی اتصال شیعه با امام معصوم علیه السلام و معیار ارزش انسان ها و عامل پویایی و سازندگی و اجتماع است. بنابراین اثرات مفید و سازنده ای برای منتظران واقعی دارد که به چند مورد آن اشاره می گردد:

۱- صبر

شرایط بسیار دشوار عصر غیبت, مستلزم آن است که هر شیعه ی منتظری, در برابر مشکلات و گرفتاری ها بایستد و از موجودیّت و هویّت خویش دفاع کند و صبرش, مغلوب حوادث نشود. امام رضا علیه السلام در رابطه با همراهی و ملازمت صبر و انتظار فرج فرموده اند:

«ماأحسن الصَّبر و انتظار الفرج»؛(۱) «چه قدر نیکوست صبر و انتظار فرج».

نتیجه ی صبر در انتظار, پیروزی است. امام کاظم علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

«هر کس صبر کند و انتظار کشد, به فرج و پیروزی می رسد و انتظار فرج بخشی از فرج است.»(۲)

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

۲- موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۱۱.

این مسأله چنان حیاتی است که صابران دوره ی انتظار, از گروندگان به غیب, بلکه از مفلحان و رستگاران شمرده شده اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«طوبی للصّابرین فی غیبته! طوبی للمُقِیمِین فی مَحَبَّته ... اولئک وصَّفهم الله فی کتابه فقال: ((والّذین یُؤمِنُونَ بِالغَیبِ)) و قال: ((اولئکَ حِزبُ اللهِ ألا أنّ حِزبُ الله هُمُ المُفلِحُون))»؛(۱) «خوشا به حال صبر کنندگان در دوران غیبت مهدی علیه السلام ! آن ها همان کسانی هستند که خداوند وصف ایشان را در کتاب خود آورده است, آن جا که می گوید: «کسانی هستند که به غیب ایمان آورده اند» و «همچنین آنان حزب الله هستند، آگاه باشید حزب خداوند همان رستگارانند.»

۲- امید

انتظار فرج, از آن جهت مورد تأکید و توصیه ی اهل بیت علیهم السلام قرارگرفته است که در شیعه ی منتظر, امید به آینده را پدید می آورد و همین امید, نقش بزرگی در زندگی او دارد.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«إنتظروا الفَرج و لاتَیأسوا مِن رَوح الله فإنَّ أحبَّ الاعمال إلی الله عزَّ و جلّ إنتظار الفرج مادامَ عَلَیه المؤمن»؛(۲) «منتظر فرج (از جانب خدا) باشید و از رحمت و دست گیری خداوند ناامید نباشید. همانا دوست داشتنی ترین کارها در پیشگاه خداوند عزّوجل انتظار فرج است تا وقتی که مؤمن این حالتِ خود را حفظ کند.»

انتظار فرج یعنی در گرفتاری ها امید به رحمت خداوند داشتن؛ هر قدر اعتقاد به توحید در انسان قوی تر باشد، انتظار فرج در او بیشتر و شدیدتر می شود. به همان اندازه که یأس از رحمت خداوند، مبغوض ذات مقدسش می باشد، انتظار فرج، محبوب اوست.

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳.

۲- شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶.

همچنین منتظر به در راه بودن می اندیشد نه رسیدن، و چون امیدوار است، در راه رسیدن به هدف کار می کند. و هر چه امیدش در این راه بیشتر باشد یقیناً سعی و تلاشش هم بیشتر خواهد بود، همان گونه که امام علی علیه السلام می فرمایند:

«کُلُّ مَن رَجا، عُرِفَ رَجَاؤُهُ فِی عَمَلِه»؛(۱) «هر کس امید داشته باشد، این امید از عمل وی شناخته می گردد.»

۳- اصلاح و خودسازی

شاهد دانستن امام در همه ی امور ــ چه کارهای پنهانی و چه آشکار ــ سبب می شود تا منتظر فرج، دست از پا خطا نکند و همواره مسیری را در پیش بگیرد که به جلب رضای خاطر امامش، اطمینان حاصل کند. حفظ دین برای این شخص مهم تر از هر مسأله ی دیگری است و حاضر نیست به هیچ قیمتی و برای رسیدن به هیچ لذتی از کسب خشنودی امامش صرف نظر کند. این جاست که پرداختن به تهذیب نفس و شناخت راه های آن برای منتظر فرج اهمیّت ویژه ای پیدا می کند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«مَن سَرَّه أن یَکُون مِن أصحابِ القائم علیه السلام فَلینتَظِرُ وَ لیعمَل بِالوَرَعِ وَ محاسِنَ الأخلَاقِ و هُوَ مُنتَظِر»؛(۲) «هر کس دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد باید منتظر باشد و در حال انتظار به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید.»

امام عصر علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور همه ی شیعیان را در زمان غیبت به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فرا خوانده، می فرمایند:

«فَلیَعمَل کُلُّ امرِیءٍ مِنکُم بِما یقرَبُ به مِن مَحَبَّتنا و لِیَتَجَنَّب مایُدنیهِ مِن کَراهَتِنا وَ سَخَطِنا، فَإِنَّ أمرَنا بَغتَةً فُجاءَةٌ حینَ لاتَنفَعُهُ تَوبَةٌ و لایُنجیهِ مِن عِقابِنا نَدَمٌ عَلی حَوبَةٍ»؛(۳) «پس هر یک از شما باید آن چه را که موجب دوستی ما می شود، پیشه ی خود سازد و از هر

۱- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۵۸.

۲- نعمانی، غیبت، ص ۲۰۷.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

آن چه موجب خشم و ناخشنودی ما می گردد، دوری گزینند؛ زیرا امر ما به یکباره و ناگهانی فرا می رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی بخشد.»

۴- آماده کردن خود برای پیوستن به امام علیه السلام

زندگانی منتظر فرج امام زمان علیه السلام با آرزوی یاری کردن امام علیه السلام و امید پیوستن به ایشان شکل می گیرد و این نوع زندگی خود از بالاترین فرج ها برای مؤمن منتظر می باشد. بنابراین او خود را برای نیل به آرزوی بزرگش آماده می کند. و برای رسیدن به این مقصود، در قدم اول، رابطه ی خود را با امام علیه السلام قوی تر می سازد. رابطه با امام عصر علیه السلام این است که انسان خود را ملزم سازد که در هیچ امری از ایشان فاصله نگیرد و در همه ی امور زندگی با حضرتش اتصال و ارتباط داشته و مقید به تبعیت از ایشان باشد.

دومین قدم در ایجاد آمادگی برای پیوستن به امام علیه السلام این است که منتظر، همه ی نیروهای مادی و معنوی خود را در جهت یاری امام علیه السلام و در خدمت برآورده شدن اهداف ایشان قرار دهد.

۵- تربیت منتظران راستین

یکی از درخواست های منتظران واقعی از خداوند متعال این است که:

«و تَجعَلُنا فیها مِن الدُّعاةِ إلی طاعَتِک»؛(۱) «و در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار ده که مردم را به فرمان برداری از تو فرا می خوانند.»

با کمی تأمل در مفهوم این دعا در می یابیم که بودن جزء دعوت کنندگان به امام عصر علیه السلام در دولت ایشان آرزوی هر منتظری است لیکن باید دانست که این امر میسر نمی گردد مگر این که از دعوت کنندگان به حضرت، در دوران غیبت ایشان نیز باشد.

در واقع منتظران واقعی امام عصر علیه السلام تنها به آماده کردن خود برای استقبال از ایشان و پیوستن به حضرتش راضی نمی شوند، بلکه خود را موظف می دانند که این آمادگی را در سایر مؤمنان نیز ایجاد کنند و در حقیقت به تربیت منتظران واقعی می پردازند.

۱- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

از امام صادق علیه السلام در توضیح آیه ی ((مَن أحیاها فَکأنّما أحیا النّاسَ جَمیعاً))؛(۱) «هر که نفسی را حیات بخشد مثل آن است که همه ی مردم را حیات بخشیده است.»، سؤال شد، فرمودند:

«مَن أَخرَجها مِن ضَلالٍ إلی هُدی، فَکأَنَّما أحیاها، وَ مَن أَخرَجَها مِن هُدی إلی ضَلالٍ، فَقَد قَتَلَها»؛(۲) «هر کس انسانی را از گمراهی به سوی هدایت نجات دهد، گویی که او را زنده نموده. و هر که او را از راه صحیح به گمراهی بکشاند، هر آینه او را کشته است.»

وظایف منتظران

در مورد وظایف و تکالیف شیعیان در دوران غیبت سخن های بسیاری گفته شده است و حتی در بعضی از کتاب ها، از جمله کتاب «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم» تا هشتاد وظیفه برای منتظران قدوم خاتم اوصیاء حضرت بقی_[1] الله علیه السلام برشمرده شده است.(۳)

اما، از آن جا که تبیین همه ی وظایفی که شیعیان در عصر غیبت به عهده دارند در این محدوده نمی گنجد، تنها به بیان عنوان تعدادی از مهم ترین این وظایف اشاره می کنیم:(۴)

مناجات منتظران

۱- دعا برای سلامتی حضرت

«اللهُمَّ کن لوَلیّک الحجَّه ابْنِ الحَسَن، صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَ عَلی آبائِه، فی هذِه السّاعَهِ وَ فی کُلِّ ساعَهِ، وَلیاً وَ حَافِظاً، و قائِداً وَ ناصِراً، و دلیلًا و عَیناً، حَتّی تُسکِنَهُ أرضَکَ طَوعاً، وَ تُمَتِّعَهُ فیها طَویلًا»؛(۵) «بار خدایا! برای نماینده ات حضرت حجّت بن الحسن، که درود تو بر او و پدرانش باد، در این ساعت و در تمامی ساعات، سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و

۱- مائده (۵)، ۳۲.

۲- کلینی، اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب احیاء المؤمن، ح ۱.

۳- ر.ک: میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی،مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد.

۴- ر.ک: ابراهیم شفیعی سروستان، انتظار، بایدها و نبایدها، ص ۲۵ به بعد.

۵- مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.

دیده بان باش. تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره مندی او را در زمین طولانی فرما.»

این دعا در اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان آمده است و بر این امر تأکید شده است که هر طور برایت امکان دارد و تا زمانی که زنده هستی، آن را تکرار کن.

نکته ی قابل توجه در این دعا این است که هر چند طبق وعده ی الهی حضرت زنده و باقی هستند، تا زمانی که پرچم توحید و عدل را در همه ی جهان به اهتزاز در آورند، ولی بالأخره بشر هستند و همانند سایر ائمه ممکن است در معرض آفات جسمانی و بلاهای طبیعی قرار گیرند و از این نظر دعای ما برای سلامتی حضرت و حفظ ایشان از این آفات و حوادث، بدون شک در سلامتی وجود آن عزیز عالم وجود و آخرین درّ صدف امامت و ولایت، مؤثر و مفید است.

۲- دعا برای تجدید عهد و پیمان با حضرت

«اللهُمَّ إنّی أُجَدِّدُ لَهُ فی صَبیحَةِ یومِی هذا و ما عِشتُ مِن أیامی، عهداً و عقداً و بیعةً لَهُ فی عُنُقی لاأحولُ عَنها وَ لاأَزولُ أَبداً»؛(۱) «بار خدایا! من در این صبحدم و در ابتدای این روز، و تمامی ایام زندگانیم، بیعت و پیمان و قراردادی را با آن عزیز می بندم که هیچ گاه و به هیچ وجه از آن برنخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی برم.»

و عهدمان با امامان این است که:

«... فابذل نَفسی و مالی و وَلَدی و أهلی و جَمیع ما خَوَّلَنی ربّی بَینَ یدیک و التصرف بین أمرک و نهیک و هُوَ عهدی إلیک»؛(۲) «... پس جان و مال و فرزندان و خویشان و هر آن چه که پروردگارم به من داده به پیشگاهت و در راه تو و آرمان ها و فرامینت، تقدیم می کنم و این همان عهد من با توست.»

پس باید با ایشان برای انجام خواسته ها و آرمان هایشان عهد ببندیم (عهداً) و آن عهد را با اسباب و وسایلی محکم کنیم (عقداً) و در نهایت با ایشان بیعت کرده و دست در دست ایشان

۱- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام .

نهاده و دل و سر به ایشان بسپاریم (بیعةً).

۳- دعا برای ظهور حضرت

«اللهمَّ ... عَجِّل فَرَجَه، و سَهِّل مَخرَجَه، و أَوسِع مَنهَجَه»؛(۱) «بار خدایا! در گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دست یابی به مقاصدش گسترش ده.»

امام رضا علیه السلام در یکی از بهترین لحظات نیایش خود در قنوت نماز جمعه این چنین ظهور را از خداوند طلب می کنند که:

«اللهم أصلِح عبدکَ و خَلیفتک بِما أصلَحت بِهِ أنبیاء و رُسُلکَ وَ حُفَّهُ بِمَلائِکَتِکَ و أیدهُ بِروحِ القُدُس مِن عِندِک ...»؛(۲) «بار الها! کار ظهور بنده ی شایسته و خلیفه ی راستینت را اصلاح فرما! همان گونه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح نمودی، از سوی خویش و به وسیله ی روح القدس، او را یاری و پشتیبانی فرما ... .»

در دعای دیگری هم که از وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام در تعجیل فرج خودشان نقل شده چنین آمده است:

«یا نورَ النّور یا مدبّر الأُمور ... اجعَل لِی و لِشیعتی مِنَ الضَیق فَرجاً و مِنَ الهَمّ مَخرجاً و أوسِع لَنا المَنهَج و أطلِق لَنا مِن عندِک ما یفَرِّج»؛(۳) «ای نور روشنایی و ای تدبیر کننده ی امور ... برای من و شیعیانم گشایشی از تنگناها و راه نجاتی از ناراحتی ها قرار بده و راه (پیروزی) را برای ما وسیع گردان و از جانب خود آن چه فرج ما را برساند بر ما ارزانی دار.»

امام صادق علیه السلام نیز در حالی که اشک می ریختند با خود زمزمه می کردند که:

۱- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲- سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۲۵۶.

۳- کفعمی، المصباح، ص ۳۰۵.

«سَیِّدی غَیبَتُک نَفَت رُقادی و ضَیَّقَت عَلَیَّ مِهادی و البَتَّرت عَنّی راحَهَ فُؤادِی»؛(۱) «سرور من، غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و زمین را بر من تنگ کرده و آسایش قلبی را از من برده است.»

۴- دعا برای جزو یاران و همراهان حضرت بودن

«اللهم اجعَلنی مِن أَنصارِهِ و أَعوانِهِ، و الذّابینَ عَنهُ، و المُسارِعینَ إلیه فی قَضاءِ حَوائِجِه و المُمتَثِلینَ لِأوامِرِهِ و المُحامینَ عَنه و السّابِقینَ إلی إرادَتِهِ و المُستَشهدینَ بَینَ یَدَیه»؛(۲) «خداوندا! مرا از یاران و کمک رسانان و حمایت کنندگان و مدافعان آن بزرگوار قرار ده، جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته های او به سویش می شتابند، جزو دسته ای که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می دهند، جزو حمایت کنندگان از او و پیشی گیرندگان بر انجام امور دلخواه او و شهادت طلبان در پیش روی او قرار ده.»

همه ی این مضامین با اهتمام و جدیت در امر رسیدگی به نیازهای روحی و معنوی مؤمنان در زمان غیبت امام علیه السلام قابل وصول می باشند. در دعای امام رضا علیه السلام نیز آمده است:

«وَ جعَلنا مِمَّن تَنتَصِرُ به لِدینک و تُعِزُّ بِه نَصرَ وَلیک ... وَ جعَلنا فی حِزبِهِ ... حتی تَحشُرنا یومَ القیامَهِ فی أنصارِه و أعوانِه و مُقَوِّیهِ سُلطانِهِ»؛(۳) «و ما را از کسانی قرار ده که دین خود را به وسیله ی آن ها غلبه می دهی و به سبب ایشان یاری ولی خود را عزت می بخشی ... و ما را جزو حزب ایشان قرار بده ... تا آن جا که ما را در قیامت در زمره ی یاران و یاوران و تقویت کنندگان سلطه ی ایشان محشور فرمایی.»

ص:۱۸۲

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۱.

۲- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۳- سیدبن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۳۰۹.

پرسش

۱- تفاوت نزدیک دانستن ظهور و عجله در امر ظهور حضرت علیه السلام در چیست؟

۲- آثار تربیتی انتظار را بیان کنید؟

۳- منتظران ظهور از نظر فردی چه وظایفی دارند؟

۴- در روایات ائمه ی معصومین علیهم السلام چه اجر و ثوابی برای صبر کنندگان در امر فرج منظور است؟

۵- ارتباط دعا کردن برای فرج و انتظار در چیست؟

عرصه های پژوهش

۱- نقش انتظار در اندیشه ی سیاسی شیعه پس از غیبت کبری.

۲- سیمای منتظران و ترسیم الگوی انسان منتظر.

۳- بررسی مقوله ی انتظار از دیدگاه روانشناسی.

۴- بررسی مقوله ی انتظار از دیدگاه جامعه شناسی.

۵- انتظار منجی در ادیان و مکاتب.

۶- نقش انتظار در خودسازی و پویایی اجتماع.

ص:۱۸۳

معرفی منابع

۱- استراتژی انتظار (۳جلد)، اسماعیل شفیعی سروستانی.

۲- سلوک منتظران، سید محمد بنی هاشمی.

۳- نگاهی دوباره به انتظار، مجید حیدری نیک.

۴- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، صص ۱۹۹ _ ۲۲۵.

۵- انتظار، بایدها و نبایدها، ابراهیم شفیعی سروستانی.

۶- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، صص ۲۵۷ _ ۳۳۵.

۷- انتظار پویا، آیت الله آصفی.

۸- شناخت زندگی بخش، ابراهیم شفیعی سروستانی، صص ۹۱ _ ۱۱۱.

ص:۱۸۴

درس یازدهم: مهدی یاوران

اشاره

ü اهمیت موضوع

ü اوصاف و ویژگی های یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

ü ویژگی های یاوران حضرت در آینه ی روایات

ص:۱۸۵

إذ كانَتِ الأرضُ لله يُورِثُها مَن يَشاءُ مِن عِبادِهِ وَ العاقِبَهُ لِلمُتَّقين ...

هر جنبش و انقلابی، به یاران و همراهانی نیاز دارد. یارانی که پایه های اصلی انقلاب اند و سنگینی آن را به دوش می کشند. سستی و استواری هر یک از این دو، با سستی و استواری دیگری ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ یعنی هر اندازه حجم بنای انقلاب کمتر باشد، پایه های آن از استحکام کمتری برخوردار خواهد بود و به هر میزان که آن بنا، بلندتر و گسترده تر باشد، به ستون های محکم تری نیاز خواهد داشت. با نگاه به حجم و گستردگی این بنا می توان دریافت بر چه پایه هایی، افراشته شده؛ همچنان که با تأمل در اهداف و غایات آن نیز می توان، میزان، حجم ابزار، وسایل مورد نیاز و پدیدآورندگان آن را پیش بینی کرد.

در این نوشتار، به دنبال تبیین ویژگی های یاوران امام مهدی علیه السلام و همراهان ایشان هستیم. کسانی که در حرکت جهانی ایشان، به مثابه ی بازوان نیرومند آن حضرت، در خدمت ایشان و اهدافشان هستند.

اهمیّت موضوع

اشاره

۱- یکی از مهم ترین شرایط ظهور امام مهدی علیه السلام فراهم شدن یاران کارآمد است؛ یاران، همراهان و هم رزمانی کارآمد و توان مند، که با فقدانشان، کار حکومت، هدایت و رشد به سامان نخواهد رسید. دانستن ویژگی های یاران حضرت و تلاش در راه کسب آن ها، در واقع تلاش برای زمینه سازی ظهور و فرا رسیدن آن روز مبارک است.

۲- آگاهی از ویژگی های یاوران امام زمان علیه السلام معیاری است که به کمک آن، می توانیم خود را محک زده و بدانیم که آیا در زمره ی یاران آن حضرت قرار داریم یا نه؟

برترین یاران حضرت مهدی علیه السلام افراد مخصوصی هستند که در اولین فرصت، خود را به حضرت می رسانند. در روایات تعداد آنان ۳۱۳ نفر به عدد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر، مشخّص شده است.

امام صادق علیه السلام به فضیل بن عمر فرمودند:

«کأنّی اَنظُرُ إلی القائِم عَلی منبرِ الکوفه و حولَهُ ثلاثُ مائهٍ و ثلاثهٍ عَشرِ رَجُلًا عدهِ أهل البدرِ هُم أَصحَابُ الألوِیَـهِ وَ هُم حُکامُ اللهِ فِی أَرضِـه علی خَلقـهِ»؛(۱) «گویا می نگرم قائم علیه السلام را بر منبر کوفه که سیصد و سیزده نفر به عدد اهل بدر، پیرامونش گرد آمده اند، آن ها مردان جنگاور و حاکمان خدا در زمین برای خلق اویند.»

یاران خاص که از آن ها به اصحاب امام مهدی علیه السلام یاد می شود، چهره های حکومتی و اجرایی ایشان هستند. آن ها انسان هایی عادل، مقتدر، فقیه و کارآمدند که در تثبیت حکومت جهانی مولای خود نقش اساسی دارند.

در برخی از روایات، یاران امام مهدی علیه السلام ده هزار نفر یاد شده و این گونه آمده که تا آنان نیایند، قیام صورت نمی گیرد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند:

«سیصد و سیزده نفر یاران با او بیعت می کنند. او تا هنگام کامل شدن ده هزار نفر در مکه، اقامت می کند و سپس رهسپار مدینه می شود.»(۲)

معنای روایت این است که یاران امام زمان علیه السلام منحصر در ۳۱۳ نفر نیستند، بلکه این تعداد کسانی هستند که در ابتدای قیام آن حضرت به گرد ایشان جمع می شوند.(۳)

در آیات و روایات اگر چه از صفت هایی به عنوان ویژگی های یاران حضرت یاد شده است؛ اما بدون تردید، یکی از پیام های این روایات، برشمردن شرایط آرمانی یک منتظر است. اهدافی که یک منتظر واقعی برای خود ترسیم می کند و تمام توان خود را در راه رسیدن به آن ها به کار بندد و اوج هایی که یک شیعه در تمام قرن ها و عصرها بدان ها چشم دوخته و خود را در مسیر دست یافتن بدان ها قرار می دهد.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲.
۲- شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۳.
۳- علامه مجلسی، بحارالانوار،ج ۵۲، ص ۳۲۳، ح ۳.

الف) اوصاف و ویژگی های یاوران امام مهدی علیه السلام در قرآن

اشاره

قرآن کریم، در آیات متعدّدی به توصیف خصال و ویژگی های یاوران امام مهدی علیه السلام پرداخته و چنان در این زمینه با دقت و ظرافت سخن گفته است که مخاطبان به راحتی می توانند به تصویری روشن از یاوران آن حضرت علیه السلام دست یابند. در زیر به برخی از این آیات اشاره می کنیم:

۱- آیه ی ۵۴ سوره ی مائده

((یا أیـُّها الـذین ءامَنُوا، مَن یرتَـدَّ مِنکُم عَن دینهِ فَسَوفَ یأتِی اللهُ بِقَومٍ یُحِبُّهُم و یُحِبُّونَه أذِلهٍ عَلی المؤمنینَ أعِزَّهٍ علی الکافرینَ یُجَاهِـدُونَ فی سَبِیلِ اللهِ و لایُخَافُونَ لومَه لائِم ذلک فضلُ اللهِ یُؤتِیهِ مَن یَشاءُ و اللهُ واسِعٌ عَلِیم))؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از آیین خود باز گردد (به خداوند زیانی نمی رساند) خداوند جمعیّتی را می آورد که آن ها را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آن ها در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامت گری هراس ندارنـد. این فضل خـداست که به هر کس بخواهـد و شایسته ببیند، می دهد و (فضل) خداوند وسیع و داناست.»

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه می فرمایند:

«هُم اصحابُ القائِم علیه السلام »؛(۱) «آنان یاوران امام قائم علیه السلام هستند.»

همچنین امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«صاحب این امر، در پرتو این آیه (در حمایت چنین یارانی آگاه و دلاور) محفوظ است.»(۲)

آیه ی مبارکه، ویژگی یاران را این گونه ترسیم می کند:

۱- آن ها عاشق خدا بوده و جز به خشنودی او نمی اندیشند: یُحِبُّهُم و یُحِبُّونَه: خداوند آنان را دوست دارد و آنان او را دوست دارند.

۲- دوستی با دوستان خدا: أذِلّهٍ علی المؤمنینَ: در برابر مؤمنان، متواضع و فروتن هستند.

۱- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۷۵.

۲- سید هاشم بحرانی، ج ۱، ص ۴۹۷.

۳- دشمنی با دشمنان خدا: أعِزَّهٍ علی الکافرینَ: در برابر کافران سرسخت و نیرومند هستند.

۴- مجاهد در راه خدا: یُجَاهِدُونَ فی سَبِیلِ اللهِ: در راه خدا جهاد می کنند.

۵- استوار و ثابت قدم: لایُخَافُونَ لومَه لائِم: از سرزنش هیچ ملامت گری هـراس ندارند.

۲- آیه ی ۱۰۵ سوره ی انبیاء

((وَ لَقَد کَتَبنا فِی الزَّبورِ مِن بَعدِ الذِّکرِ أنَّ الأَرضَ یَرِثُها عِبادیَ الصّالحونَ))؛ «و ما بعد از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان نیکوکار و صالح من زمین را به ارث خواهند برد.»

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مراد از بندگان صالح، اصحاب حضرت مهدی علیه السلام هستند که در آخر الزّمان می آیند.»(۱)

در جای دیگری از قرآن خداوند ویژگی های عبد صالح را این گونه بیان می دارد:

((یؤمنونَ بِـاللهِ و الیَومِ الآخِرِ و یأمرونَ بِالمَعروفِ و یَنهَونَ عَنِ المنکَرِ و یُسارِعونَ فِی الخَیراتِ و اولئکَ مِنَ الصّالِحِین و مایَفعَلُوا مِن خیرٍ فَلَن یُکفَرُوهُ و اللهُ علیمٌ بِالمتَّقِین))؛(۲) «به خداونـد و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در کارهای نیک از دیگران پیشی می گیرند و در حقیقت آنان از صالحین هستند. و هر کار نیکویی که انجام می دهند، هرگز درباره ی آن ناسپاسی نبینند و خداوند با متقین است.»

بنابراین بر اساس آیه ی شریفه ویژگی یاران حضرت علیه السلام به شرح زیر است:

۱- ایمان به خدا و روز قیامت دارند: یؤمنونَ بِاللهِ و الیَومِ الآخِرِ

۲- امر به معروف و نهی از منکر می کنند: یأمرونَ بِالمَعروفِ و یَنهَونَ عَنِ المنکَرِ

۳- سبقت گیرنده در نیکی ها هستند: یُسَارِعُونَ فی الخَیراتِ

۴- کار ایشان مورد تقدیر خداوند قرار می گیرد: و مایَفعَلُوا مِن خیرٍ فَلَن یُکفَرُوه

۱- حرّ عاملی، اثباه الهداه، باب ۳۲، ح ۴۱۹.

۲- آل عمران (۳)، ۱۱۴ و ۱۱۵.

۵- باتقوا و پرهیزگارند: و اللهُ علیمٌ بِالمتَّقِین

۳- آیه ی ۶۲ سوره ی یونس

شایـد بتوان گفت در میان همه ی ویژگی هایی که برای یاران امام منتظَر برشـمرده شد، یک ویژگی از همه بارزتر و با اهمیّت تر است و آن این که آن ها مصـداق کامل «اولیاء الله» هسـتند که در قرآن کریم بـدان اشاره شده است، آن جا که می فرماید: ((أَلَا إِنَّ أَولیاءَ اللهِ لاخوفٌ عَلَیهِم وَ لاهُم یَحزَنُونَ))؛ آگاه باشید که بر دوستان خدا بیمی نیست و غمگین نمی شوند.

امام صادق علیه السلام در روایتی ویژگی پیروان امام زمان علیه السلام را چنین بیان می کنند:

«طـوبی لِشِـیعَهِ قائمِنَـا المُنتَظِرِیـنَ لِظُهُـورِهِ فِی غَیبَتـهِ وَ المُطِیعِیـنَ لَـهُ فِی ظُهُـورِهِ أُولَئِـک أَولِیـاءُ اللهِ الَّذینَ لا خَوفٌ عَلَیهِم وَ لا هُم یَحزَنُونَ»؛(۱) «خوشا به حال شـیعیان قائم علیه السـلام که در زمان غیبتش منتظر ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، آنان اولیای خدا هستند، همان ها که نه ترس آن ها را فرا می گیرد و نه اندوهگین می شوند.»

امام علی علیه السلام نیز در وصف یاوران امام علیه السلام می فرمایند:

«... یُؤَلِّفُ اللهُ بَینَ قُلُوبِهِم، لایَسـتَوحِشُونَ إِلی أَحـدٍ وَ ...»؛(۲) «خداونـد دل هـای آنـان را به هم نزدیک می کنـد. آن ها از هیچ کس ترسان نمی شوند، و از این که کسی به آن ها بپیوندد، شادمان نمی گردند.»

این که انسانی از هیچ چیز ترسـی به دل راه ندهد و از هیچ چیز اندوهگین نشود، تنها زمانی امکان پذیر است که جز خدا نبیند و به جز خدا نیندیشد و این کمال آدمی و بالاترین درجه ای است که یک انسان می تواند بدان دست یابد.

ص:۱۹۰

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹، ب ۲۳، ح ۵۴ .

۲- زیر نظر کورانی، معجم الاحادیث الامام المهدی علیه السلام ، ج ۳، ص ۱۰۰.

۴– آیه ی ۸۰ سوره ی هود

((قالَ لَو أنَّ لی بِکُم قُوَهً أو ءآوی إلی رُکنٍ شَدید))؛ «(لوط) گفت: ای کاش در برابر شما، قدرت و اقتداری داشتم یا به تکیه گاه استواری پناه می بردم.»

صالح بن سعید از امام صادق علیه السلام نقل می کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

«مراد از قوّت، حضرت مهدی علیه السلام و مراد از رکن شدید، ۳۱۳ نفر از یاران وی می باشند.»(۱)

از این آیه ی مبارکه اقتدار و قوّت امام و یارانشان، حاصل می شود.

۵– آیه ی ۲۰۰ سوره ی آل عمران

((یا أَیُّهَا الَّذِینَ امَنُوا اصبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللّه لَعَلَّکُم تُفلِحُونَ))؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوس ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.»

امام باقر علیه السلام درباره ی این آیه ی شریفه فرموده اند:

«بر انجام واجبات و عبادات بردبار باشید و در برابر دشمن شکیبایی از خود نشان دهید و خود را برای یاری امام منتظر آماده ی نبرد سازید.»(۲)

۶– آیه ی ۱۴۸ سوره ی بقره

((أَینَمَا تَکُونُوا یَأتِ بِکُمُ اللّهُ جمیعاً إِنَّ اللّهَ عَلَی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ))؛ «هر جا باشید خداوند همه ی شما را (برای پاداش و کیفر در برابر نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می کند زیرا او بر هر کاری تواناست.»

ابوخالد از امام باقر علیه السلام روایت می کند که:

«منظور از آیه ی «أَینَمَا تَکُونُوا ...» اصحاب حضرت قائم علیه السلام هستند که تعداد آن ها بیشتر از سیصد و ده مرد هستند و فرمود: «و آن ها هستند به خدا سوگند «امت معدوده» و آن ها در یک ساعت گرد هم می آیند مانند پاره های ابر پاییز (که کنار هم جمع می شوند).»(۳)

۱– حرّ عاملی، اثباه الهداه، ج ۳، ص ۵۵۱، ب ۳۲، ح ۶۵۴.

۲– حرّ عاملی، اثباه الهداه، ج ۳، ص ۵۵۱، ب ۳۲، ح ۴۵۹.

۳- کلینی، روضه الکافی، ص ۳۱۳.

از دیگر آیاتی که تأویل به یاران حضرت می گردد عبارت است از:

۱- آیه ی ۸ سوره ی هود.

۲- آیه ی ۴ تا ۷ سوره ی اسراء

ب) ویژگی های یاوران حضرت در آیینه ی روایات

۱- بینش عمیق

اشاره

یاران امام مهدی علیه السلام از بینشی عمیق و ژرف، نسبت به خداوند، امام، انسان و هستی برخوردارند:

الف) بینش عمیق نسبت به حق تعالی

اساسی ترین ویژگی یاران امام مهدی علیه السلام ، معرفت عمیق نسبت به خداوند متعال است. این معرفت آن چنان استوار است که نه شبهات در آن خللی ایجاد می کند و نه تردیدها و شک ها در حریمش راه می یابد. امام علی علیه السلام می فرمایند:

«رجالٌ مؤمنونَ عَرَفُوا اللّه حقَّ معرِفَتِهِ و هم أنصارُ المهدی فی آخرِ الزمان»؛(۱) «مردانی که خدا را آن چنان که شایسته است، شناخته اند، و آنان یاوران مهدی علیه السلام در آخرالزّمان اند.»

همچنین امام صادق علیه السلام در وصف یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

«رجالٌ کأنَّ قُلوبُهم زُبُرَ الحدیدِ لایَشُوبُها شکٌّ فی ذاتِ اللهِ أشدُّ مِنَ الحَجَر»؛(۲) «آنان مردانی اند که گویا دل هایشان پاره های آهن است و از سنگ سخت ترند و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند.»

این باور آن قدر با صلابت و استوار است که مرارت ها و مصیبت ها، در آن خللی ایجاد نمی کند و بلاها و امتحانات، آرامش آن ها را به تلاطم نمی افکند و شبهات و سؤالات در آن

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹ / صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۶۱۱.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

رخنه ای ایجاد نمی کند. آنان، از سرچشمه ی توحید ناب، سیرابند و به حضرت حق- آن چنان که شایسته است- اعتقاد دارند. امام علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

«فَهُمُ الّذینَ وحَّدوا اللّٰه حقَّ تَوحیدِهِ»؛(۱) «آنان به وحدانیت خداوند، آن چنان که حق وحدانیت اوست، اعتقاد دارند.»

حرم دل هایشان را بت های نفس، ثروت، و مقام نیالوده و در آن حریم امن، جز خداوند حضور ندارد. نتیجه ی این بینش عمیق، ایمان و تقواست. این دو را هم در چهره ی عبادت ها و راز و نیازشان می توان دید و هم در آیینه ی تلاشی که در طریق عبادت و بندگی حضرت حق دارند.

ب) بینش عمیق نسبت به امام علیه السلام

یاران امام مهدی علیه السلام ، امام خود را می شناسند و به او اعتقاد دارند. امام سجاد علیه السلام در این خصوص فرموده اند:

«... القَائِلِینَ بِإِمَامَتِهِ»؛(۲) «آنان به امامت امام مهدی علیه السلام اعتقاد راسخ دارند.»

این معرفت شناخت شناسنامه ای و دانستن نام و نشان ایشان، و دانستن اسم پدر و مادر و محلّ تولّد ایشان نیست؛ بلکه معرفت به «حق ولایت» است. یعنی، فهم این حقیقت که ایشان از من، به من نزدیک تر و سزاوارترند.

نتیجه ی این بینش عمیق، محبت و اطاعت است.

ج) بینش عمیق نسبت به انسان و هستی

یاران حضرت در اهداف بلند پایه و حرکت فراگیرشان، آرمان های کم ارزش و اهداف کم مایه را دنبال نمی کنند. با تأمل در خویشتن و استعدادهای شگفت انگیزشان، قدر و عظمت خود را می یابند و مسیر بودن دنیا و سالک بودن خویش را می فهمند. آنان با این نگاه به معبودی پیوند می خورند که از تمام کاستی ها و زشتی ها مبرّا است و می تواند آنان را سرشار و ظرفیت هایشان را تکمیل کند.

عمق و ژرفای این نگاه آنان را از سیل امتحانات، سرفرازانه بیرون می برد:

۱- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ص ۲۲۴، به نقل از بشاره الاسلام، ص ۲۲۰.

۲- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۲۴۴ / علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶.

«إنَّ أصحابَ طالوت إبتَلوا بالنّهرِ الّذی قالَ الله تعالی: «مُبتَلِیکَم بِنَهَر» و إن أصحاب القائم یُبتَلُونَ بمثل ذلک»؛(۱) «سپاهیان طالوت، با نهر آبی آزمایش شدند، همان که خداوند درباره اش می فرماید: «(خداوند) شما را با نهر آبی می آزماید»، و یاران امام مهدی علیه السلام نیز مثل آنان آزمایش می شوند.»

همچنین این اعتقاد و نگرش آنان را مشتاق شهادت و لقای الهی می کند: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که:

«... و یَمُنُّونَ أن یُقتَلُوا فی سبیل الله»؛(۲) «آرزو می کنند که در راه خدا به شهادت برسند.»

۲- عبادت و بندگی

یاران امام مهدی علیه السلام از پیشوای خود الگو گرفته و روزها و شب ها را با ذکر شیرین حق سپری می کنند. معرفت و ایمان در قلب هایشان ریشه دوانده و ایشان را به خضوع در برابر حق تعالی و تلاش در مسیر بندگی سوق می دهد. در این جا به بررسی روایاتی که عبادت و بندگی یاوران حضرت را توصیف می کند، می پردازیم:

الف) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد آنان می فرمایند:

«مُجِدُّونَ فی طاعهِ الله»؛(۳) «آنان در طریق عبودیّت اهل جدیّت و تلاشند.»

ب) امام علی علیه السلام ، عبادت و راز و نیاز یاوران امام مهدی علیه السلام را این گونه ترسیم می کنند:

«لَهُم فی اللَّیلِ أصواتٌ، کَأصواتِ الثّواکِلِ حَزَناً مِن خَشیَهِ الله قُوّامٌ بِاللَّیلِ صُوّامٌ بِالنَّهارِ»؛(۴) «در دل شب، از خشیت خداوند، ناله هایی دارند مانند ناله ی مادران پسر مرده.»

ص:۱۹۴

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۷، ص ۳۳۶.
۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۷، ص ۳۰۸.
۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۷.
۴- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۲۴.

ج) در روایتی دیگر آمده است:

«رِجالٌ لاینامُونَ اللّیلَ لَهم دویّ فی صَلواتهم کَدَویّ النَّحلِ یَبیتُونَ قیاماً علی أطرافهم و یُسَبِّحونَ علی خُیُولهم»؛(1) «مردان شب زنده داری که زمزمه ی نمازشان، مانند نغمه ی زنبوران کندو به گوش می رسد. شب ها را با شب زنده داری سپری می کنند و بر فراز اسب ها، خدا را تسبیح می گویند.»

د) امام صادق علیه السلام همچنین در مورد آنان می فرمایند:

«قُوّامٌ باللَّیلِ صُوّامٌ بالنّهار»؛(2) «شب ها را با عبادت به صبح می رسانند و روزها را با روزه به پایان می برند.»

۳- مَحبّت

دل های یاران امام مهدی علیه السلام ، سرشار از محبت ایشان است. این علاقه مندی تا بدان حدّ است که حتّی زین اسب ایشان را مایه ی برکت می دانند و به آن تبرک می جویند: امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«یَتَمَسَّحُونَ بِسَرجِ الإمام یَطلبُونَ بِذلک البَرکه»؛(3) «به عنوان تبرک بر زین اسب امام دست می کشند.»

به جهت همین عشق آتشین، آنان در آوردگاه رزم، ایشان را مانند نگینی در بر می گیرند و جانشان را سپر بلایشان می کنند: امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند:

«یَحُفُّونَ بِهِ و یقُونه بأنفُسِهم فی الحَربِ و یَکفُونَهُ ما یریدُ ... .»؛(4) «در میدان رزم، آنان او را در میان می گیرند و در جنگ ها با جان خود، از ایشان محافظت می کنند ... .»

ص:۱۹۵

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

چه بسیار است فاصله ی میان ما و یاران او، چرا که ما از جان و حتّی وقت خود، برای ایشان سهمی قرار نداده ایم و چه اهداف و آرمان هایی از ایشان که به جهت سستی ما بر زمین مانده و چه دعوت هایی از ایشان که بی پاسخ مانده است؟!!!

۴- اطاعت

مقدّم داشتن خواست حضرت، بر خواست خود از دیگر شاخصه های یاوران امام مهدی علیه السلام است. امام صادق علیه السلام در این خصوص فرموده اند:

«هُم أطوَعُ مِنَ الأمَهِ لِسَیِّدَها»؛(۱) «اطاعت آنان از امام، از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش بیشتر است.»

آنان نیک می دانند که حق، با امام است و امام با حق. آنان به بهانه ی نواندیشی از امام خود سبقت نمی گیرند و گر چه پشت سر ایشان در حرکتند ولی پای از دام ها برمی گیرند، تا از ایشان فاصله نگیرند. آنان نه تنها مطیع اند، بلکه بر خلاف بسیاری که بهانه ی فقدان زمینه، امکانات، سختی راه و ... را دارند، از خدمت به ایشان و اهدافشان شانه خالی نمی کنند. در اطاعت ایشان، اهل جدیّت و تلاشند و برای بر زمین نماندن آرمان های ایشان، خود را به آب و آتش می زنند و از هیچ کوششی فرو گذاری نمی کنند:

«... مُجِدّونَ فی طاعَتِهِ»(۲)

۵- شجاعت

اگر جهاد و مبارزه جهانی و فراگیر است، پس یاران ایشان هم باید شجاعت و جسارتی در خور و عزم هایی پولادین داشته باشند؛ چرا که بدون آن، قدم ها یارای حرکت نخواهد داشت. اهل بیت علیهم السلام شجاعت آنان را این گونه توصیف می کنند:

الف) امام علی علیه السلام می فرمایند:

ص:۱۹۶

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۲۳.

«کُلّهم لیوثٌ قَدخَرَجُوا مِن غاباتِهم لَو أنّهم هَمّوَا بِإزَالِهِ الجِبالِ لَأزَالُوهَا مِن مَوَاضِعهَا»؛(۱) «همه شیرانی اند که از بیشه ها خارج شده اند و اگر اراده کنند، کوه ها را از جا بر می کنند.»

ب) امام سجاد علیه السلام می فرمایند:

«جُعِلَت قُلوبُهم کَزُبُرِ الحدید»؛(۲) «دل هایشان چون پاره های آهن شده است.»

ج) امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«إنَّ الرّجلُ مِنهم یُعطی قُوه أربعینَ رجلاً وَ إنَّ قَلبَهُ لَأَشَدُّ مِن زُبُرِ الحَدِیدِ وَ لَو مَرّوا بِجِبالِ الحَدیدِ لَقَطَّعُوهَا»؛(۳) «به هر کدامشان نیروی چهل مرد داده شده است. اگر به کوه های آهن روی آورند، آن ها را قطعه قطعه می کنند.»

د) امام باقر علیه السلام در مورد شجاعت و دلیری یاران امام مهدی علیه السلام می فرمایند:

«أُلقِیَ الرُّعبُ فی قُلوبِ شیعَتِنا مِن عَدُوِّنا، فَإذا وَقَعَ أمرُنا و خَرَجَ مَهدینا کانَ أحَدُهُم أجری مِنَ اللَّیثِ و أمضی مِنَ السِّنانِ و یطَأُ عَدُوَّنا بِقَدَمَتِهِ وَ یقتُلُ بِکَفَّیهِ»؛(۴) «امروز ترس و رعب دشمنان ما بر دل دوستان ما افکنده شده و چون امر ما واقع شود و مهدی ما خروج کند، هر کدام از دوستان ما از شیر دلیرتر و از نیزه برّان تر شوند و دشمنان را پایمال کنند و با دست و چنگ بکشند.»

۶- بردباری

در راه تحقّق آرمان های جهانی امام مهدی علیه السلام مشکلات و مصائب فراوانی را به جان می خرند ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را هیچ می پندارند و به جهت هجوم سختی ها و تحمّل مشقّت ها، بر خداوند منّت نمی گذارند: امام علی علیه السلام می فرمایند:

۱- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۱، ص ۴۱۴.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۴- حرّ عاملی، اتباه الهداه، ج ۷، ص ۱۱۳.

«قومٌ ... لم يَمنُّوا عَلَى اللهِ بِالصَّبرِ و لم يَستَعظِموا بَذلَ أَنفُسِهِم فِي الحَق»؛(۱) «یاران مهـدی علیه السـلام کسانی اند که به جهت بردبـاری شان بر خداونـد منّت نمی گذارنـد و از این که نقـد جان خویش را در کف اخلاص نهاده انـد، احساس بزرگی نمی کنند»

۷- یک دلی

یاوران امام مهدی علیه السلام ، یک رنگ و یک دل اند: امام علی علیه السلام در مورد آنان می فرمایند:

«قُلوبُهم مُجتَمِعَهٌ بِالمَحَبَّهِ وَ النَّصِیحَهِ»؛(۲) «یاران مهدی علیه السلام با محبت و خیرخواهی قلبهایشان متحد شده است.»

امام صادق علیه السلام در مورد آنان می فرمایند:

«إنَّ أصحابَ القائم علیه السلام یلقی بعضُهُم بَعضاً کَأنَّهُم بَنو أبٍ و أُمٍّ»؛(۳)«اصحاب قائم علیه السلام به گونه ای با هم معاشرت می کنند مانند این که از یک پدر و مادر هستند.»

و این نیست مگر به این سـبب که هواهـا و خودخـواهی هـا از جانشـان رخت بربسـته و به جـای آن، خـداخواهی و خـداپرستی نشسـته است. بـا این اتّحـاد و یک رنگی است که می توان به اهـداف جهانی دست یافت و آرمان های الهی را تحقّق بخشـید. سپاهی که از اختلاف و چند دلی رنج می برد، چگونه می تواند سـرافرازانه بام دنیا را فتح کند، در دعای افتتاح هم، ما خود را راغب و مشتاق دولتی می خوانیم که نفاق و دو رویی در آن خوار و ذلیل است.

«اللّهم إنّا نَرغَبُ ألیکَ فی دولهٍ کریمهٍ ... تُذِلُّ بها النِّفاقَ و أهلَه»

۸- ایثار

آن حرکت گسترده، برای هـدایت و سازنـد گی است، نه جهان گشایی و زمین گیری. جهاد، مقدمه ی این آرمان الهی است و آن چنان که رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم از حق اهل بیت خود چشم می پوشاندند تا دیگران به رفاه برسـند و از این رهگذر، دل های کافران را نرم و نسبت به دین

۱- ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۲۹.

۲- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ص ۲۲۶.

۳- فخر رازی، تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۰.

متمایل می کردند. یاران حضرت مهدی علیه السلام نیز، سختی ها را به جان می خرند و از خوشی ها و لذایذ چشم می پوشند و با دست های مهربانشان، خوبی ها و خوشی ها را به دیگران هدیه می دهند؛ تا از این رهگذر، قلب ها را نرم کنند و رهیدگان را به دامان پر از مهر و محبّت دین برگردانند.

۹- علم و بصیرت

امام علی علیه السلام در سخنان زیبایی، مراتب فضل و کمال علمی یاران موعود آخر الزّمان را چنین توصیف می کنند:

«لَیَشحَذَنَّ فِیهَا قَومٌ شَحذَ القَینِ النَّصلِ، تُجلی بالتَّنزِیلِ بَصائِرُهُم، وَ یُرمی بِالتَّفسِیرِ فِی مَسَامِعِهِم، وَ یَغبُقُونَ کأسَ الحِکمَهِ بَعدَ الصَّبُوحِ»؛(۱) «پس گروهی در آن فتنه ها صیقلی می شوند. مانند صیقل دادن آهنگر، شمشیر را، دیده های آن ها به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش هایشان جا گرفته است. در شب، جام حکمت را به آن ها می نوشانند بعد از این که در بامداد هم نوشیده باشند.»

امام سجاد علیه السلام نیز در مورد قوت عقل و اندیشه ی یاوران امام می فرمایند:

«إنَّ اللّه تبارک و تعالی أعطاهُم مِنَ العُقول و الأفهامِ و المَعرِفَهِ ما صارَت بِهِ الغیبَهُ عِندَهُم بِمَنزِلَهِ المشاهده»؛(۲) «خداوند تبارک و تعالی آن ها را آن چنان از عقل و فهم و شناخت برخوردار کرده است که غیبت امام برای آنان به منزله ی مشاهده و حضور در آمده است.»

آری، یاران امام علیه السلام ، همچنان که در بالاترین درجه ی تقوی و پرهیزگاری قرار دارند، از نظر کمال علمی نیز در بالاترین درجه قرار گرفته و از جام حکمت الهی و معرفت دینی، چنان که باید، سیراب گشته اند.

۱۰- نظم

امام علی علیه السلام در مورد نظام عمومی که بر یاوران حضرت علیه السلام حاکم است می فرمایند:

ص:۱۹۹

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴، ح ۶۴.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

«كَأَنِّی أنظُرُ إِلَیهم و الزِّیُّ واحدٌ و القَدُّ واحدٌ و الجَمالُ واحدٌ و اللّباسُ واحِدٌ»؛(۱) «گویا آنان را می نگرم، در شکل و هیأتی یکسان، قد و قامتی برابر و در جمال و برازندگی همانند و هم لباسند.»

«اللّهُمَّ اجعَلنِی مِن أَنصارِهِ و أعوانِهِ»

ص:۲۰۰

۱- سید بن طاووس، ملاحم و الفتن، ص ۱۴۸.

پرسش

۱- آیه ی ۵۴ سوره ی مائده چه ویژگی هایی را برای یاوران امام زمان علیه السلام بیان می کند؟

۲- یاران امام زمان علیه السلام تا چه اندازه امام خود را می شناسند؟

۳- در روایات معصومین علیهم السلام ، عبادت و تقوای یاوران چگونه ترسیم شده است؟

۴- شوق شهادت در نتیجه ی کدام یک از ویژگی های یاوران حاصل می شود؟

عرصه های پژوهش

۱- عوامل زمینه ساز درتربیت یاوران امام علیه السلام .

۲- نقش جوانان و بانوان در ظهور حضرت.

۳- نقش ایرانیان در زمینه سازی برای ظهور و یاری رسانی به ایشان.

۴- ویژگی یاوران در دوران ائمه ی اطهار علیهم السلام .

۵- تفاوت یاوران امام مهدی علیه السلام با یاوران سایر ائمه ی بزرگوار علیهم السلام .

۶- نقش جوانان در تحقّق انقلاب ها در طول تاریخ.

ص:۲۰۱

معرفی منابع

۱- چشم به راه مهدی، موافقان و مخالفان مهدی علیه السلام ، سید عباس رضوی، صص ۳۶۴ _ ۳۸۴.

۲- سیمای آفتاب، دکتر حبیب الله طاهری، صص ۲۲۷ _ ۲۴۲.

۳- فصل نامه ی انتظار، ش ۳، مهدی یاوران، نصرت اله آیتی، صص ۷۳ _ ۹۳.

۴- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، دولت زمینه ساز، مسعود پور سید آقایی، صص ۵ _ ۱۹.

۵- پرچم هدایت، محمد رضا اکبری، صص ۱۱۰_۱۳۰.

۶- ره توشه ی مهدی یاوران.

۷- معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران، شفیعی سروستانی.

ص:۲۰۲

درس دوازدهم: شرایط قیام و نشانه های ظهور

اشاره

- ü شرایط و علایم
- ü شرایط ظهور
- ü نشانه های ظهور

ص:۲۰۳

السلام علیک أیُهَا العَلَمُ المَنصُوب ...

در میان مباحثی که به قیام و ظهور برمی گردد، بحث شرایط و علایم ظهور برای مردمان زمان غیبت، جایگاه خاصی دارد. با توجه به میل فطری عدالت خواهی در آدمیان، مردم از همان صدر اسلام نسبت به وجود مقدّس مصلح کل حسّاسیّت ویژه پیدا کرده سخن از بزرگ مردی گفته اند که با ظهورش دامن ظلم برچیده می شود و زمین روی آرامش به خود می بیند. اکنون جای این سؤال است که آیا تحقّق انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام مشروط به شرایط خاصّی است؟ آیا برای پیدایش آن نشانه و علامتی وجود دارد؟ به راستی با توجّه به مخفی بودن زمان ظهور و وجود مخالفان و سودجویان، آیا مردم دچار حیرت و سرگردانی نمی شوند؟

این جاست که بحث شرایط و علایم ظهور جایگاه ویژه ای پیدا کرده و توجّه مردم را به خود جلب می کند. مردمی که نه روی امام خود را دیده و نه صدای ایشان را شنیده اند و تنها بر اساس عقل و روایات موجود، حضور و ظهور ایشان را باور دارند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی در وصف مردمان آخرالزّمان، می فرمایند:

«یا علی! وَ اعلَمُ أَنَّ أَعجَبَ النّاسِ إِیماناً وَ أعظَمَهُم یَقیناً قومٌ یَکونُ فِی آخِرِ الزّمان لَم یَلحَقُوا النَّبی وَ حَجَبَ عَنهُمُ الحُجَّهُ فَآمَنوا بِسَوادٍ عَلی بیاضٍ»؛(۱) «ای علی بدان که شگفت انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیم ترین آن ها از جهت یقین، مردمی هستند که در آخرالزّمان خواهند بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ندیده و امام نیز از آن ها محجوب است ولی به سیاهی که بر سفیدی قرار گرفته (از روی احادیث و نوشته ها) ایمان دارند.»

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ب ۲۵، ح ۸.

شرایط و علایم (تعریف و تفاوت)

تعریف

شرایط: شرایط به اموری گفته می شود که تحقّق ظهور، وابسته به وجود آن هاست و تا آن ها محقّق نشوند ظهوری در کار نخواهد بود.

علایم: علامت به معنی نشانه است و مراد از آن پیدایش پدیده ای است که با مقصود و مطلوب مرتبط بوده و آدمی را به سوی آن راهنمایی می کند. به عبارت دیگر مراد از علایم ظهور، آن دسته از حوادثی است که بر اساس پیش بینی پیشوایان معصوم، قبل و یا در آستانه ی ظهور واقع خواهد شد و تحقّق هرکدام نوید نزدیک شدن قیام حضرت علیه السلام را می دهد.

تفاوت

۱- علایم فقط جنبه ی کاشفیت دارند، یعنی تحقّق آن ها کاشف این واقعیت است که ظهور نزدیک شده است ولی شرایط محقّقِ ظهور هستند، یعنی تا آن ها نباشند ظهور محقّق نخواهد شد.

۲- علایم لازم نیست در یک زمان جمع باشند و می توانند یکی پس از دیگری تحقّق یابند، ولی شرایط باید در یک زمان جمع باشند تا پدیده ی ظهور، تحقّق عینی یابد.

۳- علایم به طور پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر می توانند بروز کنند ولی شرایط به یکدیگر مرتبط اند.

۴- علایم از بین رفتنی است ولی شرایط پایدار و باقی است.

۵- علایم قابل شناخت بوده و معمولاً به وجود آن می توان پی برد ولی تحقّق بعضی شرایط چندان قابل شناخت نیست و نمی توان به وجود آن آگاهی حتمی و کامل داشت.

شرایط ظهور

اشاره

با توجه به این که عالم هستی، عالم اسباب و مسبّبات است و با نگاهی به موجودات پیرامون خود به خوبی درمی یابیم که تحقّق هر پدیده مشروط به شرایطی است. مثلاً برای آن که بذر گندم به خوشه ی پربار گندم تبدیل شود نیاز به شرایطی دارد مانند وجود نور خورشید، آب کافی، زمین مناسب و کشاورزی دانا. در کنار این شرایط باید موانع رشد مانند آفات نیز از بین برود.

ص:۲۰۵

انقلاب جهانی بزرگ منجی عالم بشریّت نیز دارای شرایطی است که با تحقّق آن ها، ظهور آن بزرگ مرد امکان پذیر خواهد بود. صاحبان اندیشه و فکر با تأمل در پدیده ی انقلاب و با توجّه به بیانات بزرگان دین، چهار شرط را برای انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام ذکر کرده اند.

الف) قانون جامع

هر جنبش و خیزشی که برای درهم شکستن وضع موجود جامعه و برقراری وضع مطلوب، به وجود می آید نیاز به دوگونه طرح و برنامه دارد:

۱- قانونی مناسب و کامل برای حرکت رو به رشد جامعه و تحقّق آرمان ها و ارزش ها و رسیدن به وضعیت مطلوب.

۲- برنامه ای جامع برای مبارزه با ناهنجاری های موجود.

قیام جهانی حضرت بقیه الله علیه السلام نیز دارای چنین شرایطی است. خداوند بزرگ و مهربان، با علم و حکمت و قدرت بی نهایت خود و با آشنایی کامل از حالات و روحیات برترین مخلوق خود یعنی انسان ها، برنامه ای جامع و مناسب تدوین نموده تحت عنوان، دین اسلام و کتاب قرآن. این برنامه که با توجّه به تمام ابعاد وجود آدمی تهیه شده و در اختیار خاتم الأنبیاء صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفته بود توسّط خاتم الأوصیاء امام مهدی علیه السلام اجرا می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«سُنَّتُهُ سُنَّتی یُقیمُ النّاسَ عَلی مِلَّتی و شَریعتی و یَدعُوهُم إلی کتاب رَبّی عزَّوَجَلّ»؛(۱) «سنّت او، سنّت من است. مردم را به دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند.»

امام باقر علیه السلام نیز در این باره می فرمایند:

«یَعمَلُ بِکِتابِ اللهِ، لایَری نَکرهُ الاّ أنکَرَه»؛(۲) «بر اساس کتاب خدا (قرآن) عمل خواهد کرد و هیچ زشتی ای نمی بیند، مگر این که آن را انکار می کند.»

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۳۹، ح ۶.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۱.

ب) رهبری

شرط دیگری که برای یک حرکت اصلاحی و سازنده مورد نیاز است، وجود رهبر و پیشوایی آگاه و توانمند و دلسوز است تا بـا آشـنایی کـاملی که از برنـامه و هـدف و زمینه هـا و موانع دارد، با مـدیریتی صـحیح و قاطع، حرکت اصـلاحی را به درستی هدایت کرده و به سرانجام مطلوب برساند. از جمله ویژگی هایی که قرآن کریم برای یک رهبر ترسیم می کند، علم و آگاهی و توانایی و قدرت است. آن جا که وقتی خداوند طالوت را برای آنان برگزید و آنان اشکال کردند، پیامبرشان در جواب آنان چنین می فرماید:

«قالَ إِنَّ اللهَ اصطَفیهُ عَلَیکُم وَ زادَهُ بَسطَةً فِی العِلمِ وَ الجِسم»؛(۱) «گفت: خداونـد او را بر شـما برگزید و او را در علم و قدرت جسم وسعت بخشید.»

قیام بزرگ امام مهدی علیه السلام دارای این شرط هست. زیرا رهبر این حرکت عظیم و جنبش بزرگ جهانی، شخصیتی است که در دامان امامت پرورش یافته و به سرچشمه ی وحی متصل است و به قرآن و معارف دینی احاطه ی کامل دارد، میراث دار علوم انبیای گذشته بوده و مورد تأیید الهی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«آگاه باشید که مهدی علیه السلام وارث تمام علوم است و بر تمام دانش ها احاطه دارد.»(۲)

ج) یاران

یکی از شـرایط مهم برای پیروزی و به ثمر نشسـتن یک خیزش و انقلاب، وجود یاران و فدائیان جان بر کفی است که با برنامه و اهداف قیام آشـنا و به آن ها اعتقاد داشـته باشند، و برای به فعلیت رساندن آنها آماده ی هر گونه تلاش و جان فشانی بوده و بـا تمـام وجود به یاری رهبرشان همّت گمارنـد و در این راه از هیـچ کوششـی دریغ نورزنـد. روشن است که بـدون یار و یاور نباید منتظر حرکت و اقدامی بود. هرچند برنامه و رهبر آماده باشد.

حضـرت عیسـی علیه السـلام برای پیشبرد دین و اهـداف مقـدّس الهی خود که همان دعوت به سوی خدا و حرکت به سوی او بود، سخن یاری سر داد که:

۱- بقره (۲)، ۲۴۷.

۲- طبرسی نوری، نجم الثّاقب، ص ۱۹۳.

«مَن أنصـاری إلی اللهِ قـالَ الحَواریونَ نَحنُ أنصـارُ اللهِ»؛(۱) «کیست یـاور من به سوی خـدا گردد؟ حواریون گفتنـد: مـا یـاوران خداییم».

از طرفی مگر می توان داسـتان صـلح امام حسن علیه السلام را که به خاطر جدایی یاوران از ایشان، بر آن بزرگوار تحمیل شد، فراموش کرد؟

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به ایشان عرض کرد: فدایتان گردم، به خدا قسم من، شما و هر کس دوستدار شماست را دوست دارم. ای سـرورم چه قدر شـیعیان شـما زیاد است. امام فرمودند: «آنان چند نفرند؟» گفت: بسـیار زیاد. امام فرمودند: «می توانی آنان را بشماری؟» گفت: تعدادشان بیشتر از این هاست. امام فرمودند:

«أما لَو کَمُلَتِ العِدَّهُ المَوصُوفَهُ ثَلاثُمِائهٍ وَ بِضـعَهَ عَشَرَ کانَ الّذِی تُرِیدُونَ»؛ «آگاه باش هرگاه آن تعداد وصف شده، سیصد و ده نفر و اندی کامل شود، آن گاه، آن چه شما می خواهید، خواهد شد.»(۲)

بنابراین با نگاهی گـذرا به تاریخ به خوبی می توان نقش و جایگاه یاوران را در حرکت ها و خیزش ها دریافت، به راستی چرا غیبت به وجود آمـد؟ اگر مردم دست از یـاری اهـل بیت علیهم السـلام بر نمی داشـتند و آن هـا را تنها نمی گذاشـتند آیا ما از فیض امام بی بهره می ماندیم؟

بـا توجّه به روایات این نکته روشن می شود که همان گونه که عـدم همراهی غیبت ساز است، همراهی و یاوری، ظهور آفرین خواهـد بود. امـام مهـدی علیه السـلام برای قیـام خود یاور می خواهنـد، همراهانی فـداکار و جان برکف، درد آشـنا و ایثارگر، یاورانی که تاب و تحمّل سختی ها را دارند و تحت هیچ شرایطی امام خود را تنها نمی گذارند.

د) آمادگی و پذیرش عمومی

یکی دیگر از شـرایط بسـیار مهم برای تحقّق و پیروزی یک قیام و انقلاب، پذیرش مردمی است. باید مردم بخواهند و بپذیرند؛ چرا که اگر بهترین برنامه را برگزیـده و رهبری عالم و توانا، با یارانی بی نظیر و از جان گذشـته بخواهـد در جامعه قوانین پیاده کند ولی مردم آن را پذیرا نباشند قطعاً به انجام نخواهد رسید. و این به آن جهت است که خداوند انسان ها را آزاد آفرید و

۱- آل عمران (۳)، ۵۶.

۲- نعمانی، غیبت، ب ۱۲، ح ۴.

به آنان حق انتخاب داد و ایشان را بر سرنوشتشان مسلّط و حاکم گردانید. اگر حکومت اسلامی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه ایجاد شد بدان جهت بود که مردم یثرب آن را خواستند و روزها، انتظار مقدم مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را کشیدند تا آن یگانه ی دوران و رحمت واسعه ی الهی شهر مدینه را به نور خود روشن و حاکمیت الهی را اعلام نمود.

و اگر ما نیز به دنبال تحقّق حکومت مهدوی هستیم تا در پناه آن به بالاترین درجات رشد و کمال دست یابیم، باید ایشان را بر دیگران ترجیح دهیم. و با تمام وجود برای استقرار حکومتشان تلاش کنیم. امام مهدی علیه السلام می فرمایند:

«وَ لَو أنَّ أشیاعَنا وفَّقَهُمُ اللهُ لِطاعته عَلی اجتِماعِ القلوبِ فی الوفاءِ بالعَهدِ عَلَیهِم لمّا تأخَّر عَنهُمُ الیُمنَ بِلِقائنا»؛(۱) «اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد در راه ایفای پیمانی که بر عهده دارند همدل شوند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد.»

بر همین اساس است که وقتی بشیر به امام باقر علیه السلام عرض کرد: «إنَّهُم یَقولونَ إنَّ المَهدی لَو قامَ لَاستَقامَت لَهُ الاُمورِ عَفواً»؛ «آنان می گویند که مهدی اگر قیام کند کارها، به خودی خود برای او برقرار می شود»، امام در پاسخ فرمودند:

«کلّا و الّذی نَفسی بِیَدِهِی لَوِستَقامَت لِأحَدٍ عَفواً لَاستقامَت لِرَسولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم ... .»؛ «هرگز چنین نیست. سوگند به آن که جانم به دست اوست اگر کارها به خودی خود برای کسی برقرار و رو به راه می شد مسلّماً برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین می شد ... .»(۲)

پس بر همه ی دوستداران و ارادتمندان است تا با تلاش و کوشش و برنامه ریزی مناسب، آمادگی برای ظهور آن بزرگ منجی را ایجاد کنند.

با توجّه به چهار شرط ذکر شده روشن می شود که دو شرط برنامه و رهبر مهیا و فراهم است و وجود یاران و آمادگی عمومی، وابسته به تلاش و حرکت مردم و شیعیان است.

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۶۰۰، ش ۳۶۰.
۲- نعمانی، غیبت، ب ۱۵، ح ۲.

نشانه های ظهور

اشاره

ظهور و قیام و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام نشانه هایی دارد. دانستن این علایم، آثار مهمی در پی خواهد داشت، چرا که این نشانه ها نویـدبخش فرج مهدی آل محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم است و وقوع هر یک از آن ها نور امید را در دل های منتظران پرفروغ تر خواهد کرد.

همچنین این نشانه ها معیار خوبی برای تشـخیص مدعیان دروغین مهدویّت است. بنابراین اگر کسـی ادعای مهدویّت کرد ولی قیام او همراه با این نشانه ها نبود، به سادگی می توان به دروغ گو بودن او پی برد.

نشـانه های ظهور به دو دسـته تقسـیم می شونـد: نشانه های حتمی و نشانه های غیر حتمی. چنان که فضـیل بن یسار از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمودند:

«إنَّ مِنَ الْأُمورِ أموراً مَوقوفَةً وَ أموراً محتومةً وَ أنَّ السُّفیانی مِنَ المحتوم الّـذی لابُـدَّ منهُ»؛(۱) «به درستی که بعضی از امور، امور موقوف (غیر حتمی) هستند و بعضی امور حتمی و به درستی که سفیانی از امور حتمی است که چاره ای از آن نیست.»

۱- نشانه های حتمی

اشاره

منظور از نشانه های حتمی آن است که تحقق پدیـدار شـدن آن ها، بـدون هیـچ قیـد و شـرطی، قطعی و الزامی خواهـد بود، به گونه ای که تا آن ها واقع نگردنـد، حضـرت مهـدی علیه السـلام ظاهر نخواهـد شد و اگر کسـی پیش از واقع شدن نشانه های حتمی، ادعـای ظهور حضـرت مهـدی علیه السـلام را بکنـد، ادّعایی است نادرست. از روایات معصومین، اسـتفاده می شود که منظور از «حتمی» امری قطعی و مسلم است که خداوند تغییر و تبدیل آن ها را اراده نکرده است.(۲)

البته بایـد توجه داشت که حتمی و یـا مسـلم بودن وقوع این نشـانه هـا، به این معنی نیست که پدیـد نیامـدن آن ها محال است، بلکه به حسب فراهم بودن شرایط و مقتضیات و نبودن بازدارنده ها، پدید آمدن آن ها، اگر خداوند اراده کند، قطعی است.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

۱- نعمانی، غیبت، ص ۴۲۹.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

«پیش از ظهـور قـائم علیـه السـلام پنـج نشـانه ی حتمی است؛ یمـانی، سـفیانی، صـیحه ی آسـمانی، قتـل نفس زکیه، و خسـف بیدا.»(۱)

الف) خروج سفیانی

سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که اندکی پیش از ظهور از سرزمین شام قیام می کند. امام صادق علیه السلام در توصیف او می فرمایند:

«اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین مردم رامشاهده کرده ای.»(۲)

آغاز قیام او در ماه رجب است. وی پس از تصرف شام و مناطق اطراف آن به عراق حمله می کند در آن جا به کشتار گسترده ای دست می زند و با دشـمنان خود به شـکل فجیعی رفتار می کند. او لشـکری را برای مقابله با حضـرت مهدی علیه السلام به حجـاز می فرسـتد که لشـکرش در منطقه ی بیـدا فرو می رود و همه ی لشـکریانش نـابود می گردنـد. حکومت او به گونه ای است که شـیعیان و انسان های درست کردار از حاکمیت وی در رنج و عذاب هسـتند.(۳) براساس بعضی روایات، از خروج تا کشته شدن او پانزده ماه طول می کشد.

ب) خسف بیداء

خسـف به معنـای فرو رفتن است و بیـداء منطقه ای میـان مکه و مـدینه است. مقصود از خسف بیـدا این است که سـفیانی برای مقـابله بـا امـام مهـدی علیه السـلام لشـکری به سـمت مکه روانه می کنـد. هنگامی که لشـکر او به منطقه ی بیـدا می رسـد، به صورتی معجزه آسا در زمین فرو می رود.

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده اند:

«به فرمانده ی سپاه سفیانی خبر می رسد که مهدی علیه السلام به سوی مکه رفته است، پس لشکری در پی او روانه می کند ... چون لشـکر سـفیانی به سـرزمین بیدا رسید، ندا دهنده ای از آسمان آواز می دهد: ای سرزمین بیدا، آنان را نابود کن. پس آن سرزمین لشکر را در خود فرو می برد.»(۴)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۶۵۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۷ .

۳- کنز العُمّال، ج ۱۴، ص ۲۷۲.

۴- نعمانی، غیبت، ص ۲۸۹.

امام علی علیه السلام نیز در تفسیر آیه ی ((وَ لَو تری إذ فَزَعوا فَلا فَوتَ وَ أَخِذوا مِن مکانٍ قَریب))(۱) می فرمایند:

«قبیلُ قائمنا المهدی یخرُجُ السّفیانی ... و یأتِی المدینهِ جَیشَهً حَتّی إذا النتهی إلی البیداءِ خسفَ اللهِ به»؛(۲) «در آستانه ی ظهور قائم ما مهدی علیه السلام ، سفیانی خروج می کند ... سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می رسند، خداوند آن ها را در کام زمین فرو می برد.»

ج) خروج یمانی

یکی دیگر از علامّت ها ی حتمی ظهور، خروج یمانی است. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«وَ الیمانی مِن المَحتوم»؛(۳) «یمانی از علایم حتمی است.»

وی که گویا مردی از یمن است، هم زمان با خروج سفیانی از شام قیام می کند و مردم را به حق و راستی و عدالت دعوت می کند. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که:

«خروج السّفیانی و الیمانی و الخُراسانی فی سَنَهِ واحدهِ ... و لیسَ فی الرّایاتِ رایهٌ أهدَی مِن رایهِ الیمانی»؛(۴) «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال است ... و در میان پرچم ها، هدایت کننده تر از پرچم یمانی نیست.»

همچنین در جایی دیگر می فرمایند:

«... در میان بیرق هایی که قبل از قیام مهدی علیه السلام بلند می شود، پرچمی هدایت کننده تر از پرچم یمانی وجود ندارد. آن پرچم هدایت است، چون به سوی صاحب شما (امام مهدی علیه السلام) دعوت می کند.»(۵)

ص:۲۱۲

۱- سبأ (۳۴)، ۵۱.

۲- قندوزی، ینابیع الموده، ص ۴۲۷.

۳- نعمانی، غیبت، ص ۲۵۲.

۴- نعمانی، غیبت، ب ۱۴، ح ۱۳.

۵- نعمانی، غیبت، ص ۲۸۴.

د) صیحه ی آسمانی

یکی دیگر از نشانه هایی که پیش از ظهور اتفاق می افتد، صیحه ی آسمانی است. این ندای آسمانی که براساس بعضی از روایات ندای جبرئیل علیه السلام است، در ماه رمضان شنیده می شود و از آن جا که قیام امام مهدی علیه السلام قیامی جهانی است و همگان منتظر آن هستند، یکی از راه های آگاهی مردم جهان از این رویداد، همین ندای آسمانی خواهد بود. در روایات غیر از صیحه، از تعابیری چون ندا، صوت، فَزعَه و ... نیز استفاده شده است. آن چه از روایات به دست می آید این است که:

۱- وقوع آن بشارت ظهور را به همراه خواهد داشت و به گونه ای خواهد بود که مردم را متوجه ظهور خواهد کرد.

۲- محتوا و مضمون دعوت، بیان حقّانیّت و ظهور دادگستر الهی، حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود به گونه ای که مردم به درستی آن را درک کرده و متوجه آن می شوند که وی همان موعود و منجی حقیقی می باشد.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«ینادی منادٍ منَ السّماءِ باسمِ القائِم علیه السلام فَیسمَعُ مَن بالمشرقِ وَ مَن بالمغرِب، لایبقی راقِدٌ إلّا استَیقَظَ و لاقائِمٌ إلّا قَعَدَ وَ لا قاعِدٌ إلّا قامَ عَلی رِجلَیهِ فَزَعاً مِن ذلک الصّوتِ، فَرَحِمَ اللهُ مَنِ اعتَبَرَ بذلک الصّوتِ فَأجابَ فإنَّ الصوتَ الأوّل هوَ صَوتُ جبرئیلَ الرّوحُ الأمینِ»؛(۱) «ندا کننده ای از آسمان، نام قائم را ندا می کند. پس هر که در شرق و غرب است، آن را می شنود. از وحشت این صدا، خوابیده ها بیدار، ایستادگان نشسته و نشستگان بر دو پای خویش می ایستند. رحمت خدا بر کسی که از این صدا عبرت گیرد و ندای وی را اجابت کند، زیرا صدای نخست صدای جبرئیل روح الأمین است.»

۱- نعمانی، غیبت، ص ۲۵۴.

همچنین امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«إذا نادی منادٍ منَ السّماءِ أنَّ الحقَّ فی آل محمّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فعندَ ذلکَ یظهَرُ المهدی علی أفواهِ النّاسِ و یشرَبونَ حُبَّهُ و لا یکونَ لهم ذکر غیره»؛(۱) «هرگاه ندا دهنده ای از آسمان صدا بزند که حق با اولاد محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، آن هنگام، ظهور مهدی علیه السلام بر سر زبان ها می افتد، به گونه ای که غیر از او یاد نمی کنند.»

درباره ی محتوای این ندای آسمانی روایات مختلفی رسیده است. از جمله این که امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«ندا دهنده ای از آسمان به نام قائم علیه السلام و نام پدرش آواز می دهد.»(۲)

ه) قتل نفس زکیه

نفس زکیه به معنای شخصی است که به رشد و کمال رسیده یا انسان پاک و بی گناهی است که قتلی مرتکب نشده. در قرآن کریم حضرت موسی علیه السلام در اعتراض به کار حضرت خضر علیه السلام می فرمایند:

«أقَتَلتَ نَفساً زَکِیةً بِغَیرِ نفسٍ»؛(۳) «آیا جان پاکی را بی آن که قتلی انجام داده باشد، می کشی».

مقصود از قتل نفس زکیه این است که اندکی پیش از قیام امام مهدی علیه السلام ، شخصیّت برجسته یا بی گناهی به دست مخالفان حضرت کشته می شود. زمان این رخداد بر اساس بعضی از روایات پانزده شب پیش از قیام امام مهدی علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

«بین قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و کشته شدن نفس زکیه تنها پانزده شب فاصله است.»(۴)

ص:۲۱۴

۱- تاریخ ما بعد الظهور، ص ۱۷۶.
۲- تاریخ ما بعد الظهور، ص ۱۸۷.
۳- کهف (۱۸)، ۷۴.
۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۴.

۲– نشانه های غیر حتمی

منظور از نشانه های غیر حتمی، اموری است که رخ دادن آن ها قطعی نیست و ممکن است به دلیل عدم تحقّق شرایط یا ایجاد مانع، به وقوع نپیوندند.

نشانه های غیر حتمی بیان شده در روایات فراوان است که برخی از آن ها عبارتند از:

خروج دجال (موجودی پلید و حیله گر که بسیاری از انسان ها را گمراه می کند)، خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی در ماه مبارک رمضان، آشکار شدن فتنه ها و قیام مردی از خراسان.

ص:۲۱۵

پرسش

۱- تفاوت های علایم ظهور و شرایط برپایی قیام را نام برید؟

۲- کدام یک از شرایط قیام حضرت محقّق شده است؟

۳- از دیدگاه امام باقر علیه السلام نشانه های ظهور بر چند دسته اند و تفاوت هر دسته را بیان کنید؟

۴- چند نمونه از علایم غیر حتمی را با توجه به روایات بیان کنید؟

عرصه های پژوهش

۱- شناسایی شرایط ظهور حضرت در جهان معاصر و گسترش آن ها.

۲- موانع قیام حضرت در عصر غیبت.

۳- قرآن کریم و نشانه های ظهور.

۴- سفیانی از ظهور تا افول.

۵- پژوهشی پیرامون شخصیّت «یمانی» و نقش آن در قیام حضرت مهدی علیه السلام .

۶- نقش «نفس زکیه» و «سید خراسانی» در قیام امام مهدی علیه السلام .

۷- راه های آشنا کردن اجتماع با حضرت علیه السلام و اهداف ایشان.

۸- شیوه های یاری امام زمان علیه السلام .

ص:۲۱۶

معرفی منابع

۱- نشانه های ظهور او، محمد خادمی شیرازی.

۲- عصر ظهور، علی کورانی.

۳- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، صص ۲۶۹ _ ۲۷۹.

۴- چشم به راه مهدی، مقاله بررسی نشانه های ظهور، اسماعیل اسماعیلی.

۵- نشانه های ظهور امام زمان علیه السلام ، سید بن طاووس.

۶- تاریخ عصر غیبت، سید محمد باقر صدر.

۷- سفیانی از ظهور تا افول، نصرالله آیتی.

۸- پیشامدها و نشانه های آخرالزّمان، ترجمه ی ملاحم و الفتن، سید رضی الدین علی بن طاووس (ره)، مترجم حجّت الاسلام صادق حسن زاده.

ص:۲۱۷

درس سیزدهم: حکومت

اشاره

درس سیزدهم: حکومت(۱)

ü هدف تشکیل حکومت

ü برنامه های حکومت

ü دستاوردهای حکومت

ü ویژگی های حکومت

ص:۲۱۹

۱- برگرفته از کتاب نگین آفرینش، حائری پور، یوسفیان، بالادستیان (با اندکی تصرّف).

أینَ المُؤَمَّلُ لِإحیاءِ الکِتابِ و حُدوده ...

اداره ی سرزمینی به گستردگی دنیا، کار دشواری است که تنها با برخورداری از رهبری الهی و کارگزارانی دلسوز و معتقد به نظام الهی و حاکمیت اسلام امکان پذیر است. آری امام علیه السلام برای اداره ی سرزمین ها افرادی را می گمارد که به غیر از مصالح اسلام و خشنودی خداوند، به چیز دیگری نمی اندیشند. روشن است، کشوری که مسئولانش دارای این ویژگی ها باشند، بر دشواری ها پیروز شوند و ویرانی های حکومت های پیشین با موفقیت به آبادانی تبدیل می گردد.

از سویی مردم جهان، دولت ها، احزاب و سازمان های بسیاری را دیده اند که مدعی بوده اند، اگر زمام امور را به دست گیرند، می توانند به جهان و جهانیان خدمت کنند و آرامش و امنیّت را به ارمغان آورند، ولی در عمل هر کدام از دیگری بدتر رفتار کردند و جز فساد و کشتار و ویرانی چیزی به ارمغان نیاوردند.

هدف تشکیل حکومت

حکومت جهانی امام عصر علیه السلام در پی فراهم آوردن زمینه های بندگی خداوند منان، رشد معنوی جامعه و رساندن انسان به سر حدّ کمال می باشد. اهمیّت و زیبایی حکومت امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف در خداجویی و اعتلای کلمه ی توحید است. بسیاری از روایات به زنده شدن انسان و جهان در پرتو انوار حیات بخش نهضت مهدوی بشارت داده و این موضوع را یکی از ویژگی های بارز این نهضت برشمرده اند. همان گونه که در قرآن کریم نیز آمده است:

((یا ایها الّذِینَ ءَامَنُوا استَجِیبُوا للهِ و لِلرّسولِ إذا دَعاکُم لِما یحییکُم))؛(1) ای گروه

ص:۲۲۰

۱- انفال (۸)، ۲۴.

مؤمنان! آن گاه که خداوند و پیامبر، شما را فرا می خوانند به سوی آن چه شما را زنده می کند، آن ها را اجابت کنید و به ندای آن ها لبیک گویید.»

در روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده، آن حضرت پس از اشاره به آیه ی شریفه ی((إعلَمُوا أنّ الله یحیی الأرضَ بَعدَ مَوتِها قد بَینا لکُم الایاتِ لَعَلَّکُم تَعقِلون))؛(۱) بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. به راستی آیات خود را برای شما روشن گردانیده ایم، باشد که بیندیشید. می فرمایند:

«یعنی بِمَوتِها کُفرَ أهلِها و الکافِرُ مَیتٌ، فَیحییها اللهُ بِالقائمِ علیه السلام فَیعدِلُ فیها فَیحیی الأرضَ و یحیی أهلَها بَعدِ مَوتِهِم»؛(۲) «منظور از مردن زمین، کفر ورزیدن اهل آن است و کافر مرده است، پس خداوند آن را به ظهور حضرت قائم علیه السلام زنده خواهد کرد. پس او در رمین عدالت می ورزد، زمین را زنده می سازد و اهل آن را پس از مرگشان زنده می کند.»

در زیارت حضرت صاحب الزّمان علیه السلام در روز جمعه نیز از آن امام به عنوان سرچشمه ی زندگی یاد شده و آمده است: «السلامُ عَلَیکَ یا عَینَ الحَیوهِ»؛ «درود بر تو ای سرچشمه ی زندگی.»

و در دعای ندبه نیز از امام عصر علیه السلام به عنوان زنده کننده ی کتاب خدا و حدود آن و همچنین زنده کننده ی آثار دین و دین باوران یاد شده است:

«أینَ المُؤَمِّلُ لِإحیاءِ الکِتابِ و حُدودِهِ، أینَ مُحیی مَعالِمِ الدِّینِ و أهلِهِ»؛ «کجاست آن که برای زنده کردن کتاب و حدود آن به او امید بسته شده؟ کجاست زنده کننده ی آثار دین و دین باوران؟»

حال با مشخص شدن نقش امام زمان علیه السلام در تحقق حیات معنوی انسان ها می توان به تصوری روشن از چگونگی تحقق حیات طیبه در عصر ظهور رسید. چون در آن عصر که عصر تجلی کامل ولایت الهی است، خداوند متعال به برکت وجود حضرت ولی عصر علیه السلام همه ی حجاب ها و موانعی را که پیش روی انسان ها وجود دارد برمی دارد و آن ها را به مراتب بالای ادراک، آگاهی و ایمان نائل می سازد تا جایی که همه ی مظاهر شرک، کفر، گناه، ظلم و

۱- حدید (۵۷)، ۱۷.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۶۸.

بی عدالتی از زمین رخت برمی بندد و این جاست که آن حیات پاکیزه که انسان ها قرن ها به دنبالش بودند، محقق شده و آدمی امکان نیل به مراتب عالی کمال را پیدا می کند.

برنامه های حکومت

اشاره

پس از آشنایی با هدف حکومت، باید به بررسی برنامه های حکومت برای رسیدن به آن هدف بپردازیم. با استفاده از روایات فراوانی که درباره ی دوران حکومت امام علیه السلام موجود است، سه محور عمده ی برنامه های آن حکومت عبارتند از برنامه های فرهنگی، برنامه های اقتصادی و برنامه های اجتماعی.

الف) برنامه ی فرهنگی

اشاره

در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام تمامی فعالیت های فرهنگی، در مسیر رشد و تعالی علمی و عملی مردم خواهد بود و با جهل و نادانی در همه ی زمینه ها مقابله خواهد شد. مهم ترین برنامه های فرهنگی در حکومت حضرت عبارتند از:

۱. احیای کتاب و سنت

امام علی علیه السلام در بیانی رسا حکومت قرآنی امام مهدی علیه السلام را چنین توصیف کرده اند:

«... یعطِفُ الهوی علی الهُدی إذا عَطَفوا الهُدی علی الهوی، و یعطِفُ الرأی علی القرآن إذا عَطَفوا القرآنُ عَلی الرأی ...»؛(۱)
«در روزگاری که هوای نفس حاکم است، امام مهدی علیه السلام ظهور می کند و هدایت و رستگاری را به جای هوای نفس می نشاند و در عصری که نظر شخصی بر قرآن مقدم شده است، افکار را به قرآن توجه می دهد و آن را بر جامعه حاکم می کند.»

۲. گسترش معرفت و اخلاق

حکومت امام مهدی علیه السلام که حکومت خدا و ارزش های الهی بر جهان است، ترویج ارزش های اخلاقی را در رأس برنامه های خود قرار خواهد داد.

۱- سید رضی، نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«اذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ یَدَهُ عَلی رؤُوسِ العِباد فَجَمَعَ بِها عُقوُلَهُم و کمُلَت بِها اخْلاقَهُم»؛(۱) «زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر بندگان خواهد نهاد، پس عقل ها و اخلاق ایشان را به کمال خواهد رساند.»

۳. نهضت علمی

از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«... تاسِعَهُم قائِمَهُم الّذی یملَأُ الله ــ عزّوجَل ــ بِهِ الأرض نوراً بَعدَ ظُلمَتِها وَ عَدلاً بَعدَ جَورِها وَ عِلماً بَعدَ جَهلِها ...»؛(۲) « ... نهمین امام از فرزندان امام حسین علیه السلام قائم ایشان است که خداوند به دست او همه ی زمین را از روشنایی پر می کند، پس از آن که گرفتار تاریکی شده است و تمام زمین را از عدالت و دادگری سرشار می کند، پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد و سراسر عالم را از علم و دانایی بهره مند می کند پس از آن که به جهل و نادانی گرفتار آمده باشد ....»

۴. مبارزه با بدعت ها

بدعت در مقابل سنت و به معنی نوآوری در دین و داخل کردن اندیشه ها و آرای شخصی در دین و دینداری است. امام علی علیه السلام در معرفی بدعتگذاران میفرمایند: «بدعت گذاران کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش مخالفت می ورزند و براساس رأی و هواهای نفسانی خود عمل می کنند.»(۳)

امام باقر علیه السلام در توصیف زمان ظهور آن حضرت می فرمایند:

«... و لایترک بِدعهٌ الا أزالُها وَ لا سُنَّهً الا أقامَها ...»؛(۴) «هیچ بدعتی را وا نگذارد مگر این که آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی گذرد مگر این که آن را بر پا خواهد فرمود.»

۱– علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۳۶.

۲– علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶ ، ص ۲۵۳.

۳– محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ح ۱۶۳۲.

۴– علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸ ، ح ۱۱.

ب) برنامه ی اقتصادی

اشاره

در حکومت قرآنی حضرت مهدی علیه السلام برای اقتصاد جهان و مردم آن برنامه ی مطلوبی تدوین شده است که براساس آن اولاً امر تولید سامان می یابد و از منابع طبیعی و مواهب خدایی بهترین بهره برداری می شود و ثانیاً ثروت به دست آمده به شکل عادلانه بین همه ی طبقات توزیع می شود.

۱. بهره وری از منابع طبیعی

در زمان حاکمیت آخرین حجّت حق، همه ی زمین و امکانات آن در اختیار امام خوبان قرار می گیرد تا سرمایه ای کلان برای پی ریزی اقتصادی سالم فراهم شود.

امام علی علیه السلام فرموده اند:

«... و لوْ قَد قامَ قائِمنا لانزلت السماء قطرها وَ لاخْرجَت الارْض نباتِها ...»؛(۱) « ... و چون قائم ما قیام کند، آسمان باران می ریزد و زمین گیاه بیرون می آورد ... .»

۲. توزیع عادلانه ی ثروت

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«اذا قامَ قائِم اهْل البَیْت قسم بِالسویه وَ عدل فِی الرَّعیه»؛(۲) «وقتی قائم خاندان پیامبر قیام کند (اموال را) به تساوی تقسیم و میان خلق به عدالت رفتار می کند.»

ره آورد این مساوات در سطح جامعه آن است که فقر و تهی دستی ریشه کن می شود و فاصله های طبقاتی از بین می رود.

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«... امام مهدی علیه السلام میان مردم به مساوات رفتار می کند، به گونه ای که کسی پیدا نشود که نیازمند زکات باشد.»(۳)

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰ ، ص ۱۰۴.

۲- نعمانی، غیبت، ح ۲۶، ص ۲۴۲.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۹۰.

۳. عمران و آبادانی

در حکومت امام مهدی علیه السلام که امر تولید و توزیع ساماندهی می شود، همه جا به نعمت و آبادانی می رسد.

امام باقر علیه السلام در توصیف روزگار امام مهدی علیه السلام می فرمایند:

«... فلا یبقی فی الارْضِ خراب الا عمُرِّ ...»؛(۱) «در تمام زمین هیچ ویرانه ای نمی ماند جز این که آباد می شود.»

ج) برنامه ی اجتماعی

اشاره

در حکومت دادگستر بزرگ عالم، برای سامان بخشی اجتماع، برنامه هایی براساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام در نظر گرفته شده است که به سبب اجرای آن ها، محیط زندگی زمینه ای آماده برای رشد و تعالی افراد خواهد بود.

۱. احیا و گسترش امر به معروف و نهی از منکر

از بهترین و والاترین مراتب امر به معروف و نهی از منکر آن است که رییس حکومت و کارگزاران آن، امر کننده ی به خوبی ها و باز دارنده از زشتی ها باشند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«المَهدِی و اصْحابِهِ ... یأمُرُوْنَ بالمَعْرُوْفِ و یَنْهَوْنَ عَنِ المُنْکر»؛(۲) «مهدی و یاران او امر به معروف و نهی از منکر می کنند.»

۲. مبارزه با فساد و رذایل اخلاقی

در دعای ندبه که آهنگ فراق و نوای جدایی از یار غایب است، می خوانیم:

«أیْنَ طامِس آثارِ الزّیْغ و الأهْواء ایْنَ قاطِع حَبائِل الکذْب و الإفْتِراء »؛ «کجاست آن که ریسمان های دروغ و افترا را خواهد گسیخت؟ کجاست آن که آثار گمراهی و هوی و هوس را نابود خواهد کرد؟»

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۳. اجرای حدود الهی

در حکومت امام مهدی علیه السلام با کسانی که راه تجاوز به حقوق دیگران و زیر پا گذاشتن احکام الهی را می پیمایند و چارچوب قانون را نمی پذیرند، به گونه ای شدید مقابله می شود تا سد راه تبهکاری آن ها شود و آن اجرای حدود الهی درباره ی مفسدان است.

در روایتی از حضرت جواد علیه السلام ، در ضمن بیان خصوصیات امام مهدی علیه السلام آمده است: «او حدود الهی را اقامه (و اجرا) خواهد کرد.»(۱)

۴. عدالت قضایی

حاکمیت عدل گستر امام مهدی علیه السلام پایان همه ی ظلم ها و نهایت همه ی حق کشی هاست. او که مظهر عدالت پروردگار است، محکمه هایی دادگستر ایجاد می کند و قاضیانی صالح و مجریانی دقیق و خداترس می گمارد تا به هیچ کس، در هیچ جای عالم کمترین ستمی نرود.

امام رضا علیه السلام فرموده اند:

«فَاذا خَرَج اشْرقتِ الارْضُ بِنوُرِ رَبّها وَ وَضَع مِیزان العَدْل بَیْن النّاس فَلا یَظْلم أحدُ ابَداً»؛(۲) «وقتی او قیام کند، زمین به نور پروردگار روشن شود و آن حضرت ترازوی عدالت در میان خلق نهد، پس (چنان عدالت را جاری کند که) هیچ کس بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.»

دستاوردهای حکومت

اشاره

دستاوردهای انقلاب عظیم امام مهدی علیه السلام با آن هدف واقعی و اصیل و همچنین برنامه هایی که براساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام تنظیم شده، بسیار چشمگیر و قابل توجه است و در یک جمله باید گفت دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام پاسخ گوی تمام نیازهای معنوی و مادی بشر است که خداوند متعال در وجود انسان به امانت نهاده است.

۱- عدالت فراگیر

بزرگ ترین زخم پیکر جامعه ی بشری در طول تمامی قرون و اعصار گذشته، ظلم و ستم

ص:۲۲۶

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۴، باب ۲۷.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۲۱.

موجود در اجتماعات انسانی بوده است. و انسان همیشه در آرزوی دست یافتن به عدالت و مساوات روز شماری کرده و رسیدن به دوران شکوفایی عدالت را به انتظار نشسته است.

نهایت این انتظار، دوران سبز حکومت امام مهدی علیه السلام است. جالب است دانسته شود که عدالت و دادگری از آشکارترین دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام است، به گونه ای که در بعضی دعاها به آن لقب گرفته اند:

«اللهُمَّ وَ صلِّ علی وَلیِّ امْرِک القائِم المؤمل وَ العَدل المُنتَظر»؛(۱) «خداوندا! به ولیّ امر خود درود فرست. همان که قیام کننده ی آرمانی و عدالتی که همگان انتظارش را می کشند.»

از بررسی روایاتی که در زمینه ی ویژگی های حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام وارد شده، چنین برمی آید که در آن عصر، جهان با همه ی وسعتش در دایره ی حاکمیت عدل مهدوی قرار گرفته و هیچ جای جهان از حوزه ی نفوذ عدالت موعود خارج نمی ماند.

فراگیری عدالت و گسترش آن به حدّی است که امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«أمّا و اللهُ لَیدخلنَّ (القائم) علیهم عدلهُ جوفَ بُیوتَهُم کَما یدخُلُ الحرُّ و القَرُّ»(۲) «به خدا قسم، عدالت را در خانه های مردم خواهد برد آن چنان که سرما و گرما به درون خانه ها نفوذ می کند.»

۲- رشد فکری و اخلاقی و ایمانی

همه گیر شدن عدالت در جامعه، به سبب تربیت صحیح افراد و رواج فرهنگ قرآن و عترت در جامعه است و در روایات ما به رشد فکری و اخلاقی و ایمانی مردم در حاکمیت امام مهدی علیه السلام تصریح شده است.

زنان نیز در آن دوران سعادت بار، در شناخت مبانی دین به پایگاه بلندی می رسند. همان طور که امام باقر علیه السلام می فرمایند:

۱- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

«وَ تؤتونَ الحِکمَهَ فی زمـانِهِ حَتّی أنَّ المرأه لَتَقضـی فی بَیتِهـا بکتـابِ الله تعالی و سُـنَّهِ رسولِ الله صـلی الله علیه و آله »؛[(۱)] «در زمـان حکومت امام مهـدی علیه السـلام به همه ی مردم حکمت و علم بیاموزنـد تا آن جا که زنان در خانه ها، با کتاب خـدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت کنند.»

۳- اتحاد و همدلی

بر اساس روایات، جمعیتی که تحت حاکمیت جهانی امام مهدی علیه السلام به سر می برند، با هم متحد و صمیمی خواهند بود و در زمان برپایی دولت مهدوی، جایی برای کینه و دشمنی به یکدیگر در دل های بندگان خدا نخواهد ماند.

امام صادق علیه السلام در وصف روزگار سبز مهدوی فرموده است:

«و یؤلّف بَیْن قُلوُب مُخْتلفَه ...»؛[(۲)] «در آن ایام، خداوند وحدت و الفت بین قلوب پریشان و پراکنده برقرار می کند.»

۴- سلامت جسمی و روانی

در دولت کریمه ی مهـدوی که روزگار عدالت گستری و حکومت فضیلت ها و زیبایی هاست، بیماری های جسـمی و روانی انسان از بین می رود.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند:

«هنگـامی که حضـرت قائم علیه السـلام قیام کنـد، خداونـد بیماری ها را از مؤمنان دور می کنـد و تنـدرستی را به آنان باز می گرداند.»[(۳)]

۵- خیر و برکت فراوان

در بهار دولت امام زمان علیه السـلام همه جا سبز و خرم می شود و نشاط و حیات می یابد. آسمان می بارد و زمین می رویاند و برکات الهی سرشار و بی شمار می شود.

۱- نعمانی، غیبت، ص ۲۳۹.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۴۸.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

به فرموده ی امام صادق علیه السلام :

«... خداونـد به سـبب او (امام مهدی علیه السـلام) برکات آسـمان ها و زمین را جاری می کند. (در ایام دولت او) آسـمان می بارد و زمین دانه می دهد».(۱)

۶- ریشه کن شدن فقر

وقتی همه ی منابع زمین برای امام مهـدی علیه السـلام آشـکار شود، و برکات آسـمان و زمین بر مردم زمان او بی دریغ جریان یابد و اموال بیت المال مسلمین به عدالت تقسیم شود، جایی برای فقر و تهی دستی نمی ماند.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«... امام مهدی علیه السـلام هر سال دو بار به مردم می بخشد و در هرماه دو بار به آن ها روزی (و نیاز زندگی) عطا می کند و در این کار به مساوات بین مردم عمل می نمایـد تا آن جا که به دلیل بی نیازی مردم، هیـچ نیازمنـدی به زکات پیـدا نمی شود ...»(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف روزگار دولت مهدی علیه السلام فرموده اند:

«... خداوند (روح) بی نیازی را در دل های بندگان قرار می دهد.»(۳)

۷- حاکمیت اسلام و نابودی کفر

قرآن کریم در سه جا وعده داده است که خداوند متعال دین مقدس اسلام را جهان گیر خواهد کرد:

((هُوَ الَّذی أرْسلَ رسوُله بِالهُـدی وَ دِینِ الحَق لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کلِّه ...))؛(۴) «او خـدایی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان پیروز گرداند ....».

و شـکی نیست که وعـده ی خداونـد محقق شـدنی و تخلف ناپـذیر است، چنـان که در قرآن آمـده است: ((... انَّ اللهَ لایُخْلِف المِیعاد))(۵)

۱- طوسی، غیبت، ص ۱۸۸.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

۴- توبه (۹)، ۳۳/ فتح (۴۸)، ۲۸/ صف (۶۱)، ۹.

۵- آل عمران (۳)، ۹.

ولی روشن است که با وجود همه ی مجاهدت ها و تلاش های بی دریغ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اولیای خدا علیهم السلام ، تاکنون چنین رویداد مبارکی به وقوع نپیوسته است؛ بنابراین در سایه حاکمیت آن ولیّ پروردگار بانگ توحید همه جا را فرا خواهد گرفت و اثری از شرک و کفر باقی نخواهد ماند.

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«... هر آینه (در زمان امام مهدی علیه السلام) دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هر جا که شب می رسد، خواهد رسید و عالم گیر خواهد شد به گونه ای که بر سطح زمین اثری از شرک نخواهد ماند، همان گونه که خداوند وعده کرده است.»(۱)

۸- امنیّت عمومی

در حاکمیت امام مهدی علیه السلام که دوران فراگیری همه ی خوبی ها در همه ی عرصه های زندگی است، امنیّت که از بزرگ ترین نعمت های الهی و از عالی ترین آرزوهای انسان است، به دست می آید.

امام علی علیه السلام فرمودند:

«و بنا یدفع الله الزّمان الکَلِب ... و لو قد قامَ قائمنا لَذَهبتِ الشَحناً من قلوبِ العِباد، و اصطَلحتِ السِّباع و البهائم حتّی تمشی المَرأةُ مِن العراقِ إلی الشّامِ ... علی رأسِها زینَتُها لا یهیجُها سَبعٌ و لا تَخافُه»؛(۲) «به دست ما و در حکومت ما روزگار سختی ها سپری می شود ... و چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون رود و حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. (در آن روزگار چنان محیط امنی ایجاد شود) که زن با همه ی زیب و زیور خود، از عراق تا شام برود ... و چیزی او را نترساند.»

۹- گسترش دانش

در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام اسرار علمی فراوان در علوم اسلامی و انسانی آشکار می شود و دانش بشری به گونه ای غیرقابل تصور توسعه می یابد.

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۵.

۲- صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«العِلمُ سَبعَهٌ و عَشرونَ حرفاً فَجَمیعُ ما جاءَت بِهِ الرُّسُل حرفان فَلم یعرِفُ النّاس حتّی الیوم غیر الحرفَین، فإذا قامَ قائمَنا أخرَج الخمسَه وَ العَشرین حرفاً فَبَثَّها فی النّاس، و ضَمَّ إلیها الحرفین، حتّی یبُثُّها سَبعَهٌ و عَشرینَ حرفاً»؛(۱) «علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه ی آن چه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار کند و در میان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را نیز به آن ها بیفزاید و مجموع بیست و هفت حرف را منتشر کند.»

ویژگی های حکومت

اشاره

در بخش های گذشته درباره ی هدف، برنامه ها و دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام سخن گفته شد. در پایان به برخی از ویژگی های حکومت می پردازیم:

الف) قلمرو و مرکز آن

تردیدی نیست که حکومت حضرت مهدی علیه السلام حکومتی جهانی است، زیرا که او موعود همه بشریّت و تحقق بخش آرزوهای همه ی انسان هاست.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«القائِمُ مِنّا ... یبلغُ سُلطانه المَشرِق و المَغْرِب و یظْهِر الله عَزَّوجَلَّ به دِینه عَلی الدّین کله وَ لَوْ کرِهَ المُشْرِکوُن ...»؛(۲) «قائم علیه السلام از (خاندان پیامبر) است ... (او کسی است که) فرمانروایی او شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت و خداوند به دست او دین خود را بر همه ی ادیان غلبه می دهد، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.»

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۶۰۳.

مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام شهر تاریخی کوفه است که در آن زمان وسعت زیادی خواهد یافت، به گونه ای که شهر نجف را که در چند کیلومتری کوفه است، شامل می شود.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«مرکز حکومت او (حضرت مهدی علیه السلام) شهر کوفه خواهد بود و محل قضاوت او مسجد بزرگ کوفه.»(۱)

ب) مدت حکومت

حکومت خوبان که با فرمانروایی امام مهدی علیه السلام آغاز می شود، تا پایان عمر دنیا ادامه خواهد یافت و دیگر روزگار ظلم و ظالمان تکرار نخواهد شد.

خداوند بزرگ حاکمیت آخرین پیشوای معصوم را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بشارت می دهد و در پایان می افزاید: «پس از آن که مهدی علیه السلام به حکومت رسید، دولت او را دوام خواهم بخشید و پیوسته تا قیامت، روزگار (و حاکمیت زمین) را در دست اولیا و دوستان خود دست به دست خواهم کرد.»(۲)

روایاتی که مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام رابیان می کند، بسیار گوناگون است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «مهدی علیه السلام از فرزندان من است و بیست سال حکومت می کند».(۳) و جابر بن عبد الله انصاری هم از امام باقر علیه السلام پرسید: امام زمان علیه السلام چند سال زندگی خواهد کرد؟ حضرت فرمودند: «از روز قیام تا روز وفات، نوزده سال طول می کشد».(۴)

امام صادق علیه السلام نیز درباره ی مدت حکومت ایشان فرموده اند: «(حضرت مهدی علیه السلام) هفت سال حکومت می کند که برابر هفتاد سال از سال های حکومت شماست.»(۵)

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۷۷.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱.

۴- نعمانی، غیبت، ص ۳۳۱.

۵- طوسی، غیبت، ص ۴۸۴.

بیان علّامه مجلسی (ره) این است که: «روایاتی را که درباره ی مدت حکومت امام مهدی علیه السلام رسیده است، باید به این احتمال ها توجیه کرد: برخی روایات به تمام مدت حکومت اشاره می کند و برخی به مدت ثبات و استواری حکومت. بعضی مطابق سال ها و روزهایی است که ما با آن آشنابیم و بعضی مطابق سال ها و ماه های روزگار حضرت است که طولانی است و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است.»

ج) سیره ی حکومتی امام

اشاره

امام موعود، مهدی منتظر علیه السلام وقتی حکومت جهان را به دست گیرد، در تدبیر نظام جهانی خود روش و شیوه ی خاصی دارد از جمله این که ارزش های اسلامی و الهی را بر ویرانه های جاهلیت مدرن بنا خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«یصنع کما صَنَعَ رَسُوُل صلی الله علیه و آله یهْدِم ما کانَ قبْله کما هَدَم رسوُل الله صلی الله علیه و آله و الِهِ الجاهِلیَّه و یسْتَأنف الاسْلام جَدِیداً »؛(۱)

(امام مهدی علیه السلام) مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عمل خواهد کرد. همان گونه که پیامبر آن چه از روش جاهلیت درمیان مردم مرسوم بود از میان برد، همین گونه روش های جاهلی پیش از ظهور خود را از بین خواهد برد و اسلام را از نو پی ریزی خواهد کرد.

۱. سیره ی جهادی و مبارزاتی

امام مهدی علیه السلام با انقلاب جهانی خود بساط کفر و شرک را از گستره ی زمین برمی چیند و همگان را به دین مقدس اسلام دعوت می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

«شیوه ی او (امام مهدی علیه السلام) شیوه ی من است و مردم را بر آیین و شریعت من قرار می دهد.»(۲)

البته آن حضرت در شرایطی قیام می کند که حق به گونه ای آشکار، معرفی شده و از هر نظر بر مردم جهان، حجّت تمام شده است و تنها کسانی در جبهه ی باطل باقی می مانند که به

۱- نعمانی، غیبت، ص ۲۳۶.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۲۲.

کلی هویت انسانی و الهی خود را از دست داده باشند. این جاست که شمشیر برنده ی عدالت مهدوی از نیام برمی آید و کسی از آن ها را باقی نمی گذارد.

۲. سیره ی قضایی امام

امام مهدی علیه السلام در مقام قضاوت مانند حضرت سلیمان علیه السلام و حضرت داوود علیه السلام عمل می کند و همچون آن ها با علمی الهی که دارد حکم می کند و چنان به عدالت رفتار می کند که مطابق روایات، زندگان آرزو می کنند مردگان برگردند و از برکت عدل او بهره مند شوند.(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وقتی قائم آل محمد قیام کند مانند داود و سلیمان علیهم السلام داوری می کند، یعنی شاهد و گواه طلب نمی کند.»(۲)

۳. سیره ی مدیریتی امام

حضرت برای بخش های مختلف مناطق گوناگون عالم، حاکمانی از میان بهترین یاوران خود بر می گزیند و به صورت مداوم عملکرد حاکمان را زیر نظر دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«عَلامَهُ المَهْدِی انْ یکوُنَ شَدیداً عَلَی العُمّال جَواداً بِالمالِ رَحِیماً بِالمَساکین»؛(۳) «علامت مهدی علیه السلام آن است که با کارگزاران خود شدید و دقیق است. دست بخشنده ای دارد و به مسکینان مهربان است.»

۴. سیره ی اقتصادی امام

امام علیه السلام که مظهر عدالت و دادگری است، بیت المال مردم را ثروتی عمومی قرار می دهد که همگان در آن شریک اند به گونه ای که هیچ تبعیضی در آن راه نداشته باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

۱- الفتن، ص ۹۹.

۲- حرّ عاملی، اثباه الهداه، ج ۳، ص ۴۴۷.

۳- علی دوانی، معجم الاحادیث الامام المهدی علیه السلام ، ج ۱، ص ۱۵۲.

«اذا قامَ قائِمُنا اضْـمَحلَت القطائِع فَلا قَطائِع»؛(۱) «زمانی که قائم ما قیام کنـد، قطایع (زمین هایی که زمامـداران و حکام جور در مالکیت خود در آورده یا واگذار کرده اند) از بین می رود به طوری که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود.»

د) سیره ی شخصی امام

امام علیه السـلام درکرسی حکم فرمایی یادآور حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمومنین علی علیه السلام است و با وجود آن که همه ی اموال و ثروت ها در اختیار اوست، در زندگی شخصـی خود در پایین ترین سطح به سر می برد و به کمترین ها قناعت می کند.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«انَّ قائِمَنا اذا قامَ لَبِسَ لِباس عَلیٌ وَ سارَ بسِـیرَتِه»؛(۲) «وقتی قائم ما قیام کند، لباس علی علیه السـلام را در بر می کند و روش او را پیش می گیرد.»

او که دربـاره ی خود سـخت گیر و دقیق است، بـا امت چون پـدری مهربـان است و آسـایش و راحت آن ها را می خواهـد به گونه ای که در روایت امام رضا علیه السلام این گونه توصیف شده است:

«الامـامُ، الانـیسُ الرَّفِیقُ وَ الوالِـد الشَّفیقُ وَ الاخُ الشَّفِیق وَ الام البِرَّه بِالولـدُ الصَّغِیرُ مَفْزَعُ العشـباد فِی الـدّاهیه النّاد»؛(۳) «امام، آن همدم همراه و آن پدر مهربان و برادر تنی (که پشتیبان برادر) است و مادر دلسوز به فرزند خردسال است و پناهگاه بندگان در واقعه ی هولناک.»

ه) مقبولیت عمومی

از ویژگی های اساسـی حکومت حضرت مهدی علیه السلام این است که مقبول همه ی افراد و اجتماعات بشری است و نه تنها همه ی اهل زمین، که ساکنان آسمان نیز از آن حکومت الهی و فرمانروای عدل گستر رضایت کامل دارند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.
۲- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۸.
۳- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۵.

«شما را بشارت می دهم به مهدی علیه السلام ... اهل آسمان و زمین از او (و حکومت او) راضی اند. و چگونه ممکن است که کسی از حاکمیت مهدی علیه السلام ناراضی باشد و حال آن که برای همه ی جهانیان روشن می شود صلاح امر بشر و سعادت او در همه ی جنبه های مادی و معنوی تنها در سایه ی حکومت الهی آن حضرت میسر است.»(۱)

ص:۲۳۶

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

پرسش

۱- برنامه های فرهنگی حکومت امام زمان علیه السلام را بیان کنید؟

۲- دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام چیست؟

۳- وضعیت علم و دانش در دوران پس از ظهور چگونه است؟

۴- سیره ی مبارزاتی حکومت امام مهدی علیه السلام را شرح دهید؟

عرصه های پژوهش

۱- صفات مدیران وکارگزاران حکومت عدل امام مهدی علیه السلام .

۲- رشد، صنعت و فن آوری در عصر ظهور.

۳- منابع مالی حکومت مهدوی.

۴- حکومت جهانی در قرآن.

۵- دولت کریمه در ادعیه.

۶- ابعاد عدالت مهدوی.

۷- قضاوت در دوران ظهور.

۸- راه های برقراری امنیّت در دوران حکومت.

۹- احیای دین و سنت در حکومت مهدوی.

ص:۲۳۷

معرفی منابع

۱- نگین آفرینش.

۲- عصر زندگی، محمد رضا حکیمی.

۳- روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه ی مهدی پور.

۴- حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام ، آیت الله مکارم شیرازی.

۵- عصر ظهور، علی کورانی.

۶- چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام ، نجم الدین طبسی.

۷- فصل نامه ی انتظار، ش ۶، حکومت واحد جهانی حضرت، رحیم کارگر.

۸- فصل نامه ی انتظار، ش ۷، جهانی شدن و مقایسه ی آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام ، حبیب الله طاهری.

۹- آینده ی جهان (دولت و سیاست در اندیشه ی مهدویّت)، رحیم کارگر.

۱۰- سیمای آفتاب، دکتر حبیب اله طاهری.

ص:۲۳۸

درس چهاردهم: رجعـــت

اشاره

ü معنای رجعت

ü ویژگی های رجعت

ü تاریخچه ی رجعت

ü اهمیت رجعت

ü معاد و رجعت

ü فلسفه ی رجعت

ü ادله ی وقوع رجعت

ü تصریح ادعیه و زیارات به عقیده ی رجعت

ü آثار رجعت در زندگی معتقدان

ص:۲۳۹

وَ أَنَّ رَجعَتکَم حَقّ لا ریبَ فیها ...

رجعت یکی از عقاید حیات بخشی است که زمان تحقق آن پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام می باشد. این عقیده ی نورانی به منتظران ظهور آن حضرت، آرامش بخشیده از سقوط در منجلاب فساد و خود باختگی جلوگیری نموده، به تلاش و کوشش مضاعف برای زمینه سازی حکومت جهانی و برچیده شدن ظلم و فساد وا می دارد؛ زیرا فرد با این عقیده از درک محضر آن حضرت و شرکت در تشکیل حکومت جهانی ناامید نمی شود. لذا ائمّه ی اطهار علیهم السلام این عقیده را یک بشارت و موهبت الهی، برای مسلمانان دانسته اند.(۱)

معنای رجعت

راغب می گوید: رجوع به معنای برگشتن و به هر آن چه که آغاز و شروع آز آن جا بوده، یا اندیشیدن در آغاز و ابتدای هر چیزی است. «الرّجعه» به معنای برگشتن به دنیا پس از مرگ است. وقتی گفته می شود؛ فلانی ایمان به رجعت دارد؛ یعنی ایمان دارد که بعد از مرگ به دنیا برمی گردد.(۲)

رجعت در اصطلاح عبارت است از این که خداوند، همزمان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام عدّه ای از بندگان صالح خودش را که در ایمان و عمل، اسوه ی مؤمنان بوده اند و هم چنین عدّه ای از کفّار و منافقین را که در کفر و نفاق، سرسلسله ی کفّار و منافقان بوده اند، با همان ویژگی های

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۲ / کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۵۸۳.

۲- راغب اصفهانی، المفردات، ج ۲، صص ۴۵ و ۴۶.

روحی و جسمی خودشان به دنیا برمی گرداند تا این که هر گروه، در حدّ امکان نتیجه ی دنیایی اعمالشان را دریافت کنند.

شیخ مفید در تعریف رجعت می گوید: همانا خداوند گروهی از اموات را با همان صورت و چهره ای که داشتند، به دنیا برگرداند، گروهی را عزیز و گروهی را ذلیل می کند. این در هنگام قیام و ظهور مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف محقّق می شود.(۱)

ویژگی های رجعت

بر اساس آیات و روایات، ویژگی های رجعت به شرح زیر است:

۱- رجعت عمومی نیست، بلکه مخصوص عده ای از مؤمنان صالح و کافران معاند است و سرسلسله ی رجعت کنندگان انبیا و ائمّه ی اطهار علیهم السلام و دشمنان آن ها هستند. امام صادق علیه السلام در بیان این ویژگی می فرمایند:

«إنّ الرّجعهَ لَیسَت بِعامّهِ و هی خاصّه ٌو لا یَرجِعُ إلّا مَن مَحَضَ الإیمانَ مَحضاً أو مَحضَ الشِّرکَ مَحضاً»؛(۲) «رجعت امری همگانی نیست، بلکه امری اختصاصی است و تنها کسانی رجعت می کنند که به ایمان خالص یا شرک خالص رسیده باشند.»

۲- زمان رجعت مشخص و معین نیست. در حدیث آمده است:

«فَلَمّا أخبَرَهم رسول الله ما یکون مِن الرّجعهِ. قالوا متی هذا؟ قال الله عزّ و جلّ: ((قل [یا محمد] إن أدری أقریبٌ ما توعدون أم یجعل له رَبّی أمَداً))»؛(۳) «آن هنگام که رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را نسبت به وقایع رجعت آگاه کرد مردم از آن حضرت پرسیدند رجعت در چه زمانی اتفاق می افتد؟ خداوند به پیامبرش وحی فرمود: «بگو نمی دانم که آن چه وعده داده شده نزدیک است و یا آن که خداوند برای آن مدت (طولانی) قرار داده است.»(۴)

۱- شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۷۸.

۲- بحرانی، البرهان، ج ۲ ، ص ۴۰۸.

۳- جن (۷۲)، ۱۲۵.

۴- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۳.

۳- رجعت کنندگان با تمام خصوصیات و ویژگی های دنیایی خودشان برمی گردند.(۱)

۴- رجعت کننـدگان همه از دنیا رفته اند و بعد از مرگ دوباره زنده شده به دنیا برمی گردند و زندگی جدیدی را شـروع می کنند.(۲)

۵- همه ی رجعت کنندگان هم زمان رجعت نمی کنند، بلکه به تدریج برگردانده می شوند.(۳)

۶- فرمـان رجعت، هماننـد فرمـان ظهـور از طرف خداونـد متعـال صـادر می شـود. زیرا جز قـدرت بی نهـایت خداونـد، کلاـم قدرتمندی توان آن را ندارد که مردگان را فرمان بازگشت داده و استخوان های پوسیده را زندگی مجدّد ببخشد.(۴)

۷- افرادی که برای انتقام و تنبیه، رجعت می کنند، هرگز به میل و اراده ی خود بر نمی گردند، زیرا رجعت برای آن ها بسـیار ذلّت بار و سـخت است ولی در مورد مؤمنین رجعت اختیاری است. چنان چه در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «هنگامی که مهـدی علیه السـلام قیام کنـد، مأمورین الهی در قبر به اشـخاص مؤمن می گویند ای بنده ی خدا! مولایت ظهور کرده است، اگر می خواهی به او بپیوندی آزاد هستی و اگر بخواهی در نعمت الهی متنعّم بمانی، باز هم آزاد هستی.»(۵)

تاریخچه ی رجعت

اشاره

با توجه به مستندات تاریخی می توان برای عقیده ی رجعت در بستر تاریخ، سه دوره را در نظر گرفت:

الف) دوره ی پیدایش عقیده ی رجعت

اعتقاد به رجعت هم زمان با نزول آیات قرآن در مکه، در «سوره های نمل، انبیا، اسرا و ...» مطرح و سپس در سوره های مدنی «بقره، نور و ...» دنبال شـده است و قرآن این عقیـده را تحت عناوین «خروج، حشـر، إحیا و ...» برای پیروان خودش بیان نموده است.

۱- شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۸۹.

۲- شیخ مفید، اوائل المقالات، ص۸۹.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

۴- خادمی شیرازی، رجعت، ص ۱۸.

۵- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای افرادی چون امیرالمؤمنین علیه السلام (۱)، امام حسین علیه السلام (۲)، عمّار یاسر(۳)، برید أسلمی(۴)، سلمان فارسی(۵)، و ... آیات مربوط به رجعت را قرائت و بعضی از مصادیق رجعت کنندگان را معرفی می نموده اند.

در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام ، به دلیل عدم اطلاع خلفا از معارف دینی، جلوگیری از نوشتن احادیث نبوی و رواج یافتن اجتهاد صحابه، محیط خفقان زا و تاریکی به وجود آمده بود، ولی حضرت امیر علیه السلام در حدی که شرایط اجتماعی و اعتقادی جامعه ی نو پای اسلامی اجازه می داد، سعی کردند روایات و احادیثی را که از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر رجعت وارد شده و به بعضی از اصحاب آن حضرت گفته شده بود، برای مسلمانان شرح و تفسیر نمایند.

در این میان کسانی که ظرفیت شنیدن این گونه معارف را نداشتند به انکار رجعت روی آوردند؛ اولین منکر رجعت، عبدالله بن ابی بکر یشکری، معروف به «ابن الکوا» از سران خوارج بود و با امیر المؤمنین علیه السلام در مورد روایات رجعت مناظره کرد. (۶)

در زمان امام حسین علیه السلام هم زمینه ی بیان این گونه معارف فراهم نبوده است. فقط در کربلا هنگام تقابل دو گروه حق و باطل، امام حسین علیه السلام برای تسلّی و دلجویی اصحاب خود به نقل از جد بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رجعت را مطرح و تبیین نموده و آنان را به رجعت خود و اصحاب بشارت دادند:

«فَأبشِرُوا (بِالجَنَّه) فَوَاللهِ لَئِن قَتَلُونا فَإنّا نُرَدُّ عَلَی نَبِیِّنا ثُمَّ نمکُثُ ماشاءَالله تَعالَی، فَأکُونُ أوّلَ مَن یَنشَقُّ الأرضُ عَنهُ ... .»؛(۷)«بشارت باد شما را به بهشت، به خدا قسم اگر کشته شویم، به سوی پیامبر خویش برمی گردیم. سپس فرمودند: پس آن مقدار که خداوند بخواهد در قبر خواهیم ماند و من اولین کسی خواهم بود که رجعت می کند ... .»

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۳، ص ۶۱.
۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۳، ص ۶۱؛ ج ۵۴، ص ۸۰
۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۳، ص ۵۳.
۴- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۳، ص ۶۵.
۵- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۳، ص ۱۴۲.
۶- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۳، ص ۷۲ / شیخ طوسی، رجال، ص ۷۵.
۷- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۳، ص ۶۲.

این وضعیت تا پایان عصر امام سجاد علیه السلام (۹۵ه ق) ادامه داشت.

ب) دوره ی رشد و بالندگی عقیده ی رجعت (۹۵ تا ۲۶۰ ه .ق)

با توجه به انحرافات خلفای سه گانه و خستگی مردم از درگیری های داخلی (مارقین، ناکثین، قاسطین)، و جوسازی های بنی امیه بر علیه معارف دینی، مردم از خاندان وحی فاصله گرفتند و بخشی از معارف دینی را به فراموشی سپردند.(۱)

در عصر امام باقر علیه السلام ، به دلیل زمینه سازی های امام سجاد علیه السلام در نشر معارف دین، آثار نهضت عاشورا و نفرت عمومی از هیئت حاکمه ی اموی، امام با درایت و بصیرت، جنبش علمی دامنه داری را پایه گذاری نمودند، که در زمان امام صادق علیه السلام به اوج رشد و بالندگی خود رسید و اگر فعالیت فرهنگی این دو امام همام علیهما السلام نبود، امروز از معارف اسلام ناب محمدی خبری نبود.

در ابتدای امامت امام باقر علیه السلام گروهی به نام «قَدَریه»(۲) به انکار عقیده ی رجعت پرداختند.

همچنین، صاحبان قدرت، اندیشه ی انکار رجعت را موافق با رفتار و اهداف خودشان یافتند، در نتیجه از آن حمایت نموده و معتقدین به آن را مورد اذیّت و آزار قرار می دادند. لذا امام باقر علیه السلام به شاگردانشان سفارش می کردند که از بردن اسم رجعت خودداری نموده و با احتیاط درباره ی آن سخن بگویند.(۳) امام صادق علیه السلام نیز اعتقاد به رجعت را به عنوان یکی از ویژگی های فکری و فصل ممیّز شیعه معرفی نموده و از منکران آن برائت جستند، لذا اعتقاد به رجعت یک فکر سیاسی فعّال و مخالف با ظلم و ستم دستگاه خلافت به شمار می رفته و معتقدان به آن به

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۱ و ۳۶.
۲- قدریه، قائل به جبر و عدم اختیار انسان بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد آن ها می فرمایند: «القَدَریه مَجوسُ هذِهِ الأُمّه»؛ «قدریه مجوس این امت هستند». همچنین امام باقر علیه السلام در بیانی، ۳ بار در مورد این گروه فرمودند: «قدریه رجعت را انکار می کنند» ؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۷ و ۷۲.
۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۳، ص ۳۹.

عنوان مجرمان سیاسی قابل تعقیب بوده و شهادت آن ها در هیچ دادگاهی قابل قبول نبوده است.(۱)

در زمان امام کاظم علیه السلام به دلیل فشار و اختناق، از مباحث فکری و مناظرات فقهی و کلامی که در عصر امام صادق علیه السلام رایج بود، دیگر خبری نبود.

در عصر امام رضا علیه السلام ، مأمون پس از تحمیل مقام ولایت عهدی، جلسات بحث و مناظره تشکیل می داد و امام هم از این فرصت ها برای نشر فرهنگ اسلام، استفاده می نمودند، یکی از مناظراتی که ایشان با مأمون داشته اند، بحث رجعت است.(۲)

از امام جواد علیه السلام ، به دلیل شدت فشارهای دستگاه خلافت، اثری در مورد رجعت دیده نشده است. ولی عده ای از شیعیان مثل فضل بن شاذان نیشابوری،(۳) احمد بن داوود جرجانی، محمد بن مسعود عیاشی و ...، با توجه به روایات ائمه ی گذشته و با تشویق ائمه ی معاصر، کتاب های مستقلی را درباره ی رجعت به رشته ی تحریر درآوردند.(۴)

امام هادی و امام عسکری و خود امام مهدی علیهم السلام نیز با توجه به اهمیّت و نقش سازنده ی رجعت در پایداری و استقامت شیعیان، این عقیده ی قرآنی را در قالب دعا و زیارت نامه بیان نموده و با این کار، اعتقاد به رجعت را نهادینه ساخته اند.

ج) دوره ی گسترش و تکامل (۲۶۰ ه ق به بعد)

علمای شیعه به پیروی از امامان معصوم علیهم السلام در جهت گسترش و بالندگی این عقیده، تلاش فراوانی انجام دادند و با مناظرات علمی(۵) و یا نوشتن کتاب و مقاله و با استفاده از آیات و روایات، این عقیده ی نورانی را همراه با برهان و استدلال برای مردم بیان کردند. به موازات آن از طرف

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۵۳، ص ۱۳۲.

۲- شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام ، ج ۱، ص ۲۱۸.

۳- فضل بن شاذان از اصحاب امام جواد علیه السلام ، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام ، کتاب هایی به نام اثبات الرّجعه، الرّجعه, و... تحریر کرده است. جرجانی که از رجال اهل سنت بوده کتاب هایی چون الرجعه را تألیف کرده است.

۴- شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۱۲.

۵- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۳ / شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۶۶.

اهل سنت این عقیده به شدت انکار شده و معتقدان به آن به کفر، فسق، کذب، اهل هوی، بدعت و ... متهم شدند.

اهمیّت رجعت

الف) رجعت، یوم الله

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی، روز رجعت را یکی از روزهای خداوند برشمرده اند که قدرت و عظمت خداوند در آن متجلّی خواهد شد. ایشان می فرمایند:

«ایّام الله ثلاثَهٌ: یَومُ یَقُومُ القائمُ و یومُ الکرَّهِ و یومُ القِیامَه»؛(۱) «روزهای الهی سه تاست: روزی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام خواهد کرد، روز رجعت و روز قیامت.»

منظور از یوم الله روزهای خاصی است که امر خدا چنان ظهور می یابد که برای هیچ روز دیگری این ظهور پیدا نمی شود. به تعبیر دیگر، منظور از ایّام الله روزهایی است که امر الهی اعم از نعمت یا عذاب، عزّت یا ذلّت، ظهور تام می یابد.(۲)

ب) اعتقاد به رجعت، ویژگی شیعه

امام صادق علیه السلام ، یکی از ویژگی های شیعه را اعتقاد به رجعت برشمرده اند و می فرمایند:

«لیس مِنّا من لم یُؤمنُ بِکرَّتِنَا»؛(۳) «از ما نیست کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد.»

ج) اعتقاد به رجعت، شرط ایمان

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«مَن اقَرَّ بِسَبعَهِ اشیاءٍ فَهوَ مؤمنٌ ...الایمانُ بِالرَّجعَهِ»؛(۴) «هر کس به هفت چیز ایمان داشته باشد، مؤمن است و در میان آن هفت چیز، ایمان به رجعت را ذکر نمودند.»

۱- شیخ صدوق، الخصال، ص ۱۸۰.

۲- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۸ و ۱۹ .

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۲ و ۱۲۱.

۴- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۲ و ۱۲۱.

د) انکار رجعت، انکار قدرت خداوند

«تلك قدره الله فلا تُنكروها»؛(۱) «رجعت تجلی قدرت خداست آن را انکار نکنید.»

اهل بیت علیهم السلام بر اعتقاد به رجعت بسیار پافشاری کرده و انکار آن را انکار قدرت خدا دانسته اند:

اعتقاد به رجعت، از ضروریات مذهب شیعه ی امامیه به شمار می رود و بسیاری از بزرگان شیعه، مانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، امین الاسلام و ... بر حقانیت و صحت رجعت، ادعای اجماع و اتفاق کرده اند.

معاد و رجعت

۱- رجعت در این جهان مادی با همه ی مشخصات سابق، محقّق می شود و همان گونه که در تعریف رجعت آمد، مردمان در همان شکل و صورتی که در گذشته بودند، برمی گردند، اما معاد در جهان دیگر اتفاق می افتد. در جهانی که از عوارض مادی خبری نیست. چرا که به فرموده ی قرآن کریم قیامت و حشر در زمینی غیر از این زمین مادّی به وقوع می پیوندد:

((یَومَ تُبَدِّلُ الأَرضُ وَ السَّماواتُ ...))؛(۲) روزی که زمین به غیر زمین (عادّی) تبدیل می شود ... .

۲- در معاد همه ی خلایق برای حسابرسی حاضر می شوند در حالی که رجعت به کافران و مؤمنان خالص اختصاص دارد.

۳- انکار اصلی از اصول دین موجب کفر می شود بر خلاف انکار اصول مذهب، معاد از اصول دین است و انکار آن، خروج از دین را موجب می گردد ولی انکار رجعت به عنوان یکی از اصول مذهب، موجب خروج فرد از شیعه اثنی عشر (دوازده امامی) خواهد شد.

۴- بازگشت کنندگان به دنیا در زمان رجعت دوباره خواهند مرد یا کشته خواهند شد، امّا در معاد دیگر مرگ و ارتحالی نخواهد بود، چرا که آن جا سرای ابدی است.

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ص۷۴

۲- ابراهیم (۱۴)، ۴۸.

فلسفه و هدف رجعت

اشاره

یکی از مباحث مربوط به رجعت، چرایی و فلسفه ی آن است. هیچ حادثه ای در این عالم بدون هدف و غایت نیست ولی ممکن است بشر با محدودیتی که دارد هرگز علت و فلسفه ی آن را درک نکند. خود ائمه ی اطهار علیهم السلام به بعضی از اهداف و حکمت های رجعت اشاره نموده اند.

۱- ذلّت کفّار و منافقین و عزّت مؤمنین

رجعت روز تجلّی و مظهر عدالت الهی است که هم زمان با ظهور عدالت گستر جهانی امام مهدی علیه السلام محقق می شود و از ظالمانی که عالم را پر از ظلم و جور نموده اند، انتقام گرفته خواهد شد. در این مورد به روایاتی از ائمه اطهارعلیهم السّلام اشاره می کنیم:

الف) امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«هیچ شخص نیک و بدی از این امت نیست مگر این که رجعت می کند، اما مؤمنان برمی گردند تا این که عزیز شده، چشمان آنان به دیدار مولایشان روشن شود و فجّار و منافقان برمی گردند تا این که ذلّت خداوند نصیب آن ها گردد چرا که تُعِزُّ مَن تشاء و تُذِلُّ مَن تَشاء(۱).»(۲)

ب) معاویه بن عمر از امام صادق علیه السلام درباره ی تفسیر آیه ی مبارکه ی ((و مَن أعرض عَن ذِکری فَإنَّ لَه معیشهً ضَنکا و نَحشُرُه یوم القیامهِ أعمی))؛(۳) «کسی که از یاد من روی برگرداند پس همانا برای او زندگی سخت و تحت فشاری است و روز قیامت او را نابینا محشور می کنیم» سؤال نمود، حضرت فرمودند:

«هی و اللهِ للنصّاب، قال: قُلتُ جُعِلتُ فَداك! قد رأَیناهم دَهرِهم الاطوَلُ فی الکفایهِ حتّی ماتوا! قال علیه السلام : ذاك واللهِ فی الرّجعه»؛ «به خدا قسم! مصداق این آیه دشمنان و دشنام دهندگان اهل بیت علیهم السلام هستند. عرض کردم: جانم به فدایت! ما این ها را دیده ایم، روزگارشان به بهترین وجه می گذرد و زندگی خوبی داشته تا این که از دنیا می روند؟! حضرت فرمودند: به خدا قسم! این زندگی تحت فشار آن ها در زمان رجعت محقق می شودو ذلیل و بی آبرو می شوند.»

ص:۲۴۸

۱- آل عمران (۳)، ۲۷.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۴.

۳- طه (۲۰)، ۱۲۴.

۲- ظهور قدرت الهی

روز رجعت یکی از روزهای الهی و تجلّی قدرت و عظمت خداوند شمرده می شود. در تفسیر آیه ی مبارکه ی ((و ذَکِّر هم بِأیّام الله))(۱)، امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«روزهای خداوند سه روز است: روز قیام امام مهدی علیه السلام ، روز رجعت و روز قیامت.»(۲)

آری در این سه روز تمام اسباب مادّی از کار و تأثیر می افتد و عظمت الهی در نعمت یا نقمت، در عزّت یا ذلّت، تجلّی و ظهور تام پیدا می کند.(۳)

۳- تحقق وعده های خداوند در قرآن

خداوند حکیم و دانا وعده داده است هر کس در مسیر خدا و حق و عدالت گام بردارد، علاوه بر آخرت، پاداش دنیوی نیز خواهد داشت. همچنین هر کس در دنیا در مسیر فساد و اخلاق و خیانت و بی ایمانی پیش رود، علاوه بر آن جهان، در این دنیا نیز کیفر خواهد دید. با مراجعه به قرآن می توان ده ها آیه را در این زمینه ملاحظه کرد. از جمله در سوره ی اعراف آیه ی ۱۵۲ خداوند می فرمایند:

((انّ الّذینَ اتَّخَذوُا العِجلَ سینَالهُم غَضَب مِن ربِّهِم و ذِلَّهٌ فی الحیاهِ الدّنیا و کذلک نجزِی المفتَرین))؛ «کسانی که گوساله را معبود خود قرار دادند، به زودی خشم پروردگارشان و ذلت در زندگی دنیا به آن ها می رسد. این چنین کسانی را که به خدا افترا می بندند، کیفر می دهیم.»

همچنین در سوره ی توبه آیه ی ۷۴ کسانی را که به خدا پشت می کنند، در دنیا و آخرت وعده عذاب می دهند:

((و ان یَتَوَلَّوا یعذِّبهُم اللهُ عذاباً أَلیماَ فی الدُّنیا و الآخره و ما لَهم فِی الأَرضِ مِنْ وَلیٍّ و

ص:۲۴۹

۱- ابراهیم (۱۴)، ۵.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

۳- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۸.

لا نَصیرٍ))؛(۱) و اگر روی گردانند، خداوند آن ها را در دنیا و آخرت به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد و در سراسر زمین نه دوستی دارند ونه یاری گری.

همان گونه که می دانیم، بخشی از مردم با ایمان از رسیدن به پاداش دنیوی وگروهی از ستمکاران و منافقین از کیفر شدید این جهان بازمانده اند. از این رو در رجعت، این وعده ها به صورت پاداش وکیفر برای ایشان تحقق می یابد.

۴- نصرت دین و حکومت عدل جهانی

از آیات و روایات متعدد چنین بر می آید که قبل از قیامت، دین اسلام بر همه ی ادیان و مکاتب بشری غلبه پیدا می کند، مردم خسته از پندارهای بشری به زلال معرفت الهی می رسند و از سوی دیگر حاکمیت سیاسی و اجتماعی کره ی زمین به دست مسلمانان به رهبری حضرت حجّت علیه السلام خواهد افتاد. بر این اساس، یکی از اهداف رجعت برخی انسان ها به دنیا، نصرت و یاری دین اسلام و کمک برای تشکیل حکومت دینی فراگیر برسطح کره ی خاکی خواهد بود. برخی روایات موضوع فراگیر شدن دین اسلام و غلبه ی آن بر سایر ادیان را همزمان با رجعت دانسته اند، چنان چه امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ی شریفه ی ((هوَ الّذی أرسَلَ رَسولَه بالهدی و دینِ الحَق لیُظهِرهُ عَلی الدّینِ کلّه و لَوکرِهَ المشرِکون))؛ «او کسی است که پیامبر خود را برای هدایت مردم فرستاد با دینی درست و بر حق تا او را بر همه ی دین ها پیروز گرداند، هرچند مشرکان را خوش نیاید.» می فرمایند:

«یظهره الله عزّوجل فی الرَّجعه»؛(۲) «خداوند دین حق را در رجعت، بر سایر ادیان غلبه و برتری می دهد.»

ص:۲۵۰

۱- ر.ك. فصلت (۴۱)، ۱۵ / نحل (۱۶)، ۳۰ / آل عمران (۳)، ۵۶.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۴.

ادله ی وقوع رجعت

۱- رجعت در قرآن

اشاره

مرحوم شیخ حرّ عاملی بیش از ۶۰ آیه(۱) و مرحوم طبرسی بیش از ۷۰ آیه(۲) را بر رجعت منطبق و تفسیر نموده اند. این آیات در ابتدا به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) آیاتی که بر وقوع رجعت در امّت ها ی گذشته دلالت می کند.

ب) آیاتی که از تحقق رجعت در آینده قبل از قیامت خبر می دهد.

الف) رجعت در امّت ها ی پیشین

در ده ها حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طریق شیعه و سنی نقل شده که ایشان فرمودند: «آن چه در امّت ها ی پیشین واقع شده همان گونه در امت من نیز واقع خواهد شد.»(۳) در زیر به بیان آیاتی که به رجعت در امّت ها ی پیشین اشاره دارد، می پردازیم:

آیه ی اول: ((ثُمَّ بَعَثنا مِن بعد مَوتکم لعلّکم تشکرون))؛(۴) «آن گاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا شاید سپاسگزار باشید.»

این آیه در مورد هفتاد نفر از برگزیدگان قوم حضرت موسی علیه السلام است که حضرت موسی علیه السلام آن ها را با خود به طور سینا برد تا بر جریان مکالمه اش با خدا و گرفتن الواح از جانب خدا شاهد باشند و در نتیجه بنی اسرائیل صدور ال_واح را از جانب خدا تکذیب نکنند. چون به طور رسیدند و مکالمه ی حضرت موسی علیه السلام را با خدا مشاهده کردند، گفتند: ((لَن نؤمنَ لَکَ حتّی نَرَی اللهَ جَهرَةً))؛(۵) «ای موسی، ما به تو ایمان نمی آوریم مگر این که خداوند را آشکارا به ما بنمایانی»، هر چه حضرت موسی علیه السلام آن ها را از این خواسته ی جاهلانه منع کرد، آن ها بر خواهش خود اصرار ورزیدند تا سرانجام صاعقه آمد و همه ی آن ها را نابود کرد. حضرت موسی علیه السلام عرضه

۱- حر عاملی، الایقاظ، ص ۹۷ و ۷۲.

۲- طبسی، الشیعه و الرجعه، ج ۲.

۳- حر عاملی، الایقاظ ص ۴۱ و ۹۹ / علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹.

۴- بقره (۲)، ۵۶.

۵- بقره (۲)، ۵۵.

داشت: «بار پروردگارا! اگر این هفتاد نفر زنده نشوند، من چگونه به سوی قوم بروم؟ آن ها مرا به قتل متّهم خواهند کرد.» خداوند بر او منت نهاد و آن ها را زنده کرد و همراه حضرت موسی علیه السلام به سوی خانه و کاشانه ی خود بازگشتند.

در مورد سرگذشت این هفتاد نفر هیچ اختلافی نیست و تصریح قرآن است که آن ها در اثر صاعقه جان سپردند و به درخواست حضرت موسی علیه السلام از نو زنده شدند که معنای «رجعت» چیزی جز زنده شدن پس از مرگ نیست. در این آیه، قرآن کریم تعبیر «مرگ» را به کار برده تا تصور نشود که آن ها مثلاً به خواب رفته بودند و یا از هوش رفته بودند، بلکه صریحاً می فرماید: «شما را پس از مرگتان برانگیختیم».

حضرت علی علیه السلام در مناظره با عبدالله بن ابی بکر یشکری – اولین انکار کننده ی رجعت- برای اثبات رجعت فرمودند:

«این هفتاد نفر ــ برگزیدگان حضرت موسی ــ پس ازمرگ، زنده شدند و به خانه های خود بازگشتند، آن گاه مدتی زندگی کردند، غذا خوردند، ازدواج کردند، صاحب اولاد شدند و پس از فرا رسیدن اجلشان از دنیا رفتند.»(۱)

آیه ی دوم: ((أَلَم تَرَ إلی الـذین خَرَجوا مِن دیارهم و هم أُلُوفٌ حَذَرَ الموتِ، فقال لهم اللهُ موتوا، ثُمَّ أحیاهم، إنَّ اللهَ لذو فضلٍ علی النّاسِ وَلَکِنَّ أکثَرَ النّاسِ لا یشکُرون))؛(۲) «آیا ندیدی آنان را که از بیم مرگ از خانه های خود بیرون رفتند و آن ها هزاران تن بودند پس خداوند به آن ها گفت بمیرید. سپس آن ها را زنده کرد، بی گمان خدا بر مردم صاحب فضل است ولی بسیاری از مردم سپاسگزاری نمی کنند.»

این آیه در مورد قومی است که از ترس بیماری از وطن خود گریختند و خداوند آن ها را مدتی طولانی بمیراند و به سبب دعای یکی از پیامبران به نام «حزقیل» همه ی آن ها را زنده کرد و روزگاری زندگی کردند و به اجل طبیعی از دنیا رفتند.(۳)

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، صص۷۳ و ۱۲۹.

۲- بقره (۲)، ۲۴۳.

۳- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص۲۸۳ / سید هاشم بحرانی، تفسیر برهان، ج ۱، ص۲۳۴.

آیه ی سوم: ((وَکَذلِکَ بَعَثنـا هُم لِیَتَسائَلُوا بَینهم، قال قائِلٌ مِنهُم کَم لَبِثتم قَالُوا یَوماً أو بعضَ یَومٍ قَالُوا ربُّکَم أعلَمُ بما لَبِثتُم))؛(۱) «این چنین آنان را برانگیختیم تا از یکدیگر بپرسند. یکی از آن ها گفت چقدر درنگ کرده اید؟ گفتند: یک روز یا قسمتی از یک روز. گفتند: پروردگارتان داناتر است که چه قدر درنگ کرده اید.»

این آیه در مورد اصحاب کهف است که مدت ۳۰۹ سال در غاری به سر بردند. داستان اصحاب کهف از شگفتی های تاریخ است و خود گواه روشنی از قدرت بی نهایت حضرت احدیت و سند زنده ای بر امکان بازگشت انسان به این جهان است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«گروه بسیاری از مردگان به این جهان بازگشته اند که اصحاب کهف از آن ها هستند. مدّت ۳۰۹ سال خدا آن ها را بمیراند و سپس آن ها را در زمان قومی که رستاخیز را نمی پذیرفتند برانگیخت تا حجّت بر آن ها تمام شود.»(۲)

ب) وقوع رجعت در آینده (قبل از قیامت)

در زیر به چند نمونه از این آیات اشاره می کنیم:

آیه ی اول: ((و یوم نحشُرُ مِن کلِّ أُمّةٍ فَوجاً مِمَّن یُکَذِّبِ بِآیاتنا فَهم یوزَعون))؛(۳) «به یاد آور روزی را که از هر امت یک گروه از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند، محشور می کنیم پس آن ها نگه داشته می شوند.»

این آیه یکی از روشن ترین آیات قرآن است که بر رجعت دلالت می کند، زیرا مراد از حشر در آیه، حشر عمومی و قیامت کبری نیست. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است آن حضرت با اشاره به این آیه فرمودند:

«ای حماد! مردم از این آیه چه دریافت می کنند؟ عرض کرد: حشر قیامت را. حضرت فرمودند: این گونه نیست. این آیه مربوط به رجعت است. آیا خداوند در قیامت گروهی را محشور

۱- کهف (۱۸)، ۱۹.
۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۹ / کاشانی، تفسیر صافی،ج ۳، ص ۲۳۷.
۳- نمل(۲۷)، ۸۳.

و بقیه ی مردم را رها می کند؟ حشر قیامت در آیه ی ۴۷ سوره ی کهف بیان شده است: ((و حَشَرناهُم فَلَم نُغادِر منهم أحداً))؛(۱) «همه را محشور می کنیم، حتی یک نفررا رها نمی کنیم.»

همچنین کلمه ی «فوجاً» در آیه دلالت بر حشر گروهی از مردم می کند نه همه ی مردم.(۲)

آیه ی دوم: ((إنّ الّذی فَرَضَ عَلیکَ القُرآنَ لَرَآدُّک إلی معاد))؛(۳) «به راستی خداوندی که قرآن را بر تو فرض گردانید، تو را به جایگاهت بازگرداند.»

از امام باقر علیه السلام روایت شده که «منظور از این آیه عالم رجعت است».(۴)

ابوخالد کابلی از امام سجاد علیه السلام روایت می کند که در تفسیر این آیه فرمودند:

«رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، امیر مؤمنان علیه السلام و امامان علیهم السلام به سوی شما بازمی گردند.»(۵)

آیه ی سوم: ((إنّا لننصُرُ رُسُلَنا وَ الّذینَ امَنوا فی الْحَیوةِ الدُّنیا وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأشْهادُ))؛(۶) «همانا ما فرستادگان خویش و مؤمنان را در دنیا، آن روزی که شاهدان اقامه شوند، یاری خواهیم کرد.»

این آیه یادآوری می کند، وعده ی الهی بر آن تعلق گرفته است که همه ی انبیا و مؤمنان را در همین دنیا یاری خواهد کرد. این یاری و نصرت تاکنون به طور کامل تحقّق نیافته است و از طرفی خداوند هرگز خلف وعده نمی کند. پس در آینده زمانی فرا می رسد که نصرت خداوند به طور تام و کامل شامل حال انبیا و ائمه ی اطهار علیهم السلام خواهد شد. امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرمایند:

«حسین بن علی علیه السلام از آن هاست. او هنوز یاری نشده است. آری قاتلان او کشته شدند ولی

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶/ سید هاشم بحرانی، تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۰

۲- فوج به معنای دسته و گروهی است که از جایی به جایی دیگر به سرعت حرکت و عبور می کنند. (مفردات راغب، ماده ی فوج).

۳- قصص (۲۸)، ۸۵.

۴- مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۰.

۵- سید هاشم بحرانی، تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۳۹ نورالثقلین، ج ۴، ص۱۴۴.

۶- غافر (۴۰)، ۵۱.

هنوز انتقام او گرفته نشده است.»(۱)

از طرفی، لفظ نصرت در جایی به کار می رود که دو گروه مشغول مخاصمه باشند و بعد شخصی یا گروهی یکی از طرف های مخاصمه را کمک کند تا بر طرف مقابل چیره شود و طبیعی است که چنین معنایی با رجعت سازگاری دارد. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«وَالله ذلِکَ فِی الرَّجعْهِ اَما عَلِمتَ انَّ اَنبیاءَ اللهِ کثیرٌ لَمْ یُنْصَرُوا فِی الدّنیا وَ قُتِلُوا و الأئِمَهُ مِنْ بَعدِهِمْ قُتِلوُا وَ لَمْ یُنْصَروا ذلِک فِی الرَّجْعَهِ»؛(۲) «به خدا سوگند این (آیه) درباره ی رجعت است. مگر نمی دانید که پیامبران بسیاری و امامان بعد از ایشان هم در دنیا یاری نشدند و کشته شدند. این آیه در رجعت محقّق خواهد شد.»

آیه ی چهارم: ((و إذا وقع القَولُ عَلیهم أخرَجنا لهم دابّهً مِن الارض تُکَلِّمُهُم أنَّ النّاسَ کانوا بِآیاتنا لایوقِنون))؛(۳) «چون سخن بر آن ها فرود آید، از زمین جنبنده ای برایشان بیرون می آوریم که با آن ها سخن گوید به درستی که مردم به آیه های ما یقین ندارند.»

امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه ی فوق فرمودند:

«دابه الأرض علی بن ابی طالب علیه السلام است.»(۴)

امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند که در شب معراج گفته شد:

«ای محمد! علی اول است، زیرا او نخستین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است. علی آخر است، زیرا او آخرین امامی است که روحش را قبض می کنیم. او همان «دابّه» است که با مردم سخن می گوید.»(۵)

خود وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در بیانات خویش می فرمایند:

«إنّی دابّه الله الّتی تُکَلِّمُ النّاس»؛(۶) «من همان دابه ای هستم که با مردم سخن می گویم.»

۱- قولویه، کامل الزیارات، ص ۶۳ / فخر رازی، تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۰۱.
۲- حائریی یزدی، الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۸.
۳- نمل (۸)، ۸۲.
۴- ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۵۷۹ / علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۲.
۵- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۸.
۶- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۷.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد النبی به سراغ علی علیه السلام آمدند. ایشان را در حال استراحت دیدند. خطاب به وی فرمودند: قُم یا دابه الله! فَقالَ رجلٌ من اصحابِهِ: یا رسولَ الله! انسَمیُّ بعضُنا بعضاً بهذا الاسم؟ فقال: لا والله ما هُوَ الّا لَه خاصّهِ وَ هُوَ دابّه التی ذَکرَها فی کتابه و اذَا وَقَعَ القَولُ ...؛(۱) بلند شو ای دابه الله ! مردی با شنیدن این لقب گفت: ای پیامبر خدا! ما نیز می توانیم با این لقب یکدیگر را صدا بزنیم؟ فرمودند: نه این لقب مخصوص علی علیه السلام است که خداوند در قرآن به وی مرحمت فرموده و سپس آیه ی مذکور را قرائت کرد، آن گاه به علی علیه السلام فرمود: در آخر الزّمان خداوند تو را از زمین به صورت زیبایی خارج می کند و وسیله ای در اختیار تو قرار می دهد تا به آن وسیله، دشمنان را علامت گذاری.»

۲- رجعت در روایات

روایات در یک تقسیم بندی به «واحد» و «متواتر» تقسیم می شوند. منظور از خبر واحد روایتی است که به سر حدّ یقین نرسیده باشد، در حالی که مراد از خبر متواتر روایتی است که در اثر کثرت نقل آن یقینی شده و جای هیچ گونه ابهامی در آن وجود نداشته باشد. پس از روشن شدن این دو اصطلاح، باید گفت که اخبار و روایاتی که از ائمه ی معصومین علیهم السلام در موضوع رجعت نقل شده آن قدر فراوان است که به طور قطعی می توان متواتر بودن آن ها را پذیرفت. در این باره اظهار نظر برخی کارشناسان احادیث را مرور می کنیم:

۱- مرحوم مجلسی می گوید: «اگر مثل این روایات [روایات رجعت] متواتر نباشد پس در چه چیزی می توان ادعای تواتر نمود.»(۲)

۲- مرحوم علّامه طباطبایی می فرماید: «همانا روایات رجعت، متواتر معنوی است و اگر بعضی از این روایات، قابل خدشه و مناقشه هم باشد، ضرری به تواتر آن ها نمی رساند.»(۳)

۱- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۴۴۵ / علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۵۲.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۳- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۱۰۷.

۳- مرحوم شیخ حر عاملی می نویسد:« هیچ شکی نیست که احادیث رجعت به حد تواتر معنوی رسیده است، زیرا موجب یقین هستند؛ برای هر کسی که قلب خویش را از هر شبهه ای و تقییدی پاک کند.»(۱)

۴- محدث جزایری در شرح تهذیب ادعا کرده که ۶۲۰ حدیث پیرامون رجعت دیده است.(۲)

برای آشنایی اجمالی و مختصر با روایات، لازم است که آن ها را دسته بندی کرده و مفاد هردسته را اجمالاً بررسی کنیم:

الف) روایاتی که رجعت را به عنوان یک عقیده ی حق و لازم در ردیف سایر معارف و اعتقادات اسلام ذکر می کند. به بعضی از این روایات در بحث «اهمیّت رجعت» اشاره شد.

ب) روایاتی که آیات مربوط به «رجعت» را تفسیر می کنند. علامه مجلسی بیش از ۱۲۵ آیه را همراه با روایت ذکر نموده اند.

ج) روایاتی است که رجعت کننـدگان را معرفی می کنـد. مرحـوم شـیخ حر عـاملی بیش از ۱۷۰ روایـت را در ایـن زمینه گردآوری کرده است که ذکر آن ها در محدوده ی این درس نمی گنجد.

تصریح ادعیه و زیارات به عقیده ی رجعت

اشاره

در این قسمت بنا داریم، به بیان عقیده ی رجعت در ادعیه و زیارات رسیده از معصوم، بپردازیم؛ که به اختصار به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم:

۱- زیارت جامعه ی کبیره

«مُعتَرفٌ بِکم مُؤمِن بإیابکم، مُصَدِّقٌ بِرَجعَتِکم، منتظِرٌ لأمرِکُم»؛(۳) «به شما ایمان دارم، بازگشت شما را باور دارم، رجعت شما را تصدیق می کنم، امر شما را انتظار می کشم.»

۲- زیارت آل یس

«و أنَّ رَجعتَکم حقٌّ لا رَیبَ فیها ...»؛(۴) «همانا رجعت شما حق است و تردیدی در آن نیست.»

۱- حر عاملی، الایقاظ، ص ۳۳.

۲- قزوینی خراسانی، بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۸۸.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۱.

۴- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، صص ۸۲ و ۹۴/ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۴.

۳– زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

«إنّی لَمِن القـائِلینَ بِفَضـلِکُم، مُقِرٌّ بِرَجعَتِکُم، لاـ اُنکِرُ لِلهِ قـدرهً و لاـ أزعَمُ إلّا ما شاء اللّهُ»؛(۱) «من به مقام والای شـما معتقـدم، به رجعت شما باور دارم و قدرت خدا را انکار نمی کنم و جز مشیّت حضرت پروردگار چیزی را اراده نمی کنم.»

۴– زیارت امام حسین علیه السلام

«فَمَعَکُم مَعَکُم لا مَعَ عَـدُوِّکُم، إنّی مِن المؤمنینَ بِرَجعَتِکُم»؛(۲) «آن روز من با شـمایم، حتماً با شما هستم، نه با دشمن شما، من به رجعت شما باور دارم.»

۵– زیارت وارث

«... أنّی بکم مؤمنٌ و بإیابکم مُوقن...»؛ (۳) « من به شما ایمان دارم و بازگشت شما را یقین دارم.»

۶– زیارت حضرت بقیّه الله علیه السلام در روز نیمه ی شعبان

«... و أَن یَجعَـلِ لی کَرَّهً فی ظهورِک و رَجعهً فی ایّامک ...»؛(۴) « به خـدای تبارک و تعالی متوسل می شوم و از او می خواهم که برای من بازگشتی در ظهور شما و رجعتی در روزگار شما قرار دهد.»

ص:۲۵۸

۱– علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

۲– قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۱۸.

۳– علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۰۰.

۴– علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۸.

۷- دعای عهد

«أللّهمَّ إن حالَ بَینی و بَینه الموت ... فَأَخرِجنی مِن قبری مؤتَزِراً کَفَنی،...»؛(۱) «خداوندا اگر مانع شد میان من و ایشان، آن مرگی که قرار داده ای ... پس مرا از قبرم بیرون بیاور در حالی که کفنم را به خود پیچیده ام ... .»

آثار رجعت در زندگی معتقدان

۱- امید و حرکت

اعتقاد به رجعت و بازگشت به دنیا در زمان دولت کریمه، نقش مهمی را در نشاط دینی و امید به حضور در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام ایفا می کند. زیرا ممکن است افرادی که تمام عمر خود را در انتظار ظهور ایشان سپری کرده اند، دچار یأس شوند! اما اگر شرایط بازگشت آن ها به دنیا و حضور در محضر آخرین امام فراهم باشد، در امیدواری ایشان نقش به سزایی خواهد داشت.

۲- ایجاد روحیه ی استقامت برای مؤمنان

انسانی که آینده را روشن ببیند به راحتی می تواند مشکلات زودگذر را تحمل کرده و استقامت کند، لذا ائمه ی اطهار علیهم السلام مؤمنان را به صبر و بردباری دعوت نموده، با وعده ی رجعت در زندگی در سایه ی دولت کریمه ی اهل بیت علیهم السلام آنان را امیدوار می کردند. امام حسین علیه السلام در شب عاشورا اصحابش_ان را با رجعت تسلّی داده و به صبر و بردباری امر نمودند. در زیارت نامه های ائمه ی اطهار علیهم السلام و دعاها، این امر بسیار مشهود است و سفارش به خواندن آن ها، ما را به این هدف راهنمایی می کند.

۳- تسکین دل مؤمنان

آنان که دلشان از ظلم ظالمان در طول تاریخ پر از درد شده است، با رجعت و انتقام تسکین و التیام پیدا می کند.(۲) زیرا انسان مظلوم وقتی با چشم خود ببیند که انتقامش گرفته شده

۱- محمد تقی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۴

دردهایش بهبود پیدا می کند. اگرچه در قیامت از ظالمان به طور کامل انتقام گرفته خواهدشد.

مَولایَ، فَإن أدرِکنی المَوتُ، قبلَ ظهورِکَ ... أن یجعَلَ لی کَرَّةً فی ظُهورِکَ وَ رَجعَةً فی ایّامکَ

إن شاء الله

ص:۲۶۰

پرسش

۱- ویژگی های رجعت را بیان کنید؟

۲- امام باقر علیه السلام برای تبیین عقیده ی رجعت، به چه اقداماتی دست زدند؟

۳- منظور از دابه الارض چیست؟

۴- روایات رجعت در کدام دسته بندی قرار دارند؟

۵- رجعت کنندگان به چند دسته تقسیم می شوند؟ نام برید.

۶- آثار رجعت در زندگی معتقدان را بیان کنید؟

عرصه های پژوهش

۱- رجعت در قرآن و روایات.

۲- ارتباط رجعت با معاد.

۳- رجعت کنندگان.

۴- اندیشه ی رجعت، در طول تاریخ (مخالفان و موافقان).

۵- موضع گیری ائمه ی اطهار علیهم السلام در مقابل منکران رجعت.

۶- ادعیه ی منقول در مورد رجعت.

۷- منکران رجعت در طول تاریخ.

۸- تفاوت رجعت و تناسخ.

ص:۲۶۱

معرفی منابع

۱- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، صص ۳۳۷ _ ۳۵۱.

۲- رجعت از دیدگاه عقل، قرآن وحدیث، حسن طاهری.

۳- شیعه و رجعت، حمید رضا طبسی.

۴- رجعت، محمد رضا ضمیری.

۵- فرهنگ نامه ی مهدویّت، حرف راء.

۶- جهان پس از مرگ.

۷- عصر رجعت طلایی، سید مجتبی نظام آبادی.

۸- رجعت یا حیات دوباره, احمد علی طاهری ورسی.

۹- رجعت، محمد خادمی شیرازی.

۱۰- فصل نامه ی انتظار، ش ۲ .

ص:۲۶۲

درس پانزدهم: چهل حدیث از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ص:۲۶۳

بقیه الله

۱- احمد بن اسحاق در محضر امام حسن عسکری علیه السلام ، آن حضرت را دیده و از ایشان چنین شنیده که می فرمایند:

«أنا بقیهُ اللهِ فی أَرضِه ِوَالمُنتَقِمُ مِن أَعدائِه ِ»؛(۱) «من بقیه الله در روی زمین و دست انتقام خدا از دشمنان او هستم.»

آگاهی از شیعیان

۲- «فَإنّا نُحیطُ علماً بِأَنبائِکم ، وَ لا یَعزُبُ عَنّا شیءٌ مِن أخبارِکم»؛(۲) «ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند.»

امان زمین

۳- «وَ انّی لَامانٌ لِاَ هلِ الاَرضِ کما أَنَّ النُّجُومُ اَمانٌ لِأَهلِ السَّماءِ»؛(۳) «همانا، من امان و مایه ی ایمنی برای اهل زمینم؛ همان گونه که ستاره ها سبب ایمنی اهل آسمان اند.»

۱- حائری یزدی، الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه،، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴.

تسلیم در برابر او

۴- «فَاتَّقُوا اللّهَ وَ سَلِّموا لَنا وَ رُدُّوا الأمرَاِلَینا فَعَلَینا الإِصرارُ کماکانَ مِنّا الإیراد»؛(۱) «از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کار را به ما واگذارید بر ماست که شما را از سرچشمه سیراب آوریم همانطور که شما را به سر چشمه بردیم.»

حضرت فاطمه علیها السلام الگوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵- «وَ فِی اِبْنَهِ رَسولِ الله صلی الله علیه و آله و سلم لی اُسْوَهٌ حَسَنَهٌ»؛(۲) «دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (فاطمه ی زهرا علیها السلام) برای من اسوه و الگویی نیکو است.»

سعادت دیدار

۶- «وَ لَو اَنَّ أشیاعنا ــ وَفَّقَهُمُ الله ُلِطاعَتِهِ ــ علی اجتماعٍ مِنَ القُلُوبِ فِی الوَفاءِ بِالعَهدِ عَلَیهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنهُمُ الیُمنَ بِلِقائِنا وَ لَتَعَجَّلَت لَهُم السَّعادَهُ بِمُشاهَدَتِنا علی حقٍّ معرفهِوَصدقها مِنهم بِنا ...»؛(۳) «اگر شیعیان ما ــ که خداوند توفیق اطاعتشان دهد ــ در راه ایفای پیمانی که بر عهده دارند هم دل می شدند، میمنت ملاقات ما به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما ...»

حفظ شیعیان

۷- «اِنّا غَیرُمُهْمِلینَ لِمُراعاتِکم، و لا ناسینَ لِذِکرِکم، وَ لَو لا ذَلِک لَنَزَلَ بِکمُ الَّلأْواءُ وَاصْطَلَمَکمُ الأَعْداءُ»؛(۴) «ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲- طوسی، غیبت، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵ / طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹.

۳- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۵.

۴- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می نمودند.»

وجود همیشگی امام

۸- «اَنَّ الاَرضَ لاتَخلوا مِن حُجَّةٍ إمّا ظاهِراً و إمّا مَغموراً»؛(۱) «زمین هیچ گاه از حجّت خالی نمی ماند چه ظاهر باشد و چه پنهان.»

ـ «أنا المهدیُّ و أناصاحِبُ الزّمان و أناالقائِمُ الّذی أملأُ الأرضَ عَدلاً کمَا مُلِئَت جَوراً وَ إنَّ الأرضَ لاتَخلوُ مِن حجّةٍ ... فهذهِ أمانةٌ لاتُحَدِّث بِها إلّا إخوانِکَ مِن أهلِ الحَقّ»؛(۲) «من مهدی هستم، من صاحب الزّمان هستم، من آن قیام کننده ای هستم که روی زمین را پر از عدالت می کنم، چنان که از بی عدالتی پر شده باشد. هرگز روی زمین خالی از حجّت نمی ماند ... این امانت است نزد تو، جز به برادران بر حقّت مگو.»

نماز اول وقت

۹- «مَلعونٌ مَلعونٌ مَن أَخَّرَ الغَداةَ إلی أَن تَنْقَضِی النُّجُومُ»؛(۳) «ملعون و از رحمت خدا به دور است کسی که نماز صبح را آن قدر تأخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند.»

فضیلت تسبیح تربت سیّد الشّهداء

۱۰- «مِن فَضلِه، أَنَّ الرَجُلَ یَنسَی التَّسبیحَ و یُدیرُ السُّبحَةَ فَیُکتَبُ لَهُ التَّسبیحُ»؛(۴) «از فضائل تربت حضرت سیدالشّهداء علیه السلام آن است که چنان چه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گر چه دعایی هم خوانده نشود.»

ص:۲۶۶

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲ / علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹، ح ۱۹.

۲- قندوزی، ینابیع المودّه، ص ۴۶۴.

۳- طوسی، غیبت، ص ۲۷۱، ح ۲۳۶.

۴- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۲ / علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۵، ح ۴.

حسن عاقبت

۱۱- «وَ العاقِبَهُ بِجَمیلِ صُنْعِ اللهِ سُبحانَهُ تکونُ حَمیدَهً لَهُم ما اجْتَنَبوُا الْمَنْهِیَّ عَنهُ مِنَ الذُنوب»؛(۱) «با عنایت نیکوی خداوند فرجام کار، مادامی که شیعیان از گناهان دوری گزینند پسندیده و نیکو خواهد بود.»

عاقبت به خیری

۱۲- «اَعُوذُ باللهِ مِنَ العَمَی بَعدَ الجَلاءِ، وَ مِنَ الضَّلالَهِ بَعدَ الهُدَی، وَمِنْ مُوبِقاتِ الْأَعمالِ وَ مُرْدِیاتِ الفِتَنِ»؛(۲) «از نابینایی پس از بینایی و از گمراهی پس از هدایت و از رفتار هلاکت بار و فتنه های نابود کننده به خدا پناه می برم.»

کیفیت در خواست حاجت

۱۳- «مَن کانَت لَهُ إلی اللهِ حاجَهٌ فَلْیَغْتَسِلْ لَیْلَهَ الجُمُعَهِ بَعدَ نِصفِ الّیلِ وَ یأْتی مُصَلّاهُ»؛(۳) «هر کس حاجت و خواسته ای از پیشگاه خداوند متعال دارد بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و برای مناجات با خداوند در جایگاه نمازش قرار گیرد.»

به سوی او

۱۴- « واجْعَلوُا قَصدَکم إلَینا بالمَوَدَّهِ عَلَی السُّنَّهِ الواضِحَه»؛(۴) «با محبّت و دوستی و بر اساس سنّت آشکار الهی راه و مقصدتان را به سوی ما قرار دهید.»

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص۳۲۵ / مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲.

۳- کفعمی، مصباح، ص ۳۹۶.

۴- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷.

تقوا در کلام امام مهدی علیه السلام

۱۵- «وَ مَن بَخِلَ مِنْهُم بِما اَعارَهُ اللهُ مِنْ نعمَتهِ عَلی مَنْ اَمَرَهُ بِصِلَتِهِ فَإنَّهُ یَکونُ خاسِرَاً بِذلِك لِاُوْلاهُ و آخِرَتِه»؛(۱) «و آن کس از نعمت هایی که خداوند به او کرامت فرموده به کسانی که فرمان رسیدگی به آن ها را داده بخل بورزد در دنیا و آخرت خویش زیان کار خواهد بود.»

نابودی باطل

۱۶- «اَبی اللهُ عَزَّوجَلَّ لِلحَقِّ الاّ اِتماماً و لِلباطِل إلاّ زَهُوقاً»؛(۲) «خداوند ابا دارد از این که حق را ناتمام گذارد و باطل را از بین نبرد.»

مشیّت خداوند و خواست اهل بیت علیهم السلام

۱۷- «قُلُوبُنا أَوعِیَهُ لِمَشِیَّهِ اللهِ، فَإذا شاءَ شِئنا، واللهُ یَقوُلُ: وَ ما تَشاؤونَ إلاّ أنْ یَشاءَاللهُ»؛(۳) «دل های ما ظروفی برای خواست خداوند است؛ اگر خدا چیزی را اراده کند و بخواهد ما نیز اراده کرده، خواهیم خواست. خداوند متعال می فرماید: و شما نمی خواهید مگر این که خداوند بخواهد.»

عمل به سنّت مبنای مودّت

۱۸- «اِجْعَلوا قَصْدَکمْ إلَینا بِالْمَوَدَّهِ عَلَی السُّنَّهِ الواضِحَهِ، فقد نَصَحْتُ لَکمْ و اللهُ شاهِدُ عَلَیَّ وَ عَلَیکمْ»؛(۴) «هدف و مقصد خویش را نسبت به محبت و دو ستی ما اهل بیت عصمت و طهارت بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الهی قراردهید. پس همانا که موعظه ها و سفارش های لازم را نمودم و خداوند متعال نسبت به همه ی ما و شما گواه است.»

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۲- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۳- طوسی، غیبت، ص ۲۴۷، ح ۲۱۶.

۴- طوسی، غیبت، ص ۲۴۷، ح ۲۴۵.

محبت امام زمان علیه السلام

۱۹- «فَلْيَعْمَلْ كلُّ امْرِءٍ مِنْكم بِما يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنا وَ يَتَجَنَّبُ ما يُدْنيهِ مِنْ كراهَتِنا و سَخَطِنا»؛(۱) «پس هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبّت و دوستی ما نزدیک سازد و از آن چه خوشایند ما نیست و باعث کراهت و خشم ماست دوری گزیند.»

نهی از تکلّف

۲۰- «لا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ ما قَدْ كفيتُمْ»؛(۲) «خود را برای دانستن آن چه از شما نخواسته اند به مشقّت نیندازید.»

آزار دهندگان امام زمان علیه السلام

۲۱- «قَدْ آذانا جُهَلاءُالشّيعَهِ و حُمَقاؤُهُمْ، وَمَنْ دينُهُ جِناحُ الْبَعوضَهِ أرْجَحُ مِنْهُ»؛(۳) «نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که پر و بال پشه از دین داریِ آنان برتر و محکم تر است ما را آزار می دهند.»

حکم منکرین امام زمان علیه السلام

۲۲- «لَيسَ بَينَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ و بَينَ أحدٍ قِرابَهُ و مَنْ أنكرَنى فَلَيسَ مِنِّى و سَبيلُهُ سبيلُ ابْنِ نوحٍ»؛(۴) «بین خداوند عزّوجلّ و هیچ کس قرابت و خویشاوندی نیست و هر که مرا انکار کند از من نیست و راه او راه فرزند نوح است.»

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۹، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۵۸، ح ۱۰.

۳- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

۴- الغیبت/ طوسی ص ۲۹۰ ح۲۴۷.

نهی از شک

۲۳- «لاتَشُکنَّ، فَوَدَّ الشَّیطانُ أنَّک شَککتَ»؛(۱) «هرگز شک به خود راه مده زیرا شیطان دوست دارد که تو شک کنی.»

نهی از تشکیک

۲۴- «لا عُذْرَ لِأَحَدٍ مِن موَالینا فی التَّشکیک فیما یُؤَدّیهِ عَنّا ثِقاتُنا»؛(۲) «در تشکیک نسبت به روایاتی که موثّقان از ما برای شما نقل می کنند احدی از شیعیان ما عذری ندارند.»

حرمت اموال مردم

۲۵- «فلا یَحِلُّ لِأَحدٍ أنْ یَتَصَرَّفَ مِنْ مالِ غَیرِهِ بِغَیرِ إذْنِهِ»؛(۳) «برای هیچ کس جایز نیست که بدون اذن صاحب مال در مالش تصّرف کند.»

دفع بلا از شیعه

۲۶- «أَنَا خاتَمُ الأوصیاءِ و بی یَدفَعُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ البَلاءَ عَنْ أَهلی و شیعَتی»؛(۴) «من خاتم اوصیایم، خداوند به سبب من بلا را از اهل و شیعیانم دفع می کند.»

دعا برای تعجیل فرج

۲۷- «أَکثِرُوا الدُّعاءَ بِتَعجیلِ الفَرَجِ، فإنّ ذلک فَرَجُکم»؛(۵) «برای شتاب در گشایش حقیقی و کامل بسیار دعا کنید، زیرا همانا فرج شما در آن است.»

ص:۲۷۰

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۱۸، ح ۴.

۲- کشی، رجال، ج ۲، ص ۸۱۶ / حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸، ح ۶۱.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۵۲۱، ح ۴۹.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۲.

۵- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۴.

خمس، پرداخت مال

۲۸- «أمّـا اموالُكم فلا نَقْبَلُها إلّا لِتَطَهَّرُوا، فَمَن شاءَ فَلْيَصِلْ و مَن شاءَ فَلْيَقْطَعْ فَما اَتانى اللّهُ خَيرٌ مِمّا آتاكم»؛(۱) «اما اموال شما پس آن هـا را نمى پـذيريم مگر به خاطر اين كه پاك شويـد. پس هر كه مى خواهـد بپردازد و هر كه نمى خواهـد نپردازد، آن چه خدا به ما عطا كرده از آن چه به شما عطا نموده بهتر است.»

استغفار در حق يكديگر

۲۹- «لَو لا إستِغفارُ بَعضِكم لِبَعضٍ لَهَلَكَ مَن عَليها»؛(۲) «اگر طلب مغفرت و آمرزش برخى از شـما براى يكـديگر نبود تمـام اهل زمين هلاك مى گشتند.»

استغفار سبب غفران

۳۰- «اذا اْستَغفَرتَ اللّهَ فاللّهُ يَغفِرُ لَكَ»؛(۳) «اگر از خداوند طلب مغفرت كنى خداوند نيز تو را خواهد آمرزيد.»

برآوردن حاجات مردم

۳۱- «مَن كـانَ فى حاجَه اللّه عزَّوَجَلَّ كان اللّهُ فى حاجَتِه»؛(۴) «هر كس كه به دنبال حاجت خداونـد عزّوجلّ باشد خداوند نيز دنبال كننده و برآورنده ى حاجت او خواهد بود.»

۱- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۴ / طوسى، غيبت، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷.

۲- ابن جرير طبرى دلائل الامامه، ص ۲۹۷.

۳- كلينى، كافى، ج ۱، ص۵۲۱، ح ۱۳/ شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۹۰.

۴- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۹۳، ح ۱۸.

دوری از شیطان به وسیله ی نماز

۳۲- «مَا أَرغَمَ أنفَ الشَّيطانِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلاةِ فَصَلِّها وَ أَرغِم أنْفَ الشَّيطانِ»؛(۱) «هیچ چیز مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی ساید. پس نماز بگذار و بینی ابلیس را به خاک بمال.»

اهل بیت محور حق

۳۳- «اَلحقُّ مَعَنا فَلَنْ يُوحِشَنا مَن قَعَدَ عَنّا و نَحنُ صَنائِعُ رَبِّنا و الْخَلقُ بَعدُ صَنائِعُنا»؛(۲) «حق با اهل بیت است و کناره گیری عده ای از ما هرگز سبب وحشتمان نمی شود چرا که ما دست پرورده های پروردگاریم و دیگر مخلوقین خداوند دست پرورده های ما هستند.»

فلسفه ی امامت

۳۴- «أَو مارَأيْتُم كيفَ جَعَلَ اللّهُ لَكمْ مَعاقِلَ تَأْوُونَ إِليها و أَعْلاماً تَهتَدونَ بِها مِن لَدُنْ آدَمَ عليه السلام »؛(۳) «آیا ندیدید که چگونه خداوند برای شما مَلجأهایی قرار داد که به آنان پناه برید و عَلَم هایی قرار داد تا با آنان هدایت شوید از زمان حضرت آدم علیه السلام تا کنون.»

سجده ی شکر

۳۵- «سَجدَةُ الشُّكرِ مِن أَلزَمِ السُّنَنِ و أَوجَبِها... فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعاءِ و التَّسبيحِ بَعدَ الفَرائضِ عَلى الدُّعاءِ بِعَقيبِ النَّوافِلِ، كفَضلِ الفَرائِضِ على النَّوافِلِ و السَّجدةُ دُعاءٌ و تَسبيحٌ»؛(۴) «سجده شکر، از لازم ترین و واجب ترین مستحبات الهی است... همانا فضیلت دعا و

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، ح ۹.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰.

تسبیح پس از واجبات بر دعای بعد از نوافل، همانند برتری واجبات بر نوافل است، سجده، دعا و تسبیح است.»

بهره مندی انسان از امام غایب

۳۶- «أمّا وَجهُ الْانتِفاعِ بی فی غَیبَتی فَکالْإنتِفاعِ بِالشَّمسِ إذا غَیَّبَتْها عَنِ الأبصارِ السَّحابُ»؛(۱) «اما چگونگی استفاده از من در غیبتم، همانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان نگاه دارد.»

غیبت از مقدرات الهی است

۳۷- «أَقدارُاللهِ عَزَّوَجَلَّ لاتُغالَبُ وَ إرادَتُهُ لا تُرَدُّ وَ تَوفیقُهُ لا یُسْبَقُ»؛(۲) «تقدیرهای خداوند عزّوجلّ مغلوب نمی شود و اراده اش برگشت ندارد و بر توفیق او هیچ چیز پیشی نمی گیرد.»

امید به اجابت دعا

۳۸- «رَبِّ مَن ذا الَّذی دَعاک فَلَم تُجِبهُ وَ مَن ذَا الَّذی سَأَلَک فَلَم تُعطِهِ وَ مَن ذَا الَّذی ناجاک فَخَیَّبتَهُ أَو تَقَرَّبَ إلیک فَأَبْعَدْتَهُ»؛(۳) «پروردگارا! چه کسی تو را خواند و تو دعایش را اجابت نکردی، وچه کسی از تو در خواست نمود و به او عطا نفرمودی و چه کسی با تو مناجات کرد و او را نا امید ساختی، یا خود را به تو نزدیک نمود و او را دور ساختی؟!»

ص:۲۷۳

۱- شیخ صدوق،کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۷، ح ۳۴.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴، ح ۲۱.

هدف بعثت

۳۹- «إنَّ اللهَ تَعالی لَم یَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثَاَ، ولا أهْمَلَهُمْ سُدیً، بَلْ خَلَقَهُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ جَعَلَ لَهُمْ أسْماعاً وأبْصاراً وَقُلُوباً و أَلْباباً، ثُمَّ بَعَثَ إلَیْهِمُ النَّبِیّینَ علیهم السلام مبَشِّرینَ ومُنْذِرینَ، یَأْمُرُونَهم بِطاعَتِهِ وَ یَنهونَهُم عن مَعصِیَتِهِ، و یُعَرِّفُونَهُم ما جَهَلوهُ مِن أَمرِ خالِقِهِمْ و دینِهِمْ، وَ أَنْزَلَ علَیْهِمْ کتاباً»؛(۱) «به راستی، خداوند متعال مردم را بیهوده نیافرید، و بیکاره رها نساخت، بلکه آنان را به قدرت خود آفرید و به آنان گوش و دیده و دل و عقل داد، سپس پیامبران علیهم السلام را به سوی آنان بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاد تا مردم را به اطاعت خدا امر کنند و از معصیت او باز دارند و آن چه را از امر خالق و دین خود جاهل اند، بدان ها بیاموزند، و برای آنان کتابی نازل کرد ....»

دعا برای فرج

۴۰- حِمیری می گوید: به خدمت جناب سعید بن عثمان، رسیدم و از ایشان پرسیدم: آیا اما را دیده ای؟ گفت: بله و آخرین بار در کنار خانه ی خدا دیدم که می فرمودند:

«اللهمَّ أنجِز لی ما وَعَدتَنی»؛ «خداوندا، آن چه به من وعده فرمودی امضا بفرما».(۲)

۱- طوسی، غیبت، ص ۲۸۸، ح ۲۴۶.

۲- محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ص ۱۰۵.

کتابنامه

۱- قرآن کریم.

۲- مفاتیح الجنان.

۳- نهج البلاغه .

۴- استراتژی انتظار، ۳ جلد، اسماعیل شفیعی سروستانی. انتشارات موعود عصر(عج)، تهران، ۱۳۸۳.

۵- اثبات الهداه، محمّد بن الحسن الحر العاملی.

۶- اصول کافی، محمّد بن یعقوب کلینی رازی، ۱۴۰۱ ه ق.

۷- الإحتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، اسوه، تهران، ۱۴۱۶ ه ق.

۸- الأیقاظ مِنَ الهَجعَه، شیخ حرّ عاملی.

۹- الخصال، شیخ صدوق، جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، ۱۳۶۲.

۱۰- الزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب، علی یزدی حائری، چاپ بیروت، ۲ جلد، ۱۹۸۴ م.

۱۱- امام مهدی علیه السلام در حدیث ثقلین، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام .

۱۲- امید منتظران مهدی علیه السلام ، مهدی مهدوی، انتشارات دانش هوشیار، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۱.

۱۳- بحارالأنوار، محمّد باقر مجلسی، دارالکتب الإسلامیه.

۱۴- برکات حضرت ولی عصر علیه السلام ، العبقری الحسان، تألیف شیخ علی اکبر نهاوندی، باز نویسی سید جواد معلم.

۱۵- تاریخ غیبت کبری، سید محمّد صدر.

۱۶- ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ۳ جلد، انتشارات مرتضوی، زمستان ۱۳۸۳.

ص:۲۷۵

۱۷- تشیع و انتظار، محمّد تقی خلجی، چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۱۸- تفسیر برهان، سید هاشم بحرانی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹ ه ق.

۱۹- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی.

۲۰- تفسیر المیزان، علامه سید محمّد حسین طباطبایی، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۱.

۲۱- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۸۲.

۲۲- توجهات حضرت ولی عصر (عج) به علما و مراجع تقلید، عبدالرحمن باقرزاده بابلی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۳- چشم به راه مهدی علیه السلام ، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۲۴- چشم اندازی به حکومت امام مهدی علیه السلام ، نجم الدین طبسی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.

۲۵- حق الیقین، دو جلد، سید عبد الله شبّر.

۲۶- خورشید مغرب، محمّد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۸۰.

۲۷- درسنامه ی تاریخ عصر غیبت، پور سید آقایی- جباری- عاشوری- حکیم، انتشارات حضور، قم، ۱۳۸۳.

۲۸- در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشمی العمیدی، ترجمه ی مهدی علیزاده، چاپ ۱۳۷۹.

۲۹- رجعت، محمّدرضا ضمیری، انتشارات موعود، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.

۳۰- رجعت از دیدگاه عقل، قرآن، حدیث، حسین طارمی زیر نظر جعفر سبحانی، حوزه ی علمیه ی قم، جامعه ی مدرسین، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.

۳۱- رجعت یا دولت کریمه ی خاندان وحی، محمّد خادمی شیرازی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ ه ق.

۳۲- سفیانی از ظهور تا افول، نصرت الله آیتی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴.

۳۳- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، اسوه، تهران، ۱۴۲۲ ه ق.

۳۴- سلوک منتظران، سید محمّد بنی هاشمی، چاپ دوم، ۱۳۸۳، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.

۳۵- سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری، انتظارات زائر، بهار ۱۳۸۴.

۳۶- سیمای مهدویّت در قرآن، محمّد جواد مولوی نیا، انتشارات امام عصر علیه السلام ، چاپ اول، مهر ۱۳۸۱.

۳۷- شمیم، جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویّت، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴.

۳۸- شناخت زندگی بخش، ابراهیم شفیعی سروستانی، ۱۳۸۰.

۳۹- صحیفه ی نور، امام روح الله الموسوی الخمینی.

۴۰- ضرورت طرح مباحث مهدویّت، روح الله شاکری زواردهی، پاییز ۱۳۸۴.

۴۱- ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، سید اسد الله هاشمی شهیدی.

۴۲- عصر زندگی و چگونگی آینده ی انسان و اسلام، محمّد حکیمی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱.

ص:۲۷۶

۴۳- عصر ظهور، علی الکورانی، مترجم مهدی حقی، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۴۴- غیبت امام عصر علیه السلام یا پنهانی خورشید عدالت، محمّد خادمی شیرازی، انتشارات رسالت،چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷.

۴۵- غیبت نعمانی، محمّد بن ابراهیم جعفر نعمانی، مترجم: محمّد جواد غفاری، صدوق، ۱۳۷۶.

۴۶- غیبت طوسی، شیخ ابی جعفر محمّد بن الحسن الطوسی، معارف الإسلامیه، قم، ۱۴۱۷ ه_ ق.

۴۷- فرهنگ نامه ی مهدویّت، خدا مراد سلیمیان، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام ، مرکز تخصصی مهدویّت، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳.

۴۸- فصل نامه ی انتظار، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام ، مرکز تخصصی مهدویّت قم.

۴۹- قاموس قرآن کریم، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۸۱.

۵۰- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، مترجم: پهلوان، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۰.

۵۱- معانی الأخبار، شیخ صدوق.

۵۲- معجم الأحادیث الإمام المهدی، علی کورانی و جمعی از محققان، ۱۴۱۱ ه ق.

۵۳- معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران، ابراهیم شفیعی سروستانی، تهران، موعود عصر (عج)، ۱۳۸۴

۵۴- مکیال المکارم، آیت الله سید محمّد تقی موسوی اصفهانی، دو جلد، ایران نگین، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۱.

۵۵- منتخب الأثر، لطف الله صافی گلپایگانی، السیده المعصومه، قم، ۱۴۱۹ ه_ ق.

۵۶- مهدی تجسم امید و نجات، عزیز الله حیدری شاهرودی، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۲.

۵۷- میزان الحکمه، محمّد محمّدی ری شهری، مترجم: حمید رضا شیخی، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۷.

۵۸- نجم الثاقب، میرزا حسین طبرسی نوری، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۰.

۵۹- نگین آفرینش، حائری پور _ یوسفیان _ بالادستیان.

۶۰- یاد مهدی علیه السلام ، محمّد خادمی شیرازی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۴.

لیست برخی محصولات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

ردیف

نام کتاب

مخاطب

قیمت (ریال)

ردیف

نام کتاب

مخاطب

قیمت (ریال)

۱

تا ظهور (۲ جلد)

عمومی

۶۵۰۰۰

۲۵

درسنامه مهدویت (۱)

تخصصی (طلاب _ دانش جویان _ فرهیختگان)

۲۸۰۰۰

۲

آینده جهان (کتاب سال حوزه)

دانشجویان _ طلاب

۳۸۰۰۰

۲۶

درسنامه مهدویت (۲)

تخصصی

۳۵۰۰۰

۳

فرهنگ نامه مهدویت

دانشجویان _ طلاب

۶۸۰۰۰

۲۷

کارت بازی انتظار

بچه ها

۱۰۰۰۰

۴

دکترین مهدویت

دانشجویان _ طلاب

۲۰۰۰۰

۲۸

جهانی شدن و فرهنگ مهدوی

دانشجویان و طلاب

۲۶۰۰۰

۵

مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی

دانشجویان

۲۵۰۰۰

۲۹

پله پله مهربانی

نوجوانان

۶۰۰۰

۶

انتظار پویا

همه قشر

۹۰۰۰

۳۰

وقتی او می آید

عمومی

۶۰۰۰

۷

جوانان یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

جوانان

۶۰۰۰

۳۱

آفتاب مهر (یکصد پرسش و پاسخ مهدوی)

جوانان

۳۰۰۰۰

۸

نینوا و انتظار

عمومی

۲۸۰۰۰

۳۲

لوح فشرده فصلنامه انتظار (۲۸-۱)

فرهیختگان

۱۰۰۰۰

۹

ضرورت طرح مباحث مهدویت

عمومی

۳۵۰۰

۳۳

اعمال نیمه شعبان

عمومی

۱۲۰۰۰

۱۰

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام آیت الله بهجت

عمومی

۹۰۰۰

۳۴

جزیره خضراء

عمومی

۸۰۰۰

۱۱

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

عمومی

۱۰۰۰۰

۳۵

از حسین علیه السلام تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

عمومی

۷۰۰۰

۱۲

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث شیعه و سنی

عمومی

۱۴۰۰۰

۳۶

مجله امان	ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (۱۹-۱)

عمومی

۵۰۰۰

۱۳

زمزمه های انتظار

مجریان _ عمومی

۹۰۰۰

۳۷

جستارهایی در مهدویّت

دانشجویان _ طلاب

۱۵۰۰۰

۱۴

مهدی ستیزان

عمومی

۴۵۰۰

۳۸

نگین آفرینش (درسنامه مقدماتی)

پیش دانشگاهی _ دانشجویان

۲۸۰۰۰

۱۵

اندیشه مهدویت و آسیب ها

عمومی

۷۵۰۰

۳۹

قرآن، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، جوانان

جوانان ـ دانش آموزان

۱۴۰۰۰

۱۶

فصلنامه علمی- تخصصی انتظار (۲۸-۱)

فرهیختگان

۱۸۰۰۰

۴۰

بروشور هفتگانه «آشنایی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف »

عمومی

۱۴۰۰

۱۷

پژوهشی عقلی پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

عمومی

۴۵۰۰

۴۱

فرات تا فرات (۲جلد)

دانشجویان _ طلاب _ فرهنگیان

۴۰۰۰۰

۱۸

طلوع خورشید

دانش آموزان _ عمومی

۶۰۰۰

۴۲

جهانی شدن و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

عمومی

۸۰۰۰

۱۹

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حدیث ثقلین

عمومی

۶۰۰۰

۴۳

دلائل عقلی و نقلی امامت و مهدویّت

تخصصی

۲۸۰۰۰

۲۰

زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

عمومی

۲۵۰۰

۴۴

فروغ حق

عمومی

۲۵۰۰۰

۲۱

شمیم (برگزیده ای از مباحث درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دانش آموزان

۵۰۰۰

۴۵

در محضر علامه شعرانی

عمومی

۳۰۰۰۰

۲۲

دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

عمومی

۴۰۰۰

۴۶

شرح فراق

عمومی

۲۵۰۰۰

۲۳

CD نقد فیلم نوستر آداموس

عمومی

۱۵۰۰۰

۴۷

منجی در ادیان

تخصصی

۳۲۰۰۰

۲۴

نگاهی دوباره به انتظار

عمومی

۶۵۰۰

۴۸

سی دی آفتاب عشق

عمومی

۱۰۰۰۰

وجه کتاب درخواستی را به حساب سیبا (۰۱۰۱۷۸۴۷۶۵۰۰۳) بانک ملی شبعه حجتیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهـدی موعود عجـل الله تعالی فرجه الشـریف واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با نام و تعـداد کتاب های درخواستی به نشانی مرکز (واقع در شناسنامه کتاب) از طریق پست یا فکس ارسال نمائید.

ص:۲۷۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹